

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر اجرایی: مهین زرننگ

مدیر مسؤول: علی فرخنده

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|------------------------------|--|
| ۱. دکتر حبیب‌اله احمدی | استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز |
| ۲. دکتر محمد بهنام‌فر | استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند |
| ۳. دکتر هادی پورشافعی | دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند |
| ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه | دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان |
| ۵. دکتر محمدتقی راشد محصل | استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی |
| ۶. دکتر مفید شاطری | دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی | دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند |
| ۸. دکتر ویلم فلور | استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند) |
| ۹. دکتر احمد کامیابی مسک | استاد تناتر و ادبیات دانشگاه تهران |
| ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی | دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران |
| ۱۱. دکتر جواد میکانیکی | دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |

ویراستار فنی: سیدنورالله نصراللهی

ویرایش انگلیسی: رادان انگلیش ادیت

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری افق هزاره سوم کویر

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان شمارگان: ۱۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد اسکندری ثانی
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر	- دکتر نبی اله ایدر
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد علی بیدختی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد حجتی پور
استادیار دانشگاه بزرگمهر قائنات	- دکتر سعید حسین آبادی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر مفید شاطری
استادیار دانشگاه پیام نور بیرجند	- دکتر محمد علی طالبی
استادیار دانشگاه هنر اصفهان	- دکتر حمیدرضا قربانی
دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان	- دکتر سیروس قنبری
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر حمید مسعودی
استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان	- دکتر ثنا نوری مقدم
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر مهدی وفائی فرد



پیشینه: فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ پایگاه سیولیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ نوشته شود صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب وزیری باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه) حداکثر ۲۵ صفحه باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۱-۷ کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۲-۷ مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول،

ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html> [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۰. نویسندگان محترم جهت تدوین مقاله به سامانه فصلنامه، بخش راهنمای نویسندگان مراجعه شود.

فهرست مطالب

- تحلیل زیرساختارهای بازار هنر و درآمد هنرمندان خوش‌نویس در مشهد
سمیرا اجتهادی، محمدعلی ابوترابی، مهدی حاج‌امینی ۷
- انسان‌شناسی فرهنگی نظام زندگی شبانی در سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان شمالی
فاطمه زمانی، مژگان میرحسینی ۳۷
- سنجش وضعیت گردشگری میراث فرهنگی با استفاده از فرایند تحلیل
سلسله‌مراتبی (مورد مطالعه: آثار و ابنیه تاریخی شهرستان کلات)
ملیحه صلاحی، براتعلی خاکپور ۷۳
- مطالعه تأثیرات حس تعلق مکانی بر پایداری جمعیتی روستاهای مرزی شهرستان
سربیشه
جواد میکائیکی، رضا دری ۱۰۹
- اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان
(مورد مطالعه: زندان بیرجند)
حسین‌رضا نخعی، محمدحسن غنی‌فر، فاطمه شهابی‌زاده ۱۴۳
- طراحی و اعتباریابی الگوی بومی گردشگری مذهبی در شهر مشهد با رویکرد آمیخته
محمدعلی نخعی‌مقدم، آذر کفاشپور، عبدالله نعیمی ۱۷۷

Art Market's Infrastructures and Calligraphy Artists' Income in Mashhad

Samira Ejtehad¹

Mohammad Ali Aboutorabi²

Mehdi Hajamini³

Received: 5/1/2023

Accepted: 25/4/2023

Introduction:

Artists, especially visual artists (such as calligraphers) tend to be self-employed and are rarely employed by an employer. The self-employed are sometimes by choice and sometimes by circumstances (no other choice); because official and stable job opportunities are not offered to artists. However, since artists sometimes work numerous jobs due to their self-employment, the topic of artists' livelihood is crucial to consider while studying the art market. In contrast to the market for art products and services, the majority of research in cultural economics have examined the artist labor market and its distinctive features. On the contrary, the present paper assesses the effect of selected infrastructures of the calligraphy art market on the artistic income among resident calligraphers in Mashhad (in which all of them are self-employed). Infrastructures (for example, roads, education, etc.) are prerequisites to superstructures (such as manufacturing, agricultural, and mining activities). Infrastructure is defined as a set of physical and institutional facilities that affect the quantitative and qualitative goods and services produced by economic agents. The infrastructures are very wide in terms of number and variety. In general, the infrastructures of art market can be categorized into six pillars: 1) institutional environment, including copyright, instability of laws and regulations of the culture sector and mixing with religion; 2) business environment including distribution system, multiple job-holding, access to external credits, membership in associations, working population, business establishment cost, years of earning degree and education cost; 3) the supply side including the cost of goods sold, profit margin, dependence on external credits, psychic income and pricing mechanism; 4) the demand side including the decrease in using calligraphy, consumer taste, purchasing power, the development of calligraphy software, the desire to buy copies and the share of government orders; 5) market structure including market type, market size and degree of monopoly; 6) access to the market including transaction costs, proximity to decision-making centers, specialized galleries, art fairs and expos.

1. PhD Student of Department of Economics and Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University. EjtehadSamira@gmail.com

2. Assistant Researcher, Department of Economics, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author). Aboutorabi.econ@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Economics, Yazd University. Hajamini.Mehdi@yazd.ac.ir

Methodology:

A sample of 33 calligraphers living in Mashhad was selected, and then required data were collected using in-depth interview and a five-point Likert scale questionnaire. One- and two-way Analysis of Variance (ANOVA) methods are used. This method helps determine which of the substructures can explain the difference in income level among calligraphers. It is hard to study every aspect of the economic infrastructures due to their enormous range and diversity. As a result, an index is chosen for each of the six infrastructure areas (institutional environment, business environment, supply side, demand side, market structure, and market access) that were previously described. Therefore, the role of these infrastructures is examined on the difference in the income levels of the calligraphers in Mashhad.

Empirical Findings:

The findings implicate that four one-way analyses of variance (multiple job-holding, psychic income, decreasing the use of calligraphy, the share of exhibitions and expos), and four two-way variance analyses (the interaction effect of multi-job, and psychic income, the interaction effect of multiple job-holding and market level, the interaction effect of multiple job-holding and the share of exhibitions and expos, the interaction effect of market structure and instability of laws and regulations) significantly explain the difference among income levels of calligraphers.

Conclusion:

From these findings, three factors of higher psychic income, activity at the lower level of the market (primary market), and the lower share of exhibitions and expos in the income of calligraphers increase the need (as a result, their desire) to engage in other professions related or unrelated to art. This justifies the reason for accepting the income penalty for remaining in artistic activity. On the other hand, instability in the regulatory system of the culture sector (and more generally, the creative sector) reduces the motivation of artists to enter and develop artistic activity and the possibility of planning around education, skill acquisition, and creation. There are two basic causes for this problem. As a consequence of the proliferation of laws and regulations, there is a growing sense of uncertainty in Iran's cultural sector due to the multiplicity and separation of its primary policy-making organizations. Second, political regimes, through changes in policies and normative frameworks supported by the government, cause a continuous change in the art market. In sum, after recommending the necessary policies to increase the income of artists, as a sufficient condition for the effectiveness of these policies, this research suggests creating an integrated "mega-regulator" in the form of a single ministry for the whole creative sector in Iran.

Keywords: Infrastructures, Goods and services market, Cultural economics, Income, Multiple job-holding, Analysis of Variance.

References

- Abbing, H. (2013). *Daraamdai bar eghtesaad-e estesnaai-e honar. Cheraa honarmandaan faghiran* [Why are artists poor? The exceptional economy of the arts]. Translated by H. Sheshjavani and L. Mirsafian. Tahghighat Nazari Publication: Isfahan [In Persian].
- Alper, N. O., et al. (1996). *Artists in the work force: Employment and earnings, 1970-1990*. Research Report No. 37. Washington DC: National Endowment for the Arts.
- Bourdieu, P. (1973). "Cultural reproduction and social reproduction". In: Knowledge, education and cultural change. R. Brown (Ed.). London: Tavistock: 71-122.
- Buchanan, J. M.; Tullock, G. (1962). *The calculus of consent, logical foundations of a constitutional democracy*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Di Maggio, P.; Hirsch, P. M. (1976). "Production organizations in the arts". *The American Behavioral Scientist*, Vol. 19, No. 6: 735-752.
- Ejtehad, S.; Aboutorabi, M. A.; Sheshjavani, H. (2022). "Zir sakhtaarhay-e baazaar-e honar, chandshoghl-e budan va daraamd honari: Mored-e motale-e baazaar-e khoshnevisi-e shahr-e Mashhad" [Art market's infrastructures, multiple job-holding, and artistic income: The case of calligraphy market in Mashhad]. *Journal of Iranian Economic Issues*, Vol. 8, No. 2: 1-36. [In Persian]
- Etzioni, A. (1995). *The spirit of community: Rights, responsibilities, and the communitarian agenda*. New York: Crown Publishers.
- Fender, J. (2005). "Self employment, education and credit constraints: A model of interdependent credit rationing decisions". *Journal of Macroeconomics*, Vol. 27, No. 1: 31-51.
- Flug, K.; Spilimbergo, A.; Wachtenheim, E. (1998). "Investment in education: Do economic volatility and credit constraints matter?". *Journal of Development Economics*, Vol. 55, No. 2: 465-481.
- Gérard-Varet, L. A. (1995). "On pricing the priceless: Comments on the economics of the visual art market". *European Economic Review*, Vol. 39, No. 3-4: 509-518.
- Ghelichkhani, H. (2013). *Daraamadi bar khoshnevisi dar Iran* [An introduction to calligraphy in Iran]. Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
- Grimsey, D.; Lewis, M. (2004). *Public private partnerships: The worldwide revolution in infrastructure provision and project finance*. Cheltenham UK: Edward Elgar Publishing.
- Hirschman, A. O. (1958). *The strategy of economic development*. New Haven: Yale University Press.
- Hughes, T. P. (1984). *Networks of power: Electrification in western society, 1880-1930*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Jochimsen, R. (1966). *Theorie der Infrastruktur, Grundlagen der Marktwirtschaftlichen Entwicklung* [Infrastructure theory, fundamentals of market economic development]. Tubingen: JCBMohr (PaulSiebeck).

- Maisel, R. (1973). "The decline of mass media". *Public Opinion Quarterly*, Vol. 37, No. 2: 159-170.
- Markusen, A. R.; Schrock, G.; Cameron, M. (2004). *The artistic dividend revisited*. Project on Regional and Industrial Economics, Humphrey Institute of Public Affairs. Minneapolis USA: University of Minnesota.
- Pakbaz, R. (2014). *Dayeratolmaaref-e honar* [Encyclopedia of art]. Farhang Moaser Publisher: Tehran. [In Persian]
- Peterson, R. A.; Di Maggio, P. (1975). "From region to class, the changing locus of country music: a test of the massification hypothesis". *Social Forces*, Vol. 53, No. 3: 497-506.
- Qalichkhani, H. z. (2012). *An introduction to Iranian calligraphy*. Tehran: Contemporary Culture.
- Sheshjavani, H. (2022). "Siaasatgozaarie bakhsh-e farhang; barasi-e asar siyasat-e tanzimi-e kopirait bar daraamad nevisandegaan adabi dar Iran" [Economic policymaking in the cultural sector: The effects of copyright regulatory policies on the income of Iranian literary writers]. *New Economy and Trade*, Vol. 16, No. 3: 87-103. [In Persian]
- Sheshjavani, H.; Kavousi, I.; Ghaiyoomi, A. (2020). "Baraavord jarimeh-e daraamadi va taabe-e daramad-e az dast rafte nevisandegan-e adabi-e iran" [Estimating the earnings penalty and foregone income function for Iranian literary authors]. *Journal of Iranian Economic Issues*, Vol. 7, No. 1: 119-132. [In Persian]
- Stern, N.; Lankes, H. P. (1998). "Making the most of markets: The role of IFIs". *EIB Papers*, Vol. 3, No. 2: 102-115.
- Thompson, D. (2011). "Art fairs: The market as medium". In: *Negotiating values in the creative industries: fairs, festivals and competitive events*. B. Moeran & J. S. Pedersen (Eds.). Cambridge: Cambridge University Press: 59-72.
- Tinbergen, J. (1962). *Shaping the world economy, suggestions for an international economic policy*. New York: The Twentieth Century Fund.
- Todaro, M. P.; Smith, S. C. (2020). *Economic development*. London: Pearson.
- Towse, R. (2014). *Advanced introduction to cultural economics*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- ——— (2019). *A textbook of cultural economics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Velthuis, O.; Coslor, E. (2012). "The financialization of art". In: *The Oxford handbook of the sociology of finance*. K. Knorr Cetina & A. Preda (Eds.). Oxford: Oxford University Press: 471-487.

مقاله علمی - پژوهشی

تحلیل زیرساختارهای بازار هنر و درآمد هنرمندان خوش‌نویس در مشهد

سمیرا اجتهادی^۱

محمدعلی ابوترابی^۲

مهدی حاج‌امینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_170328.html

چکیده

این مقاله به بررسی اثر زیرساختارهای منتخب بازار هنر خوش‌نویسی بر درآمد هنری خوش‌نویسان مقیم شهر مشهد می‌پردازد. از آنجاکه زیرساختارها در علم اقتصاد بسیار گسترده و متنوع و بررسی تمامی آن‌ها در قلب یک پژوهش ناممکن است، یکی از مهم‌ترین زیرساختارهای موجد هر یک از شش ستون محیط نهادی، محیط کسب‌وکار، جانب عرضه، جانب تقاضا، ساختار بازار و دسترسی به بازار انتخاب شده است. برای انجام این پژوهش از روش تحلیل واریانس (ANOVA) یک‌عاملی و دوعاملی استفاده شده و یافته‌ها دلالت بر آن دارند که چهار زیرساختار چندشغله بودن، درآمد روانی، کم‌شدن کاربرد خوش‌نویسی و سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها و همچنین چهار اثر متقابل چندشغله بودن - درآمد روانی، چندشغله بودن - سطح بازار، چندشغله بودن - سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها، ساختار بازار - بی‌ثباتی قوانین و مقررات به‌طور معنی‌داری تفاوت میان سطوح درآمد خوش‌نویسان را توضیح می‌دهند. علاوه بر پیشنهاد سیاست‌های لازم برای افزایش درآمد هنرمندان، به‌عنوان شرط کافی اثربخشی این سیاست‌ها پیشنهاد می‌شود «یک ناظر مقرراتی یکپارچه» به شکل وزارتخانه‌ای واحد برای بخش خلاق در ایران ایجاد شود. **واژه‌های کلیدی:** زیرساختارها، بازار کالاها و خدمات، اقتصاد فرهنگ، درآمد، چندشغله بودن.

۱. دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

EjtehadiSamira@gmail.com

۲. استادیار اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسؤول

Aboutorabi.econ@gmail.com

۳. دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد

Hajamini.Mehdi@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

هنرمندان، بویژه هنرمندان تجسمی، مانند خوش‌نویسان، تمایل زیادی به خوداشتغالی نشان می‌دهند و بندرت دستمزدبگیر و تحت استخدام کارفرما هستند؛ گاهی از روی انتخاب و گاهی بر حسب اجبار. از آن‌جاکه معمولاً فرصت‌های شغلی رسمی و باثبات به هنرمندان پیشنهاد نمی‌شود، خوداشتغالی هنرمندان به چندشغله بودن آن‌ها می‌انجامد (Markusen, Schrock & Cameron, 2004: 15). آلپر و دیگران (Alper, et al., 1996) در پژوهش جامعی که در مورد هنرمندان آمریکا به سفارش «پشتوانه ملی هنرهای آمریکا»^۱ انجام دادند، با استفاده از آمارهای سرشماری هنرمندان آمریکا نشان دادند که هنرمندان در مقایسه با فعالان سایر حرفه‌ها؛ ۱. تمایل بیشتری به خوداشتغالی و تمایل کمتری به کار برای کارفرمایان خصوصی دارند؛ ۲. اشتغال تمام‌وقت آن‌ها در طول سال، به‌طور قابل توجهی کمتر است؛ ۳. در میان گروه‌های شغلی، متوسط عوایدی پایین‌تری دارند و رشد درآمد آن‌ها هم نسبت به متوسط و هم نسبت به تورم کمتر بوده است و ۴. درصد بالایی از آن‌ها عایدی صفر یا منفی داشته‌اند؛ درحالی‌که درصد بیشتری از آن‌ها نسبت به سایر مشاغل، عایدی‌های بالاتر از متوسط نیروی کار به دست آورده‌اند که به معنای نابرابری درآمدی شدیدتر «در داخل»^۲ گروه هنرمندان است.

مسائل اقتصادی هنرها و هنرمندان تا حدود زیادی جهان‌شمول است؛ از یک‌سو در سطح کلان، چنان‌که تودارو و اسمیت (Todaro & Smith, 2020: 228-230) توضیح می‌دهند شکاف فقر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بسیار بزرگ‌تر از شکاف فقر در کشورهای توسعه‌یافته است. از سوی دیگر در سطح خرد، به‌دلیل توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های بازار کالاها و خدمات در ایران، درآمد هنرمندان نامناسب‌تر از همتایانشان در سایر مشاغل است؛^۳ بنابراین فقر در میان هنرمندان ایران به‌طور مضاعفی نسبت به هنرمندان کشورهای توسعه‌یافته‌تر، شدیدتر است. به

1. National Endowment for the Arts
2. Within

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ششجوانی، کاووسی و قیومی، ۱۳۹۹.

همین جهت پرداختن به وضعیت درآمد هنرمندان در ایران و عوامل تعیین‌کننده آن اهمیت مضاعفی دارد.

با این حال به دلیل آنکه در اغلب هنرها خوداشتغالی حالت عمومی فعالیت اقتصادی است و به‌ندرت هنرمندان به استخدام تمام‌وقت و تمام‌عمر صاحبان سایر عوامل تولید درمی‌آیند، بسیاری از پژوهشگران اقتصاد فرهنگ، بازار کالاها و خدمات هنری را مترادف بازار کار هنرمندان در نظر گرفته‌اند و تمرکز خود را بر تحلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد بازار کار هنرمندان معطوف کرده‌اند. به همین جهت، تحلیل ویژگی‌های بازارهای کالا و خدمات در بخش فرهنگ و به‌طور خاص بررسی زیرساخت‌هایی که این بازارها را شکل می‌دهند کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به استثنای پژوهش‌هایی در باب کارآیی قیمت در بازار هنر. در مقابل این جریان قالب، این پژوهش به دنبال بررسی اثر زیرساخت‌های بازار خوش‌نویسی که در آن تمام هنرمندان در وضعیت خوداشتغالی فعالیت می‌کنند، بر درآمد هنرمندان خوش‌نویس است.

خوش‌نویسی در طول تاریخ و در فرهنگ‌های متفاوت کشورهای مختلف حضور داشته است؛ به‌عنوان نمونه، خوش‌نویسی در اروپا به دلیل توجه حکومت‌ها و کلیسا به زیبانویسی، مانند کتیبه‌های رومی یا نسخه‌های خطی انجیل، رواج داشته و در ایران با کارکردهایی بعضاً متفاوت، مشاغل منشی‌گری و دیوانی پیشه هنرمند خوش‌نویس بوده است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۸). خوش‌نویسی در ایران شرایط کاملاً متفاوتی را تجربه کرده و می‌کند؛ به‌طوری‌که خوش‌نویسی در اروپا و اکثر جهان امروزی یک هنر فرعی و وابسته به کتابخانه‌ها و محافل طلاب بوده؛ اما در ایران جزو مهم‌ترین هنرهای تجسمی به شمار می‌آمده است (پاکباز، ۱۳۹۳: ۲۰۷). شهر مشهد یکی از مهم‌ترین قطب‌های هنر خوش‌نویسی در ایران به شمار می‌آید که پتانسیل فراوانی برای توسعه این هنر دارد؛ از یک‌سو، اهمیت تاریخی هنر خوش‌نویسی در شهر مشهد و از سوی دیگر، انباشت سرمایه قابل‌توجه در بخش خلاق این شهر و به‌طور ویژه، بخش فرهنگ و هنر بستر مناسبی برای توسعه بازار هنر خوش‌نویسی ایجاد کرده است.

مشکل دیگر آن است که آمارهای ثبتی در این‌باره کم، نامنظم و عمدتاً گردآوری‌نشده هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران مجبور به اتکای به درک و شهود خود از این بازار و یا مراجعه به آمارهای مالیاتی و مجوزها هستند. بدیهی است که این آمارها به دلیل ثبت‌نشدن بسیاری از فعالیت‌های

هنری نمی‌توانند تصاویر دقیق و جامعی از این بازار ترسیم کنند؛ در نتیجه زمانی که سیاست‌گذار مایل یا مجبور به تصمیم‌گیری شود، نمی‌تواند پیامدهای سیاست(های) پیشنهادی خود را با استناد به مشاهده‌های ثبت‌شده گذشته، ارزیابی و تبیین کند. براساس آنچه بیان شد، در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با فرهنگ، هنر و بخش خلاق، پژوهشگر ناگزیر به جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزارهایی مانند پرسشنامه، مصاحبه و غیره است.

با این حال، زیرساختارها که تعیین‌کننده کمیت و کیفیت روابط عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، مواد اولیه و...) و مشارکت‌کنندگان در بازار (مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، نهادهای عمومی و مقامات مقرراتی) هستند، در علم اقتصاد بسیار گسترده و متنوع (زیرساختارهای اقتصادی و اجتماعی؛ نرم و سخت) و مطالعه تمامی آن‌ها در قالب یک پژوهش ناممکن است؛ بنابراین، این پژوهش به دو پرسش کلی پاسخ می‌دهد: ۱. آیا زیرساختارهای منتخب از بازار کالاها و خدمات هنر (بی‌ثباتی قوانین و مقررات، چندشغله بودن، درآمد روانی، کم‌شدن کاربرد خوش‌نویسی، ساختار بازار و سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها) می‌توانند به‌طور معنی‌داری تفاوت میان سطوح درآمد خوش‌نویسان را توضیح دهند؟ و ۲. آیا آثار متقابل (دوبه‌دو) این زیرساختارها می‌توانند تفاوت در سطوح درآمد هنرمندان خوش‌نویس را به‌طور معنی‌داری توضیح دهند؟

در ادامه، این پژوهش پس از تبیین مفهوم زیرساختارها در علم اقتصاد و توضیح ابعاد آن در بخش دوم، به پیروی از اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۸-۱۷) که زیرساختارهای بازار هنر را در شش ستون دسته‌بندی کرده‌اند، از هر ستون یک زیرساختار مهم را به‌عنوان نمونه انتخاب می‌کند. در بخش سوم، روش آماری پژوهش شرح داده می‌شود. در بخش چهارم، یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس درآمد براساس زیرساختارهای منتخب به‌صورت یک‌عاملی و دوعاملی (آثار متقابل و دوبه‌دوی زیرساختارهای منتخب) گزارش و تفسیر می‌شوند. در نهایت، بخش واپسین به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری

تینبرگن (Tinbergen, 1962: 133) به تمایز میان زیرساخت‌ها برای مثال، جاده‌ها، آموزش و... و روساخت‌ها مانند فعالیت‌های تولیدی، کشاورزی و معدنی اشاره می‌کند. "زیرساختار به مجموعه امکانات و داده‌های مادی، نهادی و شخصی گفته می‌شود که در اختیار عاملان اقتصادی قرار دارد و در صورت تخصیص مناسب منابع به تحقق برابری عواید نهاده‌های قابل مقایسه منجر می‌شود؛ به این معنا که به یکپارچگی کامل و بیشینه‌شدن سطح فعالیت‌های اقتصادی می‌انجامد" (Jochimsen, 1966: 100).

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها ارائه "خدمات پایه‌ای به صنعت و خانوارها"، "نهاده‌های کلیدی در اقتصاد" و "نهاده‌های حیاتی برای فعالیت و رشد اقتصادی" را دربرمی‌گیرد (Grimsey & Lewis, 2004: 20). زیرساخت‌ها را می‌توان به دو دسته "اقتصادی" و "اجتماعی" تقسیم کرد. زیرساخت‌های اقتصادی برای ارائه خدمات میانی کلیدی به کسب‌وکارها و صنعت در نظر گرفته می‌شوند و کارکرد اصلی آن‌ها افزایش بهره‌وری و نوآوری است. زیرساخت‌های اجتماعی به‌عنوان ارائه خدمات پایه‌ای به خانوارها دیده می‌شوند و کارکرد اصلی آن‌ها بهبود کیفیت زندگی و رفاه در جامعه، بویژه در میان افراد دارای امکانات محدود است. هر کدام از این دو، به انواع "سخت" و "نرم" دسته‌بندی می‌شوند.

درحالی‌که تمایز بین زیرساخت‌های سخت و نرم "اقتصادی" و "اجتماعی" ممکن است برای سازمان‌دهی تفکر در مورد سیاست‌گذاری‌ها مفید باشد، این دسته‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. برخی از اشکال زیرساخت‌های اجتماعی مانند آن‌هایی که مهارت‌ها، سلامت، بهره‌وری و روحیه نیروی کار و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهند، می‌توانند به اندازه زیرساخت‌های اقتصادی بر بهره‌وری صنعت تأثیر بگذارند. زیرساخت‌های اقتصادی مانند جاده‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند؛ حتی اگر هدف از توسعه آن‌ها، تأثیر بر جنبه‌های اجتماعی زندگی افراد نباشد. به علاوه، هر دو نوع این زیرساخت‌ها نیازمند هزینه‌های سرمایه اولیه نسبتاً بالا، عمر به نسبت طولانی و مدیریت و پرداخت‌های بلندمدت هستند.

یوخیمسن (Jochimsen, 1966: 100)، زیرساختارها را "آن دسته از ساختارهای فیزیکی و اجتماعی که زندگی و تعاملات یک جامعه را تسهیل می‌کنند" و یا به بیان دیگر "مجموع ظرفیت‌های مادی، نهادی و شخصی در دسترس فعالان اقتصادی" تعریف می‌کند و آن‌ها را در سه دسته جای می‌دهد:

۱. زیرساختارهای مادی: بخشی از موجودی سرمایه فیزیکی یک اقتصاد است که مستقیماً به‌عنوان نهاده اساسی در سایر فعالیت‌های تولیدی استفاده می‌شود. این نوع زیرساختار مطابق با چیزی است که در اقتصاد توسعه "سرمایه بالاسری اجتماعی" نامیده می‌شود (Hirschman, 1958: 51)؛ به‌عنوان مثال، به تجهیزات و سازه‌ها در مخابرات، حمل‌ونقل، انرژی و آب‌وفاضلاب می‌توان اشاره کرد.

۲. زیرساختارهای شخصی: شامل مهارت‌های کارآفرینی، ذهنی و سایر مهارت‌های افراد است که به تولید اقتصادی کمک می‌کند. مهارت‌های تجاری می‌توانند شامل حسابداری، بانکداری و امور مالی، تدارکات، مدیریت و بازاریابی باشند (Grimsey & Lewis, 2004: 22).

۳. زیرساختارهای نهادی: با آنچه نهادگرایی جدید "محیط نهادی" می‌نامد مطابقت دارد و شامل هنجارهای درونی و بیرونی (یا نهادهای رسمی و غیررسمی) است که رفتار اقتصادی و فرایندهای تصمیم‌گیری را شکل می‌دهد. این هنجارها براساس رویه‌های "انتخاب در درون قوانین" اداره می‌شوند، که عبارت‌اند از: الف. چهارچوب قانون اساسی به‌مثابه "انتخاب قواعد حاکم بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی" (Buchanan & Tullock, 1962: 43)؛ ب. پیمان‌های بیان‌نشده و پ. اشکال گوناگون رفتار ضمنی به‌مثابه "انتخاب در داخل قوانین".

در دسته زیرساختارهای نهادی می‌توان به سیستم حقوقی، قانون اساسی اقتصادی، مقررات بانکی و مالی و بوروکراسی در کنار نهادهای غیررسمی مانند اعتماد، زیرساختارهای فرهنگی، شبکه‌های تجاری و پذیرش هنجارهای اجتماعی اشاره کرد.

تعریف یوخیمسن (Jochimsen, 1966) از زیرساختار و تأکید او بر جنبه‌های نهادی، این نکته را برجسته می‌کند که بنیان‌های کلیدی اقتصاد بازار، خود بازارها، نهادها و سیاست‌هایی هستند

که نه فقط از ساختارهای فیزیکی؛ بلکه از بازارها و رفتارهای بازارمحور، مهارت‌ها و بنگاه‌های بازار حمایت و آن‌ها را تقویت می‌کنند. یک پروژه زیرساختاری می‌تواند یک بازار جدید ایجاد کند یا ساختار یک بازار را تغییر دهد، رقابت را در بازارهای دیگر گسترش دهد، رفتارهای بازارمحور را توسعه دهد و با هدف تغییر فضای سرمایه‌گذاری^۱ کشور، در اصلاح سیاست‌ها، نهادها و اقدامات دولتی مشارکت کند (Stern & Lankes, 1998: 109-110).

در کل، زیرساخت‌ها دارای سه ویژگی مشترک هستند:

۱. تقسیم‌ناپذیر هستند؛ به این معنا که یک بندر یا یک سرویس تأمین برق می‌بایست به‌طور معمول به‌عنوان سیستمی کامل یا مجموعه‌ای از سیستم‌ها ساخته شود. هیوز (Hughes, 1984: 28) استدلال کرد که تاریخچه ساخت فناوری‌های اصلی مدرن، مانند سیستم‌های قدرت الکتریکی، باید در قالب "سیستم‌هایی که توسط سازندگان سیستم‌ها اداره می‌شوند" در نظر گرفته شود. سیستم‌های ساخته‌شده اغلب نه یک بازار خاص؛ بلکه به کل بنیان‌های صنعتی یک منطقه، کشور یا حتی قاره خدمت می‌کنند.

۲. چندکاربره هستند؛ به این معنا که کاربران زیادی برای یک "سیستم تأمین"^۲ مشخص وجود دارند. کاربران بسیار برای یک جاده، در مقابل بسیاری از کاربران با خودروهای فردی؛ در نتیجه بنگاه‌ها یا مصرف‌کنندگان مستقیماً از انباشت سرمایه زیرساختاری استفاده می‌کنند. زیرساخت‌ها از انباشت سرمایه به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه بهره‌گیری از محصولات آن استفاده می‌کنند. عرضه بیش از یک سیستم، غیرضروری است و موجب زیان‌های اجتماعی می‌شود^۳. ترکیب شدن تقسیم‌ناپذیری و کاربران متعدد به این معنی است که مقیاس ساخت زیرساخت‌ها اغلب بزرگ است و میزان سرمایه‌گذاری نسبت به اغلب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بسیار بیشتر است.

۳. عمومی هستند؛ به این معنا که یک نیاز اصلی برای همه یا بسیاری از فعالیت‌ها هستند و شامل تأمین منابعی است که به‌عنوان نهاده‌های اساسی تقریباً در تمام فعالیت‌های اقتصادی

1. Investment Climate

2. Supply System

۳. البته این یک عنصر کلیدی در تثبیت تسلط یک رژیم فناوری است؛ زیرا حاکی از مزیت «اولین اقدام‌کننده» (پیشگام‌بودن) برای هر فناوری است که می‌تواند ساختن زیرساختار را آغاز کند.

ضروری هستند. انرژی، جریان اطلاعات، جابه‌جایی تولیدات، چهارچوب اجتماعی و قانونی برای تولید هستند؛ بنابراین زیرساختار نوعی سرمایه بالاسری اجتماعی مبتنی بر فناوری‌های "توانمندسازی" بنیادی است که شرایط اساسی را برای تولید ایجاد می‌کند.

در یک فهم محدود، زیرساختارها تنها امکانات فیزیکی در نظر گرفته می‌شوند و در نتیجه استدلال می‌شود که عرضه آن‌ها اساساً بر عهده دولت است؛ اما در تعریف گسترده‌تر و عمیق‌تر که زیرساختارها را شامل مؤلفه‌های غیرفیزیکی و غیرمادی در نظر می‌گیرد، دولت به‌عنوان یکی از نهادهای ممکن؛ اما نه تنها نهاد سازمان‌دهی اجتماع، برای عرضه زیرساختارهای جامعه شناخته می‌شود.^۱

بنابراین تولید و نگهداری زیرساختارها از تعهدات اجتماع در قبال افراد به‌عنوان عاملان اقتصادی مولد است که به‌شکل زیرساختارهای خانوارمحور، زیرساختارهای بنگاه‌محور و زیرساختارهای بازارمحور هستند و می‌توانند انواعی از آثار مثبت یا منفی خاص خود را بر متغیرهای هر یک از بازارها (بازارهای نهاده‌ها، بازارهای کالاها) داشته باشند. در اینجا، زیرساختارهای بازارمحور، همه مؤلفه‌هایی هستند که در جهت هماهنگی و تعامل واحدهای اقتصادی برای تحقق برنامه‌های اقتصادی‌شان عمل می‌کنند. در مجموع، مفهوم اصطلاح عمومی "زیرساختار" هر چیزی است که به فعال‌سازی یا تجهیز توانمندی‌های عاملان اقتصادی کمک می‌کند.

چنان‌که مشخص است، زیرساختارها به‌لحاظ تعداد و تنوع بسیار گسترده هستند. به همین جهت، اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۷-۱۸) زیرساختارهای بازار هنر را در ۶ ستون دسته‌بندی کرده و برخی از مهم‌ترین آن‌ها برای بازار هنر خوش‌نویسی را به‌صورت زیر در این دسته‌ها جای داده‌اند:

ستون محیط نهادی: این دسته شامل کپی‌رایت، بی‌ثباتی قوانین و مقررات بخش فرهنگ، آمیختگی با مذهب و... است. برخی نهادهای رسمی در بخش فرهنگ و هنر ایران نسبتاً مناسب قانون‌گذاری شده‌اند؛ اما هزینه‌های صریح و ضمنی ضمانت اجرای آن‌ها در عمل موجب ناکارایی اقتصادی و به‌تبع آن، کیفیت پایین محیط نهادی فرهنگ کشور شده است. به‌علاوه در ارتباط با

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: Etzioni, 1995: 134-160.

نهادهای غیررسمی، نبود شفافیت و بی‌ثباتی زیادی وجود دارد^۱. در این پژوهش، "بی‌ثباتی قوانین و مقررات" به‌عنوان یکی از اثرگذارترین زیرساختارهای محیط نهادی هنر ایران انتخاب شده است.

ستون محیط کسب‌وکار: این ستون شامل نظام توزیع، چندشغله بودن، دسترسی به اعتبارات بیرونی، عضویت در انجمن‌ها، نسبت جمعیت شاغل، هزینه تأسیس کسب‌وکار، تعداد سال‌های تحصیل مدرک، هزینه آموزش و... است. به‌طور حرفه‌ای، کارکرد انجمن‌ها در هنرها تنظیم و پاسداری از قواعد حرفه‌ای، تضمین کیفیت، مقررات‌زایی ورود به بازار، و حتی دخالت در قیمت‌گذاری آثار است (ابینگ، ۱۳۹۲: ۲۲۴). انجمن خوش‌نویسان ایران به‌دلایل متعددی امکان تحقق کارا و اثربخش تمامی این کارکردها را ندارد. سال‌های تحصیل مورد نیاز برای کسب درجه‌های بالایی هنری در خوش‌نویسی ایران بسیار زیاد بوده و "درآمد انتظاری"^۲ خوش‌نویسان نیز چندان بالا نیست؛ درحالی‌که افراد هنگامی منابع را صرف سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی خود می‌کنند که انتظار داشته باشند به‌طور معنی‌داری درآمد بالاتری کسب کنند و در هنر نیز چنین است (Towse, 2014: 35). در صورتی‌که درآمد انتظاری ناشی از خوداشتغالی (که عمده‌ترین نوع اشتغال در هنرها و ازجمله خوش‌نویسی است) به‌اندازه کافی بالا باشد، تأمین مالی تحصیل عقلایی است و بازده‌های آتی خوداشتغالی، هزینه‌های فعلی تأمین مالی (حتی تأمین مالی بیرونی) تحصیل را به‌راحتی جبران می‌کند؛ چنان‌که فندر (Fender, 2005) در مدل نسل‌های هم‌پوشان خود تئوریزه کرده است. در غیر این‌صورت، به‌دلایلی هم‌چون ناممکن بودن وثیقه‌گذاری سرمایه انسانی، بالابودن هزینه‌های پایش آن، بازگشت‌ناپذیری سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و نیز بسیار بلندمدت بودن دوره بازدهی سرمایه انسانی، تأمین مالی تحصیلات در سطحی بهینه انجام نخواهد شد (Flug, Spilimbergo & Wachtenheim, 1998). به‌علاوه، دسترسی هنرمندان (بویژه خوش‌نویسان) در ایران به تأمین مالی بیرونی از طریق سیستم مالی متعارف (نه منابع درونی هنرمند، حامیان مالی شخصی و خانوادگی و یارانه‌های دولتی یا عمومی) بسیار دشوار است. تنها هنرمندانی که در "بازار پرمایه" آثار خود را عرضه می‌کنند، می‌توانند تا حد قابل قبولی به

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ششجوانی، ۱۴۰۰: ۹۹-۱۰۰.

تأمین مالی بیرونی دسترسی داشته باشند (Velthuis & Coslor, 2012: 764-767)؛ در مقابل، بیشتر خوش‌نویسان شهر مشهد آثار خود را در "بازار همگانی/اولیه/محلّی" می‌فروشند. هرچند تک‌تک زیرساخت‌های محیط کسب‌وکار برای درآمد هنرمندان تعیین‌کننده هستند؛ اما به نظر می‌رسد برآیند آثار آن‌ها، خود را در جبری خودخواسته برای هنرمندان نشان می‌دهد که عبارت از: "چندشغله بودن". هنرمندان، هم به جهت تأمین معاش و هم با انگیزه تأمین وجوه لازم برای پروژه‌های هنری (Towse, 2019: 300)، مشاغل متعددی در انواعی از هنرها (گاهی متفاوت با حرفه اصلی آن‌ها)، مشاغل مرتبط با هنر^۱ (مانند تدریس، داوری، اشتغال در برخی صنایع وابسته به خلاقیت هنری) و حتی نامرتب با هنر^۲ را به‌طور همزمان اختیار می‌کنند. البته بسیاری از این فعالیت‌ها غیررسمی و یا حتی ثبت‌نشده هستند. به همین جهت، در این پژوهش، از میان زیرساخت‌های کلیدی محیط کسب‌وکار هنر ایران، "چندشغله بودن" انتخاب شده است. **ستون جانب عرضه:** هزینه تمام‌شده اثر، حاشیه سود، وابستگی به اعتبارات بیرونی، درآمد روانی، مکانیسم قیمت‌گذاری از ابعاد این ستون هستند. بخش عمده آثار هنری در بازارهای اولیه و محلّی عرضه می‌شود، بنابراین شواهد و داده‌های آن‌ها منظم جمع‌آوری و منتشر نمی‌شوند و از دقت کافی برخوردار نیستند. در کنار تمام عواملی که پیشتر به‌عنوان علل پایین انگیزه‌های مالی هنرمندان (و به‌طور خاص خوش‌نویسان) مطرح شد، درآمد روانی بزرگ‌ترین محرک و مشوق هنرمندان برای ادامه فعالیت هنری و ارتقای مهارت‌ها و بروز خلاقیت‌هایشان است؛ حتی اگر توجه به این درآمد روانی موجب "جریمه درآمدی"^۳ پولی ایشان شود. درواقع، اگر درآمد روانی برای هنرمندان وجود نمی‌داشت، قطعاً بازار هنر در جهان بسیار کوچک‌تر از این بود^۴.

ستون جانب تقاضا: شامل کم‌شدن کاربرد خوش‌نویسی، سلیقه مصرف‌کننده، قدرت خرید، ساخت نرم‌افزارهای خوش‌نویسی، تمایل به خرید اثر کپی، سهم سفارش‌های دولتی و... است. اندازه و ماهیت مخاطبان هنری، وابستگی تنگاتنگی با سازمان محصولات فرهنگی دارد

1. Art-related

۲. آلپر و دیگران (Alper, et al., 1996: 16) نشان دادند که میان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، ۴۵٪ نویسندگان ادبی در آمریکا، شغلی نامرتب با نویسندگی داشته‌اند.

3. Earnings penalty

۴. ابینگ (۱۳۹۲: ۱۹۳-۲۰۱) به‌طور مفصل به بحث درآمد روانی هنرمندان پرداخته است.

(Bourdieu, 1973; Maisel, 1973; Peterson & Di Maggio, 1975). در واقع عوامل مؤثر بر تقاضای هنری، مانند ویژگی‌های اجتماعی (سن، طبقه، آرایش هنری نژادی یا قومی) و روابط اجتماعی مصرف (فردی یا جمعی؛ منفعل یا تعاملی) به‌ندرت به ذات فناوری یا فرم‌های هنری، مرتبطاند و عمدتاً ناشی از نوع خاصی از سازمان صنعتی یا ساختار اجتماعی هستند (Di Maggio & Hirsch, 1976). در این مورد اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۲) بحث می‌کنند که تغییر در سازمان صنعتی و نیز ساختار اجتماعی مرتبط با خوش‌نویسی (مانند تغییر جمعیت باسواد کشور، همگانی‌شدن آموزش، همگانی‌شدن ماشین‌های تایپ و کامپیوترهای شخصی و نیاز به سرعت عمل در کارها) به‌گونه‌ای رخ داده که این هنر را از کاربردهای پیشین در ایران دور کرده است.

ستون ساختار بازار: نوع بازار، اندازه بازار و درجه انحصار از ابعاد این ستون هستند. یکی از متمایزکننده‌ترین زیرساختارهای ساختار بازار هنر در مقایسه با بازارهای نوعی مغروض در ادبیات علم اقتصاد، انواع (یا سطوح) بازار هنر است. جرارت- وارت (Gérard-Varet, 1995: 511) بازار هنر را به‌طور سلسله‌مراتبی در سه سطح ترسیم می‌کند. در سطح اول که بازار اولیه یا همگانی نامیده می‌شود، هنرمندان آثار خود را در گالری‌ها و نمایشگاه‌های محلی یا به‌طور مستقیم به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. ویژگی اصلی این سطح از بازار آن است که تعداد افرادی که مایل یا قادر به فروش محصولات هنری خود هستند، بیشتر از افرادی است که "تقاضای مؤثر" برای این آثار دارند. سطح دوم که بازار ثانویه یا پرمایه نامیده می‌شود، درجه انحصاری بسیار بالایی دارد و تنها درصد اندکی از هنرمندان که از ترکیب منحصربه‌فردی از "شهرت زیبایی‌شناختی" خود و "شهرت تجاری" گالری عرضه‌کننده آثار آنها برخوردار هستند، موفق به ورود به آن می‌شوند. بالاترین سطح این سلسله‌مراتب، بازاری بین‌المللی است که توسط معدودی از خانه‌های حراج در نیویورک، لندن، پاریس و... مدیریت می‌شوند. از آنجاکه سطح سوم در بازار هنر خوش‌نویسی مشهد جایگاه قابل توجهی ندارد، در این پژوهش، افراد نمونه در دو بازار اولیه و ثانویه دسته‌بندی شده‌اند.

ستون دسترسی به بازار: این ستون شامل زیرساخت‌های هزینه مبادله، نزدیکی به مراکز تصمیم‌گیری، نگارخانه تخصصی، سهم نمایشگاه‌ها^۱ و اکسپوها^۲ ... است. تامپسن (Thompson, 2011: 60-62) کارکردهای نمایشگاه‌های هنری برای دسترسی به بازار را این‌گونه برمی‌شمرد:

۱. مجموعه‌داران علاقه زیادی به نمایشگاه‌ها دارند؛ زیرا دسترسی به بازار را برای آن‌ها بسیار راحت‌تر می‌کنند. آن دسته از علاقه‌مندان به هنر که دارایی خالص بسیار بالایی دارند، از نظر زمان فقیر هستند و تمایل دارند جست‌وجو و خرید را در یک مکان واحد ادغام کنند. از این جهت، نمایشگاه‌ها به آن‌ها امکان خرید مقایسه‌ای می‌دهند.

۲. امروزه نمایشگاه‌ها نماینده تغییری فرهنگی در فرایند خرید هنری هستند؛ بدین‌صورت که افراد به‌جای مباحثه‌ای آرام در یک گالری هنری، فضایی مشابه یک مرکز خرید را تجربه می‌کنند که ترکیبی از هنر، موقعیت اجتماعی و معاشرت عرضه می‌کند. در چنین محیطی، مجموعه‌داران به خریدارانی تبدیل می‌شوند که به‌طور ناگهانی خرید می‌کنند و اغلب تنها یک اثر از یک هنرمند را می‌خرند؛ درحالی‌که ممکن است هرگز از گالری عرضه‌کننده‌ای که از او در نمایشگاه خرید می‌کنند، بازدید نکنند.

۳. نمایشگاه‌ها نسبت به گالری‌ها، سطح اطمینان بالاتری به مجموعه‌داران ارائه می‌دهند؛ درنتیجه، مجموعه‌داری که اطلاعات ناقص یا نامتقارن دارد، این امکان را می‌یابد تا رفتار گله‌ای انجام دهد. همان‌گونه که در حراج‌ها، حضور پیشنهاددهندگان با قیمت پایین‌تر به مجموعه‌دار این اطمینان را می‌دهد که نابخردانه پیشنهاد قیمت نداده است، تعداد افراد و برچسب‌های «فروخته‌شده» در نمایشگاه‌ها، نبود اطمینانی مجموعه‌دار را کاهش می‌دهد.

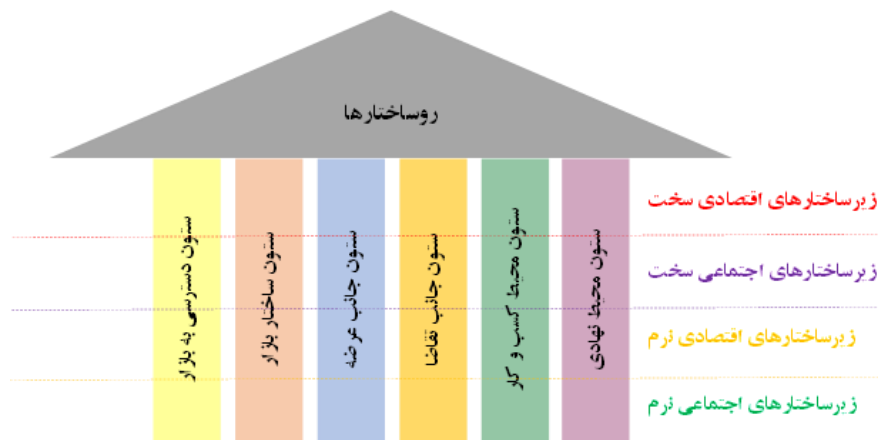
۴. دلال‌ها پوشش رسانه‌ای ایجاد می‌کنند و از این طریق می‌توانند آثار کمتر شناخته‌شده را همراه با آثار شناخته‌شده (و حتی پیشتر فروخته‌شده) عرضه کنند و به فروش برسانند.

۵. نمایشگاه‌ها به یک دلال دارای محدودیت سرمایه این امکان را می‌دهند تا با رقبای قوی‌تر رقابت کند؛ زیرا انتظار بازفروش^۱ سریع اثر خریداری شده بالاست. حتی این امکان برای دلال وجود دارد که به پشتوانه بازفروش اثر در نمایشگاهی که در ظرف مدت کوتاهی در آینده برگزار می‌شود، سرمایه لازم برای خرید اثر را از طریق اعتبارات بانکی تأمین مالی کند.

۶. نکته منفی آن است که شرکت در نمایشگاه‌های متعدد برای دلالان زمان‌بر و پرهزینه است. ۷. به علاوه، نمایشگاه‌ها محیط فیزیکی وحشتناکی را برای تماشای هنر ارائه می‌دهند و از آن‌ها به عنوان "بهترین نمونه برای دیدن هنر به بدترین شکل" نام برده می‌شود. اغلب، آثار به‌طور تصادفی بدون هیچ احساسی و گاهی بدون دخالت یک کیوریتور^۲ در محیطی پر ازدحام (که برای ارزیابی آثار مناسب نیست) در کنار هم قرار گرفته‌اند. به دلیل اولویت مسائل امنیتی بر کمک به دیده‌شدن اثر، نمایشگاه‌ها اغلب بیش از حد نورپردازی می‌شوند.

اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۷) بازار خوش‌نویسی ایران را این‌گونه ترسیم می‌کنند که در آن مبادله به دو شکل مستقیم (سفارش‌های شخصی) و غیرمستقیم (از طریق واسطه‌های هنری مانند گالری‌ها) انجام می‌شود. مبادله غیرمستقیم، به دو دسته فروش رویدادی و فروش دائمی تقسیم می‌شود. در بازار خوش‌نویسی (و به‌طور عام، هنر)، نمایشگاه‌ها و اکسپوها جزو فروش‌های رویدادی محسوب می‌شوند و درآمد حاصل از این رویدادها موقتی است؛ بنابراین هنرمند خوش‌نویس نمی‌تواند به‌عنوان منبع درآمدی پایدار به اکسپوها تکیه کند.

در یک جمع‌بندی، ادبیات موضوع مرتبط با زیرساختارهای بازار کالاها و خدمات (که شامل بازارهای کالاها و خدمات فرهنگی و هنری نیز می‌شود) به‌صورت شماتیک و دسته‌بندی‌شده در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل (۱) طرح شماتیک دسته‌بندی زیرساخت‌های بازار کالاها و خدمات

۳. روش و داده‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش برگرفته از پژوهش اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۷-۱۹) است. جامعه آماری این پژوهش، عبارت است از تمامی هنرمندان خوش‌نویس فارغ‌التحصیل انجمن خوش‌نویسان ایران که ساکن شهر مشهد هستند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی و برای تصریح چهارچوب نظری، از مرور ادبیات، مشاهده و مصاحبه عمیق با ۴۸ هنرمند خوش‌نویس شهر مشهد استفاده شده است. سرانجام نیز داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. حجم نمونه، متشکل از ۳۳ نفر از هنرمندان خوش‌نویس ساکن شهر مشهد است.^۱

تحلیل واریانس از جمله روش‌های آماری برای بررسی اختلاف بین گروه‌ها یا دسته‌هاست. این روش به‌ویژه هنگامی کاربرد دارد که به‌جای دو گروه، چند گروه وجود داشته باشد و هدف بررسی این باشد که آیا میانگین‌های این گروه‌ها با هم برابر هستند یا اختلاف معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد؛ به‌طور مثال، در این پژوهش پرسش اصلی این است که از میان زیرساخت‌ها کدام یک می‌تواند اختلاف سطح درآمدی میان خوش‌نویسان را توضیح دهد؟ براساس توضیح‌های بالا، فرضیه صفر این است که میانگین مشاهده‌ها در گروه‌های ۱ تا k تفاوت معنی‌داری ندارند

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: اجتهادی، ابوترابی و ششجوانی (۱۴۰۰: ۱۷-۱۹)

($H_0: \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_k$). فرضیه مقابل نیز این است که حداقل، میانگین یک گروه با سایرین متفاوت است.

ایده اساسی تحلیل واریانس این است که می‌توان میزان کل پراکندگی یک مجموعه آماری را به‌صورت چند بخش تفکیک کرد؛ به طوری که هر یک به منشأ یا علت خاصی از وجود پراکندگی مربوط باشد. از نظر ریاضی، در تحلیل واریانس "مجموع مربعات اختلاف مشاهده‌ها از میانگین کلی" به دو قسمت "مجموع مربعات انحراف مشاهده‌ها از میانگین گروه خود" و "مجموع مربعات انحراف میانگین هر گروه از میانگین کلی" جدا می‌شود. بر همین مبنا سطرها و ستون‌های جدولی که به جدول تحلیل واریانس (ANOVA) معروف است، ساخته می‌شوند.

۴. یافته‌های تجربی

در جدول ۳، در قطر اصلی یافته‌های تحلیل واریانس یک‌عاملی نشان داده شده است. این تحلیل واریانس، بدین صورت انجام گرفته که هنرمندان بر اساس زیرساختار مربوطه طبقه‌بندی شده‌اند و هر زیرساختار به پنج طبقه "بسیار کم"، "کم"، "متوسط"، "زیاد" و "بسیار زیاد" تقسیم و سپس به این پرسش پاسخ داده شده است که آیا اختلاف قابل‌توجهی میان درآمد هنرمندان خوش‌نویس براساس طبقه‌های هر زیرساختار وجود دارد؟ در تحلیل واریانس دوعاملی نیز به همین صورت عمل شده با این تفاوت که امکان بررسی آثار متقابل نیز فراهم است.

یافته‌های آزمون‌های F تحلیل واریانس یک‌عاملی نشان می‌دهند از میان شش زیرساختار منتخب، زیرساختارهای "چندشغله بودن"، "درآمد روانی"، "کم‌شدن کاربرد خوش‌نویسی" و "اکسپوها، کارنها و جشنواره‌ها" به‌طور معنی‌داری توانسته‌اند اختلاف میان سطوح درآمد خوش‌نویسان را توضیح دهند.

جدول (۳) تحلیل واریانس یک عاملی و دوعاملی

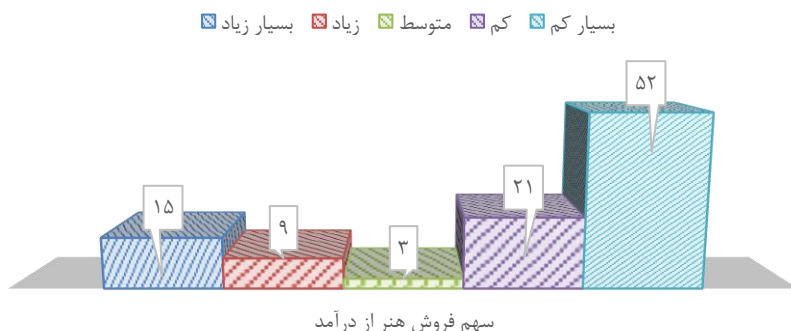
بی ثباتی قوانین و مقررات (Uns)		چندشغله بودن (MJ)		درآمد روانی (MI)		کم شدن کاربرد خوش نویسی (App)		سطح بازار (MT)		اکسپوها، کارنها و جشنوارهها (Expo)	
بی ثباتی قوانین و مقررات (Uns)	۰/۳۸	MJ	۱۰/۸***	MI	۲/۹۰*	App	۲/۴۱*	MT	۲/۵۸*	Expo	۲/۶۵*
		Uns	۱/۷	Uns	۰/۱۰	Uns	۰/۵۳	Uns	۱/۶۷	Uns	۱/۱۶
		MJ & Uns	۱/۴۲	Uns & MI	۰/۴۲	App & Uns	۰/۹۰	MT & Uns	۲/۶۶*	Expo & Uns	۰/۹۹
چندشغله بودن (MJ)	۱۲/۶۴***			MI	۸/۱۳***	App	۰/۵۸	MT	۰/۳۳	Expo	۴/۴۷**
				MJ	۱۷/۲۲***	MJ	۷/۵۷***	MJ	۱۳/۶۳***	MJ	۱۲/۲۲***
				MI & MJ	۲/۱۵*	App & MJ	۱/۶۲	MT & MJ	۴/۶۱***	Expo & MJ	۳/۴۸**
درآمد روانی (MI)	۴/۷۹***					App	۸/۱۱***	MT	۱/۲۰	Expo	۳/۶۱**
						MI	۱۰/۶۷***	MI	۴/۰۵**	MI	۶/۶۱***
						App & MI	۰/۶۹	MT & MI	۱/۵۰	Expo & MI	۱/۹۵
کاربرد نرم افزارها (App)	۲/۷۰*										
نوع (سطح) بازار (MT)	۱/۶۱										
اکسپوها، کارنها و جشنوارهها (Expo)	۲/۵۱*										

توضیح: ****، ***، ** و * به ترتیب معنی داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می دهند.

در تمامی ۱۵ تحلیل واریانس دوعاملی (به جز دو مورد) نقش انفرادی زیرساختهای "چندشغله بودن"، "درآمد روانی"، "کم شدن کاربرد خوش نویسی" و "اکسپوها، کارنها و جشنوارهها" تأیید شده است؛ البته شواهد ضعیفی در تحلیل واریانس دوعاملی نیز در حمایت از تعیین کننده بودن "سطح بازار" در اختلاف میان سطوح درآمد خوش نویسان وجود دارد.

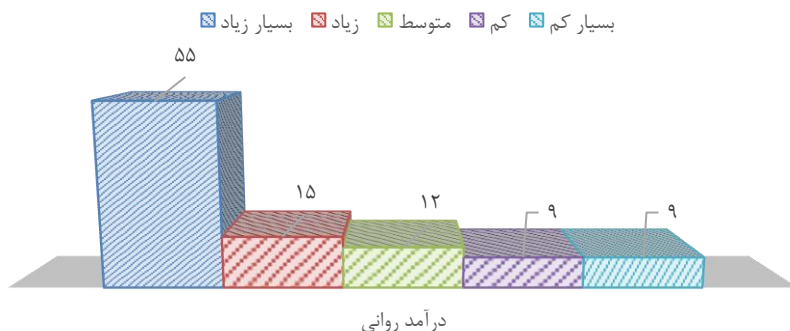
در ادامه، آمارهای توصیفی چهار زیرساختاری که توضیح دهندگی معنی دار و قابل توجهی برای اختلاف میان سطوح درآمد خوش نویسان دارند، گزارش می شود.

۱. چندشغله بودن: تقریباً ۷۳٪ از خوش‌نویسان مشهود بیان داشتند که درآمد حاصل از فروش آثار هنری، تنها بخش کوچکی از عوایدی آن‌ها را شامل می‌شود (این مؤلفه به‌طور معکوس نماینده‌ای برای میزان چندشغلگی هنرمندان در نظر گرفته می‌شود). این شواهد در حمایت از این ادعاست که هنرمندان درآمدهای سایر مشاغل مرتبط با هنر و حتی مشاغل غیرهنری خود را صرف تأمین معاش و یا تأمین مالی پروژه‌ها و تولیدات هنری خود می‌کنند (نمودار ۱).



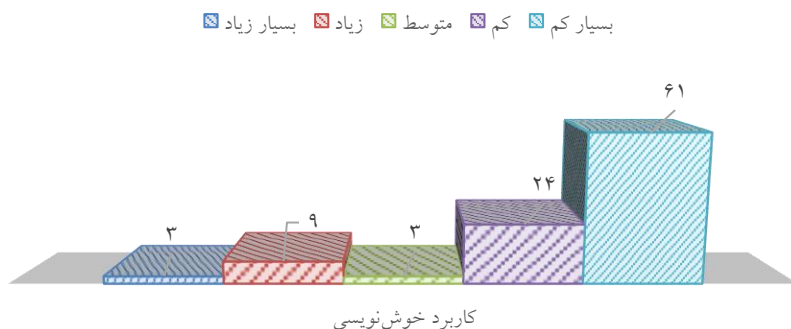
نمودار ۱) چندشغله بودن هنرمندان خوش‌نویس مشهود

۲. درآمد روانی: یافته‌ها نشان می‌دهد که فراوانی نسبی هنرمندان، با شدت اهمیت درآمد روانی افزایش می‌یابد. بیش از نیمی از نمونه (۵۵٪) اهمیت بسیار زیادی برای کسب لذت از نوشتن قائل هستند؛ بنابراین از یک‌سو هنرمندان به خاطر توجه زیاد به درآمد روانی و از سوی دیگر عدم کفایت درآمد هنری، به چندشغله بودن روی می‌آورند (نمودار ۲).



نمودار ۲) درآمد روانی هنرمندان خوش‌نویس مشهود

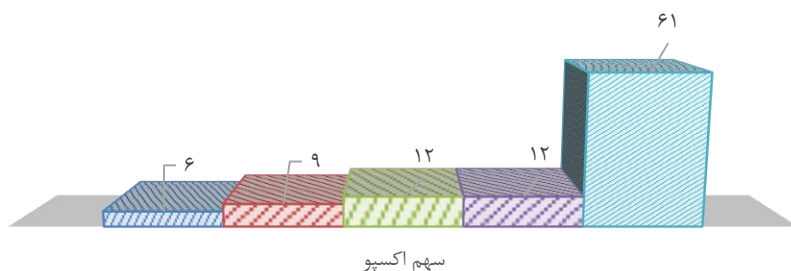
۳. کم شدن کاربرد خوش‌نویسی: براساس آمار توصیفی تنها ۱۵٪ از خوش‌نویسان کاهش کاربردهای خوش‌نویسی را تأیید کرده‌اند و ۸۵٪ با آن مخالف هستند و معتقدند این هنر، همچنان کاربردهای بسیاری دارد. به‌علاوه، نقش این عامل به‌طور معنی‌داری در توضیح اختلاف درآمد هنرمندان تأیید شده است (نمودار ۳).



نمودار ۳) کم شدن کاربرد خوش‌نویسی از نظر هنرمندان خوش‌نویس مشهد

۴. اکسپوها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها: بر اساس شواهد توصیفی، بیش از ۶۰٪ از هنرمندان خوش‌نویس اظهار داشته‌اند که هیچ درآمدی از فروش اثر در اکسپو و نمایشگاه نداشته‌اند. با توجه به اینکه درآمد هنرمندان اغلب کم است، برگزاری یک اکسپو یا فروش اثر در نمایشگاه می‌تواند درآمد خوش‌نویسان را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. لازم به ذکر است در رابطه با نمایشگاه‌ها باید به نقش واسطه‌ها نیز توجه شود. نبود یک شبکه واسطه‌گری خصوصی قوی به‌منظور گالری‌داری، کیوریتوری و... موجب شده است هنرمندان بازدهی لازم را از تحمل هزینه‌های برگزاری نمایشگاه‌ها کسب نکنند و انگیزه لازم برای این‌گونه اقدامات را نداشته باشند؛ درحالی‌که بخش اعظم درآمد هنری هنرمندان می‌تواند از طریق برگزاری نمایشگاه‌ها به‌دست آید؛ بویژه اینکه نمایشگاه‌های هنری از یک‌سو به کسب شهرت، درآمد و شناخته‌شدن هنرمندان کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر نااطمینانی مجموعه‌داران و سایر تقاضاکنندگان آثار هنری را کاهش می‌دهد (نمودار ۴).

بسیار کم کم متوسط زیاد بسیار زیاد



نمودار ۴) سهم اکسپوها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها از درآمد هنرمندان خوش‌نویس مشهود

با استفاده از تحلیل واریانس‌های دوعاملی ۱۵ اثر متقابل میان این ۶ زیرساختار مورد بررسی قرار گرفت که چهار مورد آن‌ها از نظر آماری معنی‌دار هستند. در بررسی ارتباط آثار متقابل چندشغله بودن و کسب درآمد روانی، مشخص شد این دو زیرساختار بازار، علاوه بر توضیح‌دهندگی مستقل به‌طور همزمان نقش تعیین‌کننده‌ای در درآمد هنرمندان دارند (هم‌افزایی داشته‌اند). همچنین اثر متقابل ساختار بازار و بی‌ثباتی قوانین و مقررات تأیید شد. این مسئله نشان می‌دهد در مجموع، بی‌ثباتی قوانین و مقررات بخش فرهنگ به زیان هنرمندان فعال در بازار اولیه (همگانی) بوده؛ اما درآمد اندک خوش‌نویسانی که در بازار ثانویه (پرمایه) فعالیت می‌کنند را به‌طور معنی‌داری کمتر متأثر کرده است. از آنجاکه بیشتر هنرمندان خوش‌نویس، آثار خود را تنها در بازار اولیه عرضه می‌کنند، این یافته را این‌گونه می‌توان ارزیابی کرد که آن‌ها اهمیت ثبات سیستم قانونی و دستورالعمل‌های بخش‌های مدیریتی در سازمان‌ها و نهادهای متولی امر هنر را در کسب و کار هنریشان بالا ارزیابی می‌کنند و پای‌بندی به قوانین و دستورالعمل‌ها را یکی از ضرورت‌های محیط نهادی می‌دانند؛ در نتیجه، تغییرات مکرر مقررات بخش فرهنگ موجب غیرقابل پیش‌بینی بودن تحولات آینده و نیز افزایش نااطمینانی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هنری به‌منظور کسب درآمد پایدارتر می‌شود.

اثر متقابل چندشغله بودن و سطح بازار در توضیح اختلاف سطح درآمد هنرمندان معنی‌دار شده است. این یافته نشان می‌دهد آن دسته از هنرمندانی که توانسته‌اند در بازار ثانویه (بازار پرمایه) فعالیت و حضور مستمر داشته باشند، نیاز کمتری به چندشغله بودن برای تأمین معاش و یا

تأمین مالی فعالیت هنری خود دارند و در نتیجه تمایل کمتری به فعالیت خارج از حرفه هنری (اعم از مشاغل مرتبط با هنر و یا مشاغل غیرهنری) دارند. همچنین اثر متقابل چندشغله بودن و برگزاری نمایشگاه‌ها و اکسپوها تأیید شده است که به خوبی نیاز بازار هنر به بهبود دسترسی به بازارها برای افزایش تکیه هنرمندان بر منابع درآمدی حاصل از کار هنری را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و دلالت‌ها

در این پژوهش، با انتخاب یک زیرساختار کلیدی از هر کدام از شش ستون زیرساختارهای بازار هنر، با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA)، آزمون شد که آیا این زیرساختارها به صورت تکی و نیز در تعامل دوبه‌دو با هم می‌توانند تفاوت در سطوح درآمد خوش‌نویسان شهر مشهد را توضیح دهند؟

با توجه به معنی‌دار شدن توضیح‌دهندگی چهار تحلیل واریانس یک‌عاملی (چندشغله بودن، درآمد روانی، کم‌شدن کاربرد خوش‌نویسی، سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها) و چهار تحلیل واریانس دوعاملی (اثر متقابل چندشغله بودن و درآمد روانی، اثر متقابل چندشغله بودن و سطح بازار، اثر متقابل چندشغله بودن و سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها، اثر متقابل ساختار بازار و بی‌ثباتی قوانین و مقررات)، می‌توان دلالت‌هایی به شرح ذیل ارائه داد:

- اکثر خوش‌نویسان از محل درآمدهای مشاغل غیرهنری، کسب‌وکار خوش‌نویسی خود را "تأمین مالی درونی" کرده‌اند؛ بنابراین چندشغله بودن موجب شده هنرمندان دغدغه کمتری برای "تأمین مالی بیرونی" تولید هنری خود و در نتیجه وابستگی کمتری به اعتبارات بیرونی داشته باشند^۱.

- در مورد درآمد روانی می‌توان چنین استدلال کرد که هرچه درآمد روانی هنرمند بیشتر باشد، پذیرش درآمد پولی پایین‌تر برای هنرمند، امکان‌پذیرتر و حاضر است جریمه درآمدی قابل توجهی را (در مقایسه با همتایانش در سایر مشاغل) تحمل کند.

- در مورد کم‌کاربرد شدن خوش‌نویسی در طی زمان می‌توان چنین استدلال کرد که خوش‌نویسان در مقایسه با برخی هنرمندان که آثار هنری پرکاربردتری تولید می‌کنند، احتمالاً دارای درآمد پایین‌تری هستند.

۱. ۹۷٪ از خوش‌نویسان حاضر در نمونه این پژوهش، اعلام کرده‌اند که فعالیت هنری ایشان وابستگی کم و حتی بسیار کمی به استفاده از اعتبارات بیرونی داشته است.

- یافته‌ها در حمایت از این استدلال است که برگزاری اکسپوها و نمایشگاه‌های متعدد و دوره‌ای می‌تواند درآمد هنرمندان را به‌طور معنی‌داری افزایش دهد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود نمایشگاه‌های دائمی و اکسپوهای دوره‌ای بیشتری در خوش‌نویسی برگزار شود.

- اثر چندشغله بودن بر درآمد هنرمندان خوش‌نویس با اثر مشترک این زیرساختار با زیرساختارهای درآمد روانی، سطح بازار و سهم نمایشگاه‌ها و اکسپوها همراه شده است. از این یافته‌ها می‌توان این‌گونه استدلال کرد که سه عامل درآمد روانی بالاتر، فعالیت در سطح پایین‌تر بازار (بازار اولیه) و سهم کمتر نمایشگاه‌ها و اکسپوها از عواید خوش‌نویسان موجب افزایش نیاز و در نتیجه، تمایل ایشان برای اشتغال به سایر حرفه‌های مرتبط یا نامرتبط به هنر شده است. این امر، سبب پذیرش جریمه درآمدی باقی‌ماندن در فعالیت هنری را توجیه می‌کند.

- در مورد بی‌ثباتی قوانین و مقررات، دو نکته حائز اهمیت هستند: نخست، نهادهای سیاست‌گذار مرکزی بخش فرهنگ در ایران، متعدد و مجزا از هم هستند^۱ و در نتیجه، ابهام فزاینده‌ای با انباشت قوانین و مقررات متکثر ایجاد شده است. دوم، دگرگونی‌های سیاسی در مورد نحوه مداخله دولت (از طریق تغییر در خطومشی‌ها و چهارچوب‌های ارزشی) موجب تغییر مداوم رژیم‌های سیاست‌گذاری می‌شود. این دو عامل با ایجاد بی‌ثباتی در سیستم مقرراتی بخش فرهنگ (و به‌طور عام‌تر، بخش خلاق)، سبب کاهش انگیزه هنرمندان برای ورود و توسعه فعالیت هنری می‌شود و امکان برنامه‌ریزی پیرامون آموزش، کسب مهارت و خلق اثر را مختل می‌کند. بدین جهت، از یک سو، فضا برای فعالیت عده اندکی (هنرمندان فعال در بازار پرمایه) بر پایه ارتباط با بدنه حاکمیت و اطلاع از رانت‌ها و امتیازات قانونی فراهم می‌شود و از سوی دیگر، طیف وسیعی از هنرمندان (عرضه‌کنندگان در بازار همگانی) ترجیح می‌دهند فقط برای اغنای روانی به هنر بپردازند و برای تأمین معاش به فعالیت‌های غیرهنری روی آورند. پیامد نهایی این بی‌ثباتی، از دست‌رفتن پتانسیل‌های درآمدزایی و ارزش‌آفرینی اقتصادی در بخش خلاق (و به‌طور خاص، بخش هنر) ایران است.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی فضای مجازی، وزارت دادگستری، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و... و به‌علاوه در حوزه دیجیتال، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.

- پیشنهادهای سیاستی که در بالا ارائه شد (و سایر پیشنهادهایی که خارج از گستره این پژوهش می‌توان ارائه داد)، شرط‌های لازم برای توسعه بازار هنر و افزایش درآمدهای هنری هنرمندان هستند. در عین حال، به نظر می‌رسد شرط کافی برای بیشینه‌سازی اثربخشی هر سیاستی در راستای توسعه بخش خلاق اقتصاد ایران، ایجاد یک چهارچوب قانونی باثبات، فراگیر و همه‌شمول برای این بخش است. به‌منظور تحقق این امر، لازم است وزارتخانه‌ای منسجم و یکپارچه برای بخش خلاق کشور ایجاد شود که بتواند نقش یک ناظر کلان^۱ را برای اتخاذ استراتژی توسعه اقتصادی و به‌تبع آن سیاست‌گذاری (اعم از تنظیمی و یا توسعه‌ای) ایفا کند؛ همانند آنچه در انگلستان به نام وزارت دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش^۲ ایجاد شده و عملاً ناظری واحد برای سیستم مقرراتی یکپارچه بخش خلاق این کشور است. در جمع‌بندی می‌توان گفت راه‌حل نهایی بهبود رفاه و سطح معیشت هنرمندان در کشورهای درحال توسعه‌ای همچون ایران که در آن‌ها شکاف فقر (چه برای هنرمندان سطح یک بازار و چه برای غیر آن‌ها) بزرگ است، بهبود و توسعه زیرساخت‌های بازار کالاها و خدمات بخش خلاق است.^۳

1. Mega-regulator

2. Department for Digital, Culture, Media & Sport: DCMS

۳. در کشورهای توسعه‌یافته که زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بخش خلاق به‌خوبی توسعه یافته‌اند، شکاف فقر برای افراد باقی‌مانده زیر خط فقر چنان کوچک است که با پرداخت‌های انتقالی به‌راحتی پر می‌شود (Todaro & Smith, 2020: 228-230).

منابع

- ابینگ، هانس (۱۳۹۲). درآمدی بر اقتصاد استثنایی هنر: چرا هنرمندان فقیرند. ترجمه حمیدرضا ششجوانی و لیلا میرصفیان. اصفهان: تحقیقات نظری.
- اجتهادی، سمیرا؛ ابوترابی، محمدعلی؛ ششجوانی، حمیدرضا (۱۴۰۰). "زیرساخت‌های بازار هنر، چندشغله بودن و درآمد هنری (مورد مطالعه: بازار خوش‌نویسی شهر مشهد)". *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، دوره ۸، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۳۶-۳.
- پاکباز، روئین (۱۳۹۳). *د/یره/معارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- ششجوانی، حمیدرضا (۱۴۰۰). "سیاست‌گذاری اقتصادی بخش فرهنگ؛ بررسی اثر سیاست تنظیمی کپی‌رایت بر درآمد نویسندگان ادبی در ایران". *اقتصاد و تجارت نوین*، دوره ۱۶، ش ۳ (آذر): ۸۷-۱۰۳.
- ششجوانی، حمیدرضا؛ کاووسی، اسمعیل؛ قیومی، عباسعلی (۱۳۹۹). "برآورد جریمه درآمدی و تابع درآمد ازدست‌رفته نویسندگان ادبی در ایران". *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، دوره ۷، ش ۱ (شهریور): ۱۱۹-۱۳۲.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *درآمدی بر خوش‌نویسی ایرانی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- Alper, N. O., et al. (1996). *Artists in the Work Force: Employment and Earnings, 1970-1990*. Research Report No. 37. Washington DC: National Endowment for the Arts.
- Bourdieu, P. (1973). "Cultural Reproduction and Social Reproduction". In: *Knowledge, Education and Cultural Change*. R. Brown (Ed.). London: Tavistock: 71-122.
- Buchanan, J. M.; Tullock, G. (1962). *The Calculus of Consent, Logical Foundations of a Constitutional Democracy*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Di Maggio, P.; Hirsch, P. M. (1976). "Production Organizations in the Arts". *The American Behavioral Scientist*, Vol. 19, No. 6: 735-752.
- Etzioni, A. (1995). *The Spirit of Community: Rights, Responsibilities, and the Communitarian Agenda*. New York: Crown Publishers.
- Fender, J. (2005). "Self Employment, Education and Credit Constraints: A Model of Interdependent Credit Rationing Decisions". *Journal of Macroeconomics*, Vol. 27, No. 1: 31-51.

- Flug, K.; Spilimbergo, A.; Wachtenheim, E. (1998). "Investment in Education: Do Economic Volatility and Credit Constraints Matter?". *Journal of Development Economics*, Vol. 55, No. 2: 465-481.
- Gérard-Varet, L. A. (1995). "On Pricing the Priceless: Comments on the Economics of the Visual Art Market". *European Economic Review*, Vol. 39, No. 3-4: 509-518.
- Grimsey, D.; Lewis, M. (2004). *Public Private Partnerships: The Worldwide Revolution in Infrastructure Provision and Project Finance*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.
- Hirschman, A. O. (1958). *The Strategy of Economic Development*. New Haven: Yale University Press.
- Hughes, T. P. (1984). *Networks of Power: Electrification in Western Society, 1880-1930*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Jochimsen, R. (1966). *Theorie der Infrastruktur, Grundlagen der Marktwirtschaftlichen Entwicklung*. Tübingen: JCBMohr (Paul Siebeck).
- Maisel, R. (1973). "The Decline of Mass Media". *Public Opinion Quarterly*, Vol. 37, No. 2: 159-170.
- Markusen, A. R.; Schrock, G.; Cameron, M. (2004). *The Artistic Dividend Revisited*. Project on Regional and Industrial Economics, Humphrey Institute of Public Affairs. Minnesota: University of Minnesota.
- Peterson, R. A.; Di Maggio, P. (1975). "From Region to Class, the Changing Locus of Country Music: A Test of the Massification Hypothesis". *Social Forces*, Vol. 53, No. 3: 497-506.
- Qalichkhani, H. z. (2012). *An introduction to Iranian calligraphy*. Tehran: Contemporary Culture.
- Stern, N.; Lankes, H. P. (1998). "Making the Most of Markets: The Role of IFIs". *EIB Papers*, Vol. 3, No. 2: 102-115.
- Thompson, D. (2011). "Art fairs: The Market as Medium". In: *Negotiating Values in the Creative Industries: Fairs, Festivals and Competitive Events*. B. Moeran & J. S. Pedersen (Eds.). Cambridge: Cambridge University Press: 59-72.
- Tinbergen, J. (1962). *Shaping the World Economy, Suggestions for an International Economic Policy*. New York: The Twentieth Century Fund.
- Todaro, M. P.; Smith, S. C. (2020). *Economic Development*. London: Pearson.
- Towse, R. (2014). *Advanced Introduction to Cultural Economics*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- ——— (2019). *A Textbook of Cultural Economics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Velthuis, O.; Coslor, E. (2012). "The Financialization of Art". In: *The Oxford Handbook of the Sociology of Finance*. K. Knorr Cetina & A. Preda (Eds.). Oxford: Oxford University Press: 471-487.

Cultural anthropology of pastoral life system in Kermanji's Seh – kheshti of North Khorasan

Fatemeh Zamani¹

Mozhgan Mirhoseini²

Received: 23/8/2022

Accepted: 14/3/2023

1. Introduction

Sih-Khashti is a branch of poems surviving from the tradition of Khosravani and Kheniagari before Islam, which apparently made its way to Khorasan in the northeast of Iran after the migration of the people of Kermanj in the early Safavid period (Tavhodi, 1359: 5). These type of poems are three-stanza compositions in the syllabic weights which are sung together with instruments and vocals, and acoustic and vocal music forms a part of their weighted identity (Alipour, 1395: 115). These hymns' major themes are life, love, hope, the recounting of tragedies, the melancholy of earlier eras, tears, hope, desire, wishes, the dreams of the pure and Illyrian people, and patriotism (Hosseinpour, 1389: 6–8). Reflecting on the images in the three kashties reflects the mountainous origin, and green plains, the nomadic life of the tribes, and nomads. Homelessness, war, killing and captivity are other central themes of the three clays that depict the lived experiences of the Kermanj people against the invasions of Uzbeks, Russians, and Turkmens (Alipour, 1395: 127). Therefore, three clays are the result of pastoral life organization, which, like other works of art, is a manifestation of the culture, rituals and religious beliefs of its authors. The customs, such as choosing a wife, choosing a son-in-law, holding celebrations and holidays, religious beliefs and believing in prayers and curses, superstitions and common games, how to divide work, issues related to moving and living, etc., are among the things which are mentioned in the linguistic levels of these poems are reflected; Therefore, upcoming research tries to answer these questions by examining the Kermanji three clay tiles based on the theory of cultural anthropology: 1. What are the phenomena of culture in the Kermanji's sih-khishti? 2. What is the belief system of the culture in Kermanji's sih-khishti?

1. Assistant Professor at the Department of Persian Language and Literature of Kosar University of Bojnord, f.zamani@kub.ac.ir

2. Assistant Professor at the Department of Persian Language and Literature of Kosar University of Bojnord, mmirhoseinif@kub.ac.ir

2. Research method

One of the new disciplines around culture is cultural anthropology. In fact, anthropology is the science of studying man, and his culture in order to gain real knowledge about human differences. Cultural anthropology studies man as a living cultural animal (Haviland, 2012: 32). The goal of this field, known as cultural anthropology, is to understand the cultural patterns that guide human behavior both historically and now (Bates and Plague, 2007: 37); Since culture refers to the beliefs and practices of human communities, this discipline is heavily reliant on it. Culture is investigated from a variety of viewpoints, including totalism, comparativism, and relativism (Pipelz, 2010: 21, 29). The authors have analyzed the pastoral life systems of Kermanj people in Se-Khashti with a descriptive-analytical method, citing documents and library sources, and based on the cultural anthropological approach. This study is based on the book "Sehakhshiti" of Kermanji by Hadi Bidaki (1395) from among 1386 Sehkhsti, 1000 Sehkhsti were selected to analyze different patterns of pastoral life, and their meaningful relationship with the cultural structure of nomadic life. be examined.

3. Research findings

By reference to 1000 sih-khishti, with the approach of functionalism, and structuralism of cultural anthropology, firstly, the manifestations of the phenomenal order and beliefs of the culture of Kermanj tribes in the form of pastoral patterns, such as the migration pattern, the family pattern, the marriage pattern, the mourning pattern, the division of labor pattern, the pattern of rituals and religion and the game pattern was extracted. After that, each phenomenon's function and involvement in the shepherds' social structure were examined.

4. Result

The present study shows that the family system, marriage, clothes, games, individual, and family duties, religious structure and the process of change from nomadism to monogamy are reflected in these poems. The study of cultural anthropology of family organization among the nomads indicates that the family is formed based on their livelihood and economic needs. Moreover, people's need for each other to produce food has led to creating extended families among nomads; But gradually, by becoming a replacement and turning to other occupations, such as agriculture, the family system has progressed towards nuclear families. Sih-khishti genealogy of marriage patterns reveals that economic issues have been the root cause of the young marriage age among nomadic females. The value of preserving blood links and riches among clan members is shown through marriages to other clan members, family relationships, and the abhorrence of such unions. The nomadic families used sheep, camels, chickens and goats for their daughters' shirbaha, or the equivalent of money, and taking shirbaha was to compensate the loss of the girl's

family for the loss of their production power. Cutting the hair and grabbing the head and face, as well as using a black coffin, are among the cultural symbols of Kermanj people's mourning, which are reflected in the sih-khishti. Wool spinning and horse racing are common games among Kermanj nomads; which is affected by gender and environment. Furthermore, being a Muslim and a Shiite, adhering to religious duties, such as fasting and praying and mourning in the month of Muharram, fatalism, especially in the matter of marriage, devotion to imams and especially Imam Reza, belief in magic and sorcery, prayers, and curses. One of the three-stones' mirrored religious patterns is what led to the presence of academics and clerics there. Besides, respect for some animals, such as camels and white sheep, rams, as well as some plants such as tulips and roses can indicate the totemic patterns of Kermanj clans. The architecture reflected in the sih-khishties shows the process of changing the nomadic pattern (using black tents) to monogamous (using porches, attics, etc.).

Key words: Cultural anthropology, pastoral life, Kermanji's Seh – kheshti, North Khorasan.

References

- Alipour, E. (2016). "Moa'refiy-e sorudehay-e az adabiyate shafa'ie Iran: Sekhoshstihay-e Kurmanji" [An introduction to some oral literature of Iran: Kurmanji triptychs]. *Persian Language and Iranian Dialects*, Vol. 1, No. 1, Issue 1 (Spring and Summer): 113-131. [In Persian]
- Alvifard, Yahya (2015). *Sekheshtihay-e modern: Kordi-e Kurmanji* [Modern Kurdish triptychs (Kurdish Kurmanji)]. Qom: Amou Ali. [In Persian]
- Amanollahi Baharvand, E. (2009). *Kuchneshini dar Iran: Pazhuheshi darbareh ashaayer va illaat* [Nomadism in Iran: A study on tribes and clans]. Tehran: Agah. [In Persian]
- Asgarpour, V.; Tirandaz, A.; Ajjorloo, B. (2016). Daramadi bar ghom-e bastanshenasi-e kuchervan Qaradagh markazie azarbaijan [An introduction to the archaeology of Qaradagh nomads in central Azerbaijan]. *Iranian Journal of Anthropological Research*, Vol. 6, No. 1, Issue 11 (Spring): 101-118. [In Persian]
- Azadegan, J. (2008). "Jaadu va jaadushenaasi" [Magic and magicology]. *Aftab-e Asrar*, Vol. 1, No. 4, Issue 8 (Winter): 22-31. [In Persian]
- Bahar (Malek osh-Sho'arā), M. T (1972). *Bahaar va adab faarsi: Majmue-e eyksad maghale az Malek osh-Sho'arā Bahar* [Bahar and Persian literature: A collection of one hundred articles by Malek osh-Sho'arā], Vol. 1. Edited by M. Golbon. Tehran: Franklin. [In Persian]
- Bahar, M. (1996). *Pajusheshi dar asatir Iran* [A study of Iranian myths]. Tehran: Agah.
- Bates, D.; Plaag, F. (2008). *Ensaanshenai-e farhangi* [Cultural anthropology]. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elm. [In Persian]
- Beydokhti, H. (2017). *Sekhestihay-e Kurmanji* [Kurmanji Triptychs]. Tehran: Research Institute of Culture, Art, and Communication. [In Persian]
- Freud, S. (2011). *Totem and taboo* [Totem and taboo]. Translated by Mohammad Ali Khanj. Tehran: Tehrani. [In Persian]
- Gharai Moghadam, A. (2003). *Ensanshenasi-e farhangi* [Cultural anthropology]. Tehran: Abjad. [In Persian]
- Gimbutas, M. (1991). *The civilization of the goddess: The world of old Europe*. Publisher: San Francisco, Calif: Harper San Francisco.
- Haviland, W. A. (2003). "Ensanshenasi-e farhangie" [Cultural anthropology]. Translated by Mansour Goodarzi. *Growth in Social Science Education*, No. 22 (Spring): 22-31. [In Persian]
- Heydari, Z. (2004). Totem imban be hafez va neghban [Totemism, faith in Hafez and Guardian]. *Ketab Mah-e Honar*, (Special Issue on Art and Myth), No. 75, Issue 76: 138-144. [In Persian]
- Hosseinpour, E. (2011). *Aaseman bi marz ast* [The sky has no borders]. Bojnourd: Jahani.
- Ivanov, W. (1927) "Notes on Khorasani Kurdish". *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Vol. 13, No. 1: 166-235.
- Keddie, N. R. (2016). *Zanan dar khavarmiyān-e: Gozashte takonun* [Women in the Middle East: Past and present]. Translated by Homa Madaah. Tehran: Shiraze Ketab. [In Persian]

- Khalaj, M. (2000). Bazi [Game]. *Ketab-e Sahneh*, No. 6 and 7 (Summer): 169-174. [In Persian]
- Kottak, C. P. (2007). *Ensanshenasi: Kashf-e tafavot-haye ensani* [Cultural anthropology: Exploring human differences]. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Ilmi. [In Persian]
- Managhan, J.; Just, P. (2014). *Ensanshenasi-e ejtemai-e va farhangi* [Social and cultural anthropology]. Translated by Ahmadreza Taqaa. Tehran: Mahi. [In Persian]
- Masih, H. (2013). *Sekheshti: Taranehay-e kuchak Kurmanji* [Kurmanji triptychs: Kurdish Songs]. Tehran: Negah. [In Persian]
- Peoples, J.; Bailey, G.; Bailey, C. (2011). *Ensanshenai-e farhangi: Jostarhay-e darbari ghalmro-e nazari va amali-e ensaanshenaasi farhangi* [Cultural anthropology: Essays on the theoretical and practical realm of cultural anthropology]. Translated by Ne'matollah Fazeli. Tehran: Aresteh. [In Persian]
- Rostami, A.; Rostami, F. (2008). *Majmu-e yeksad sekheshti-e Kurmanji* [A collection of one hundred and three Kurmanji triptychs]. Tehran: Sokhangostar. [In Persian]
- Saadat, E.; Mohammadi Fesharak, M. (2020). Vakavi-e mafhum ensanshenasane-e vatan dar shahnam-e: Bar asas-e tahlil sakhtarhay-e makan [Exploring the concept of humanistic homeland in Shahnameh (Based on the analysis of spatial structures).] *Iranian Journal of Anthropological Research*, Vol. 10, No. 20 (Fall and Winter): 157-177. [In Persian]
- Saboori Kashani, M. (1977). "Khanevade va tose-e dar ashayer" [Family and development in nomads]. *Social Sciences*, No. 7 (Winter): 153-157. [In Persian]
- Sepahi Lain, A. (1997). "Sekheshti: Sher-e vijeh Kurmanjiha" [Triptychs: Special poetry of Kurmanji]. *Journal of Poetry*, No. 21 (Autumn): 158-163. [In Persian]
- Shahbazi, A. (1990). *Moghadamei bar shenakht illat va ashayer* [An introduction to understanding tribes and nomads]. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Taheri, S.; Mardani, A. (2019). Tahlil neshane shenakhti-e sakhtar adabi-e sekheshtihay-e Kurmanji [Analysis of signifiers of literary structure of Kurmanji triptychs]. *Iranian Journal of Iranian Dialects*, Vol. 4, No. 2 (Fall and Winter): 199-218. [In Persian]
- Taheri, S.; Mardani, A. (2020). Peyjuie neshaanehay-e zanaane dar se kheshtihay-e Kurmanji [Exploring feminine signifiers in Kurmanji triptychs]. *Woman in Culture and Arts*, Vol. 12, No. 1 (Spring): 17-1. [In Persian]
- Talaei, H.; Nourallahi, A.; Firoozmandi Shirinjin, B. (2014). "Ghom-e bastanshenasi-e kuchneshti va ilrahay-e gharb-e zagros" [Nomadic archeological people and tribes of West Central Zagros]. *Journal of Historical Sociology*, Vol. 6, No. 2 (Fall and Winter): 164-194. [In Persian]
- Touhidi, K. (1980). *Harekat-e tarikhie kurd be Khoraasaan dar defa-e az esteghlal-e Iran* [Historical movement of Kurds to Khorasan in defense of Iran's independence]. Mashhad: Bina. [In Persian]
- Touhidi, K. (1995). *Taraanehaay-e Kurmanji Khoraasan* [Kurmanji Kurdish songs]. Mashhad: Vaghefi. [In Persian]

مقاله علمی - پژوهشی

انسان‌شناسی فرهنگی نظام زندگی شبانی در سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان شمالی

فاطمه زمانی^۱

مژگان میرحسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_168486.html

چکیده

انسان‌شناسی فرهنگی به ارتباط فرهنگ با نظام‌های مختلف یک جامعه همانند سیاست، آیین و رسوم مذهبی، باورهای عامه، نظام طبقاتی، تمایزات جنسیتی و غیره می‌پردازد. سه‌خشتی‌های کرمانجی یکی از قالب‌های شعری ادبیات عامه خراسان شمالی است که به گویش کرمانجی سروده می‌شود. این قالب شعری از گذشته تاکنون محمل اندیشه‌ها، باورها، آیین و رسوم سرایندگان بوده است؛ از این‌رو در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه نظریه انسان‌شناسی فرهنگی، کاربردی-ساختاری، درصدد پاسخ‌دادن بدین پرسش است که نظم پدیداری و اعتقادی فرهنگ در سه‌خشتی‌های کرمانجی کدام است و ساختار و کارکرد هریک از آن‌ها چگونه قابل تحلیل و واکاوی است. بدین منظور با استناد به منابع کتابخانه‌ای ۱۰۰۰ نمونه سه‌خشتی، گزینش و پربسامدترین نمونه‌های فرهنگی استخراج و سپس تحلیل شده‌است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد نظام خانوادگی کرمانج‌ها مبتنی بر خانواده گسترده و پدرتبار است. الگوی ازدواج در بین آنان درون‌همسری و به‌ندرت در خانواده‌های ثروتمند به صورت چندهمسری است. همچنین جنسیت بر نوع وظایف افراد خانواده تأثیرگذار است مردان وظیفه حفاظت از زنان و کودکان و احشام را داشتند و زنان وظیفه تهیه محصولات دامی، پخت غذا و آوردن آب از چشمه، بافندگی و غیره داشتند. تحلیل نظم اعتقادی فرهنگ (باورها، عقاید و مذهب) در سه‌خشتی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر پذیرش مذهب تشیع، برخی از باورهای کهن، مانند اعتقاد به سحر و جادو و

F.zamani@kub.ac.ir

mmirhoseinif@kub.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد، نویسنده مسؤول

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد

وجود حیوانات و گیاهان توتمی (شتر و میش سفید، گل محمدی و لاله) در بین ایشان تداوم یافته‌است. انواع پوشش‌های یادشده در این اشعار مانند شلیوار، پیراهن و روسری، متناسب با اعتقادات مذهبی و نیز حاکی از مبادلات تجاری کرمانج‌های خراسان با اقوام و مناطق دیگر ایران است. بازی‌های یادشده در سه‌خشتی‌ها مانند اسب‌دوانی و پشم‌ریسی، دلالت بر تأثیر شرایط زیست‌بومی و جنسیت بر آن دارد.

واژه‌های کلیدی: سه‌خشتی، زندگی شبانی، نظام خانواده، آیین و رسوم، باورهای عامه، انسان-شناسی فرهنگی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

خسروانی‌ها، اورامن‌ها و شروه‌ها، سروده‌های عامیانه‌ای هستند که به لهجه‌های قسمت‌های غربی و شمال غربی ایران سروده می‌شدند. سه‌خشتی‌ها^۱ شاخه‌ای از سروده‌های بازمانده از سنت خسروانی و خنیاگری پیش از اسلام است که ظاهراً پس از کوچ ایلات کرمانج در اوایل دوره صفوی به خراسان به شمال شرق ایران راه یافته است (توحّدی، ۱۳۵۹: ۵) و نیز تاکنون به حیات خود در مناطق کردنشین خراسان ادامه داده است. این نوع اشعار، سروده‌هایی سه‌مصراعی در اوزان هجایی هستند و همراه با ساز و آواز خوانده می‌شوند و موسیقی آوایی و نوایی، بخشی از هویت وزنی آن‌ها را تشکیل می‌دهد (علیپور، ۱۳۹۵: ۱۱۵). مهم‌ترین درون‌مایه‌های این سرودها، زندگی، عشق، امید، روایت نامرادی‌ها، غم قرون گذشته، اشک، امید، حسرت، آرزوها، رؤیاهای مردمی پاک و ایلیاتی، میهن‌دوستی، فداکاری و دلدادگی به یار و دیار است (حسین‌پور، ۱۳۸۹: ۸-۶). تأمل در ایماژهای موجود در سه‌خشتی‌ها، خاستگاه کوهستانی و دشت‌های سرسبز، زندگی کوچ‌نشینی و ایلات و عشایر را منعکس می‌کند. غربت، جنگ، کشته‌شدن و اسارت از دیگر مضامین محوری سه‌خشتی‌هاست که تجارب زیسته کرمانج‌ها در برابر تاخت‌وتازهای ازبک‌ها، روس‌ها و ترکمن‌ها را به تصویر می‌کشد (علی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲۷). سه‌خشتی‌ها سینه‌به‌سینه از دوران پیش از اسلام تاکنون به‌صورت شفاهی بین مردم رواج داشته است و گستره رواج آن از «بجنورد و شیروان تا نیشابور و اسفراین و این طرف تا قوچان و درگز و کلات نادر، بویژه در

۱. خشتی به معنی مصراع است و سه‌خشتی به معنی سه‌مصراعی است که هم‌وزن و هم‌قافیه‌اند (سپاهی لائین، ۱۳۷۶: ۱۵۸).

روستاها و عشایرنشین‌های تابعه؛ یعنی در ذهن و زبان بیش از یک و نیم میلیون کرمانج زمره و تکرار می‌شود» (سپاهی لائین، ۱۳۷۶: ۱۵۸)؛ بنابراین، می‌توان گفت سه‌خشی‌ها برآمده از سازمان زندگی شبانی است که همانند دیگر آثار هنری، تجلی‌گاه فرهنگ، آیین و باورهای دینی سرایندگان است. آداب و رسوم چون گزینش همسر، انتخاب داماد، برگزاری جشن‌ها و اعیاد، باورهای دینی و اعتقاد به دعا و نفرین و خرافات و بازی‌های رایج، نحوه تقسیم کار، مسائل مربوط به کوچ و سکونت و غیره، از جمله مواردی است که در سطوح زبانی این اشعار انعکاس یافته است؛ از این رو پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تأثیر نظام‌های پدیداری و اعتقادی فرهنگ شبانی را در سه‌خشی‌ها واکاوی کند و به گونه‌شناسی نظام خانواده و ازدواج در این بوم‌سروده‌ها بپردازد. بدین منظور، نگارندگان با روشی توصیفی-تحلیلی، با استناد به اسناد و منابع کتابخانه‌ای و بر پایه رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی، به تحلیل نظام‌های زندگی شبانی کرمانج‌ها در سه‌خشی‌ها پرداخته‌اند؛ بنابراین، در مقاله حاضر بر اساس کتاب *سه‌خشی‌های کرمانجی* به اهتمام هادی بیدکی (۱۳۹۶) که آخرین و کامل‌ترین گردآوری انجام‌شده از سه‌خشی‌های خراسان شمالی است، از بین ۱۳۸۶ سه‌خشی، ۱۰۰۰ سه‌خشی گزینش شده است تا الگوهای مختلف زندگی شبانی و ارتباط معنادار آن‌ها با ساختار فرهنگی زندگی کوچ‌نشینی مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد.

۱-۱. سوالات تحقیق

۱-۱-۱. نمودهای پدیداری فرهنگ در سه‌خشی‌های کرمانجی کدام است؟

۱-۱-۲. نظام اعتقادی فرهنگ در سه‌خشی‌های کرمانجی کدام است؟

۱-۱-۳. براساس سه‌خشی‌های کرمانجی، سازمان خانواده از چه نوع است و چه نقشی ایفا

می‌کند؟

۱-۱-۴. نظام ازدواج در سه‌خشی‌های کرمانجی چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات ارزنده‌ای برای شناسایی قالب سه‌خشتی‌ها صورت گرفته است. ایوانف (Ivanov, 1927) در کتاب *ترانه‌های کرمانجی* و تسوکرمان^۱ محقق روسی در کتاب *کرمانجی خراسان* به معرفی این نوع سروده‌ها و جمع‌آوری و ثبت آن‌ها پرداخته‌اند (علی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۵). ملک‌الشعراى بهار (۱۳۵۱: ۱۲۳) نیز به اشعار کرمانجی توجه کرده و بر اساس ساختارشان، آن‌ها را "غزل سه‌مصرعی" نامیده است. نخستین بار توحدی (۱۳۷۴) عنوان "سه‌خشتی" را برای این-گونه سروده‌ها پیشنهاد داد و ۲۰۲ ترانه سه‌خشتی جمع‌آوری کرد. حسین‌پور (۱۳۸۹) یکصد سه‌خشتی را در کتاب *آسمان بی‌مرز، جمع‌آوری و طبقه‌بندی موضوعی* کرده است. همچنین رستمی و رستمی (۱۳۸۷) در کتاب *یکصد سه‌خشتی کرمانجی، مسیح* (۱۳۹۲) در کتاب *سه‌خشتی: ترانه‌های کوچک کرمانج، علوی‌فرد* (۱۳۹۴) در کتاب *سه‌خشتی‌های مدرن* (کردی کرمانجی) و بیدکی (۱۳۹۶) در کتاب *سه‌خشتی‌های کرمانجی، به جمع‌آوری* ۱۳۸۶ مورد سه‌خشتی پرداخته‌اند. علی‌پور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی سروده‌هایی از شاخه ادبیات شفاهی ایران: سه‌خشتی‌های کرمانجی»، با گزینش سیصد و چهار سه‌خشتی نظام موسیقایی و زمینه معنایی-عاطفی آن‌ها را بررسی و به انعکاس زندگی کوچ‌نشینی در این سروده‌ها اشاره کرده است. طاهری و مردانی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی ساختار ادبی سه‌خشتی‌های کرمانجی»، دلالت‌های نشانه‌های زبانی را در ارتباط با جانوران، گیاهان، اشیا و پدیده‌های طبیعی سنجیده‌اند و همچنین در مقاله دیگری با عنوان «پی‌جویی نشانه‌های نوشتار زنانه در سه‌خشتی-های کرمانجی» (۱۳۹۹)، به سبک نگارش زنانه در سه‌خشتی‌ها پرداخته‌اند. همچنین درباره کوچ‌نشینی در ایران نیز مطالعاتی به صورت کتاب و مقاله انجام شده است؛ برای مثال کتاب *کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات، اثر امان‌اللهی بهاروند* (۱۳۸۸) به بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اغلب طوایف کوچ‌نشین لرستان و بلوچستان پرداخته است. طلایی، نوراللهی و فیروزمندی شیره‌جین (۱۳۹۳)، در مقاله «قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی» ایلات کوچ‌روی زاگرس مرکزی و تبادلات فرهنگی آن‌ها با یکدیگر را بررسی کرده‌اند. عسگرپور، تیرانداز و آجورلو (۱۳۹۵)، در مقاله «درآمدی بر

قوم باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌داغ مرکزی آذربایجان» نشان می‌دهند که با توجه به شاخصه‌های محیطی و بوم‌شناختی حاکم بر منطقه قره‌داغ مرکزی، سنت‌های فرهنگی موجود در آن، بیش از سه‌هزار سال و با محوریت کوچ‌روی عمودی، تداوم یافته است؛ بنابراین، مروری بر تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی مستقل که از منظر انسان‌شناسی فرهنگی به بررسی و تحلیل نظام خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی کوچ‌نشینان بر اساس سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان شمالی پرداخته باشد، انجام نشده است.

۳. مبانی نظری انسان‌شناسی فرهنگی

نخستین تعریف مهم فرهنگ از سوی ادوارد تایلور^۱، انسان‌شناس بریتانیایی در سال ۱۸۷۱م. داده شد. او فرهنگ را «مجموعه پیچیده‌ای دربردارنده دانش، اعتقادات، هنر، قانون اخلاقیات، آداب و رسوم و دیگر توانایی‌ها و عاداتی که یک فرد به‌عنوان عضو جامعه نیاز دارد» تعریف می‌کند. در دهه ۱۹۵۰، آلفرد لونیس کروئبر^۲ و کلاید کلوک هوهن^۳، با بررسی نزدیک به دویست تعریف ارائه‌شده از فرهنگ، به این نتیجه رسیدند که فرهنگ دربردارنده الگوهای رفتار آموخته‌شده و منتقل‌شده از طریق نهادها و دست‌ساخت‌ها، ازجمله زبان و هنر است (هاویلند، ۱۳۸۲: ۲۴). محققانی چون رناتو روسالدو^۴ از حرکات چرخشی روی نوک پنجه در رقص باله گرفته تا حیوانی‌ترین رفتارهای انسانی را از دخالت فرهنگ برکنار نمی‌دانند (ماناگن و جاست، ۱۳۹۳: ۶۲). یکی از رشته‌های جدید پیرامون فرهنگ، انسان‌شناسی فرهنگی است. درواقع، انسان‌شناسی، علم مطالعه انسان و فرهنگ اوست تا به شناختی واقعی پیرامون تفاوت‌های انسانی دست یابد. انسان‌شناسی فرهنگی، انسان را به‌عنوان یک حیوان جاندار فرهنگی مطالعه می‌کند (همان: ۳۲). انسان‌شناسی فرهنگی رابطه انسان و فرهنگ با محیط زیست او را مطالعه می‌کند و هدف این علم، شناخت الگوهای فرهنگی مسلط بر زندگی بشر در گذشته و امروز است (بیتس و پلاگ،

-
1. Edward Tylor
 2. Alfred Louis Kroeber
 3. Clyde Klock Hohen
 4. Renato Rosaldo

۱۳۸۷: ۳۷)؛ در نتیجه تکیه این رشته بر فرهنگ؛ یعنی باورها و رسوم گروه‌های انسانی است و فرهنگ از چشم‌اندازهای گوناگونی چون کل‌گرایی^۱، مقایسه‌گرایی^۲ و نسبی‌گرایی^۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد (پیپلز، ۱۳۹۰: ۲۱، ۲۹). همچنین انسان‌شناسی فرهنگی، شامل مکاتب فکری چون مکتب تکامل فرهنگی، مکتب اشاعه‌گرایی^۴، کارکردگرایی^۵، مکتب ساخت‌گرایی^۶ و مکتب اصالت فرهنگی^۷ است. مکتب تکامل‌گرایی بر تطور و تکامل فرهنگ و تمدن و طرز زندگی بشر تأکید دارد. مکتب اشاعه‌گرایی، چند مرکز فرهنگی بزرگ، مانند مصر، یونان و بین‌النهرین را منشأ فرهنگ جوامع انسانی می‌داند. کارکردگرایی، بقای کلیه سنن، ارزش‌ها و هنجارها و نهادهای اجتماعی را به کارکرد آن‌ها در نظام اجتماعی مرتبط می‌داند. در مکتب ساخت‌گرایی هر پدیده اجتماعی، جزئی از نظام اجتماعی است که در همان نظام قابل درک است. مکتب اصالت فرهنگ نیز کنش متقابل میان افراد و الگوهای فرهنگی را بررسی می‌کند (قرائی‌مقدم، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۶۶).

انسان‌شناسی فرهنگی خود با سه رشته "باستان‌شناسی"، "زبان‌شناسی" و "مردم‌شناسی"، ارتباطی تنگاتنگ دارد. باستان‌شناس با مطالعه آنچه که انسان باستانی بر جای نهاده است، به گردآوری مدارک مربوط به چگونگی رشد، دگرگونی و روابط متقابل فرهنگ‌ها با هم می‌پردازد. زبان‌شناس از طریق تحلیل زبان‌ها به شناخت ما از انسان و شرایط پیش‌ازتاریخی او کمک می‌کند. مردم‌شناس به مطالعه فرهنگ‌های امروزی می‌پردازد و از طریق شناخت نهادهای اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و مذهبی، می‌تواند نظام فرهنگی را بشناسد؛ همچنین ارتباط گسست‌ناپذیر جنبه‌های مختلف فرهنگی به یکدیگر را دریابد. مطالعه فرهنگ در انسان‌شناسی از دو دیدگاه قابل بررسی است. دیدگاه اول "نظم‌پدیدی" است که پدیده‌های قابل مشاهده در یک فرهنگ،

۱. کل‌گرایی (Holism)، هیچ جنبه‌ای از اجتماع و فرهنگ انسانی بدون مطالعه ابعاد دیگر قابل فهم نیست.

۲. مقایسه‌گرایی (Comparativism) معتقد است هر نظریه و عقیده دربارهٔ انسان‌ها- دربارهٔ طبیعت بشر، روابط جنسی، نزاع و غیره- لازم است در چشم‌اندازی مقایسه‌ای آزمون شود.

۳. نسبی‌گرایی (Relativism) هیچ فرهنگی به‌طور ذاتی برتر یا پست‌تر از فرهنگ دیگر نیست.

4. Diffusionism
5. Functionalism
6. Structuralism
7. Culturalism

مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال طرح‌ها، نقشه‌ها، ابزار، رنگ‌ها و اهدافی که از بافت یک گلیم در فرهنگ خاصی وجود دارد، پدیده‌های قابل مشاهده‌ای هستند که بر نظام رفتاری مشترک و پذیرفتنی در آن جامعه دلالت دارند. دیدگاه دوم "نظم اعتقادی" است که ارزش‌ها و باورها و اصول را دربرمی‌گیرد. از این منظر انسان‌شناس، ارتباط مناسک مذهبی را با طرح‌ها و نقش‌های به‌کارگرفته‌شده در یک فرهنگ، مورد مطالعه قرار می‌دهد (بی‌تس و پلاگ، ۱۳۸۷: ۳۷). درواقع زیست جمعی، روابط و اشتراکاتی میان انسان‌ها به وجود می‌آورد و آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و زیست‌بوم مشترک سبب ایجاد شیوه تغذیه، تأمین ذخایر غذایی، آیین‌ها، اساطیر، جادو و اندیشه توتمی مشترک می‌شود (سعادت و محمدی فشارکی، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

۴. انسان‌شناسی فرهنگی در سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان

سه‌خشتی‌های کرمانجی، یکی از اسناد ارزشمند هنری- تاریخی است که سازمان زندگی اجتماعی شبانان کرمانج خراسان را سینه‌به‌سینه برای آیندگان حفظ کرده است، تا به امروز که به همت پژوهشگران تعداد قابل توجهی از آن‌ها به صورت مکتوب ثبت و ضبط شده‌اند. در ادامه با استناد به ۱۰۰۰ سه‌خشتی با رویکرد کارکردگرایی و ساختارگرایی انسان‌شناسی فرهنگی، ابتدا نمودهای نظم پدیداری و اعتقادی فرهنگ اقوام کرمانج در قالب الگوهای شبانی همانند الگوی کوچ، الگوی خانواده، الگوی ازدواج، الگوی عزاداری، الگوی تقسیم کار، الگوی مناسک و مذهب و الگوی بازی استخراج گردید که در جدول ۱ قابل مشاهده است. سپس نقش و کارکرد هریک از نمونها در نظام اجتماعی شبانان تحلیل و واکاوی می‌شود.

جدول ۱) انسان‌شناسی فرهنگی زندگی شبانی در سه‌خشتی‌های کرمانی

نشان‌های تغییرات فرهنگی	ساختار مذهبی	سنخ - شناسی بازی	نظام وظایف خانوادگی	گونه‌شناسی پوشاک و تزئینات	سنخ‌شناسی ازدواج	نظام خانواده
- دامداری در مقابل کشاورزی - سیاه‌چادر در مقابل بالاخانه - خانواده گسترده در مقابل خانواده تک‌هسته‌ای	- مسلمان و شیعه - دعا و نفرین - عزاداری - تقدیرگرایی - سحر و جادو - عناصر توتمی	- زیست‌بوم - جنسیت - طبقه - اجتماعی - گروه سنی - شرایط اقتصادی	- نقش - جنسیت - مردان: چوپانی، پاسپانی - زنان: تهیه مواد غذایی و دارویی	- انواع پوشاک (پیراهن، شیلوار و روسری) - جنس پوشاک - نقش و نگارهای پوشاک - رنگ لباس - جنسیت - گروه سنی	- درون - همسری - ازدواج اجباری - تعیین شیربها - نوع پوشش در مراسم ازدواج - آیین و رسوم عقد و عروسی	- خانواده گسترده - عامل معیشت در شکل‌گیری خانواده - پدر سالاری - تک‌همسری

۴-۱. انسان‌شناسی نظام خانواده

با توجه به آنچه که از نظام خانواده در سه‌خشتی‌های کرمانجی انعکاس یافته است، می‌توان به گونه‌شناسی خانواده در بین کرمانج‌های خراسان شمالی پرداخت. خانواده از نظرگاه‌های مختلف به پنج نوع تقسیم می‌شود: ۱. هسته‌ای یا گسترده؛ ۲. یک‌زنه یا چندزنه؛ ۳. کوچ یا اسکان؛ ۴. مردم‌کانی، زن‌مکانی و نومکانی و ۵. پدرنسی یا مادرنسی (صبوری کاشانی، ۱۳۵۶: ۱۵۳). آنچه از سازمان خانواده در سه‌خشتی‌ها انعکاس یافته است، نشان می‌دهد که عروس‌ها در کنار خانواده همسر زندگی و در امور خانه، مانند پخت نان و تهیه محصولات دامی به مادرشوهر کمک می‌کردند: «ای چوپان خداقت/ عصر یار خودش نزد گله می‌آید/ و فردا ظهر نان و دوغ برایت می‌آورد» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۲۶۵)؛^۱ در نتیجه غالباً خانواده‌های کوچ‌نشین کرمانج از نوع خانواده

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۲۰۶، ۲۰۸.

گسترده هستند؛ به این معنی که فرزندان، بویژه فرزندان پسر بعد از ازدواج در کنار خانواده پدری زندگی می‌کنند و «ازدواج یکی از سازه‌های خانواده‌های گسترده پدرسالار بود که در آن‌ها تبار پدری بیشتر از روابط زناشویی اهمیت داشت» (کدی، ۱۳۹۵: ۲۶). همچنین خانواده، شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود و گذشته از وظیفه فرزندآوری و پرورش کودک که موجب استمرار و بقای نوع بشر می‌گردد، وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، تعلیم و تربیت، اجتماعی کردن فرد، آموختن آداب و رسوم و مهارت‌ها و فنون، انتقال ارزش‌ها و هنجارها و میراث فرهنگی جامعه را بر عهده دارد (قرائی‌مقدم، ۱۳۸۲: ۲۲۱). از این نظر نیز بررسی سه‌خشتی‌های کرمانجی نشان می‌دهد که روابط و مناسبات معیشتی؛ یعنی فعالیت‌های اقتصادی در شکل‌گیری خانواده‌های شبانی و کوچ‌نشین نقش بسزایی دارد؛ چراکه «در اغلب قبایل چوپانی حتی بیشتر از مناطق یکجانشین گروه خویشاوندی مهم‌ترین واحد اقتصادی و سیاسی بود» (کدی، ۱۳۹۵: ۲۶). بدین خاطر است که در امر ازدواج در خانواده‌های گله‌دار، داماد ملزم به پرداخت شیربهای دختر بوده است تا ضرری که خانواده دختر بابت از دست‌دادن ظرفیت تولیدی او متحمل می‌شدند، جبران شود و همچنین تضمینی بود برای تعلق فرزندان حاصل از این ازدواج به خانواده پسر. این مسئله در سه‌خشتی‌های کرمانجی در اشاراتی که به طمع‌کاری و حرص خانواده دختر در تعیین شیربها داشتند انعکاس یافته است: «من قصد دارم تو را خواستگاری کنم/ ولی والدینت ناسازگار هستند/ و کابین زیادی از من می‌خواهند» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۳۲۱). همچنین سازمان خانواده‌های کرمانج، مبتنی بر پدرسالاری است؛ به‌گونه‌ای که پدر و پسران خانواده در ازدواج دختر نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند: «من خواهر سه برادر هستم/ هرکس مرا خواستگاری کرد، آن‌ها مرا ندادند/ درنهایت بی‌دل عروس کردند» (همان: ۱۱۹). مردان طایفه وظیفه پاسداری از زنان و فرزندان و احشام را داشتند: «یار در میان سبزه‌زار/ به تفنگ خود تکیه داده» (همان: ۲۷۳)؛ «ای پسر پوستین‌پوش/ که پهلوی به پهلوی خان دادی (و جنگیدی)/ و راه ترکمانان را بریده و قلع و قمع کردی (همان: ۲۸۵). زنان نیز به شیردوشی و تهیه کشک و روغن حیوانی، پشم‌ریسی و پخت نان و دیگر امور خانه می‌پرداختند: «یار در حال دوشیدن گاو است» (همان: ۲۷۶).

با وجود گستردگی خانواده‌های شبان و دشواری‌های زندگی کوچ‌نشینی، روابط بین زن و مرد عموماً مبتنی بر عشق و محبت و وفاداری است: «دل من در بند عشق یار است» (همان: ۱۱۸).^۱ این میزان وفاداری و مهر و محبت بین زوجین موجب ایجاد همبستگی و اتحاد بین اعضای خانواده و طایفه می‌شود؛ هرچند در برخی از ابیات، به عدم رضایت زن نسبت به خلق و خوی خشن همسرش اشاره شده است: «ای دختر سپیدروی گلابی‌گونه/ گرفتار شوهر بد و زشتی شدی/ و تا طلاق نگیری خلاصی نداری» (همان: ۹۵، ۱۰۴).

نظام خانواده در بین کوچ‌نشینان کرمانج غالباً مبتنی بر تک‌همسری است و در موارد اندکی در برخی از ابیات به سکونت هووها با هم در یک جا اشاره می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد وجود چندهمسری بین کرمانج‌های خراسان مرسوم نبوده است و اگر مردی همسر دیگری اختیار می‌کرد، زن دوم از جانب خانواده شوهرش مورد سرزنش قرار می‌گرفت: «قله کوه‌ها پر از میوه نارنج است/ بار برنج را بر شتران سوار کن (تا برویم)/ که زندگی با هوو توأم با سرزنش است» (همان: ۱۷۸). از مضمون این بیت پیداست علت چندهمسری، چنان‌که انسان‌شناسان بدان پرداخته‌اند نیاز جوامع گله‌دار یا کشاورز به نیروی کار زنان است و عموماً در بین خانواده‌های ثروتمند رخ می‌داده است؛ چراکه تعداد زنان سرچشمه ثروت، قدرت و منزلت اجتماعی بوده است و قرائی مقدم (۱۳۸۲: ۲۲۰) اشاره می‌کند «چندهمسری در برخی از مناطق ایران مانند خراسان، بین مردان ثروتمند و پابه‌سن‌گذاشته رایج بوده است». همچنین از آنجاکه زنان جایگاه و وظایف مهمی در خانواده‌های عشایر دارند، بعضاً ناسازگاری هووها موجب از بین رفتن اموال شوهر می‌شود و این مسئله در سه‌خشتی‌ها نیز انعکاس یافته است: «پدرم خانه‌خراب شد/ اموالش میان سیاه-چادرها تقسیم شد/ و علتش مادرم نه؛ بلکه نامادری‌ام بود» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۸۶).

با تحول در نظام اجتماعی، ساختار خانواده نیز که جزئی از آن است، متحول می‌شود. مطالعه سه‌خشتی‌ها بر این نکته دلالت دارد که به‌تدریج با روی آوردن شبانان کوچ‌رو به یکجانشینی؛ یعنی تغییر در نظام اجتماعی، الگوی خانواده نیز تغییر یافته است. با سکونت کوچ‌نشینان در روستاها، مردان به مشاغلی غیر از دامداری روی آوردند و خانواده‌های گسترده جای خود را به

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۶۶، ۷۲، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹.

۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۶، ۲۸۹.

خانواده‌های هسته‌ای (متشکل از زوجین و فرزندان) دادند: «محصول بالا و پایین دره را/ دسته‌جمعی درو می‌کنیم/ که (آن محصول) خوراک امسال من و یار است» (همان: ۲۵۲). لازم به ذکر است خانواده‌های کرمانج در روابط سیاسی خود با اقوام دیگر از "خان" - رئیس طایفه و قبیله - تبعیت می‌کردند. در سه‌خشی‌ها به تعدادی از خان‌های کرمانج اشاره شده است؛ مانند ججوخان، سردار عیوض‌خان، فرج‌خان و مَوْت‌خان (همان: ۱۷۶، ۱۹۳، ۱۹۴ و ۲۹۰) که مردان ایل به سرداری آنان به مبارزه با ترکمانان، روس‌ها و دیگر دشمنان خود می‌پرداختند: «ای ججوخان بر اسبت سوار شو/ که سربازان روس آمده‌اند و جنگ درمی‌گیرد/ و ججوخانی مانند تو پیدا نخواهد شد» (همان: ۲۹۰) / «فرج‌خان مانند نره‌شیر است/ ترکمانان را به گلوله بست/ و تمام آنان را اسیر کرد» (همان: ۱۹۳).

همان‌طور که در مبانی نظری بدان اشاره شد، از دیدگاه مکتب ساختارگرایی، هر پدیده اجتماع در ارتباط با نظام اجتماعی قابل درک است. در نظام اجتماعی کرمانج‌ها، یکی از کارکردهای وجود خانواده گسترده، در الگوی نوبتی کردن چوپانی، خود را نشان می‌دهد. در برخی از ابیات سه‌خشی‌ها، به به‌نوبت به‌چراغ‌بردن گوسفندان و شتران اشاره شده است: «امروز نوبت شتربانی ماست/ شترها به آن زمین هموار و وسیع رفته‌اند/ گله آن‌ها برگشت ولی ماده‌ها ماندند» (همان: ۱۲۸). علاوه بر این، نوبتی کردن چوپانی نیز به نیاز افراد طایفه به یکدیگر برای تأمین نیازهای زندگی دلالت دارد: «اینجا اوبه است/ چوپانی در او به‌نوبت است/ نوبت‌ها گذشتند و نوبت به ما رسید» (همان: ۱۹۱). آیین مربوط به ازدواج نیز بر روی الگوی چوپانی تأثیرگذار بوده است؛ زیرا در مواردی که داماد قادر به پرداخت شیربها نبوده است، برای خانواده عروس به‌عنوان خدمت دامادی، چوپانی می‌کرده است: «من چوپان پدرت هستم/ گوسفندان را می‌چرانم و آب می‌دهم/ و منتظر فرصت خود هستم» (همان: ۱۲۱).

۴-۲. سنخ‌شناسی ازدواج

مراسم ازدواج انعکاس‌یافته در سه‌خشتی‌ها دلالت بر این امر دارد که الگوی ازدواج نیز همانند الگوی خانواده در سازمان شبانی با الزامات معیشتی (اقتصادی) در ارتباط است. معمولاً کوچ-نشینان به علت شرایط دشوار اقتصادی، دختران خود را در سنین پایین به خانه شوهر می‌فرستادند: «چه کنم که هنوز یارم سن کمی دارد/ و قادر نیست امور منزل را انجام دهد» (همان: ۱۵۴). همچنین بررسی این اشعار نشان می‌دهد در بین اقوام کرمانج، درون‌همسری^۱ مرسوم بوده است. درون‌همسری به معنی ازدواج با اقوام، خویشاوندان و بستگان نسبی و سببی و یا افراد یک طایفه و قبیله و دهکده است (قرائی‌مقدم، ۱۳۸۲: ۱۲۶). در گرایش به درون‌همسری، عواملی چون حفظ ثروت در طایفه، افزایش همبستگی و اتحاد بین افراد طایفه مطرح است؛ بنابراین، پسران کرمانج، دختری را از بین دختران فامیل (بویژه دخترعمه و دایی و عمو) انتخاب می‌کردند و برای اینکه اطمینان حاصل کنند دختر مورد نظرشان نیز به آن‌ها علاقه دارد، از علائم و نشانه‌هایی مانند گذاشتن سیب سرخ داخل سبد استفاده می‌کردند: «ما دخترعمه و پسر دایی هستیم/ که با اشاره دستمال دختر عمه را صدا می‌زنم/ و از دیدن زیبایی او سیر نشده‌ام» (همان: ۲۶۰). دختران نیز اگر به پسری علاقه‌مند بودند، برای او دستمال سرخی تکان می‌دادند و یا گلی داخل دستمالی می‌پیچیدند و به پسر می‌دادند: «از این سو از این سو/ با اشاره دستمال منقش به گل شفتالو/ مرا متوجه خود کرد» (همان: ۱۱۱).^۲

از آنجاکه پدر تعیین می‌کرد دختر با چه کسی ازدواج کند، پدیده ازدواج اجباری و نارضایتی‌های حاصل از آن در سه‌خشتی‌ها انعکاس یافته است: «ای شتربان شتران نر/ از اول غروب به شهر رفتم/ و مرا کتک زدند و (به زور) شوهر دادند» (همان: ۲۸۲). به نظر نگارندگان، مضمون این ابیات احتمالاً به وجود رسم "تَهْوَه"^۳ دلالت داشته باشد و همان‌طور که کدی (۱۳۹۵: ۲۶) بدان اشاره می‌کند «در اغلب قبایل، کنترل مردان بر خویشاوندان مؤنشان شدید است». علاوه بر پدر، برادرها نیز در

1. Endogamy

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات ۸۵، ۳۷۳.

۳. اصطلاح تَهْوَه زمانی به کار می‌رود که دختری حاضر به ازدواج با پسرعموی‌اش نشود و بخواهد با فرد دیگری ازدواج کند. دختر در مظان تهمت قرار می‌گیرد و ریختن خونس حتمی است (قرائی‌مقدم، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

ازدواج خواهرشان دخیل هستند: «من خواهر سه برادر هستم/ هرکس مرا خواستگاری کرد، ندادند/ درنهایت مرا بی‌دل عروس کردند» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۱۱۹). عاشق نیز بعد از ازدواج معشوق، راهی غربت می‌شود: «دل‌م پر از درد است/ درد غربت رنج‌آور و طاقت‌فرساست/ عزیزم را بی‌دل عروس کردند» (همان: ۱۶۲)؛ درنتیجه مجموعه این عوامل بر مردسالاری خانواده‌های کوچ‌نشین کرمانج دلالت می‌کند. هرچند با تغییر الگوی کوچ به سکونت در بین خانواده‌های شهرنشین، مشاهده می‌شود که دختران در انتخاب همسر از آزادی برخوردارند: «اینجا شهر آشناخته است/ پرسیده‌ام جواب منفی به خواستگاری من داده‌ای/ و با این کار مرا ذره‌ذره سوزانده‌ای» (همان: ۱۹۱).

همچنین «بیشتر کوچ‌نشینان به پاکی تبار خود و کنترل خانواده بر میل جنسی زنان اهمیت می‌دادند که در قالب ارجحیت‌نهادن به ازدواج با عموزاده‌ها و عمه‌زاده‌ها ابراز می‌شد؛ به این ترتیب دارایی خانواده نیز محفوظ می‌ماند» (کدی، ۱۳۹۵: ۲۵). بررسی سه‌خشتی‌ها نیز نشان می‌دهد در بین عشایر کرمانج، ازدواج طایفه‌ای مرسوم بوده است و برای ازدواج دختر با پسری از طایفه دیگر سخت‌گیری می‌کردند: «ای شکارچی اهل درگز/ که خواهان دختر سیاه‌چادرهای ما هستی/ بدان که والدینش راضی به این امر نخواهند شد (بیدکی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)؛ «ای پسری که از طایفه ما نیستی/ و به زمین هموار و وسیع بار و بنه‌ام آمدی/ بدان که دخترشان را (که من باشم) به تو نخواهند داد» (همان: ۸۰)؛ البته در مواردی ممکن است دختر و پسر از طوایف مختلف با یکدیگر قول و قرار ازدواج بگذارند: «ای دختر طایفه قهرمانلو/ ما با یکدیگر قول و قرار ازدواج گذاشتیم/ و غروب بود که این قول را بر عهده گرفتی (همان: ۹۱)». هرچند به نظر می‌رسد دختران نیز تمایل به ازدواج با افراد غریبه نداشتند: «من در میان آتش سوخته شدم/ مانند اخگری نیم‌سوز بر سر چوب/ که مرا در غربت شوهر داده‌اند» (همان: ۱۲۱). همچنین، معیار فرهنگی گزینش همسر، علاوه بر روابط خویشاوندی، زیبایی و آراستگی زنان نیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که در ابیات زیادی به موضوع زشتی و زیبایی زنان اشاره شده است: «با زن بد و زشت ازدواج نکنید/ وگرنه باید یک عمر بسوزی و بسازی/ و فرزندار که بشوی هرگز خلاصی نداری» (همان: ۱۱۵)^۱.

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۱۷، ۲۳۴.

مراسم عروسی نیز از مراحل مهم در فرایند الگوی ازدواج بین عشایر کرمانج است. بعد از آمدن خانواده پسر برای خواستگاری، شیربها برای دختر تعیین می‌شد. این شیربها معمولاً تعدادی گوسفند، مرغ، شتر، اسب بوده است: «ای چوپان، گوسفندان را آب بده/ بز نر را بفروش و تبدیل به پول کن/ و برای کابین کمرباریک خارج کن/ لاله‌راز منزلگاه جدید ماست/ در ازای کابین تو گوسفند تحویل داده‌ام/ و از رفتارت لذت می‌برم» (همان: ۲۰۷).^۱ همچنین در سه‌خشتی‌ها به گرفتن شیربها و کابین سنگین اشاره شده است: «از دست مادرش چه کار کنم؟/ مرا مانند پوف به خوراک سگ داد/ و مرا به مال دنیا فروخت» (همان: ۲۴۶)؛ از این‌رو، اگر خانواده پسر نمی‌توانست شیربهای مورد نظر خانواده دختر را بپذیرد، ازدواج آن‌ها سر نمی‌گرفت: «من قصد دارم تو را خواستگاری کنم/ ولی والدینت ناسازگار هستند/ و کابین زیادی از من می‌خواهند» (همان: ۳۲۱).^۲ به نظر می‌رسد پوشش دختر در مراسم خواستگاری متناسب با وضعیت مالی خانواده پسر بوده است: «پارچه تنت از جنس ابریشم بدون نقش است/ و پیراهنت مزین به سکه‌های قدیمی است/ خواستگاران چه کسانی هستند» (همان: ۱۴۱). در صورت موافقت خانواده دختر، برای او سیب سرخ‌رنگ یا انگشتی طلا می‌آوردند و به اصطلاح او را نشان می‌کردند: «سیب سرخی در داخل سبد دارم/ که با آن دخترعمه را نشان خواهم کرد» (همان: ۲۳۸).

در برخی از ابیات به خدمت دامادی نیز اشاره شده است؛ به این معنی که اگر پسر نمی‌توانست کابین تعیین‌شده را به خانواده دختر بپردازد، برای آن‌ها چوپانی می‌کرد: «من گوسفندان شما را می‌چرانم/ و خواب را بر خودم حرام می‌گردانم/ تا کابین تو را تدارک ببینم» (همان: ۳۲۲).^۳ معمولاً پسر تا تولد اولین فرزندش، پیش خانواده دختر می‌ماند. این مسئله به دختر کمک می‌کرد تا با راحتی بیشتری دوران بارداری و زایمان را سپری کند. همچنین نگارندگان مقاله حاضر احتمال می‌دهند خدمت دامادی، بازمانده نظام مادرتباری در بین کوچ‌نشینان باشد؛ چراکه «در گروه‌هایی با نظام مادرتباری، به نسبت وارث در تبار زن اهمیت می‌دادند و شوهرانشان را موظف به زندگی نزد خانواده همسران خویش می‌کردند (کدی، ۱۳۹۵: ۲۸).

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات ۱۳۷، ۲۱۳، ۲۴۰.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات ۱۲۳، ۱۶۲، ۲۵۴.

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات ۲۴۵، ۳۲۷.

مرحله بعد از تعیین شیربها، خواندن خطبه عقد است: «انگشتی تو از جنس عقیق است/ من از عشق تو دق خواهم کرد/ زیرا متن عقد و صیغه تو را نوشته‌اند» (همان: ۱۲۶). سپس به میمنت ازدواج صورت گرفته، برای شیرین کردن کام اقوام و خویشان، رسم قندشکنی به جای می‌آوردند: «ستارگان آسمان سوسو می‌زنند/ کله‌قند را شکستند/ و دختر را به پسری سواردار دادند» (همان: ۱۵۹): «سیاه‌چادر پدرت به وسعت میدانی است/ صدای شکستن کله‌قند از آنجا به گوش می‌رسد/ و قند عقد دختران و پسران است» (همان: ۱۹۷). در دوران عقد (به اصطلاح نامزدی) در اعیاد مختلف مذهبی و جشن‌های باستانی مانند نوروز، خانواده داماد برای عروشان عیدی می‌فرستادند و این عیدی معمولاً اقلام خوارکی، پوشاک یا طلا بود: «ای پسر که در دوران نامزدی هستی/ از بس رفتی و آمدی پاهایت آبله زده است/ برای عروس عیدی فرستادی ولی آن را نپذیرفتند» (همان: ۲۸۷).

بعد از آنکه تاریخ عروسی مشخص شد، دوستان داماد در تدارک عروسی به او یاری می‌رسانند: «این عروسی دوست من است/ با چشم و دل خدمت می‌کنم/ و آوازخوانی مجلس بر عهده من است» (همان: ۱۸۷). موقع بردن عروس به خانه داماد، دستمالی به دور کمر عروس می‌بستند: «ای گل ای گل کله‌قند/ دستمالی بر بند کمرت نهادم/ ولی تو به من کلک و نیرنگ می‌زنی» (همان: ۲۷۹) و شال سرخ رنگی بر روی سر او می‌انداختند: «عروسی را از راه کوه روانه کردند/ شال قرمز رنگی را با سوزنی بر سرش بسته بودند/ حیف که پدرشوهرش با او بود» (همان: ۷۰). سپس برای بردن عروس به خانه داماد، کابینی برای او بر روی شتر تدارک می‌دیدند: «ای شتربان، شتران را حرکت بده/ نرینه سیاه مایل به قرمز را جلو بینداز/ و جای یار را روی آن آماده کن» (همان: ۱۶۸) و بر سر عروس و داماد شاباش می‌ریختند: «اینجا مراسم عروسی برپاست/ و سکه پناه‌آبادی شاواش کنند/ پناه‌آبادی که بسیار گران‌بهاست» (همان: ۱۸۸). قبل از بردن عروس به خانه داماد، عروس و داماد برای سیاحت به سبزه‌زار می‌رفتند: «این مراسم عروسی کرمانج‌هاست/ که صدای بخشی‌های‌اش به گوش می‌رسد/ عروس را به سیاحت سبزه‌زار برده‌اند» (همانجا). همچنین معمولاً مهمانان هدایایی به عروس و داماد می‌دادند که خانواده داماد با پول آن برای عروس طلا می‌خریدند: «این عروسی پسر من است/ که آوازخوانی در آن بر عهده من است/ و هر چه آوردند سهم من است» (همانجا). نوازندگی نیز در مراسم عروسی مرسوم بوده است: «اینجا روستای تکمران است اینجا/ صدای نوازندگان به گوش می‌رسد/ عروس را به منزل آنان برده‌اند» (همان: ۱۴۹).

۴-۳. گونه‌شناسی پوشاک

در سه‌خشتی‌ها به پوشش رایج بین کرمانج‌ها اشارات فراوانی شده است. پیراهن، شیلوار و روسری از جمله پوشش‌هایی است که بسامد تکرار آن‌ها در سه‌خشتی‌ها بسیار است و حتی به رنگ پوشش‌ها نیز اشاره شده است؛ به‌عنوان مثال، پیراهن، شیلوار و روسری نخودی: «آن پیراهن نخودی‌رنگ و یقه‌باز/ در امام‌زاده آرزوکنان است/ ان‌شاءالله من قسمت تو شوم» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۷۷)؛ سفیدرنگ: «شیلوار سفیدش در چرخ و تاب است» (همان: ۸۰) و آبی‌رنگ: «روسری تو آبی‌رنگ است/ و جوانان بر سر داشتن تو دعوا دارند» (همان: ۱۱۵، ۲۰۲). همچنین به جنس و نقش و نگارها و تزئینات و رنگ لباس‌ها نیز اشاره شده است: «پارچه تنت از جنس ابریشم بدون نقش است/ و پیراهنت مزین به سکه‌های قدیمی است/ خواستگاران‌ت چه کسانی هستند» (همان: ۱۴۱)؛ روسری تو منقش به گل سرخ است (همان: ۲۰۱)؛ «یالایالاکنان از آن سو می‌آید/ آن پیراهن نخودی‌رنگ یقه‌باز/ برای دستیابی به او دست به درگاه خدا برمی‌دارم» (همان: ۷۳)؛ بنابراین اشاره به رنگ، جنس و تزئینات متنوع پوشاک زنان و مردان در سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان، دلالت بر روابط تجاری این اقوام با اقوام و سرزمین‌های دیگر دارد؛ چراکه اقتصاد معیشتی کرمانج‌ها که مبتنی بر دامداری است، توانایی تولید این میزان از تنوع رنگ و جنس و تزئینات را نداشته است.

از آنجاکه عشایر کرمانج مسلمان هستند، زنانشان موی و صورت خود را از نامحرم می‌پوشانند و در ابیاتی به پوشیدگی صورت زنان اشاره شده است: «روسری را یک‌لا بر سر کرده‌ای/ چرا روسری از جلوی دهانت کنار رفته؟/ مگر مادرت کور است که به تو گوشزد نمی‌کند» (همان: ۲۰۲) و یا «روسری را از رویت کنار بزن/ چشم و ابرویت را نشان بده/ تا دل جوانان از اشتیاق به درد آید» (همان: ۱۹۹).

همچنین آراستگی زنان و دختران کرمانج به طلا و زیورآلات مرسوم بوده و در سه‌خشتی‌ها نیز زیورآلات آنان مورد توجه قرار گرفته است: «صدای به‌هم‌خوردن النگوهایت به گوش می‌رسد» (همان: ۱۳۲، ۳۵۳)؛ «دخترانش همگی به طلا آراسته‌اند» (همان: ۱۷۳)؛ «گردنبندی ریزدانه به

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۱۳۱، ۱۵۷، ۲۰۲.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۷۷، ۱۰۰، ۱۸۱.

گردنش آویزان است» (همان: ۱۷۷). علاوه بر این، بافتن گیسو: «و گیسوهای بافته خود را روی دوشش انداخته» (همان: ۱۷۴)؛ رنگ کردن مو: «موهای سیاهم را نخودی رنگ کردم» (همان: ۳۱۰)؛ استفاده از سرخاب: «رخسار آراسته به سرخاب را بوسیدم» (همان: ۹۹)؛ سرمه: «سرمه دانی برای هدیه آوردم/ ولی چشمان سیاهت نیازی به سرمه نداشت» (همان: ۹۹) و قلم کشیدن ابرو: «من به قربان تو صنم شوم/ که ابروهایت را با قلم آراستی» (همان: ۲۳۵) از آرایش‌های محبوب زنان کرمانج است.

۴-۵. انسان‌شناسی تقسیم کار

در سازمان اجتماعی شبانان، الگوی تقسیم کار از اهمیت بسزایی برخوردار است و لازم است هریک از اعضای خانواده، وظایف خود را به‌درستی انجام دهد. «در قبایل کوچ‌نشین، مازاد اقتصادی کمتری داشتند؛ به همین خاطر قشربندی اجتماعی و جنسیتی کمتری در آن‌ها وجود داشت؛ چراکه همه مجبور به انجام کارهای مختلف بدنی بودند. زنان کوچ‌نشین رو نمی‌گرفتند و پرده‌نشین نبودند» (کدی، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ اما این به این معنی نیست که جنسیت نقشی در تعیین وظایف زنان و مردان کرمانج نداشته‌است. به گفته انسان‌شناسان «تقسیم کار مبتنی بر جنسیت در همه فرهنگ‌ها پیدا شده است» (کتاک، ۱۳۸۶: ۶۲۳)؛ به‌عنوان مثال، مردان به خاطر تنومندتر بودن برای جنگاوری مناسب‌ترند (همان). در سه‌خشتی‌های کرمانجی مشاهده می‌شود که مهم‌ترین وظیفه مردان، پاسداری و حفاظت از زنان و کودکان و اموال و احشام بوده است. زنان و دختران کرمانج نیز پرده‌نشین نبوده‌اند و همانند مردان و پسران، هریک وظایفی را در بیرون از خانه بر عهده داشتند. معمولاً دختران عشایر کرمانج با سطل و کوزه از چشمه آب می‌آورند: «دختران دوتا دوتا به سوی چشمه رفتند» (همان: ۲۶۳)^۱. زنان و دختران جوان به تهیه مواد غذایی، ازجمله پخت نان، درست کردن دوغ و کره و محصولات لبنی دیگر می‌پردازند: «در آرزوی چادرنشینی/ مشک را با کره آن بردار/ و دوغ را به دار سه‌پایه مشک بیاویز» (همان: ۲۷۵)^۲. همچنین تمیز کردن سیاه‌چادر: «ای دختر چهارده‌ساله/ که دم در سیاه‌چادرتان را جارو

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۹۸، ۱۰۰، ۱۶۱، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۷۰.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۱۱۰، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۳۵.

می‌کنی» (همان: ۱۲۴)؛ دوشیدن شیر: «یار در حال دوشیدن گاو است» (همان: ۲۶۷)^۱؛ جمع‌آوری گیاهان دارویی و خوراکی: «گروهی از دختران برای جمع‌کردن زیره» (همان: ۲۴۰)؛ «دختران رفته‌اند تا قارچ بیاورند» (همان: ۱۷۲)؛ گلیم‌بافی: «آن سپیدرو در داخل کارگاه/ رخسار سرخش از میان گرد و خاک نمایان است» (همان: ۷۵)^۲ و شستن پشم گوسفندان: «آن سپیدروی زیبارخ و باطراوت/ کنار چشمه، پشم گوسفندان را می‌شست» (همان: ۱۰۳) از دیگر وظایف زنان کرمانج بوده است. مردان نیز غالباً به چوپانی و نگهداری می‌پرداختند که پیشتر در الگوی مربوط به خانواده به آن اشاره شد.

۴-۶. سنخ‌شناسی اشکال بازی

صاحب‌نظران در تعریف بازی دیدگاه‌های متنوعی دارند؛ لیکن در تعاریف ارائه‌شده بر این امر اتفاق نظر وجود دارد که بازی جزئی از زندگی انسان‌هاست. درواقع، بازی فعالیت جسمی و ذهنی است که در طی آن به انسان نشاط داده می‌شود، او را از افکار دیگر جدا می‌کند و میل به پیروزی و رقابت را در او زنده می‌کند و به او هیجان می‌دهد (خلج، ۱۳۷۹: ۱۶۹). نوع بازی‌ها ارتباط تنگاتنگی با محیط زیست و شرایط اقتصادی- اجتماعی انسان‌ها دارد؛ از این‌رو می‌توان الگوهای رایج بازی در هر منطقه یا طبقه اجتماعی یا گروه سنی را بررسی کرد. در سه‌خشتی‌ها به برخی از بازی‌ها و سرگرمی‌های دختران و پسران اشاره شده است که می‌تواند در سنخ‌شناسی بازی‌ها در بین اقوام کوچ‌رو یاری رساند. این سروده‌ها نشان می‌دهد که بازی‌ها و مسابقات، بیشتر بین نوجوانان و جوانان رواج داشته است و با توجه به جنسیت افراد، متفاوت بوده است؛ به‌عنوان مثال، پشم‌ریسی از بازی/ مسابقه‌های رایج بین دختران کرمانج بوده است: «برآمدگی کوه‌ها بنداروک بالاتر از ما را فراگرفته/ دختران چهار طرف آن را محاصره کرده‌اند/ و دکمه یقه یار از صدف است» (همان: ۱۳۷). در این بیت از "بنداروک" یاد شده است که محوطه‌ای کوهستانی و سرسبز است و دختران در زیر درختان آنجا مسابقه پشم‌ریسی برپا می‌کنند. اسب‌سواری نیز از مسابقات مرسوم

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۷۴، ۷۸، ۲۳۰.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۱۰۳، ۲۳۰، ۲۶۹.

بین پسران بوده است: «روستای تکمران، میدان وسیع دیگری است/ که جولانگاه اسب‌هاست/ و این ایام اسب‌سواری از آن ما جوانان است» (همان: ۱۴۸-۱۴۹).

۴-۷. انسان‌شناسی ساختار مذهب و کارکردهای فرهنگی آن

الگوی دیگری از زندگی کرمانج‌های کوچ‌نشین خراسان که در سه‌خشتی‌ها انعکاس فراوانی داشته، اعتقادات و باورهای مذهبی آنان است. مسلمان و شیعه‌بودن، تقدیرگرایی، اعتقاد به سحر و جادو و توت‌م، دعا و نفرین، از مظاهر الگوهای مذهبی در سه‌خشتی‌هاست.

۴-۷-۱. مسلمان و شیعه‌بودن

اگرچه تاریخ سرایش سه‌خشتی‌های کرمانجی مشخص نیست؛ اما عقاید دینی و باورهای مذهبی انعکاس یافته در آن‌ها حاکی از آن است که سرایندگان ابیات باقی‌مانده، مسلمان بودند: «ازجمله پسران کرمانج هستی/ کافر نیستی؛ بلکه مسلمانی/ تو که اینقدر نامرد نیستی» (همان: ۱۰۳). در مواردی نیز از ترکیباتی چون "دوازده‌امام" و "امام‌زاده" استفاده شده است که می‌تواند بر شیعه‌بودن آنان دلالت داشته باشد: «رخسارش از میان گرد و خاک نمایان شد/ و دوازده‌امام به خوابش آمدند» (همان: ۷۵، ۲۷۰)؛ «سوگند به این امام‌زاده کنار مانه» (همان: ۲۵۶). همچنین مهاجرت کرمانج‌ها به منطقه شمال خراسان و نزدیکی محل سکونت آنان به مشهدالرضا سبب شده است در سه‌خشتی‌ها نیز ارادت خویش را به آن حضرت نشان دهند: «بر بلندی کوهستان درآمده‌ام/ بارگاه امام‌رضا نمایان است» (همان: ۷۶).^۱

پای‌بندی کرمانج‌ها به ادای تکالیف دینی نیز در سه‌خشتی‌ها انعکاس یافته است و سرایندگان در برخی از ابیات به ایام محرم و ماه رمضان اشاره داشته‌اند: «این روزها ایام محرم است/ به‌سوی یار خود می‌روم/ ولی این مردم ما چقدر حسودند» (همان: ۱۹۱)؛ «بر بالای درخت درآمده‌ام/ تا سببی برای یار پایین بیاورم/ هرچند روزه دارد، برای افطارش» (همان: ۲۷۵).

۴-۷-۲. الگوهای عزاداری کوچ‌نشینان

مراسم عزاداری نیز در سه‌خستی‌ها انعکاس یافته است. اگر متوفی جوانی ناکام باشد، داخل تابوت سیاه می‌گذاشتند و از جلوی سیاه‌چادر محبوبش می‌گذراندند: «کاش امروز می‌مردم/ و مرا در تابوتی سیاه می‌گذاشتند/ و از کنار یار می‌گذراندند» (همان: ۶۹). در برخی از اشعار، فرد متوفی وصیت می‌کند او را در کنار سیاه‌چادر معشوق دفن کنند: «من که مُردم، جنازه مرا بردارید/ در تابوت کنید و بگردانید/ و در کنار سیاه‌چادر یار بگذارید» (همان: ۳۵۰). در بین زنان نیز مرسوم است در سوگ عزیزان، رخسار خود را می‌خراشیدند: «من خواهم مرد و تو برایم شیون کن/ رخسارت را در مرگ من خراش بده/ زخم‌هایت را درمان نکن تا عفونت کند» (همان: ۱۲۳) و یا گیسوهای خود را می‌بریدند: «الهی خواهر و برادرت بمیرند/ که توانایی ندارند دیه تو را بگیرند/ و باید گیسوان بافته خود را ببرند» (همان: ۳۶۴).

۴-۷-۳. تقدیرگرایی بین کوچ‌نشینان

علاوه بر اشاره به گرایش‌های دینی موجود در سه‌خستی‌ها، برخی از باورهای مذهبی و عقاید عامه نیز در این سروده‌ها وجود دارد. یکی از بارزترین باورهای مذهبی که ریشه در ادیان ایرانی پیش از اسلام دارد تقدیرگرایی است که در سه‌خستی‌ها فراوان است. از آنجاکه درون‌مایه این اشعار عاشقانه است، عدم وصال عاشق و معشوق را تقدیر الهی دانسته‌اند: «هیچ کس همتای تو نیست/ کاش شانس من و تو ما را یاری کند/ و خداوند تو را از من نستاند» (همان: ۲۹۷)؛ دیدی خدا با من چه کرد؟/ تمام ستم‌هایش را بر من روا داشت» (همان: ۳۰۸)؛ «و نامش را بر پیشانی‌ام نوشته‌اند» (همان: ۲۰۰)^۱. به نظر می‌رسد ارتباط بلافصل گله‌داران با طبیعت و حوادث اجتناب‌ناپذیر آن در تقدیرگرایی آنان بی‌تأثیر نبوده است.

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۸۴، ۸۵، ۹۰، ۱۵۰، ۱۵۶.

۴-۷-۴. سحر و جادو در بین کرمانج‌های خراسان

به‌طور کلی تفکر انسان چهار مرحله را پشت سر گذاشته است: ۱. مرحله آنیمالیستی که بشر طبیعت را دارای قدرت می‌دانست؛ ۲. مرحله آنیمیستی که بشر قدرت را در دست ارواح می‌دانست که می‌توانست با جادوی سیاه و سفید بر آن‌ها مسلط شود؛ ۳. مرحله دینی که بشر قدرت را در اختیار خدایان می‌دانست و ۴. مرحله علمی که بشر قدرت را در قوانین حاکم بر همه هستی می‌داند و چیزی خارج از قانونمندی جهان وجود ندارد (آزادگان، ۱۳۸۷: ۲۹). اعتقاد به جادو و سحر در مرحله دوم از تفکر بشری یعنی بر پایه باور به ارواح شکل می‌گیرد؛ چون همه موجودات عالم، یا موافق یا مخالف مصالح و منافع و راه و رسم حیات آدمیان هستند؛ بنابراین انسان ابتدایی بر آن است تا ارواح مساعد و موافق پدیده‌های سازگار با زندگی آدمیان را با خود بر سر مهر آورد و ارواح مخالف و دشمن را از خود دور کند (همان: ۲۳).

اعتقاد به سحر و جادو در سه‌خشی‌های کرمانجی را می‌توان باقی‌مانده فکر انسان ابتدایی‌اندیش دانست؛ به این معنی که اگرچه سرایندگان این اشعار در دوران تمدن بشری می‌زیستند و چه بسا سواد خواندن و نوشتن داشتند؛ «ولی مانند انسان ابتدایی می‌اندیشند؛ یعنی آفاق را انفسی و اصول را آنیمیستی و نه رآلیستی می‌شناسند» (همانجا)؛ از این‌رو است که در سه‌خشی‌ها عاشق برای رسیدن به معشوق از طایفه دعانویسان استمداد می‌طلبد: «ای دختر شال کوفی به سر/ چرا از من خوف داری؟/ من شتر کم‌مویم را به طایفه دعانویسان دادم» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۱۰۳)؛ یا عاشقی دیگر در پاسخ به خرده‌گیری‌های دیگران نسبت به رفتارش به سحرشدگی خودش اشاره می‌کند: «هوایی و سرگردانم، هوایی و سرگردانم/ بیمار نیستم؛ بلکه دعایی هستم/ و از عشق تو از مردم فراری شده‌ام» (همان: ۲۲۸)؛ یا علت بی‌مهری معشوق را نیز جادوی ملاها می‌داند: «موهای جلوی پیشانی تو را قیچی کردند/ و به ملاها داده و جادویت کردند/ سپس از این روستا فراری شدند» (همان: ۳۷۸).

۴-۷-۵. کارکرد دعا و نفرین در بین کرمانج‌های خراسان

دعا و نفرین شیوه متأخرتر جادوست. دعا را می‌توان جادوی سفید و نفرین را جادوی سیاه نامید. گفته شده است که «کلمات و عبارات دال بر «نفرین»، نوعی ورد مخالف یا جادوی منفی است» (آزادگان، ۱۳۸۷: ۲۳). دعا‌های انعکاس‌یافته در سه‌خشتی‌های کرمانجی عموماً پیرامون وصال معشوق است: «هر کس یارم را به وصال برساند/ به زیارت امام شرفیاب شود/ و از زندگی خود خیر و بهره ببیند» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۳۰۲). در سه‌خشتی‌ها به دلیل ارتباط مستقیم سرایندگان با طبیعت و جاندارپنداری تمام هستی در ابیاتی که درون‌مایه عاشقانه دارند، عاشق با ذهنیتی آنیمیزی می‌خواهد جانش را قربانی معشوق کند: «ای برادر ای برادر/ از آنجا برخیز و اینجا بیا/ کاش جانم را به قربانت کنم» (همان: ۶۹)؛ یا درد و بلای معشوق همچون موجودی درنده تصور می‌شود که عاشق می‌خواهد به جان او بیافتد و از معشوقش دور شود: «کاش به او برسم و درد و بلایش به جانم افتد» (همان: ۱۰۰) و آرزو می‌کند معشوقش همانند درختان انگور سبز و خرم بماند: «ای یار گلم ای یار پرآوازه/ که مانند انگور سبزرنگ هستی/ خرم بمانی هرچند از ما دور باشی» (همان: ۹۰). اگر عاشق مورد بی‌توجهی معشوق قرار بگیرد آرزو می‌کند کاش برای یک بار هم که شده است، محبوبش به او نگاه افکند: «ای جوان یقه‌باز/ دختران آرزوکنان به دنبالت افتاده‌اند/ کاش یکبار نزد ما هم می‌آمدی» (همان: ۶۸). همچنین اگر عاشق از رسیدن به معشوق ناامید شود، دعا می‌کند بمیرد و او را در تابوتی سیاه از مقابل معشوقش بگذرانند: «کاش امروز می‌مردم/ مرا در تابوتی سیاه می‌گذاشتند/ و از کنار یار می‌گذراندند» (همان: ۶۹)^۱ و آرزو می‌کند کاش هیچ‌کس به درد عشق دچار نشود: «ای کاش کافر شوی ولی عاشق نشوی» (همان: ۹۷)^۲.

نفرین‌ها نیز غالباً مربوط به کسانی می‌شود که عامل جدایی عاشق از معشوق شده‌اند: «کاش ندایی از آسمان بیاید/ تا شاه و گدا در هم آمیزند و تمایز از بین برود/ بدان که من خواهان تو بودم ولی نخواست» (همان: ۷۴). عاشق شخص جدایی‌افکننده را این‌چنین نفرین می‌کند که در عاشقی بدتر از وی شود تا درد عشق را دریابد: «الهی از من بدتر بی‌دل شوی» (همان: ۳۶۰) و

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۷۶، ۷۹، ۸۱.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۲۹۷، ۲۹۸.

در مواردی نیز چنین نفرین می‌کند که والدین، خواهر و برادر و عزیزانش بمیرند: «الهی والدینت بدون شهادتین بمیرند» (همانجا)^۱. همچنین نفرین می‌کند هرکس با یار او ازدواج کند سیاه‌چادرش آتش بگیرد: «ای صاحب سیاه‌چادر پاره‌پاره.../ که سیاه‌چادر را به سوی دامنه کوه برافراشته‌ای/ کاش شعله آتش آن را بسوزاند» (همان: ۷۰). یا مار او را نیش بزند: «هرکس یارم را به همسری بگیرد/ الهی ماری دلش را نیش بزند/ و درمانش نکنید تا بمیرد» (همان: ۳۰۲). حتی معشوق نیز از نفرین عاشق در امان نیست و اگر یارش با شخص دیگری ازدواج کند، او را چنین نفرین می‌کند که از همسرش خیر نبیند: «یار مقابل ورودی منزل ایستاده/ و باد شال سرش را کنار می‌زند/ الهی از شوهرش خیر نبیند» (همان: ۲۹۶). علاوه بر موارد فوق که پیرامون رابطه عاشق و معشوق است، در برخی از ابیات مشاهده می‌شود که اگر شخصی موازین شرعی را رعایت نمی‌کرد نیز مورد نفرین قرار می‌گرفت: «ای پسر که از راه راست منحرف شده‌ای/ و در پی زن شوهردار هستی/ الهی درد و بلای من به جانت بخورد» (همان: ۶۸).

۶-۷-۴. عناصر توتمی کوچ‌نشینان کرمانج خراسان

توتم شیئی ملموس است که انسان بدوی نسبت به آن احترامی خرافی نشان می‌دهد؛ زیرا معتقد است که بین شخص او و هریک از آن نوع اشیا پیوندی خاصی وجود دارد (فروید، ۱۳۹۰: ۹۷). فریزر^۲ نیز در تعریف توتمیسم می‌نویسد: «رابطه‌ای نزدیک که محتملاً میان گروهی از مردم دارای قرابت با یکدیگر از یک‌سو و انواعی از موجودات طبیعی یا مصنوعی از طرف دیگر وجود دارد که این موجودات توتم آن گروه انسانی خوانده می‌شوند» (بهار، ۱۳۷۵: ۳۴۷). همچنین توتم را ایمان و اعتقاد به بعضی از درختان یا حیوانات یا اشیا دانسته‌اند که در قدیم در بین برخی اقوام و طوایف رایج بوده و به این ترتیب آن حیوان و درخت مورد احترام قرار می‌گرفته است (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

بررسی و مطالعه سه‌خشتی‌ها نشان می‌دهد طوایف کرمانج نیز برای حیوانات سفیدرنگ و برخی از گیاهان احترام و ارزش بسیاری قائل بودند؛ به‌عنوان مثال در سه‌خشتی‌ها از شتر سفید یا میش

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۳۵۱، ۳۶۴.

سفیدرنگ با احترام یاد شده است: «تو در میان سیاه‌چادرها سردار و بالادستی / و مانند میش سفید گران‌بها هستی / که راضی نمی‌شوی فرار کنیم» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۲۴۳).

از بین گیاهان نیز گل محمدی و لاله‌زار از احترام و ارزش بسیاری در اشعار کرمانجی برخوردارند و با توجه به اینکه درون‌مایه بیشتر سه‌خستی‌ها عاشقانه است؛ سرایندگان در مقام مقایسه و سنجش، معشوق خود را به گل محمدی و لاله‌زار مانند می‌کنند: «ای یار گلم ای گل محمدی / تو از ته دل برایم داغ دلی» (همان: ۹۱)؛ «ای لاله‌زار اهل روستای حاجی» (همان: ۱۰۹-۱۱۰).

همچنین نقش گل محمدی بر روی لباس معشوق نشان از جایگاه ویژه این گل نزد کرمانج‌ها دارد: «شالی زاغ رنگ بر سر داری / در کنارت گل محمدی داری / و از ته دل برایم داغ دل هستی» (همان: ۱۱۱). علاوه بر این به نظر نگارندگان مقاله حاضر به نظر می‌رسد در مواردی حیواناتی که نزد کرمانج‌ها نقش توتمی داشتند، با باورهای مذهبی جدیدشان درآمیخته و ادغام شده است؛ برای مثال در یک سه‌خستی، از دو عدد قوچ یاد می‌شود که نشان و علامت امام‌رضا (ع) را بر سر دارند و بدین ترتیب از شکارشدن در امان هستند: «بارگاه امام‌رضا در دامنه کوه واقع است / یک جفت قوچ دم در آن است / نشان و علامت امام بر سر آنهاست» (همان: ۱۲۹). در این مورد چنان‌که در روایت‌های مربوط به زندگی امام‌رضا (ع) نقل شده است، ایشان ضمانت آهوی ماده را نزد صیاد می‌کند. از طرف دیگر مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد در دوران نوسنگی تحولاتی رخ داد که یکی از آن‌ها حضور قوچ، نخستین جانور اهلی است و همچنین گوسفند منبع غذایی مهمی شد و قوچ به‌عنوان یاریگر تولید مثل و زایش گوسفندان، اهمیت فراوان یافت (Gimbutas, 1991: 335)؛ از این‌رو به نظر نگارندگان در بین اقوام کوچ‌نشین کرمانج بن‌مایه‌های اسطوره‌ای قوچ همچنان اهمیت بسزایی داشته که در اشعار آنان با روایت‌های مذهبی شیعی درآمیخته است.

۴-۸. روند تغییر کوچ‌نشینی به یک‌جانشینی در اقوام کرمانج خراسان

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد قدمت کوچ‌نشینی^۱ در ایران به سه هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد (شهبازی، ۱۳۶۹: ۴۱). در هزاره دوم پیش از میلاد با تقسیم کار اجتماعی میان دامداری و زراعت، قبایل کوچ‌نشین شبان پدیدار آمدند (همان: ۴۲). همچنین بررسی‌های تاریخی بر این مسئله دلالت دارد که شرایط طبیعی و جغرافیایی و رویدادهای تاریخی - سیاسی در روند تبدیل کوچ‌نشینی به یک‌جانشینی تأثیرگذار بوده است.

در سه‌خشتی‌های کرمانجی نیز روند تبدیل کوچ‌نشینی به یک‌جانشینی بازتاب یافته است. آن‌گونه که از این اشعار استنباط می‌شود، عشایر کرمانج در سیاه‌چادر می‌زیستند: «صاحبان سیاه‌چادرها از دره کوهستان کوچیدند» (بیدکی، ۱۳۹۶: ۸۰)^۲. آن‌ها هنگام کوچ بار و بنه خود را با شترها حمل می‌کردند: «بارها بر شتر ماده نخودی‌رنگی بسته شده» (همان: ۸۰). در مسیر کوچ خود از مناطقی چون پالوزان، روستای تکمران و منطقه جرگلان عبور می‌کردند: «اینجا پالوزان است/ و جای بار و بنه کرمانج‌هاست/ که گل و گیاه در آنجا فراوان است» (همان: ۱۴۲)؛ «اینجا روستای تکمران است/ اینجا مسیر کوچ چادرنشینان است/ این مسیر چادرنشینان کرمانج است» (همان: ۱۴۹)؛ «منطقه جرگلان پر از جنگل است/ کاروان چادرنشینان آهسته از آنجا می‌گذرد» (همان: ۱۵۰)؛ اما عواملی چون یورش راهزنان: «زن و بچه‌ها همراه ما هستند/ و راهزنان بر سر راه‌اند» (همان: ۱۲۱) و حمله روس‌ها: «روس‌ها به سیاه‌چادرها یورش برده‌اند/ سیاه‌چادرها را کنده و به دنبال خود می‌کشاند/ و صدای جیغ و ناله زنان بلند شده است» (همان: ۱۲۷) در گرایش ایلات کرمانج به یک‌جانشینی مؤثر بوده است. نشانه‌های این یک‌جانشینی نیز در اشاراتی که در سه‌خشتی‌ها به معماری خانه‌ها مانند ایوان خانه (همان: ۳۰۱) و بالاخانه (همان: ۱۳۳)^۳ و نیز زمین‌های کشاورزی و شخم‌زنی و خرمن‌کوبی و آبیاری مزارع (همان: ۸۷، ۱۲۸، ۲۸۴) شده، بازتاب یافته است.

1. Nomadism

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۲۱۴، ۲۶۳.

۳. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: صفحات: ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۲.

نتیجه

مطالعه ۱۰۰۰ نمونه از سه‌خشتی‌های کرمانجی خراسان شمالی از چشم‌انداز انسان‌شناسی فرهنگی نشان می‌دهد که نظام خانواده، ازدواج، پوشاک، بازی، وظایف فردی و ایلی، ساختار مذهبی و روند تغییر کوچ‌نشینی به یک‌جانشینی در این اشعار انعکاس یافته است. بررسی انسان‌شناسی فرهنگی سازمان خانواده در کوچ‌نشینان بر این مسئله دلالت دارد که خانواده بر مبنای نیازهای معیشتی و اقتصادی آنان شکل می‌گیرد. با استناد به اشعار بررسی‌شده، چنین استنباط می‌شود که نیاز افراد به یکدیگر برای تولید غذا سبب ایجاد خانواده‌های گسترده در بین کوچ‌نشینان بوده است؛ اما به تدریج با یک‌جانشین شدن و روی آوردن به مشاغل دیگری چون کشاورزی، نظام خانواده به سمت خانواده‌های هسته‌ای پیش رفته است. سنخ‌شناسی الگوهای ازدواج در سه‌خشتی‌ها نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، عامل کم‌بودن سن ازدواج در بین دختران کوچ‌نشین بوده است. همچنین، پیوندهای فامیلی و ازدواج با افراد ایل و مذموم‌بودن ازدواج با طایفه‌ای دیگر، بر اهمیت حفظ روابط خونی و ثروت بین افراد ایل دلالت دارد. خانواده‌های کوچ‌نشین شیربهای دخترانشان را گوسفند، شتر، مرغ و بز و یا معادل آن پول تعیین می‌کردند و گرفتن شیربها برای رفع ضرر خانواده دختر برای از دست‌دادن نیروی تولیدشان بوده است. برای برگزاری عروسی مراسمی چون نشان‌آوردن، قندشکستن، صیغه محرمیت خواندن، به‌سیاحت‌بردن عروس و درنهایت بردن عروس به خانه پدرشوهر انجام می‌شده است. بریدن گیسو و چنگ‌زدن به سر و صورت و نیز استفاده از تابوت سیاه، ازجمله نمادهای فرهنگی عزاداری کرمانج‌ها بوده که در سه‌خشتی‌ها انعکاس یافته است. پشم‌ریسی و اسب‌دوانی از بازی‌های متداول بین دختران و پسران جوان کوچ‌نشین کرمانج است؛ بنابراین جنسیت و زیست‌بوم در انجام بازی‌ها تأثیرگذار است. همچنین مسلمان و شیعه‌بودن، پای‌بندی به تکالیف دینی مانند روزه و نماز و عزاداری ماه محرم، تقدیرگرایی، بویژه در امر ازدواج، ارادت به امامان و بخصوص امام‌رضا (ع)، اعتقاد به جادو و سحر و دعا و نفرین، از الگوهای مذهبی منعکس‌شده در سه‌خشتی‌هاست که موجب حضور طالع‌بین و ملاها بین آنان می‌شد. علاوه بر این، احترام به برخی از حیوانات مانند شتر و گوسفند سفید، قوچ، و نیز برخی از گیاهان مانند لاله و گل محمدی می‌تواند دلالت بر الگوهای توتیمی طوایف کرمانج داشته باشد. لازم به ذکر است که معماری بازتاب‌یافته در

سه‌خستی‌ها، روند تغییر الگوی کوچ‌نشینی (استفاده از سیاه‌چادر) به یک‌جانشینی (استفاده از ایوان‌خانه، بالاخانه و...) را نشان می‌دهد. همچنین، نشانه‌هایی از آزادی دختران در انتخاب همسر و روی‌آوردن به کشت و زرع در کنار دامداری و شبانی، حاکی از تغییر نظام فرهنگی بین کوچ‌نشینان کرمانج خراسان شمالی است.

منابع

- آزادگان، جمشید (۱۳۸۷). "جادو و جادوشناسی". *آفتاب/اسرار*، دوره اول، ش ۴، پیاپی ۸ (زمستان): ۲۲-۳۱.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۸). *کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات*. تهران: آگاه.
- بهار (ملک الشعرا)، محمدتقی (۱۳۵۱). *بهار و ادب فارسی: مجموعه یکصد مقاله از ملک الشعرا بهار*، ج ۱. به کوشش م. گلبن. تهران: فرانکلین.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگاه.
- بیتس، دانیل؛ پلاگ، فرد (۱۳۸۷). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- بیدکی، هادی (۱۳۹۶). *سه‌خستی‌های کرمانجی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پیپلز، جیمز؛ بتی، جان؛ بایلی، گریگ (۱۳۹۰). *انسان‌شناسی فرهنگی: جستارهایی درباره‌ی قلمرو نظری و عملی انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه نعمت‌الله فاضلی. تهران: آراسته.
- توحیدی، کلیم‌الله (۱۳۵۹). *حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران*. مشهد: بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۴). *ترانه‌های کرمانجی خراسان*. مشهد: واقفی.
- حسین‌پور، اسماعیل (۱۳۸۹). *آسمان بی‌مرز است*. بجنورد: جهانی.
- حیدری، زهرا (۱۳۸۳). "توتم ایمان به ... حافظ و نگهبان". *کتاب ماه هنر (ویژه هنر و اسطوره)*، ش ۷۵، پیاپی ۷۶ (پاییز و زمستان): ۱۳۸-۱۴۴.
- خلیج، منصور (۱۳۷۹). "بازی". *کتاب صحنه*، ش ۶ و ۷ (تابستان): ۱۶۹-۱۷۴.
- رستمی، عظیم؛ رستمی، فرامرز (۱۳۸۷). *مجموعه یکصد سه‌خستی کرمانجی*. تهران: سخن-گستر.
- سپاهی لائین، علیرضا (۱۳۷۶). "سه‌خستی: شعر ویژه کرمانج‌ها". *مجله شعر*، ش ۲۱ (پاییز): ۱۵۸-۱۶۳.

- سعادت، الهام؛ محمدی فشارکی، محسن (۱۳۹۹). "واکاوی مفهوم انسان‌شناسانه وطن در شاهنامه (بر اساس تحلیل ساختارهای مکان)". پژوهش‌های انسان‌شناسی/ایران، دوره ۱۰، ش ۲۰ (پاییز و زمستان): ۱۵۷-۱۷۷.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر. تهران: نشر نی.
- صبوری کاشانی، منوچهر (۱۳۵۶). "خانواده و توسعه در عشایر". علوم اجتماعی، ش ۷ (زمستان): ۱۵۳-۱۵۷.
- طاهری، صدرالدین؛ مردانی، آیین (۱۳۹۸). "تحلیل نشانه‌شناختی ساختار ادبی سه‌خشتی-های کرمانجی". زبان‌شناسی‌گوش‌های/ایرانی، دوره ۴، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۹۹-۲۱۸.
- _____ (۱۳۹۹). "پی‌جویی نشانه‌های نوشتار زنانه در سه خشتی‌های کرمانجی". زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۲، ش ۱ (بهار): ۱-۱۷.
- طلایی، حسین؛ نوراللهی، علی؛ فیروزمندی شیره‌جین، بهمن (۱۳۹۳). "قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل راه‌های غرب زاگرس مرکزی". جامعه‌شناسی تاریخی، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۴-۱۹۴.
- عسگرپور، وحید؛ تیرانداز، آرش؛ آجورلو، بهرام (۱۳۹۵). "درآمدی بر قوم باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌داغ مرکزی آذربایجان". پژوهش‌های انسان‌شناسی/ایران (نامه علوم اجتماعی)، دوره ۶، ش ۱، پیاپی ۱۱ (بهار): ۱۰۱-۱۱۸.
- علوی‌فرد، یحیی (۱۳۹۴). سه‌خشتی‌های مدرن (کردی کرمانجی). قم: عموعلوی.
- علی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵). "معرفی سروده‌هایی از ادبیات شفاهی ایران: سه‌خشتی‌های کرمانجی". زبان فارسی و گویش‌های/ایرانی، سال اول، ش ۱، پیاپی ۱ (بهار و تابستان): ۱۱۳-۱۳۱.
- فروید، زیگموند (۱۳۹۰). توت‌م و تابو. ترجمه محمدعلی خنجی. تهران: طهوری.
- قرائی‌مقدم، امان‌الله (۱۳۸۲). انسان‌شناسی فرهنگی. تهران: ابجد.
- کتاک، کنراد فیلیپ (۱۳۸۶). انسان‌شناسی، کشف تفاوت‌های انسانی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۹۵). زنان در خاورمیانه: گذشته تاکنون. مترجم هما مداح. تهران: شیرازه کتاب.

- ماناگن، جان؛ جاست، پیتر (۱۳۹۳). *انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی*. ترجمه احمد رضا تقاء. تهران: ماهی.

- مسیح، هیوا (۱۳۹۲). *سه‌خشتی: ترانه‌های کوچک کرمانج*. تهران: نگاه.

- هاویلند، ویلیام (۱۳۸۲). "انسان‌شناسی فرهنگی". ترجمه منصور گودرزی. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، ش ۲۲ (بهار): ۳۱-۲۲.

- Gimbutas, M. (1991). *The Civilization of The Goddess: The World of Old Europe*. Publisher: San Francisco, Calif: Harper San Francisco.

- Ivanov, W. (1927) "Notes on Khorasani Kurdish". *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, Vol. 13, No. 1: 166-235.

Assessing the status of cultural heritage tourism using hierarchical analysis Process (study case: Historical Works and Buildings of Kalat County)

Malihe Salahi¹

Barat Ali Khakpoor²

Received: 16/12/2022

Accepted: 25/4/2023

Introduction

Cultural tourism heritage with the purpose of visiting immovable tangible historical monuments –i.e. historical buildings, hillsides, sites, and fabrics- is among the most popular categories of cultural tourism that establish coherence between the old, and new physical structure and portrays the landscape of region in the best possible way by filtering various development frameworks.

The county of Kalat Nader in the Razavi Khorasan province (region 7 of the national tourism regions) has undergone gradual cultural changes over time that have consistently contributed to the advancement and development of human civilization. It also portrays a rich history and brilliant experience of the glory of traditional architecture. Despite its splendid history, this region suffers from a less than ideal management due to introduction, preservation, and restoration of immovable historical monuments. Therefore, cultural heritage tourism development in this region would not only restore its cultural-historical dimensions and bring it prosperity in this field, but it would contribute to the comprehensive development of the county from social, economic, and political dimensions through the prosperity of urban-rural activities, job creation, increased attendance and social interaction, reinforcement of intercity and provincial relations, and consolidation of the northern bounds of the country. The present study aims to evaluate the current state of cultural heritage tourism in the region seeking to take a step toward moving on from the current state, resolving the prevailing problems, and tackling the challenges ahead in this area.

Research Methodology

The present study is applied research in terms of the goal, descriptive-analytical in terms of method, and was carried out through desk research (to study the theoretical and experimental background), and field research as means of data collection.

1. Master of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Reza International University (AS), Mashhad, Iran. Ml.salahi1398@gmail.com. Orcid Code: 0000-0002-8935-9233

2. corresponding author; Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, corresponding author. khakpoor@um.ac.ir. Orcid Code: 0000-0002-5217-119X

With a 10–20% excess distribution of the estimated 96 participants, questionnaires were sent to a sample of experts chosen using snowball sampling and a sample of users chosen through simple randomized sampling in order to gather data for a field survey. Research reliability was examined by surveying cultural heritage tourism experts and professors, and the changes they deemed necessary were applied to the questionnaires before distributing several questionnaires among two aforementioned populations which indicated an inconsistency coefficient smaller than 0.1 for the AHP questionnaire distributed among experts, and a Cronbach's alpha of 0.951 for the questionnaire handed out to users, thus confirming the reliability of both questionnaires.

Research Findings

An Analytic Hierarchical Process (AHP) performed in Super Decision software, ordinal Likert measurement in Excel, and integration of two sets of data obtained from users and experts were used to study the current stage of cultural heritage tourism in Kalat Nader County (relying on immovable historical monuments). For this purpose, pairwise comparisons were made between criteria and components based on Saati's nine-point scale, proposed weights were obtained by calculating the arithmetic mean of scores, and the state of each criterion was obtained by multiplying its weight by the mean score of its sub-criteria (on a Likert scale of -2 to +2) which indicated the favorable condition of only nine out of 32 criteria.

The final score of each component was determined by multiplying the mean score of its criteria by its weight. This calculation resulted in a final score for each component of -0.0685 for the county's current cultural heritage tourism situation, where the negative sign indicates unfavorable conditions. Improvement and enhancement of the components of tourism infrastructure (A2), credit and budget (E2), health and hygiene in the environment (F1), tourist support services and facilities (A1), and tourist markets (E1) were revealed as the leading priorities for users and experts in the development of cultural heritage tourism of the region.

Conclusions

Seeking to develop an accurate understanding, and contribute to the comprehensive improvement of cultural heritage tourism (immovable and tangible) in Kalat Nader County, the present study first studied various opinions, and approaches to cultural heritage and tourism notions to discover the concepts, components, and criteria they shared and collected the respective sub-criteria. The current stage of this type of tourism was studied in the region based on the opinions of users and experts, and the ranking and effect of each component in terms of getting out of the current unfavorable conditions were identified as a basis to present a favorable and ideal vision in line with the current state of the region and prepare and compile fully practical strategies, policies and projects accordingly and in line with the realization and promotion of the prioritized dimensions and components in the long-term development of cultural heritage tourism in the county.

Keywords: cultural heritage tourism, Historical Works and Buildings, analysis Hierarchical, Kalat County

References

- Aminzadeh, B.; Dadras, R. (2012). Bazafarin-e farhangmadar dar baft-e tarikhie shahr-e ghazvin ba takid bar gardeshgariy-e shahri [Culturally-oriented recreation in the historical context of Qazvin city with emphasis on urban tourism]. *Iranian Architectural Studies*, Vol. 1, No. 2: 99-108. (In Persian)
- Amiri, H.; Shakeri, V. (2006). *Dezh Khuday Afarin* [God-created castle]. Mashhad: Khizran. (In Persian)
- Ashworth, G. J.; Tunbridge, J. E. (2000). *The tourist, historic city respect and prospect of managing the heritage city (Advances in tourism research)*. England: Pergamon.
- Bamdad, M. (1965). *Asaar Taarikhi Kalat va Sarakhs* [Historical sites of Kalat and Sarakhs]. Reprint of Mahdi Bamdad oratory on Sunday, November 2, 1333 in the National Artifacts Association. Tehran: Taban. (In Persian)
- Bassoli, M.; et al. (2021). "Taarahi model-e tose'-e karafarini-ye gardeshgari-ye farhangi dar shahr-e miras-e jahan-i Yazd" [Designing a cultural tourism entrepreneurship development model in the world heritage city of Yazd]. *Tourism Social Studies*, Vol. 9, No. 18: 91-114. (In Persian)
- Coccossis, H. (2016). *Sustainable development and tourism: opportunities and threats to cultural heritage from tourism*. London: Routledge.
- Consulting Engineers Evet (1389). *Kholaseh gozaresh-e tarh-e jame'e shahr-e Kalat* [Summary the comprehensive plan report of the city of Kalat]. N.P.: Organization of Housing and Urban Planning of Khorasan Razavi (In Persian)
- Davari, R. (2017). "Ekoturism va naghsh-e an dar tose'e paydar-e nahiyeha: Mored-e motale-e shahrestan-e Kalat" [Ecotourism and its role in sustainable regional development: A case study of Kalat County]. Unpublished master's thesis. *Payam Noor University, Ferdous Center*. (In Persian)
- Dehmarde Pahlavan, M.; et al. (2022). "Barresi va tahlil-e noqoosh-e sang-negareha-ye majmu'eh-e baastaani-e Kalesir, Sirkhordu, va Mahdva; Shahrestan-e Torghabe Shandiz dar shomal-sharq-e Iran" [The examination and analysis of the rock-carvings in the ancient collection of Kalesir, Sirkhordu, and Mahdva; in Torghabe Shandiz County located in the northeast of Iran]. *Cultural-Social Studies of Khorasan*, Vol. 16, No .4: 67- 104. (In Persian)
- Department of Agricultural Statistics and Information Khorasan Razavi (2021). *Simaye shahrestan-e Kalat dar saal 1399* [Kalat county landscape in 2020]. Deputy of Planning and Economic Affairs at the Agricultural Jihad Organization of Khorasan Razavi. (In Persian)
- Ghayor Baqbani, S. M.; et al. (2021). "Eraaye rahbordehaa-ye jazb-e gardeshgara-ye khaaraji dar shahr-e Mashhad ba estefadeh az model-e estratezhik SOAR" [Presenting strategies for attracting foreign tourists in Mashhad using the SOAR strategic model]. *Cultural - Social Studies of Khorasan*, Vol. 15, No. 3: 119-156. (In Persian)
- Ghayor Baqbani, S. M.; et al. (2022). "Ta'sir-e mosharekat-e gardeshgaraan-e mazhabi bar tajrobe-ye mandegar az tarigh-e ta'ammol-e farhangi" [The impact of the participation of religious tourists on the lasting experience through cultural

interaction]. *Cultural - Social Studies of Khorasan*, Vol. 16, No. 3: 129-158. (In Persian)

- Hosseyni, S. M.; Nasrullahzadeh, J.; Mohebbi, A. (2019). "Olgue-ye raahbordi dar edaare-ye omoor-e farhangi va gardeshgari mobtani bar tajrobeh-ye nezaam-e jomhuri-ye eslaami-ye Iran" [A strategic model in the management of cultural heritage and tourism affairs based on the experiences of the Islamic Republic of Iran]. *Strategic Defensive Studies*. Vol. 18, No. 79: 349-368. (In Persian)

- Hosseyninia, M. (2016). "Tahlili bar tasir-e makan-haye gardeshgari-e shahri dar jazb-e gardeshgaraan-e farhangi: Motale'e moredi-e shahr-e Paris)" [An analysis of the impact of urban tourist attractions on attracting cultural tourists: A case study of Paris]. *City Identity*. Vol. 11, No. 32 (Winter): 31-44. (In Persian)

- Iran statistics center (2016). "the general population and housing census in 1395" [continuous] available in: [1400/6/10] Detailed-results-of-census-2015-Shahristan <https://www.amar.org.ir/Census-general-population-and-housing/results-census>. (In Persian)

- Jalilean, M.; Akbarpour, M.; Tawakoli, J. (2022). "Shenasa'i va tahlil-e pishraneha-ye mo'aser bar tose'e san'at-e gardeshgari-ye roustaei dar Kandoleh shahrestan-e Sahneh" [Identification and analysis of effective drivers on the development of rural tourism industry in Kandoleh village, Sahneh County]. *Tourism Social Studies*, Vol. 20, No. 20: 131-156. (In Persian)

- Khwajah, R.; Behzad, R. (2019). "Barresi-ye ta'sir-e tose'e-ye gardeshgari-ye farhangi ba ta'kid bar zarfiatha-ye tarikhi (Motale'e moredi jazebehay-e Kalat Naderi)" [An investigation of the impact of cultural tourism development with an emphasis on historical capacities: A case study of Kalat Naderi attractions]. *Social Development & Welfare Planning*, Vol. 4, No. 12: 59-78. (In Persian)

- Kordikhkoshi, Atiyeh (2015). "study of tourism capabilities of behshahr county according to Historical buildings and monuments". master thesis of group Tourism Management Faculty of Tourism Sciences, Hakim Jurjani Institute of Higher Education Gorgan. (In Persian)

- Lak, A.; Gheitasi, M.; Timothy, D. (2019). "Urban regeneration through heritage tourism: cultural policies and strategic management". *Tourism and Cultural Change*, Vol. 18, No. 4: 386-403.

- Li, Y.; Hunter, C. (2015). "Community involvement for sustainable heritage tourism: a conceptual model". *Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, Vol. 5, No. 3: 248-262.

- Mahalati, S. (2011). "*Daramadi bar jahangardi*" [An introduction to tourism]. Tehran: Shahid Beheshti University Press. (In Persian)

- Montazeri, M.; Barati, N. (2014). "Barnamerizi-ye rahbordi-ye tose'e-ye Garadashgari: Rahyafti karamad baraye tahghogh-e Garadashgari -ye paydar (Motale'e moredi: Shahre Yazd)" [Strategic planning for tourism development: An effective approach towards achieving sustainable tourism: A case study of Yazd]. *Haftshahr*, Vol. 4, No. 47 and 48: 40-57. (In Persian)

- Namjo Mutlaq, Mohammad (2018). "Analysis of contextual factors affecting the destination of sports tourists Kalat Nader county on the basis three - ramifications

model". master thesis of group physical education and sport sciences, faculty of literature and humanities , imam reza international university (AS) Mashhad. (In Persian)

- Nikbin, M.; et al. (2018). "Model-e mafhoumi-e tose-e payedar-e gardeshgari-e farhangi ba ruykard-e faratarkib" [Conceptual model of sustainable cultural tourism development with a transdisciplinary approach]. *Tourism Social Studies*, No. 14: 73-102. (In Persian)

- Pazhohan, M.; Pourmoghaddam, Z. (2018). "Barnam-e rizi rahbordi-e gardeshgari-e shahri ba ruykarde bazafarini-e farhang-e mabna dar baftha-ye tarikhi: Motale'e-e moredi-e bafte-e ghadim-e shahr-e Rasht" [Strategic planning for urban tourism with a focus on the revitalization of the underlying culture in the historical fabric: A case study of the old fabric of Rasht city]. *Urban Studies*, Vol. 7, No. 27: 53-66. (In Persian)

- Pourrajbi, M.; Fouladiyan, M. (2019). "Negareh-ye zairin-e Astan-e Qods-e Razavi nesbat be mardom-e Mashhad ba ruykard-e touse'e-ye gardeshgari-e shahrhaye mazhabi" [Pilgrims' perspective towards Mashhad residents with a focus on the development of religious city tourism: A case study of the Astan-e Quds Razavi]. *Cultural-Social Studies of Khorasan*, Vol. 14, No. 3: 35-64. (In Persian)

- Poyya Moli, G. (2011). "Community based eco cultural heritage tourism for sustainable development in the asian region: A conceptual framework". *Social Ecology and Sustainable Development (IJSESD)*, Vol. 2, No. 2: 113-131.

- Naseruddin Shah Qajar (1985). *Safar dovom Khorasan* [The second trip to Khorasan]. Tehran: Kavash Publications. (In Persian)

- Rastad Borujeni, M.; et al. (2017). "Vakavee-e asarate bafthaye tarikhi bar touse'e gardeshgari-e farhangi-e Gomishan." [Exploring the effects of historical fabrics on the development of cultural tourism in Gomishan]. *Heritage and Tourism*. Vol. 2, No. 5: 87-108. (In Persian)

- Stastna, M.; et al. (2020). "Cultural tourism as a driver of rural development. Case study: Southern Moravia". *Sustainability*, Vol. 12, No. 21: 1-16.

- Salehipour, M. R.; et al. (2022). "Naghsh-e tafsir dar taamol beyn-e siyaset va miras-e farhangi dar jahat-e touse'e-ye gardeshgari-e farhangi-e Jomhuri-ye Eslami-ye Iran" [The role of interpretation in the interaction between politics and cultural heritage towards the development of cultural tourism in the Islamic Republic of Iran]. *Tourism Social Studies*, Vol. 20: 73-100. (In Persian)

مقاله علمی - پژوهشی

سنجش وضعیت گردشگری میراث فرهنگی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

(مورد مطالعه: آثار و ابنیه تاریخی شهرستان کلات)^۱

براتعلی خاکپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

ملیحه صلاحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_170333.html

چکیده

آثار و ابنیه تاریخی ضمن ارائه جلوه‌هایی از معماری و تمدن ایرانی-اسلامی، عرصه‌های چندگانه توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده و پایداری را در مناطق به ارمغان می‌آورد. شهرستان کلات به‌عنوان تلاقی‌گاه منحصربه‌فرد تاریخ، فرهنگ و جغرافیا، مقصدی است مطلوب برای گردشگری؛ اما تعدادی از آثار تاریخی آن اعم از ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی، در سایه غفلت، از نقش مؤثری که می‌توانند در رونق گردشگری و توسعه پایدار منطقه داشته باشند، به‌دور مانده و در معرض تخریب قرار گرفته‌اند؛ در نتیجه این پژوهش کاربردی با هدف سنجش وضعیت کنونی گردشگری میراث فرهنگی در شهرستان (با تأکید بر آثار و ابنیه تاریخی آن)، منطبق بر روش توصیفی-تحلیلی و به دو شیوه کتابخانه‌ای (برای شناخت پیشینه نظری و تجربی) و پیمایشی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که از ابزار مشاهده و فیش‌برداری برای شناخت عینی محیط بهره برده شد و با توزیع تصادفی ۹۶ پرسشنامه در میان کاربران و تبدیل داده‌های کیفی به کمی جهت احصای امتیاز زیرمعیارها و نیز توزیع ۱۱ پرسشنامه به روش گلوله‌برفی در میان خبرگان و انجام تحلیل سلسله‌مراتبی ای‌اچ‌پی بر روی داده‌ها جهت احصای امتیازهای

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری تحت عنوان «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری میراث فرهنگی (مطالعه موردی: آثار تاریخی غیرمنقول شهرستان کلات)» است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام-رضا(ع)، مشهد، ایران. ML.salahi1398@gmail.com

۳. دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسؤول.

معیارها و مؤلفه‌ها و درنهایت ضرب و ادغام وزن‌های نهایی دو دسته فوق در یکدیگر، امتیاز و اولویت نهایی مؤلفه‌ها در توسعه این گونه گردشگری در شهرستان به دست آمد؛ نتایج نظرسنجی از خبرگان و کاربران بیانگر شرایط نامطلوب این گونه گردشگری در حال حاضر منطقه است که از نظر آن‌ها تنها مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی میان جامعه میزبان و گردشگران، مدیریتی-سازمانی و هویت تاریخی منشعب از میراث فرهنگی مطلوب است و سایر مؤلفه‌ها در وضعیتی نامطلوب به سر می‌برند؛ در این میان، سامان‌دهی و بهبود مؤلفه‌های زیرساخت‌های گردشگری (امتیاز ۰/۳۶-)، بودجه و اعتبار (امتیاز ۰/۲۱-)، بهداشت و پاکیزگی محیط (امتیاز ۰/۱۲-)، به‌ترتیب درجه عدم مطلوبیت، اولویت‌های مورد توجه جهت توسعه این گونه گردشگری در شهرستان هستند.

واژه‌های کلیدی: گردشگری میراث فرهنگی، آثار و ابنیه تاریخی، تحلیل سلسله‌مراتبی، شهرستان کلات.

مقدمه

در سراسر جهان و از دیرباز تاکنون، صنعت گردشگری به‌مثابه پدیده‌ای پویا و چندوجهی و به‌عنوان یکی از متنوع‌ترین، بزرگ‌ترین و سریع‌ترین بازارهای روبه‌رشد در توسعه چندجانبه جوامع و نیز برجسته‌سازی ارتباطات فرهنگی-اجتماعی ظهور کرده و مورد توجه و عنایت کشورها و مورد مطالعه علوم مختلف قرار گرفته است (Poyya Moli, 2011: 113; Lak, Gheitasi & Timothy, 2019: 387). در این زمینه، ایران به‌لحاظ برخورداری از جاذبه‌های گردشگری جزء ۱۰ کشور برتر جهان و از منظر تنوع گونه‌های گردشگری در زمره ۵ کشور برتر جهان قرار دارد (غیور باغبانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۹). لازم به ذکر است که توسعه گردشگری در یک منطقه مستلزم تعامل مؤلفه‌های بسیاری است؛ در این میان هم‌افزایی آشکار فرهنگ و گردشگری منجر به برقراری ارتباطاتی منسجم می‌شود؛ از این‌رو می‌توان بیان داشت که فرهنگ به‌مثابه سنگ‌بنایی است در توسعه گردشگری که میراث‌های ملموس و غیرملموس را در فضا برای گردشگر فرهنگی عیان می‌کند و امکان ایجاد شکل‌گیری رفتار اجتماعی و تعاملات فرهنگی را منجر می‌شود و به‌واسطه خلق فرصت‌های شغلی

و کسب و کارهای محلی، توسعه جریان‌های اقتصادی را نیز به دنبال دارد؛ در نتیجه وجود و رونق چنین صنعت پویایی، تمام ابعاد توسعه منطقه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد (پژوهان و پورمقدم، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۴ و ۶۳؛ صالحی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۳؛ جلیلیان، اکبرپور و توکلی، ۱۴۰۱: ۱۳۱؛ Lak, Gheitasi & Timothy, 2019: 388-389).

آثار باستانی و فرهنگی شمال شرق ایران چنان بکر و غنی است که به پژوهشگران اجازه می‌دهد در زمینه علوم مختلف به مطالعه و تحقیق بپردازند و نتایج ارزشمندی را پیرامون پیشینه انسان و تمدن فرهنگی ایرانی-اسلامی احصا کنند (دهمرده پهلوان و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰۰)؛ در این زمینه شهرستان کلات دارای دو بخش مرکزی (دهستان‌های کبودگنبد و هزارمسجد) و زاوین (دهستان‌های پساکوه و زاوین) با مساحتی بالغ بر ۳۵۰۳ کیلومترمربع، واقع در مرزهای شرقی کشور و در استان خراسان رضوی (منطقه هفت گردشگری ایران)، به‌عنوان سرزمینی با تحولات تدریجی فرهنگ‌ها در طول تاریخ شناخته می‌شود که همواره نقش بسزایی در آفرینش، پیشرفت و توسعه جوامع انسانی ایفا کرده است (سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، اداره آمار و اطلاعات، ۱۴۰۰: ۳؛ امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴). گزارش سیاحان و تاریخ‌نگاران نیز گواهی است بر این ماجرا؛ مشروح بر اینکه کلات نادری در دوران اسلامی تا قاجار همچنان جایگاه خود را به‌عنوان دژی امن برای تحصن مخالفان سیاسی و نظامی مدعی قدرت در خراسان حفظ کرده که در این میان تحصن سلطان محمد خوارزم‌شاه در کلات در برابر مغولان، فرار ارغون، سردار مغولی به کلات و تبدیل این منطقه به مرکز قدرت و ثروت نادر در خراسان، از مهم‌ترین حوادث این دوران بوده است؛ بنابراین پس از حضور افشاریان و سایه‌افکندن چهره حماسی نادر بر این منطقه برای سکونت و پنهان کردن ذخایر ارزشمند وی، کلات بیش از هر دوره‌ای خصوصاً از منظر سیاسی-نظامی اعتبار یافت و نام کلات نادری به‌مراتب بیش از سایر اسامی برای آن استفاده شد که در اسناد و مدارک و کتب تاریخی این دوره مشهود است (قاجار، ۱۳۶۴: ۱۲۴، ۱۳۹؛ بامداد، ۱۳۴۴: ۷-۱)؛ در نتیجه وجود آثار ارزشمند تاریخی ثبتي و غیرثبتي برجای‌مانده از دوران‌های مختلف تاریخی اعم از ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی در این منطقه نظیر برج‌های دیده‌بانی، دو دربند و دروازه اصلی ارغون‌شاه و نفته، سه دروازه و گذرگاه فرعی دهچه، چوب‌بست و گشته‌خانه (گُشتنی)، عمارت خورشید، برج ارغون‌شاه، کتیبه نادری، تپه و بقایای معماری قصر دختر، تپه

تخت دختر، قلعه و ارگ فرود، سیستم و تأسیسات آبرسانی قره‌سو، مسجد کبودگنبد (جامع)، آب‌انبار، حمام نادری، محوطه باستانی حسن‌احمد، بند (سد) نادری، ساختمان عمارت (عمارت خشت)، آب‌انبارهای قریه خشت، آسباد خشت، آرامگاه بابارمضان، غارها یا مغاره‌های دَسْت‌کَنَد بابارمضان و سَر‌رود (قلعه سوراخه یا خانه‌های گبری)، حمام لایین‌کهنه، رُباط آب‌گرم، تپه سَنگانه، تپه رُباط، قلعه قدیمی چَه‌چَهه، سه بُرج سَر‌رود، حمام قدیمی سَر‌رود؛ بقایای قلعه قَره‌تیکان، محوطه قَره‌تیکان، حمام پاچنار زاوین و تپه طَرَقِطی، به غنای تاریخی- فرهنگی و باستانی شهرستان انجامیده و آن را به منطقه‌ای مهم و پرآوازه در تاریخ‌نگاری ایرانیان مبدل کرده است؛ اما علی‌رغم این اهمیت و هویت تاریخی برخاسته از میراث فرهنگی و در نتیجه پیشینه غنی و پرباری که منطقه دارد، در زمینه معرفی، حفاظت و احیای میراث فرهنگی، کوتاهی از سوی مسئولان و نارضایتی از سوی کاربران به چشم می‌خورد (که آمار آن در بخش یافته‌های تحقیق قابل ملاحظه است)؛ در نتیجه توسعه حفاظت‌محور گردشگری میراث فرهنگی در منطقه، علاوه بر احیا و رونق ابعاد فرهنگی- تاریخی، سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز به واسطه رونق‌بخشی به فعالیت‌های شهری- روستایی و اشتغال‌زایی، افزایش حضورپذیری، تحرکات و تعاملات اجتماعی، تقویت روابط بین‌شهری و استانی و تقویت و تحکیم مرز شمال شرقی کشور به دنبال دارد و از این باب منجر به توسعه همه‌جانبه شهرستان می‌شود؛ در نتیجه هدف اصلی این پژوهش سنجش وضعیت گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات با تأکید بر آثار و ابنیه تاریخی آن است؛ بلکه بتواند در جهت برون‌رفت از وضعیت فعلی، رفع مشکلات حاکم و کمرنگ کردن چالش‌های پیش‌رو در این عرصه گام بردارد؛ منبعث از این هدف سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. مؤلفه‌ها و معیارهایی که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم ابعاد گردشگری میراث فرهنگی شهرستان را متأثر می‌کنند، کدام‌اند؟

۲. در حال حاضر گردشگری میراث فرهنگی شهرستان در چه وضعیتی قرار دارد؟

۳. در حال حاضر هر یک از ابعاد اثرگذار، دارای چه درجه‌ای از مطلوبیت است و مهم‌ترین آن‌ها برای توسعه این گونه گردشگری در شهرستان کدام‌اند؟

مبانی نظری پژوهش

لغت گردشگری "توریسم"^۱ مشتق از واژه "تور"^۲ به معنی گشتن است و ریشه در واژه "تورنر"^۳ به معنی رفت و برگشت یا دورزدن بی‌مبدأ و مقصد دارد که به ترتیب از یونانی به اسپانیایی، فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته (منتظری و براتی، ۱۳۹۳: ۴۱) و به طور عام عبارت است از: «جابجایی و مسافرت با اهداف مختلفی چون: گذران اوقات فراغت، استراحت و تفریح، زیارت، آشنایی با فرهنگ‌ها، باستان‌شناسی و غیره». گردشگر نیز به فردی اطلاق می‌شود که زمانی بیش از ۲۴ ساعت را در اقامتگاهی عمومی یا خصوصی در محلی خارج از مکان اقامت دائمی خود به سر برد (منتظری و براتی، ۱۳۹۳: ۴۱؛ محلاتی، ۱۳۸۰: ۲).

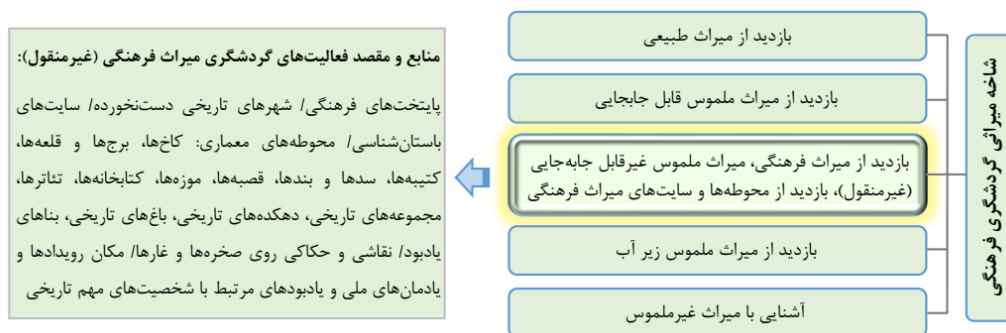
فضای مناسب گردشگری، بستری است برای رشد اقتصادی منطقه و ناحیه (پوررجبی و فولادیان، ۱۳۹۹: ۳۵)؛ در این میان از جمله حوزه‌های روبه‌رشد این صنعت می‌توان به گونه گردشگری فرهنگی با هدف اصلی «گسترش افق دانش و کسب تجارب فرهنگی از طریق کشف میراث هنری یا معماری یک سرزمین در ارتباط با شیوه زندگی جوامع در یک ناحیه (مواردی چون: تاریخ، معماری و هنر، فرهنگ و سبک زندگی، مذاهب، سنت‌ها و آداب و رسوم و یا در نواحی شهری شهرهای بزرگ و تاریخی)، امکانات و تسهیلاتی چون موزه‌ها (که نشان‌دهنده تاریخ و فرهنگ شهر هستند)، تئاترها، استادیوم‌های ورزشی و غیره اشاره کرد» (غیورباغبانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵۱؛ Lak, Gheitasi & Timothy, 2019: 389)؛ از این‌رو مفهوم گردشگری فرهنگی عبارت است از: «جابجایی افراد از مکان زندگیشان به مقاصد دیگر برای مکاشفه و کسب آگاهی درباره فرهنگ حال و گذشته و لذت‌بردن از تجارب کیفی ناشی از تعامل با محیط فرهنگی و اصیل» (حسینی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۲) که گزینه‌ای است مطلوب در توسعه جوامعی با چنین جاذبه‌هایی و چنان‌چه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن در فرایند توسعه به‌درستی به کار گرفته شوند، می‌توان در جهت حفاظت از میراث فرهنگی، ارتقای هویت فرهنگی-تاریخی، بهبود کیفیت زندگی و توانمندسازی جامعه محلی و نیز رضایت گردشگران گام برداشت (نیک‌بین و دیگران، ۱۳۹۸:

-
1. Tourism
 2. Tour
 3. Turns

۷۴-۷۳؛ باصولی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۱-۹۲) و تا حدودی سفر مجدد گردشگر به مقصد بازدید شده و توصیه مقصد به دیگران را تضمین کرد (غیور باغبانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

گونه گردشگری فرهنگی براساس منابع و اهداف به ۴ شاخه: ۱. قبل از تاریخ، میراث و باستان‌شناسی؛ ۲. قومیت‌گرایی، دانش سنتی و آموزشی؛ ۳. صنعت، تجارت و حرفه‌گرایی و ۴. سرگرمی، سلامتی، مذهبی و ورزشی دسته‌بندی می‌شود (راستاد بروجنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۶).

گردشگری میراث فرهنگی با هدف بازدید از آثار تاریخی غیرمنقول، یعنی بازدید از ابنیه، تپه‌ها، محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی که یکی از برجسته‌ترین آثار فرهنگی گواه بر تمدن، تاریخ و پیشینه افتخارآمیز سرزمین‌ها هستند، به‌عنوان یک استراتژی توسعه با کمترین ضایعات زیست‌محیطی و آسیب‌های اجتماعی برای جامعه میزبان، عاملی است برای هماهنگی، انسجام و وحدت‌بخشی میان ساختار کالبدی قدیم و جدید مناطق که چهارچوب‌های مختلف توسعه را فیلتر می‌کند و چشم‌انداز منطقه را به بهترین شکل ممکن متصور می‌شود (امین‌زاده و دادرس، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۲؛ راستاد بروجنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۴؛ حسینی، نصرالله‌زاده و محبی، ۱۳۹۹: ۳۵۲)؛ بنابراین یکی از مطرح‌ترین زیرشاخه‌های این صنعت است که در شاخه میراثی و باستان‌شناسی این دسته‌بندی قرار گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱) دسته‌بندی گردشگری میراثی براساس اهداف سفر (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۵۲؛ راستاد

بروجنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳-۹۶)

شروع تمرکز و توجه بر نقش فرهنگ و میراث در زمینه توسعه جوامع که امکانات فرهنگی به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری و منظر بهبودیافته ظهور می‌کنند، به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد. از نمودهای گردشگری فرهنگی در ایران می‌توان به قانون نوسازی و بهسازی

بافت‌های فرهنگی- تاریخی در سال ۱۹۸۹ میلادی؛ الزام کردن وزارت مسکن و شهرسازی به تهیه طرح‌های احیای محورها یا مراکز فرهنگی- تاریخی شهرهای (اصفهان، شیراز، تبریز و کرمان) کشور در سیاست‌های برنامه پنج‌ساله؛ همکاری در حفاظت از ابنیه، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی- فرهنگی و ممانعت از تغییر کارکرد آن‌ها در «بند ج ماده ۱۵۶ قانون برنامه سوم» اشاره کرد؛ این‌گونه به نظر می‌رسد که گردشگری میراث فرهنگی ضمن سیر تکاملی خود به سبب علایق پیچیده و سطح تحصیلات بالاتر بازدیدکنندگان مقاصد گردشگری فرهنگی، اخیراً با استقبال گسترده‌تری روبه‌رو شده است (Lak, Gheitasi & Timothy, 2019: 389-391).

پیشینه پژوهش

اشورث و توبریج (Ashworth & Tunbridge, 2000) در پژوهش «احترام به شهر توریستی تاریخی»، توسعه گردشگری فرهنگی و تاریخی را عاملی مؤثر در حفاظت از میراث و برجسته‌سازی مکان‌های تاریخی، گسترش روابط بین‌المللی، ارتقای رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی گردشگری عنوان داشتند. لی و هانت (Li & Hunter, 2015) نیز در تحقیقی با عنوان «مشارکت اجتماعی برای گردشگری پایدار میراث: یک مدل مفهومی» به واکاوی چالش‌ها طبق نظریه ذی‌نفعان و دیدگاه سرمایه اجتماعی پرداختند و نتایج تحقیق بیانگر آن است که دستیابی به گردشگری پایدار توسط تمرکز سازمان‌ها بر همکاری گروه‌های ذی‌نفع، تصمیم‌گیری مشارکتی، تقسیم مسئولیت‌ها و ایجاد ساختاری نهادی و قدرتمند برای میزبانی جوامع میسر است. همچنین در پژوهشی دیگر، کوکوسیسی (Coccossis, 2016)، گردشگری را پدیده‌ای اجتماعی- اقتصادی می‌داند که بیش از هر فعالیت اقتصادی دیگری با میراث طبیعی و فرهنگی رابطه‌ای پیچیده دارد و نیازهای تفریح و اوقات فراغت جوامع را مرتفع و فرصت‌های آموزش و غنی‌سازی فرهنگی را فراهم می‌کند. از نظر وی گردشگری به در دسترس بودن و کیفیت میراث و منابع مرتبط وابسته است و در عین حال توسعه کنترل‌نشده آن، عامل تخریب میراث فرهنگی و طبیعی است که در نهایت پتانسیل گردشگری پایدار را با روند فرسایشی مواجه می‌کند. استاستنا و دیگران (Stastna, et al., 2020) نیز در پژوهش خود تحت عنوان «گردشگری فرهنگی به عنوان محرک توسعه روستایی (مطالعه موردی: جنوب موراویا)» با جمع‌آوری داده‌های گردشگری فرهنگی در

سه منطقه از مرزهای روستایی اتریش و اسلواکی توسط روش جغرافیایی و جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیدند که اشکال مختلف گردشگری در این مناطق با یکدیگر تلاقی دارد و در این میان گردشگری فرهنگی به سختی می‌تواند عامل اصلی توسعه روستایی باشد؛ بلکه به‌عنوان فعالیت مکمل در حصول منافع اقتصادی اهمیت می‌یابد.

کردیخکشی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش "بررسی قابلیت‌های گردشگری شهرستان بهشهر با توجه به ابنیه و بناهای تاریخی" توسط روش توصیفی-تحلیلی و توزیع پرسشنامه میان خبرگان، با بهره‌گیری از مدل دلفی و تحلیل ای‌اچ‌پی برای مقایسه زوجی عوامل به این نتیجه رسید که نقاط قوت و فرصت بر ضعف‌ها و تهدیدها برتری دارند؛ وی همچنین از راهبرد تهاجمی "بهبود و توسعه محصولات گردشگری با تأکید بر جاذبه‌های تاریخی-فرهنگی و طبیعی و بالابردن کیفیت منابع گردشگری و توسعه آن‌ها" به عنوان اولویت اول توسعه گردشگری منطقه یاد نموده است. در تحقیقی دیگر تحت عنوان "اکوتوریسم و نقش آن در توسعه پایدار ناحیه‌ای (مورد مطالعه: شهرستان کلات نادر)" داوری (۱۳۹۶) با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی ای‌اچ‌پی به اولویت‌بندی نقاط اکوتوریستی منطقه پرداخت و توسط تکنیک سوات^۱ نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید را از سه جنبه اقتصادی-اجتماعی، اکولوژیکی و نهادی مورد بررسی قرار داد و درنهایت راهکارهایی را در این زمینه‌ها ارائه کرد. نامجومطلق (۱۳۹۷) نیز در پژوهش "تحلیل عوامل زمینه‌ای مؤثر بر مقصد گردشگران ورزشی شهرستان کلات نادر بر اساس مدل سه‌شاخگی" توسط مدل مذکور و توزیع پرسشنامه میان گردشگران کلات و سپس تحلیل داده‌های آمار توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس^۲ بدین نتیجه رسید که تغییر رویکرد در سیستم مدیریتی و ایجاد بسترهای لازم، در انتخاب مقصد گردشگری کلات مؤثر است. همچنین خواجه و بهزاد (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی تأثیر توسعه گردشگری فرهنگی با تأکید بر ظرفیت‌های تاریخی (مطالعه موردی: جاذبه‌های کلات نادری)" به این نتیجه رسیدند که شهر کلات نادر به‌سبب فراوانی و تعدد آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی، جزء مناطق مستعد و ثروتی بالقوه در توسعه پایدار

گردشگری کشور است که از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم می‌تواند در جهت اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی و تولید ثروت نقش مؤثری ایفا کند.

در تحلیل چهارچوب تجربی پس از بررسی مطالعات پیشین، همگرایی آن‌ها در ساخت مدل مفهومی به‌کارگرفته شد و واگرایی آن‌ها نیز به‌صورت اصلاح‌شده و نوآورانه مورد استفاده قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که تحقیق حاضر با دیدگاهی نو در پی سنجش وضعیت کنونی گردشگری میراث فرهنگی شهرستان با تکیه بر آثار و ابنیه تاریخی آن است که نمونه آن در سوابق داخلی و خارجی به‌صورت یکپارچه و به‌طور خاص برای کل شهرستان کلات یافت نشد؛ از طرفی دیگر به جهت اهمیت شناخت نیازهای اقشار مختلف استفاده‌کننده فضاها، تاریخی- فرهنگی و مشارکت‌پذیری ذی‌مدخلان به‌عنوان ارکان اصلی حصول موفقیت سازمانی در توسعه گردشگری میراث فرهنگی شهرستان، این تحقیق نقطه‌نظرات ساکنان و گردشگران (بزرگ‌ترین گروه کاربران فضا) و نیز خبرگان گردشگری را جویا می‌شود و از طریق ادغام طیف لیکرت با تحلیل AHP، وضعیت منطقه را برپایه نظرات هر دو گروه ارزیابی و اولویت‌بندی می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی است که به دو شیوه کتابخانه‌ای (برای شناخت پیشینه نظری و تجربی) و پیمایشی به جمع‌آوری اطلاعات به‌منظور سنجش و ارزیابی وضعیت حاضر گردشگری میراث فرهنگی در شهرستان کلات (با تکیه بر آثار و ابنیه تاریخی آن) می‌پردازد.

در روش پیمایشی، گردآوری اطلاعات از طریق ابزار مشاهده و فیش‌برداری کارشناسی به‌منظور شناخت عینی مؤلفه‌ها و معیارهای محیطی و نیز توزیع پرسشنامه در میان نمونه‌های انتخابی از جامعه آماری ذی‌مدخلان برنامه‌های توسعه گردشگری میراث فرهنگی منطقه بدین شرح صورت می‌گیرد: الف. در جامعه خبرگان (کارشناسان، مسئولین و مدیران سازمان‌ها) به سبب زمان‌بر و غیراقتصادی بودن جمع‌آوری اطلاعات از تمامی آن‌ها در سطح شهرستان و استان، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده می‌شود؛ بدین طریق که متناسب با موضوع، اهداف و ابعاد تحقیق، افرادی برای نظرسنجی انتخاب می‌شوند و پس از انتخاب اولین فرد و تکمیل پرسشنامه، فرد

بعدی به پیشنهاد وی معرفی می‌شود؛ این جریان شبکه‌ای-زنجیره‌ای به همین شکل ادامه می‌یابد تا زمانی که تعداد نمونه‌ها کافی به نظر رسد؛ ب. در جامعه کاربران (ساکنان و گردشگران) از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران برای تعیین حداقل حجم قابل قبول نمونه انتخابی استفاده می‌شود و به جهت تحقق واقعی تعداد ۹۶ نمونه (با توزیع برابر، ۴۸ پرسشنامه در میان ساکنان و ۴۸ پرسشنامه در میان گردشگران)، حدود ده الی بیست درصد مازاد، پرسشنامه توزیع و تکمیل گردید. لازم به ذکر است که روایی و اعتبار پرسشنامه‌ها با نظرسنجی از اساتید دانشگاهی و مصاحبه با تعدادی از متخصصین گردشگری میراث فرهنگی سنجیده و اصلاحات لازم انجام شد و در نهایت تعدادی پرسشنامه در میان جوامع آماری مذکور توزیع شد و با اندازه‌گیری مکرر متغیرها، پایایی آن‌ها از طریق محاسبه ضریب سازگاری منطقی قضاوت‌ها در تحلیل ای‌اچ‌پی با اکتساب ضریب ناسازگاری کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ و نیز داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آلفای کرونباخ برای پرسشنامه کاربران (شامل ۵۵ زیرمعیار) با نتیجه‌ای معادل ۰/۹۵۱ احصا شد که ارقام مذکور بیانگر پایایی قابل قبول آن‌هاست.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در جدول ۱، تعدادی از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌ها و معیارهایی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم ابعاد گردشگری میراث فرهنگی یک منطقه را متأثر می‌سازند، همراه با زیرمعیارها (شاخصه‌های سنجش) گردآوری شده است.

جدول (۱) مدل مفهومی پژوهش

بعد	مؤلفه	معیار	زیرمعیار (شاخصه سنجش)
A. کالبدی- عملکردی	A1 تسهیلات و خدمات پشتیبان گردشگری	A11 تسهیلات اقامتی	A111. هتل‌ها، سوئیت آپارتمان‌ها، ویلاها، بوم‌گردی‌ها و غیره
		A12 خدمات پذیرایی	A121. رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها و غیره
		A13 خدمات تجاری	A131. بازارها و بازارچه‌هایی برای خرید
		A14 تسهیلات جاذب اوقات فراغت	A141. مجموعه‌های تفریحی طبیعی یا انسان‌ساخت
			A142. مکان‌های فراغتی- تفریحی و فعالیت‌های ترکیبی در محل آثار و ابنیه تاریخی
			A143. المان‌های زیباشناسانه و مبلمان مناسب و استاندارد در محل آثار و ابنیه تاریخی
		A15 خدمات بانکی	A151. دسترسی مناسب به خدمات بانکی الکترونیکی (خودپردازهای بانکی، صرافی و غیره)

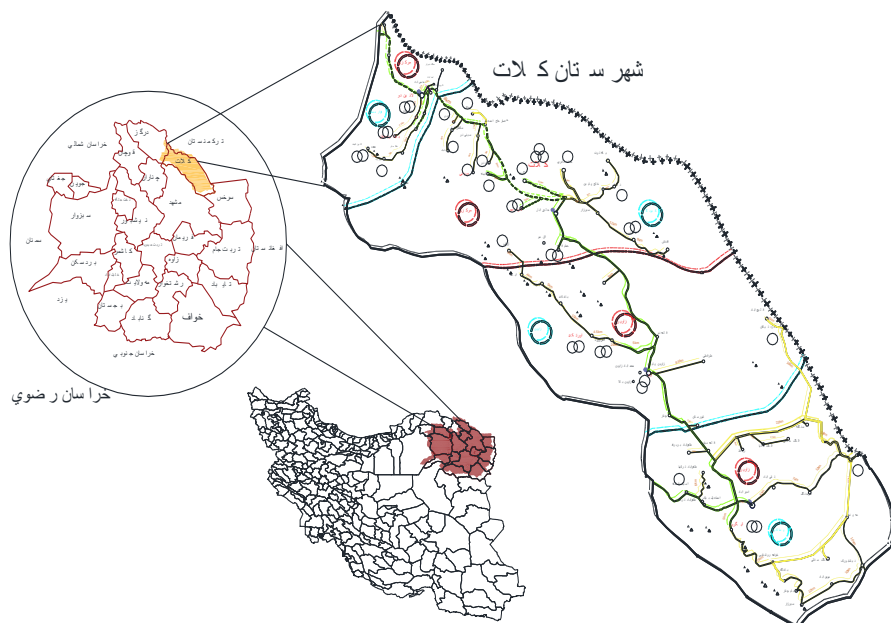
بعد	مؤلفه	معیار	زیرمعیار (شاخصه سنجش)
B. سیاسی- اداری	A.2 زیرساخت‌های گردشگری	A.16. خدمات پزشکی و امدادی	A.161. دسترسی مناسب و فوری به مراکز بهداشتی- درمانی (بیمارستان، مراکز پزشکی)
			A.162. فوریت‌های پزشکی و امداد رسانی (اورژانس، هلال احمر و آتش‌نشانی)
		A.21. شبکه دسترسی، حمل‌ونقل و حرکت	A.211. دسترسی مناسب به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و تاکسی (خط ویژه گردشگری)
			A.212. علائم و تابلوهای اطلاع‌رسانی و هدایت مسیر
			A.213. دسترسی مناسب به پارکینگ در محوطه آثار و ابنیه تاریخی
			A.214. پیوند میان جاذبه‌های میراث فرهنگی از طریق گر‌ها و شبکه‌های گردشگری
			A.215. نفوذپذیری (عرض استاندارد معبر) به فضاهای فرهنگی و آثار و ابنیه تاریخی
	A.3 ساختار کالبدی محیط	A.22. شبکه آب و برق مناسب در محوطه‌های آثار و ابنیه تاریخی	A.221. دسترسی سهل به منابع آب (آبخوری)
			A.222. روشنایی مناسب روزانه و شبانه (چراغ‌های روشنایی و نورپردازی مناسب)
		A.23. زیرساخت‌های آموزش و اطلاع‌رسانی (رسانه)	A.231. مراکز اطلاع‌رسانی و راهنمای گردشگری (جاذبه‌های تاریخی، تسهیلات و امکانات)
			A.232. گردشگری الکترونیک- فناوری اطلاعات و ارتباطات: ارائه دورنمایی از امکانات و تسهیلات محلی، تورهای مجازی از جاذبه‌ها، نقشه‌ها، راهنما و جدول زمان‌بندی سفر
			A.311. فرسودگی، خصوصیات ساختمانی (قدمت، مصالح، کیفیت و تعداد طبقات) و سازه (قدمت، جنس) ابنیه تاریخی
			A.321. تناسب سرانه کاربری‌های همجوار آثار
B. مدیریتی، ساختار و تشکیلات سازمانی	B.11. امنیت و مدیریت محیطی	A.32. نظام کاربری اراضی و بهینه‌سازی کاربری‌های پیرامون آثار و ابنیه تاریخی	A.322. ظرفیت کاربری‌های همجوار آثار
			A.323. سازگاری کاربری‌های همجوار آثار
			A.324. مطلوبیت کاربری‌های همجوار آثار
			A.325. وابستگی کاربری‌های همجوار آثار
			A.326. عدم رهاسازی و متروکه‌ماندن زمین در همجواری آثار واقع در محدوده‌های شهری
			B.111. امنیت مردم و گردشگران در محیط آثار و ابنیه تاریخی و حفاظت و نظارت بر آثار
	B.12. حکومت	B.13. ساختار سازمانی	B.121. قوانین و آیین‌نامه‌های حمایتی دولت از گردشگری میراث فرهنگی
			B.131. وجود ساختار سازمانی برای بخش گردشگری
			B.141. بررسی شاخص‌های عمده ارزیابی عملکرد منفی بخش میراث فرهنگی و بهره‌برداری مناسب از حجم عظیم آثار تاریخی
			B.151. دانش تخصصی و اجرایی مدیران و مسئولان
			B.161. توجه به اسناد فرادست در تدوین طرح‌ها و برنامه‌های گردشگری میراث فرهنگی
			B.162. هماهنگی برنامه‌های گردشگری میراث فرهنگی منطقه با برنامه‌های کلان کشور

بعد	مؤلفه	معیار	زیرمعیار (شاخصه سنجش)
C فرهنگی- اجتماعی	C1 تعاملات اجتماعی میان جامعه میزبان و گردشگران	C11. رفتار جامعه محلی با گردشگران	C111. روحیه مهمان‌نوازی و برخورد دوستانه جامعه محلی با غریبه‌ها
		C12. تطابق فرهنگی	C121. تعامل و تبادل فرهنگی میان جامعه میزبان و گردشگران
		C13. نگرش جامعه میزبان به توسعه گردشگری	C131. شور و اشتیاق و مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری میراث فرهنگی
D هویتی- تاریخی	D1 هویت تاریخی مشعش از میراث فرهنگی	D11. شناسایی آثار ناشناخته و تهیه نقشه فرهنگی	D111. شناسایی آثار و ابنیه تاریخی ناشناخته و تهیه نقشه فرهنگی
		D12. احیای ارزش‌های میراث و خاطرات جمعی	D112. معرفی صحیح آثار و ابنیه تاریخی ناشناخته به مردم
		D121. احیا و حفظ حرمت مکان‌های میراث فرهنگی (آثار و ابنیه تاریخی)	D121. احیا و حفظ حرمت مکان‌های میراث فرهنگی (آثار و ابنیه تاریخی)
E اقتصادی	E1 بازار گردشگری	E11. فعالیتهای بازاریابی اداره میراث فرهنگی	E111. نام و نشان شهر و جاذبه‌های میراث فرهنگی (آثار و ابنیه تاریخی) آن نزد کاربران
		E12. اشتغال‌زایی	E112. نرخ حجم ورودی و عبوری گردشگران به منطقه
		E21. کفایت اعتبارات دولتی	E121. اشتغال‌زایی پایدار (در تمام فصول) بخش گردشگری میراث فرهنگی منطقه
	E2 بودجه و اعتبار	E22. سرمایه‌گذاری دولتی	E211. بودجه‌ریزی مناسب برای پژوهش، حفاظت، مرمت، احیا و غیره
		E23. سرمایه‌گذاری خصوصی	E221. توجه دولت به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری میراث فرهنگی
			E231. توجه بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در امور مرتبط با گردشگری میراث فرهنگی
F زیست‌محیطی	F1 بهداشت و پاکیزگی محیط	F11. سیستم دفع فاضلاب و روان‌آب‌ها	F111. مدیریت کارآمد در دفع فاضلاب و هدایت آب‌های سطحی
		F12. مدیریت پسماند	F121. مدیریت کارآمد در دفن پسماند و مواد زائد (نبود زباله در سایت‌های تاریخی)
	F2 ایمنی و آسایش در محیط	F21. ایمنی در برابر عوارض طبیعی	F211. موقعیت مناسب ابنیه تاریخی نسبت به کال‌ها و پرتگاه‌ها و یا وجود جان‌پناه یا نرده در مسیر بنای واقع در لبه پرتگاه
			F212. موقعیت مناسب ابنیه تاریخی نسبت به رودخانه و ایمنی گردشگر در برابر سیلاب
		F22. ایمنی در برابر عوارض مصنوع	F221. عدم تداخل پیاده و سواره در مسیر دسترسی به آثار و ابنیه تاریخی
			F222. عدم وجود موانع در طول مسیر دسترسی به آثار و ابنیه تاریخی
			F223. هم‌سطح‌بودن و پیوستگی مسیر دسترسی به آثار و ابنیه تاریخی
			F224. عدم لغزندگی سطح مسیر دسترسی به آثار و ابنیه تاریخی
			F225. شیب مناسب مسیر دسترسی به آثار و ابنیه تاریخی و یا داشتن پلکان و رمپ استاندارد در صورت وجود شیب تند
			F231. وجود درختان سایه‌انداز، گلکاری و پوشش گیاهی متنوع
		F23. آسایش کاربران در محیط آثار و ابنیه تاریخی	F232. وجود سرپناه برای حفاظت کاربران در برابر شرایط آب‌وهوایی نامساعد

یافته‌های پژوهش

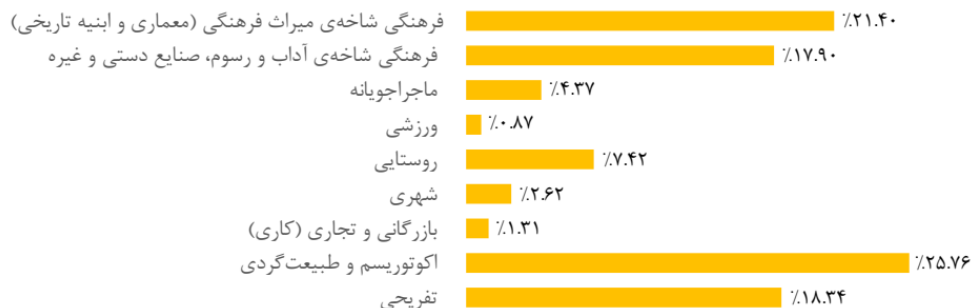
یافته‌های توصیفی

مطابق شکل ۲، شهرستان کلات به دلیل وجود جاذبه‌های طبیعی بکر و منحصر به فرد خود در کنار آثار و مجموعه‌های بی‌بدیل، ارزشمند و تکرارنشدنی تاریخی و فرهنگی، همواره منطقه‌ای زیبا، جذاب و دیدنی برای گردشگران است.

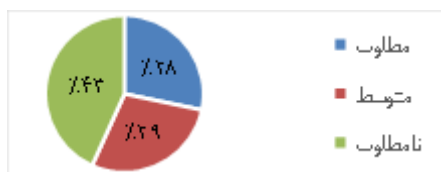


شکل ۲) معرفی جایگاه و جاذبه‌های طبیعی و میراث فرهنگی شهرستان کلات

مطابق شکل ۳ و مبتنی بر نظر خبرگان گردشگری (استان و شهرستان) و نیز ساکنان و گردشگران منطقه، بنیاد گردشگری شهرستان بر وجه اکوتوریستی و طبیعت‌گردی استوار است و پس از آن، گونه گردشگری فرهنگی، شاخه میراثی (بازدید از معماری و ابنیه تاریخی) در جایگاه دوم قرار گرفته است؛ اما علی‌رغم چنین جایگاهی، متأسفانه وضعیت چندان مطلوبی ندارد؛



شکل (۳) سهم و جایگاه گونه‌های گردشگری در شهرستان کلات از منظر خبرگان و کاربران به‌طوری‌که مطابق شکل زیر (شکل ۴)، چهل و سه درصد از کاربران (گردشگران و جامعه محلی) نسبت به موجودیت و مطلوبیت خدمات و تجهیزات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی احساس نارضایتی دارند.



شکل (۴) سطح رضایت‌مندی کاربران از خدمات و تسهیلات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات

آثار میراث فرهنگی موجود در شهرستان (خصوصاً ابنیه تاریخی)، از نظر پایداری کالبدی، با سازه‌های مستحکم و مصالحی مقاوم ساخته شده‌اند؛ در حالی‌که متأسفانه تعدادی از آن‌ها به‌سبب بی‌توجهی به حفاظت و احیاء و نیز آسیب و تخریبی که کاوشگران گنج به بنا متحمل می‌شوند، در معرض ویرانی قرار گرفته‌اند و تعدادی نیز اکنون به خرابه‌هایی تبدیل شده‌اند.

همچنین وضعیت پایداری کالبدی ابنیه و مساکن موجود در مناطق شهری و روستایی شهرستان به‌عنوان بستر آثار تاریخی نیز بدین شرح است که ابنیه موجود در مناطق شهری عمدتاً با مصالح کم‌دوام نظیر آجر و چوب ساخته شده‌اند و در دهه‌های اخیر و در ساخت‌وسازهای جدید از سازه‌هایی چون فلز و سقف‌های تیرچه‌بلوک و نمای سنگی و در تعداد اندک مجتمع‌های مسکونی ساخته‌شده آن از مصالحی نظیر بتن نیز استفاده شده که به‌نسبت، بنا را مستحکم‌تر و پایدارتر کرده است؛ در روستاها نیز اغلب ابنیه به‌شکل سنتی و با استفاده از مصالح چوبی و گلی در سازه

و نما ساخته شده‌اند که در زمره مصالح کم‌دوام به شمار می‌روند. مسکن روستایی نیز از نظر کمیت و کیفیت ساخت‌وسازها در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد؛ چراکه به‌دلیل رشد جمعیت و عدم پویایی اقتصادی، همواره بسیاری از مساکن، غیراستاندارد و فاقد ایمنی لازم هستند.

از طرفی با توجه به وجود ۱۲۷ اثر تاریخی برجای‌مانده از عصر مفرغ تا دوره قاجار در سطح شهرستان و نیز پراکندگی آن‌ها نسبت به یکدیگر و از طرف دیگر عدم دسترسی به تمام نقشه‌های کاربری اراضی در نقاط روستایی، امکان تحلیل و بررسی بر روی نقشه، اعم از بررسی تناسب سرانه، ظرفیت، سازگاری، مطلوبیت و وابستگی کاربری‌های همجوار آثار تاریخی میسر نیست؛ بنابراین، این موارد به‌صورت پرسش از کاربران ابنیه تاریخی یعنی ساکنین و گردشگران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ اما به‌طور کلی ماحصل مطالعات و برداشت‌های پیمایشی از نظام کاربری اراضی در شهرستان کلات به شرح زیر است:

- به‌طور کلی نظام کاربری و ارزش اراضی در سطح شهرستان عبارت است از: اراضی بایر و شور، اراضی زراعی، اراضی آبی دیم، تفرجگاه‌ها، جنگل‌ها، مراتع کم‌تراکم و نیمه‌متراکم، مسکونی، تجاری، تجاری- مسکونی، بهداشتی- درمانی، فضای سبز و پارک، تأسیسات و تجهیزات شهری، آموزشی، کارگاهی، اداری- انتظامی، فرهنگی، ورزشی، حمل‌ونقل و انبارداری، باغ، مذهبی، پذیرایی- اقامتی، تاریخی، کشاورزی و سایر.

- در سطح شهرستان و خصوصاً در نقاط شهری آن اعم از شهرهای کلات نادر در دهستان کبودگنبد و حسن‌آباد لایین‌نو در دهستان هزارمسجد بخش مرکزی و نیز شهرهای زو و چنار در دهستان زاوین بخش زاوین، پراکندگی کاربری‌ها از نظام خاصی تبعیت نمی‌کند؛ به‌عنوان مثال در شهر کلات نادر، کاربری‌های اداری در بلوار امام‌رضا (ع) حد فاصل محله پنجاه‌دستگاه تا مرکز شهر به‌صورت خطی و در حاشیه خیابان و غالب کاربری‌های تجاری نیز حد فاصل پل خوارزم‌محله تا محدوده قصر خورشید و مسجد کبودگنبد استقرار یافته‌اند. کاربری‌های خدماتی و اکثر تسهیلات اقامتی و پذیرایی نیز به‌صورت پراکنده در حاشیه محورهای اصلی بلوار امام‌رضا (ع) تا خیابان دهه فجر مستقر هستند که این کاربری‌ها نیز فاقد الگویی خاص هستند. در شهر زو نیز اکثر کاربری‌های تجاری در حاشیه محور اصلی مشهد- کلات و کاربری‌های اداری نیز در خیابان امام‌حسین (ع) مستقر هستند. در این شهر کاربری بهداشتی- درمانی و مرکز سلامت نیز در حاشیه جاده اصلی است که یکی از اقامتگاه‌های بوم‌گردی نیز در کنار

همین مرکز بهداشت مستقر است. نظام کاربری اراضی در شهر حسن آباد لایین نو نیز بدین صورت است که کاربری‌های تجاری و خدماتی در حاشیه محورهای اصلی و ورودی و خروجی شهر از سمت کلات به درگز قرار گرفته‌اند. در شهر چنار نیز اغلب کاربری‌های تجاری، خدماتی و بهداشتی- درمانی در حاشیه گذر کلات- مشهد قرار گرفته‌اند. نظام کاربری اراضی در روستاهای واقع در حاشیه محورهای مواصلاتی شهرها نیز مشابه موارد مذکور است و کاربری‌های تجاری و خدماتی در حاشیه محور قرار گرفته‌اند.

- در مجاورت آثار و ابنیه تاریخی، خصوصاً آثار واقع در خارج از محدوده‌های شهری، اراضی رهاشده به‌صورت خالی و متروکه وجود دارند که این عاملی است برای تهدید امنیت کاربران. همین عامل می‌تواند به‌عنوان یک فرصت بالقوه انگاشته شود که با تزریق کاربری‌های پشتیبان خدمات گردشگری، هویت و موجودیت اثر و بنای تاریخی واقع در آن محدوده را تحکیم می‌بخشد و امنیت را در منطقه به ارمغان می‌آورد.

- بسیاری از سایت‌های همجوار ابنیه و آثار تاریخی، خصوصاً خارج از محدوده شهری کلات نادر، به‌سبب نداشتن حریم‌های مشخص و حفاظت‌شده، دچار دخل و تصرف‌هایی در نظام کاربری اراضی شده که با اثر میراثی و هویت تاریخی محدوده تطابق و سازگاری چندانی ندارد و سیمای بصری محدوده را مغتش کرده است.

از نظر مدیریت محیطی و مباحث امنیتی نیز شهرستان به‌سبب موقعیت خاص راهبردی خود که در بسیاری از نقاط در مرز کشور ترکمنستان قرار گرفته است، موقعیت سیاسی حساسی دارد و به همین دلیل وجود پایگاه‌های پلیس ایالتی و برجک‌های دیده‌بانی در مناطق مختلفی از آن مشاهده می‌شود. همچنین در سطح شهرستان، کلانتری‌های متعددی وجود دارد که بر رفت و آمدهای برون شهری نیز نظارت دارند. ایستگاه‌ها و گشت‌های نامحسوس پلیس راه هم امنیت را برای مردم و گردشگران در منطقه به ارمغان می‌آورند. علی‌رغم وجود سطح نسبتاً بالای امنیت در شهرستان، متأسفانه نسبت به حفاظت میراث فرهنگی (ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌ها) نظارت چندان مؤثری از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط صورت نگرفته و کاوش‌های بیهوده جویندگان گنج باعث آسیب‌رسانی و تخریب بسیاری از آثار مذکور شده است.

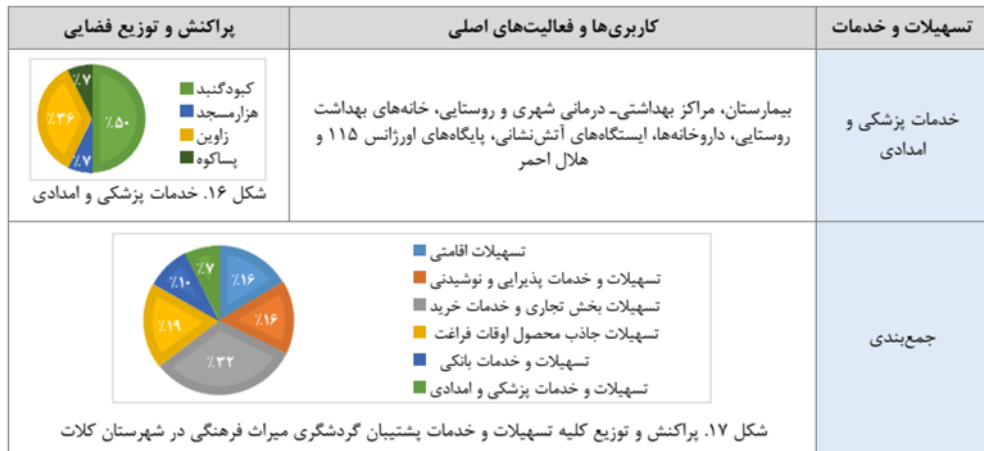
در زمینه فعالیت‌ها و اقدامات توسعه‌ای شهرستان نیز می‌توان به نشست‌ها و گردهمایی‌های متعددی اشاره کرد که تاکنون در این زمینه برگزار شده است؛ اما باید یادآور شد که تعداد همایش‌های علمی و

نشست‌های تخصصی در زمینه کلات‌شناسی و معرفی جاذبه‌های میراث فرهنگی شهرستان به نسبت اهمیت منطقه در سطوح ملی و حتی بین‌المللی و توانمندی‌ها و فرصت‌های بی‌نظیر این شهرستان چه از نظر تاریخی و چه از نظر طبیعی و اکولوژیکی، بسیار اندک بوده است که مطرح‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح بوده‌اند: همایشی تحت عنوان کلات‌شناسی (کلات نادر؛ دژ خدای آفرین) که با تلاش و مشارکت مستقیم و غیرمستقیم مسئولین، نخبگان و جامعه محلی، مورخ ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۲ با هدف تحکیم انسجام اجتماعی و تقویت هویت تاریخی و تحریک نخبگان محلی و عموم مردم در جهت پیشرفت و آبادانی منطقه و نیز معرفی و شناساندن ظرفیت‌های منطقه، خصوصاً در زمینه گردشگری برگزار شد. در این همایش علاوه بر اجرای برنامه‌های فرهنگی-تاریخی و سخنرانی مسئولین و خبرگان، مقالات متعددی نیز پذیرفته و ارائه شد که اخبار آن در سطح ملی بازتاب پیدا کرد و نتایج بسیار مؤثری پس از آن حاصل شد. علاوه بر همایش مذکور نشست‌هایی چون: بررسی پیشینه و ابنیه تاریخی شهرستان، مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۱ میان فرمانداری و اداره میراث فرهنگی با هدف آشنایی مردم با تاریخ و توسعه گردشگری شهرستان، توسعه سرمایه‌های اجتماعی در اقتصاد مقاومتی مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۲ میان فرمانداری و اداره بهزیستی با هدف ارج‌نهادن به فعالان و نخبگان و بهره‌مندی از حضور و نظارت آنان برای توسعه شهرستان و نیز فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد مقاومتی مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۴ توسط فرمانداری با هدف آشنا-شدن سرمایه‌گذاران بومی و غریبومی با قابلیت‌های سرمایه‌گذاری و بیان مشکلات پیش‌روی آنان در شهرستان برگزار شده است. در زمینه نمایشگاهی نیز، تاکنون نمایندگانی از سطح شهرستان برای معرفی و عرضه توانمندی‌ها و صنایع دستی در سطوح مختلف استانی، ملی و بین‌المللی شرکت کرده‌اند. همچنین در دو دهه اخیر در زمینه معرفی شهرستان و جاذبه‌های گردشگری آن (غالباً با محوریت طبیعی و اکولوژیکی و معرفی تنها تعداد محدودی از آثار تاریخی) مستنداتی از قبیل عکس و فیلم تهیه و در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش شده‌اند؛ اما به‌طور کل در زمینه جاذبه‌های گردشگری میراثی و آثار و ابنیه تاریخی که خود به‌عنوان محرکی در توسعه شهرستان خصوصاً در بعد اقتصادی آن عمل می‌کند، از سوی مدیران و مسئولین شهری ذی‌ربط، توجه و تلاش چندانی صورت نگرفته است.

همچنین بنابر ارزیابی‌های صورت گرفته بر وضع موجود گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات (به‌طور خاص ابنیه، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی)، تسهیلات و خدمات پشتیبان این بخش از گردشگری در منطقه به شرح جدول زیر است:

جدول (۲) پراکنش و توزیع فضایی تسهیلات و خدمات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی در سطح دهستان‌های شهرستان کلات

تسهیلات و خدمات	کاربري‌ها و فعاليت‌هاي اصلي	پراکنش و توزيع فضايي
تسهيلات اقامتي	واحدهاي اقامتي (خانه مسافر و يا سوئيت)  شکل ۵. واحد اقامتي ميريان شکل ۶. واحد اقامتي صحرایی شکل ۷. واحد اقامتي عزیزی	 شکل ۸. تسهیلات اقامتي
	اقامتگاه‌هاي بوم گردی  شکل ۹. اقامتگاه بوم گردی خانه پدری شکل ۱۰. اقامتگاه بوم گردی صباغ شکل ۱۱. اقامتگاه بوم گردی دالان	
تسهيلات و خدمات پذيرایی و نوشيدنی	کترینگ‌ها و آشپزخانه‌ها، رستوران‌ها، اغذيه‌فروشی‌ها، کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها	 شکل ۱۲. تسهیلات و خدمات پذيرایی
تسهيلات بخش تجاری و خدمات خرید	انواع بازارهاي موجود در منطقه شامل سوپرمارکت‌ها، نانوايي‌ها و ساير، کارگاه توليدي صنايع دستی، محصولات کشاورزی و دامی و فروشگاه‌هاي آن، مزارع شيلات و پرورش ماهی، مکانیکی و فروشگاه‌هاي لوازم یدکی و امداد خودرو، پمپ بنزین‌ها	 شکل ۱۳. تسهیلات بخش تجاری
تسهيلات جاذب محصول اوقات فراغت	بقاع متبرکه، زیارتگاه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها، مزارهاي شهدا، موزه‌ها، پارک‌ها و فضاهای بازی تفریحی، استراحتگاه‌ها، کمپ‌ها و چادرهاي تفریحی، گردشگری	 شکل ۱۴. تسهیلات جاذب محصول اوقات فراغت
تسهيلات و خدمات بانکی	بانک‌ها، مؤسسه‌هاي اعتباری، دستگاه‌هاي الکترونیکی و خودپردازهاي بانکی	 شکل ۱۵. تسهیلات و خدمات بانکی



مطابق جدول ۲، می‌توان بیان داشت که در شهرستان، تسهیلات و خدمات تجاری مرتبط با بخش گردشگری، با بیشترین سهم توزیع و پراکنش فضایی دارای اختلاف نسبتاً معناداری با سایر تسهیلات و خدمات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی است که بخش عمده آن در دهستان‌های کبودگنبد بخش مرکزی و سپس دهستان زاوین بخش زاوین استقرار یافته است. زیرساخت‌های کلان گردشگری میراث فرهنگی شهرستان را نیز می‌توان در دو دسته نظام حرکت و دسترسی و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و تاکسی (سرویس خط ویژه مسیر گردشگری) به شرح جدول زیر تفسیر کرد:

جدول ۳) وضعیت نظام حرکت و دسترسی به بستر اکثر آثار و ابنیه تاریخی شهرستان کلات

محرور	شرح وضعیت
محورهای اصلی برون‌شهری مشهد- کلات و کلات- درگز	مقطع عرضی و طرح هندسی غیراستاندارد، عرض کم محور و نبود شانه خاکی استاندارد در اکثر نقاط، شیب‌بندی نامناسب و لغزندگی مسیر منتج از ورود گل‌ولای و تجمع باران و برف در برخی نقاط، پدیده مه غلیظ و دید افقی بسیار محدود رانندگان در فصول سرد سال منتج از نبود خط‌کشی مناسب و قابل رؤیت در اکثر نقاط، ضعف علائم هشداردهنده مکان‌های حادثه‌خیز، پدیده یخ سیاه در زمستان و لغزندگی سطح مسیر به سبب کوران هوا در دامنه‌ها و یا پل‌ها، نبود آسفالت مناسب و یکپارچه، فقدان تجهیزات اساسی نظیر آینه در پیچ‌های خطرناک و یا روشنایی کافی و استاندارد
محورهای فرعی برون‌شهری	مسائل مذکور در محورهای اصلی برون‌شهری و وجود محورهای خاکی غیرآسفالت
معبای درون‌شهری	به‌عنوان نمونه به بررسی معابر در شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) می‌پردازیم: شبکه معابر این شهر فاقد سلسله‌مراتب است و به‌صورت بافت آشفته و منطبق بر ساخت‌وسازهای گذشته شکل گرفته است. با این وجود می‌توان شبکه معابر شهر را به چهار دسته درجه یک، درجه دو، جمع‌وپخش‌کننده و دسترسی‌ها تقسیم کرد. طول معابر درجه یک ۵۴۳۵ متر، معابر درجه دو ۲۵۸۵ متر، جمع‌وپخش‌کننده از ۲ الی

محوّر	شرح وضعیت
	۲۳ متر و دسترسی‌ها از ۱ الی ۱۳ متر متغیر است. معابر اصلی عمدتاً آسفالت‌ه و برخی معابر فرعی خاکی هستند. شیب طولی معبر اصلی کلات ۳٪ است و عرض کم معابر و تداخل حرکت سواره، از جمله مشکلات اساسی شبکه معابر این شهر هستند. عرض پیاده‌روها در معبر اصلی نسبتاً مناسب است؛ اما معابر فرعی عمدتاً فاقد پیاده‌رو هستند (مهندسان مشاور اوت، ۱۳۸۹: ۱۹).
معابر روستایی	نکته قابل توجه در استخوان‌بندی روستاهای این منطقه آن است که در گذشته وجود ناامنی، بویژه در مناطق مرزی و سرحدی از یک‌سو و نبود وسایل نقلیه از سوی دیگر موجب شده است بافت خانه‌های روستایی نزدیک به هم باشد که این موضوع سبب شده کوچه‌ها تنگ و باریک و پیچ‌درپیچ شکل بگیرند؛ حتی در برخی قسمت‌ها که خانه‌ها به هم متصل‌اند و پیوند می‌خورند، کوچه به شکل سرپوشیده و دالان‌مانند است. همواره نیز اکثر معابر روستایی فاقد آسفالت و به‌صورت خاکی هستند.

از نظر ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و تاکسی (سرویس خط ویژه مسیر گردشگری)، این شهرستان دارای دو ترمینال مسافربری برون‌شهری است که در ابتدای ورودی شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) در بلوار امام‌رضا (ع)، جنب و روبه‌روی فرعی روستای گرو (کوچه فرود) مستقر است و خدماتی نظیر اتوبوس، ون و تاکسی را برای سفر مسافران ارائه می‌کند. در مکان همین پایانه‌ها، تاکسی‌های شخصی نیز آماده خدمت‌رسانی به مسافران هستند. در سایر نقاط شهری و روستایی، پایانه خاصی تعریف نشده و یا فاقد ایستگاهی تجهیز شده (به جز نقاط شهری) جهت انتظار مسافر است که مسافران تحت هرگونه شرایط اقلیمی به ناچار در کنار جاده منتظر می‌مانند تا سرویس موردنظر آن‌ها از راه برسد. سرویس حمل‌ونقل عمومی درون‌شهری تنها در شهر کلات نادر (مرکز شهرستان) وجود دارد که آن هم پاسخگوی جمعیت، به‌صورت ۲۴ ساعته نیست و فرسوده و مستهلک است. تاکسی درون‌شهری در سطح این شهر به‌تعداد کافی وجود دارد و برخی از رانندگان شخصی نیز به این فعالیت مشغول‌اند و همچنین تعدادی آژانس مسافربری در این شهر برای خدمات‌رسانی به مسافرین وجود دارد.

اما آنچه مورد نظر تحقیق حاضر است، وجود سرویس و خطوط ویژه مسیرهای گردشگری در سطح شهرستان است که متأسفانه فاقد چنین خدماتی است و تورهای مسافرتی که به‌صورت گروهی وارد این شهرستان می‌شوند نیز نسبت به وجود تعداد بسیاری از آثار و ابنیه تاریخی آگاهی و شناخت کافی ندارند که بتوانند خودشان به بازدید بپردازند؛ بنابراین وجود سرویس خط ویژه مسیر گردشگری و نیز وجود راهنمای گردشگری محلی و مسلط بر منطقه برای همراهی با آن‌ها بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

لازم به ذکر است که سایر مؤلفه‌های ابعاد مختلف گردشگری را بنابر اهمیت نقطه‌نظرات کاربران و استفاده‌کنندگان فضا، از ذی‌مدخلان (خبرگان و کاربران (ساکنان و گردشگران)) جویا می‌شویم.

یافته‌های پیمایشی (حاصل از ابزار پرسشنامه)

تحلیل سلسله‌مراتبی ای‌اچ‌پی (پیشنهاددهنده مدل: توماس‌آل ساعتی) در سه مرحله ترسیم درخت سلسله‌مراتبی (جدول ۱)، تبیین ضریب اهمیت معیارها و زیرمعیارها و بررسی اصل سازگاری منطقی قضاوت‌ها انجام می‌شود؛ بدین‌طریق که وزن نهایی مؤلفه‌ها در نرم‌افزار سوپردسیژن^۱ و امتیاز نهایی زیرمعیارها و معیارها در نرم‌افزار اکسل^۲ با انجام سنجش ترتیبی لیکرت محاسبه می‌شود؛ سپس مجدداً در نرم‌افزار اکسل با تلفیق و ادغام داده‌های مذکور و اعمال حاصل‌ضرب میانگین امتیاز معیارها در وزن مؤلفه، امتیاز نهایی هر مؤلفه و جایگاه آن در نظام اولویت‌بندی برپایه نظرات تمام ذی‌مدخلان به دست می‌آید که با تکیه بر آن به بررسی شرایط وضع موجود گردشگری میراث فرهنگی در شهرستان کلات می‌پردازیم و مهم‌ترین عوامل را برای توسعه آن استخراج می‌کنیم. در ادامه به بررسی و تشریح مراحل فوق می‌پردازیم:

مؤلفه‌های اصلی (در ارتباط با ۱۰ نظام اثرگذار) و معیارها بر اساس مقیاس ۹ کمیتی ساعتی مقایسه دودویی می‌شوند. در این مرحله نتایج نظرات کارشناسان و مدیران وارد نرم‌افزار سوپردسیژن شد و میانگین حسابی نظرات، وزن مؤلفه‌ها و معیارها و نیز ضریب پایداری (کمتر از ۰/۱) مشخص شد؛ سپس با اعمال ضرایب آن‌ها، اولویت‌های پیشنهادی با توجه به بیشترین وزن کسب‌شده در جداول مقایسه زوجی مؤلفه‌ها و معیارها (جداول ۴ و ۵) ارائه می‌شود:

جدول ۴) وزن دهی مؤلفه‌های گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات

وزن	D ₁	B ₁	A ₃	A ₂	C ₁	A ₁	E ₂	F ₁	E ₁	F ₂	کد مؤلفه
۱/۰۰	۱/۷۶	۰/۷۹	۱/۲۶	۰/۵۲	۱/۱۲	۰/۹۶	۱/۰۲	۱/۴۲	۱/۱۸	۱/۰۰	F ₂
۰/۰۸۵	۱/۵۰	۰/۶۷	۱/۰۷	۰/۴۵	۰/۹۵	۰/۸۱	۰/۸۷	۱/۲۱	۱/۰۰	۰/۸۵	E ₁
۰/۰۷۰	۱/۲۴	۰/۵۵	۰/۸۹	۰/۳۷	۰/۷۸	۰/۶۷	۰/۷۲	۱/۰۰	۰/۸۳	۰/۷۰	F ₁
۰/۰۹۷	۱/۷۲	۰/۷۷	۱/۲۳	۰/۵۱	۱/۰۹	۰/۹۳	۱/۰۰	۱/۳۹	۱/۱۵	۰/۹۸	E ₂
۰/۱۰۴	۱/۸۴	۰/۸۲	۱/۳۲	۰/۵۵	۱/۱۶	۱/۰۰	۱/۰۷	۱/۴۸	۱/۲۳	۱/۰۴	A ₁
۰/۰۹۰	۱/۵۸	۰/۷۰	۱/۱۳	۰/۴۷	۱/۰۰	۰/۸۶	۰/۹۲	۱/۲۷	۱/۰۵	۰/۹۰	C ₁
۰/۱۹۱	۳/۳۷	۱/۵۰	۲/۴۱	۱/۰۰	۲/۱۳	۱/۸۳	۱/۹۶	۲/۷۱	۲/۲۵	۱/۹۱	A ₂
۰/۰۷۹	۱/۴۰	۰/۶۲	۱/۰۰	۰/۴۲	۰/۸۸	۰/۷۶	۰/۸۱	۱/۱۳	۰/۹۳	۰/۷۹	A ₃
۰/۱۲۷	۲/۲۵	۱/۰۰	۱/۶۰	۰/۶۷	۱/۴۲	۱/۲۲	۱/۳۰	۱/۸۱	۱/۵۰	۱/۲۷	B ₁
۰/۰۵۷	۱/۰۰	۰/۴۵	۰/۷۱	۰/۳۰	۰/۶۳	۰/۵۴	۰/۵۸	۰/۸۱	۰/۶۷	۰/۵۷	D ₁

توضیح: کد مؤلفه‌های اختصاری در این جدول، معادل مؤلفه‌های جدول ۱ (جدول مدل مفهومی پژوهش) است.

در جدول زیر به وزن دهی معیارهای گردشگری میراث فرهنگی شهرستان در ذیل هر مؤلفه می‌پردازیم:

جدول ۵) وزن دهی معیارهای گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات

وزن	کد	کد	وزن	کد	کد	وزن	کد	کد	وزن	کد	کد
معیار	معیار	مؤلفه	معیار	معیار	مؤلفه	معیار	معیار	مؤلفه	معیار	معیار	مؤلفه
۰/۷۰	F ₁₁	F ₁	۰/۱۱	C ₁₂	D ₁	۰/۷۰	A ₃₁	A ₃	۰/۳۳	A ₁₁	A ₁
۰/۳۰	F ₁₂		۰/۶۱	C ₁₃		۰/۳۰	A ₃₂		۰/۰۸	A ₁₂	
۰/۳۹	F ₂₁	F ₂	۰/۲۹	D ₁₁		۰/۱۴	B ₁₁	B ₁	۰/۱۱	A ₁₃	
۰/۲۹	F ₂₂		۰/۷۱	D ₁₂		۰/۰۵	B ₁₂		۰/۱۴	A ₁₄	
۰/۳۳	F ₂₃		۰/۳۰	E ₁₁	E ₁	۰/۱۰	B ₁₃		۰/۰۸	A ₁₅	
-	-	-	۰/۷۰	E ₁₂		۰/۱۲	B ₁₄		۰/۲۵	A ₁₆	
-	-	-	۰/۳۶	E ₂₁	E ₂	۰/۴۱	B ₁₅	C ₁	۰/۴۶	A ₂₁	A ₂
-	-	-	۰/۲۰	E ₂₂		۰/۱۸	B ₁₆		۰/۲۳	A ₂₂	
-	-	-	۰/۴۴	E ₂₃		۰/۲۸	C ₁₁		۰/۳۲	A ₂₃	

توضیح: کد مؤلفه‌ها و کد معیارهای اختصاری در این جدول، معادل مؤلفه‌ها و معیارهای جدول ۱ (جدول مدل مفهومی پژوهش) است.

مطابق جدول ۵، معیارهای A_{11} تسهیلات اقامتی، A_{21} شبکه دسترسی، حمل و نقل و حرکت، A_{31} پایداری کالبدی ابنیه تاریخی، B_{15} دانش تخصصی، C_{13} نگرش جامعه میزبان به توسعه گردشگری، D_{12} احیای ارزش‌های میراث و خاطرات جمعی، E_{12} اشتغال‌زایی، E_{23} سرمایه‌گذاری خصوصی، F_{11} سیستم دفع فاضلاب و روان‌آب‌ها و F_{21} ایمنی در برابر عوارض طبیعی، بیشترین وزن‌ها را نسبت به سایر معیارهای هم‌ردیف مؤلفه خود کسب کرده‌اند. برای ارزیابی مؤلفه‌ها و معیارهای توسعه گردشگری میراث فرهنگی شهرستان، وضعیت هریک از معیارها از حاصل ضرب میانگین امتیاز زیرمعیارهای آن (که براساس نظر ساکنان و گردشگران در طیف لیکرت ارزش‌گذاری شده است) در وزن آن معیار (محاسبه‌شده در جدول ۵) به دست می‌آید؛ بدین‌صورت که برپایه نظر کاربران، با نشان علامت‌های مثبت (نظر مثبت) و منفی (نظر منفی) امتیازها در گستره کاملاً مطلوب $+۲$ تا $+۱$ ، نسبتاً مطلوب $+۱$ تا ۰ ، متوسط ۰ ، نسبتاً نامطلوب ۰ تا -۱ و کاملاً نامطلوب -۱ تا -۲ محاسبه شده است (جدول ۶).

جدول ۶) امتیاز نهایی معیارها و توزیع فراوانی زیرمعیارهای تشکیل‌دهنده آن‌ها

ردیف مؤلفه	ردیف معیار	سنجش امتیاز زیرمعیارها: $L \times f$ (f: فراوانی و L: لیکرت)							میانگین امتیاز معیار	میانگین امتیاز معیارها
		بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف	جمع کل			
A ₁	A ₁₁	۴×۲	۷×۱	۰×۰	۳۶×-۱	۲۵×-۲	-۷۱	-۰/۷۴	-۰/۲۴۴	
	A ₁₂	۴×۲	۲×۱	۰×۰	۳۸×-۱	۲۲×-۲	-۷۲	-۰/۷۵	-۰/۰۶۰	
	A ₁₃	۴×۲	۳×۱	۲۱×۰	۳۸×-۱	۳۰×-۲	-۸۷	-۰/۹۱	-۰/۱۰۰	
	A ₁₄	۱۳×۲	۲۸×۱	۷۶×۰	۱۰۳×-۱	۶۸×-۲	-۱۸۵	-۰/۶۴	-۰/۰۹۰	
	A ₁₅	۲×۲	۲۶×۱	۳۶×۰	۲۳×-۱	۹×-۲	-۱۱	-۰/۱۱	-۰/۰۰۹	
	A ₁₆	۱۴×۲	۳۳×۱	۷۹×۰	۵۲×-۱	۱۴×-۲	-۱۹	-۰/۱۰	-۰/۰۲۵	
A ₂	A ₂₁	۲۲×۲	۸۱×۱	۱۵۳×۰	۱۶۴×-۱	۶۰×-۲	-۱۵۹	-۰/۳۳	-۰/۱۵۲	
	A ₂₂	۹×۲	۳۲×۱	۵۴×۰	۶۱×-۱	۳۶×-۲	-۹۳	-۰/۴۸	-۰/۱۱۱	
	A ₂₃	۸×۲	۹×۱	۳۳×۰	۷۸×-۱	۶۴×-۲	-۱۷۷	-۰/۹۲	-۰/۲۹۵	
A ₃	A ₃₁	۵×۲	۱۲×۱	۵۰×۰	۲۵×-۱	۴×-۲	-۱۱	-۰/۱۱	-۰/۰۸۰	
	A ₃₂	۱۹×۲	۹۶×۱	۲۰۶×۰	۱۸۴×-۱	۷۱×-۲	-۱۹۲	-۰/۳۳	-۰/۱۰۰	
B ₁	B ₁₁	۲۱×۲	۴۵×۱	۲۴×۰	۵×-۱	۵×-۲	۷۲	۰/۷۵	۰/۱۰۵	
	B ₁₂	۰×۲	۲۴×۱	۸×۰	۵۶×-۱	۸×-۲	-۴۸	-۰/۵۰	-۰/۰۲۵	
	B ₁₃	۰×۲	۰×۱	۰×۰	۴۰×-۱	۵۶×-۲	-۱۵۲	-۱/۵۸	-۰/۱۵۸	
	B ₁₄	۰×۲	۰×۱	۲۴×۰	۴۰×-۱	۳۲×-۲	-۱۰۴	-۱/۰۸	-۰/۱۳۰	
	B ₁₅	۴۰×۲	۸×۱	۳۲×۰	۸×-۱	۸×-۲	۶۴	۰/۶۷	۰/۲۷۳	

کد مؤلفه	ردیف	سنجش امتیاز زیرمعیارها: $L \times f$ (f: فراوانی و L: لیکرت)							میانگین امتیاز	امتیاز نهایی معیار	میانگین امتیاز معیارها
		بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف	جمع کل				
C ₁	B ₁₆	۳۲×۲	۸۸×۱	۶۴×۰	۸×-۱	۰×-۲	۱۴۴	۰/۷۵	۰/۱۳۵		
	C ₁₁	۲۸×۲	۵۵×۱	۶×۰	۳×-۱	۴×-۲	۱۰۰	۱/۰۴	۰/۲۹۲	۰/۲۷۷	
	C ₁₂	۱۶×۲	۵۷×۱	۱۰×۰	۸×-۱	۵×-۲	۷۱	۰/۷۴	۰/۰۸۱		
	C ₁₃	۴۰×۲	۸×۱	۳۲×۰	۱۶×-۱	۰×-۲	۷۲	۰/۷۵	۰/۴۵۸		
D ₁	D ₁₁	۶۴×۲	۳۲×۱	۰×۰	۳۲×-۱	۶۴×-۲	۰	۰/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	
	D ₁₂	۱۶×۲	۲۴×۱	۲۴×۰	۱۶×-۱	۱۶×-۲	۸	۰/۰۸	۰/۰۵۹		
E ₁	E ₁₁	۲۸×۲	۸۲×۱	۶۳×۰	۱۳×-۱	۶×-۲	۱۱۳	۰/۵۹	۰/۱۷۷	-۰/۰۸۷	
	E ₁₂	۰×۲	۸×۱	۴۸×۰	۲۴×-۱	۱۶×-۲	-۴۸	-۰/۵۰	-۰/۳۵۰		
E ₂	E ₂₁	۰×۲	۸×۱	۲۴×۰	۲۴×-۱	۴۰×-۲	-۹۶	-۱/۰۰	-۰/۳۶۰	-۰/۲۱۳	
	E ₂₂	۰×۲	۸×۱	۳۲×۰	۴۰×-۱	۱۶×-۲	-۶۴	-۰/۶۷	-۰/۱۳۳		
	E ₂₃	۰×۲	۱۶×۱	۴۰×۰	۳۲×-۱	۸×-۲	-۳۲	-۰/۳۳	-۰/۱۴۷		
F ₁	F ₁₁	۴×۲	۲۲×۱	۲۴×۰	۲۳×-۱	۲۳×-۲	-۳۹	-۰/۴۱	-۰/۲۸۴	-۰/۱۷۰	
	F ₁₂	۶×۲	۲۶×۱	۲۴×۰	۲۴×-۱	۱۶×-۲	-۱۸	-۰/۱۹	-۰/۰۵۶		
F ₂	F ₂₁	۸×۲	۴۷×۱	۶۴×۰	۴۷×-۱	۲۶×-۲	-۳۶	-۰/۱۹	-۰/۰۷۳	-۰/۰۷۰	
	F ₂₂	۲۲×۲	۱۲۵×۱	۱۵۲×۰	۱۱۴×-۱	۶۷×-۲	-۷۹	-۰/۱۶	-۰/۰۴۸		
	F ₂₃	۱۷×۲	۳۸×۱	۴۷×۰	۵۶×-۱	۳۴×-۲	-۵۲	-۰/۲۷	-۰/۰۸۹		
توضیح: کد مؤلفه‌ها و کد معیارهای اختصاری در این جدول، معادل مؤلفه‌ها و معیارهای جدول ۱ (جدول مدل مفهومی پژوهش) است.											

مطابق جدول ۶، نظر کاربران تنها به معیارهای B₁₁، B₁₅، B₁₆، C₁₁، C₁₂، C₁₃، D₁₁ و D₁₂ و E₁₁ مثبت و مطلوب بوده است و از نظر آن‌ها سایر معیارهای مرتبط با گردشگری میراث فرهنگی شهرستان در وضعیتی نامطلوب به سر می‌برند. در جدول ۷ امتیاز نهایی هر مؤلفه ارائه می‌شود؛ هرچه این رقم کوچک‌تر باشد، به معنای آن است که مؤلفه مورد نظر در سطح محدوده مطالعاتی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و باید بدان توجه بیشتری شود؛ بنابراین در برنامه‌های آتی توسعه و نیز پژوهش‌های برنامه‌ریزی با هدف توسعه گردشگری میراث فرهنگی منطقه، اولویت بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد.

جدول ۷) امتیاز مؤلفه‌های گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات و اولویت‌بندی آن‌ها در توسعه

اولویت و اهمیت مؤلفه	امتیاز نهایی مؤلفه = میانگین امتیاز معیارها × وزن مؤلفه	مؤلفه
۴	-۰/۰۰۹	A ₁ : تسهیلات و خدمات پشتیبانی گردشگری
۱	-۰/۰۳۶	A ₂ : زیرساخت‌های گردشگری
۶	-۰/۰۰۷۱	A ₃ : ساختار کالبدی محیط
۹	۰/۰۰۴	B ₁ : مدیریتی، ساختار و تشکیلات سازمانی
۱۰	۰/۰۲۵	C ₁ : تعاملات اجتماعی میان جامعه میزبان و گردشگران
۸	۰/۰۰۲	D ₁ : هویت تاریخی منشعب از میراث فرهنگی
۵	-۰/۰۰۷۴	E ₁ : بازار گردشگری
۲	-۰/۰۲۱	E ₂ : بودجه و اعتبار
۳	-۰/۰۱۲	F ₁ : بهداشت و پاکیزگی محیط
۷	-۰/۰۰۷۰	F ₂ : ایمنی و آسایش در محیط
ضریب منفی بیانگر شرایط نامطلوب -۰/۰۶۸۵		مجموع

مطابق جدول فوق (جدول ۷)، امتیاز نهایی وضع موجود گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات -۰/۰۶۸۵ به دست آمد که ضریب منفی آن بیانگر شرایط نامطلوب است. اولویت‌های اول تا پنجم مورد توجه خبرگان و کاربران در توسعه گردشگری میراث فرهنگی شهرستان به ترتیب عبارت‌اند از: مؤلفه‌های A₂ (زیرساخت‌های گردشگری، E₂ بودجه و اعتبار، F₁ بهداشت و پاکیزگی محیط، A₁ تسهیلات و خدمات پشتیبان گردشگری و E₁ بازار گردشگری که ارتقای آن‌ها در منطقه اهمیت بیشتری دارد و سپس مؤلفه‌های A₃ ساختار کالبدی محیط، F₂ ایمنی و آسایش در محیط، D₁ هویت تاریخی منشعب از میراث فرهنگی، B₁ مدیریت، ساختار و تشکیلات سازمانی و C₁ تعاملات اجتماعی میان جامعه میزبان و گردشگران نیز به ترتیب اولویت‌های ششم تا دهم (آخر) توسعه گردشگری میراث فرهنگی شهرستان کلات را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه

با وجود اینکه شهرستان کلات از ظرفیت‌های تاریخی (آثار و ابنیه تاریخی) مؤثری بر توسعه صنعت گردشگری برخوردار است، تاکنون مطالعات و اقدامات جهت‌داری در زمینه گردشگری میراث فرهنگی آن صورت نگرفته است؛ از این رو پژوهش حاضر به منظور شناخت صحیح و ارتقا و بهبود همه‌جانبه این امر، ابتدا از طریق پیوند دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در حوزه گردشگری و میراث فرهنگی به بازبانی مفاهیم، مؤلفه‌ها و معیارهای مشترک از آن‌ها پرداخت و زیرمعیارهایی را نیز در جهت سنجش آن‌ها گردآوری کرد (جدول ۱: مدل مفهومی)؛ سپس متناسب با نمونه موردی، جهت تبیین میزان برتری هر یک از این مؤلفه‌ها و معیارها نسبت به یکدیگر و مشخص کردن میزان اثرگذاری هر مؤلفه در توسعه گردشگری میراث فرهنگی شهرستان (با تأکید بر آثار و ابنیه تاریخی آن) طی مراحل محاسباتی و با منطق و نظامی اولویت‌بندی شده برپایه نظرات تمام ذی‌مدخلان (خبرگان و کاربران) به بررسی شرایط وضع موجود این گونه گردشگری در منطقه پرداخت؛ چراکه توفیق سازمان‌ها و مؤسسات در حصول موفقیت عملکردی، منوط به داشتن اطلاعات دقیق از نیازهای احساس شده مخاطبان است و چنین شناختی منجر به اصالت بیشتر هویت منطقه می‌شود؛ ضریب منفی امتیاز گردشگری میراث فرهنگی شهرستان نشان از وضعیت نامطلوب آن دارد و شواهد میدانی نیز بر این موضوع دامن می‌زنند؛ شواهدی مانند کمبود، نابرابری و عدم توازن در پراکنش و توزیع تسهیلات و خدمات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی که در تمام دسته‌ها غالباً در دهستان کبودگنبد بخش مرکزی با مرکزیت شهر کلات نادر که جزء هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهرستان بوده است، تمرکز یافته‌اند و این امر، نارضایتی کاربران (ساکنان و گردشگران) را در سایر دهستان‌ها به همراه داشته است؛ عدم استقبال صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گردشگری شهرستان، خصوصاً شاخه‌ی آثار و ابنیه تاریخی ناشی از عدم حمایت‌های مادی و معنوی دولت و همچنین وا همه گردشگران از ورود به مسیرهای منتهی به این آثار، خصوصاً محورهای اصلی کلات- مشهد و کلات- درگز به سبب عدم ایمنی و استانداردهای کافی مسیر؛ تنزیل نرخ ورود گردشگران به منطقه در پی عدم معرفی صحیح آثار و جاذبه‌های تاریخی ناشناخته شهرستان؛ ضعف نظارتی و در نتیجه دخل و تصرف‌ها و تغییر الگوی

کاربری زمین در حریم‌های آثار و ابنیه تاریخی و متعاقباً بروز اغتشاش‌های بصری و بعضاً آلودگی‌های زیست‌محیطی.

همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیشترین ضعف‌ها و نارضایتی‌ها به‌ترتیب مربوط به حوزه‌های زیرساختی، بودجه و اعتبار، زیست‌محیطی، تسهیلاتی و خدماتی، بازار گردشگری، ساختار کالبدی محیط، ایمنی و آسایش در محیط، هویت میراث فرهنگی، مدیریت سازمانی و تعاملات اجتماعی میان جامعه میزبان و گردشگران است؛ در صورتی‌که با داشتن یک برنامه راهبردی برای رونق گردشگری منطقه، می‌توان در جهت برون‌رفت از وضعیت نامطلوب فعلی و مرتفع کردن مشکلات حاکم و کمرنگ کردن چالش‌های پیش‌رو در این عرصه گام برداشت و پایه‌ها و ابعاد توسعه شهرستان را بنا کرد؛ بنابراین مدیران و مسئولین می‌بایست بر اهمیت توسعه و بهره‌وری از ظرفیت‌های گردشگری (آشکار و پنهان) منطقه واقف شوند و در این مسیر با همتی مضاعف گام بردارند تا شهرستان را در تمامی ابعادش متحول کنند و بدان جانی دوباره بخشند؛ به‌گونه‌ای‌که گردشگری به اصلی‌ترین و پایدارترین منبع درآمدی و عامل اصلی در اشتغال‌زایی و توانمندسازی تمام افراد جامعه محلی این منطقه بدل شود؛ پس از جمله پیشنهادات راهبردی این تحقیق عبارت‌اند از: تحکیم هویت و موجودیت آثار و ابنیه تاریخی با افزایش نظارت بر آن‌ها و تسریع اقدامات ثبتي آثار ارزشمند غیرثبتي و ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت و میان‌مدت، مرمت، مقاوم‌سازی، احیا و باززنده‌سازی ابنیه و آثار تاریخی و جذب سرمایه‌گذاران در این حوزه، التزام به حفظ کیفیات بصری و منظر بافت‌های تاریخی و همچنین تأمین نیازمندی‌های مادی، معنوی و غنای روحی گردشگران اعم از ارتقای زیرساخت‌ها و تجهیزات و ارائه خدمات و تسهیلات پشتیبان گردشگری میراث فرهنگی.

منابع

- امیری، حسن؛ شاکری، وحدت (۱۳۸۵). *دثر خدای آفرین*. مشهد: خیزران.
- امین‌زاده، بهناز؛ دادرس، راحله (۱۳۹۱). "بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری". *مطالعات معماری ایران*، دوره ۱، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۹۹-۱۰۸.
- باصولی، مهدی، و دیگران (۱۴۰۰). "طراحی مدل توسعه کارآفرینی گردشگری فرهنگی در شهر میراث جهانی یزد". *مطالعات اجتماعی گردشگری*، سال نهم، ش ۱۸ (پاییز و زمستان): ۹۱-۱۱۴.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۴). *آثار تاریخی کلات و سرخس*. تجدید چاپ خطابه مهدی بامداد در روز یکشنبه دوم آبان ۱۳۳۳ در انجمن آثار ملی. تهران: تابان.
- پژوهان، موسی؛ پورمقدم، زهرا (۱۳۹۷). "برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری شهری با رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر رشت)". *مطالعات شهری*، دوره ۷، ش ۲۷ (تابستان): ۵۳-۶۶.
- پوررحبی، میلاد؛ فولادیان، مجید (۱۳۹۹). "نگرش زائرین آستان قدس رضوی نسبت به مردم مشهد با رویکرد توسعه گردشگری شهرهای مذهبی". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۱۴، ش ۳ (بهار): ۳۵-۶۴.
- جلیلیان، میترا؛ اکبرپور، محمد؛ توکلی، جعفر (۱۴۰۱). "شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر توسعه صنعت گردشگری روستای کندوله شهرستان صحنه". *مطالعات اجتماعی گردشگری*، سال دهم، ش ۲۰ (تابستان): ۱۳۱-۱۵۶.
- حسینی، سیدمحمد؛ نصرالله‌زاده، جواد؛ محبی، افشار (۱۳۹۹). "الگوی راهبردی در اداره امور میراث فرهنگی و گردشگری مبتنی بر تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران". *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، دوره ۱۸، ش ۷۹ (بهار): ۳۴۹-۳۶۸.
- حسینی‌نیا، مهدیه (۱۳۹۶). "تحلیلی بر تأثیر مکان‌های گردشگری شهری در جذب گردشگران فرهنگی (مطالعه موردی: شهر پاریس)". *هویت شهر*. دوره ۱۱، ش ۳۲ (زمستان): ۳۱-۴۴.

- خواجه، راحله؛ بهزاد، روح‌الله (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر توسعه گردشگری فرهنگی با تأکید بر ظرفیت‌های تاریخی (مطالعه موردی: جاذبه‌های کلات نادری)". [پیوسته] قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1003437> [۱۳۹۸/۱۲/۲۹]
- داوری، راحله (۱۳۹۶). "اکوتوریسم و نقش آن در توسعه پایدار ناحیه‌ای (مورد مطالعه: شهرستان کلات)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور مرکز فردوس.
- دهمرده پهلوان، مهدی، و دیگران (۱۴۰۱). "بررسی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های مجموعه باستانی کال سیر، سیرخردو و مهدوا؛ شهرستان طرقله شاندریز در شمال شرق ایران". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۱۶، ش ۴ (تابستان): ۶۷-۱۰۴.
- راستاد بروجنی، مرضیه، و دیگران (۱۳۹۶). "واکاوی اثرات بافت‌های تاریخی بر توسعه گردشگری فرهنگی گمیشان". *میراث و گردشگری*. دوره ۲، ش ۵ (بهار): ۸۷-۱۰۸.
- سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی اداره آمار و اطلاعات (۱۴۰۰). *سیمای شهرستان کلات در سال ۱۳۹۹*. مشهد: سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی.
- صالحی‌پور، محمدرضا، و دیگران (۱۴۰۱). "نقش تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی در جهت توسعه گردشگری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران". *مطالعات اجتماعی گردشگری*، دوره دهم، ش ۲۰ (پاییز و زمستان): ۷۳-۱۰۰.
- غیور باغبانی، سیدمرتضی، و دیگران (۱۴۰۰). "ارائه راهبردهای جذب گردشگر خارجی در شهر مشهد با استفاده از مدل استراتژیک SOAR". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۱۵، ش ۳ (بهار): ۱۱۹-۱۵۶.
- — (۱۴۰۱). "تأثیر مشارکت گردشگران مذهبی بر تجربه ماندگار از طریق تعامل فرهنگی". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۱۶، ش ۳ (بهار): ۱۲۹-۱۵۸.
- قاجار، ناصرالدین‌شاه (۱۳۶۴). *سفر دوم خراسان*. تهران: کاوش.

- کردیخکشی، عطیه (۱۳۹۴). "بررسی قابلیت‌های گردشگری شهرستان بهشهر با توجه به ابنیه و بناهای تاریخی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشکده علوم گردشگری، مؤسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). "سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵". [پیوسته] قابل دسترس در:

<https://www.amar.org.ir/Census-general-population-and-housing/results-census>. [۱۴۰۰/۶/۱۰]

- محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۸۰). در آمدی بر جهانگردی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- منتظری، مرجان؛ براتی، ناصر (۱۳۹۳). "برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری: رهیافتی کارآمد جهت تحقق گردشگری پایدار (مطالعه موردی: شهر یزد)". شهرسازی و معماری هفت‌شهر، دوره ۴، ش ۴۷ و ۴۸ (زمستان): ۴۰-۵۷.

- نامجومطلق، محمد (۱۳۹۷). "تحلیل عوامل زمینه‌ای مؤثر بر مقصد گردشگران ورزشی شهرستان کلات نادر براساس مدل سه‌شاخگی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) مشهد.

- نیک‌بین، مهنا، و دیگران (۱۳۹۸). "مدل مفهومی توسعه پایدار گردشگری فرهنگی با رویکرد فراترکیب". مطالعات اجتماعی گردشگری، سال هفتم، ش ۱۴ (زمستان): ۷۳-۱۰۲.

- مهندسان مشاور اوت (۱۳۸۹). خلاصه گزارش طرح جامع شهر کلات. بی‌جا: سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی.

- Ashworth, G. J.; Tunbridge, J. E. (2000). *The Tourist, Historic City Respect & Prospect of managing the heritage city (Advances in Tourism Research)*. England: Pergamon.

- Coccossis, Harry (2016). *Sustainable Development and Tourism: Opportunities and Threats to Cultural Heritage from Tourism*. London: Routledge.

- Lak, Azadeh; Gheitasi, M.; Timothy, D. (2019). "Urban regeneration through heritage tourism: Cultural policies and strategic management". *Journal of Tourism and Cultural Change*, Vol. 18, No. 4: 386-403.

- Li, Y.; Hunter, C. (2015). "Community involvement for sustainable heritage tourism: A conceptual model". *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, Vol. 5, No. 3: 248-262.

- Poyya Moli, G. (2011). "Community Based Eco Cultural Heritage Tourism for Sustainable Development in the Asian Region: A Conceptual Framework".

International Journal Social Ecology and Sustainable Development (IJSESD), Vol. 2, No. 2: 113-131.

- Stastna, M., et al. (2020). "Cultural tourism as a driver of rural development (Case study: Southern Moravia)". *Journal of Sustainability*, Vol. 12, No. 21: 1-16.

Study of the effect of the sense of belonging to a place on the demographic stability of the border villages of Sarbisheh County

Javad Mikaniki¹
Received: 13/2/2023

Reza Dorri²
Accepted: 20/4/2023

Introduction

Population instability in rural areas is one of the serious challenges of recent decades, the most important reason for which is rural-to-urban migration and population evacuation of villages. People's sense of belonging to a place is formed by the place where they were born and grew up. In fact, this type of relationship with the place affects people in a lasting way and enriches the human identity. From the point of view of environmental psychology, the sense of belonging to a place is at a higher level than the sense of place, which plays a decisive role in order to benefit and continue human presence in the place (Falahat & Nouhi, 21: 2012). Rural settlements, as the smallest and oldest geographical units, have been formed under the influence of various factors such as natural, social, cultural, historical and economic factors in the geographical context and in the form of human-environment relations (Mekaniki & Nik Farjam, 2014: 47). Iran's border areas have always faced many problems due to various threats of neighboring countries. The border villages of Sarbisheh, with a 99 km common border with Afghanistan, are the sample studied in this study. The question of the present study is: How the sense of belonging to a place affects the stability of the population of the border villages of this city? The study results can provide a better understanding of human behavior in different situations, such as the decision to stay or leave a habitat.

Method

The present study is descriptive-analytical using survey. Reviewing library and internet references and taking a sample from these references, comprehensive and documented materials related to the research were collected, theoretical foundations related to the subject were reviewed, and the social and physical components of the sense of belonging to a place and appropriate variables were identified. The statistical population of this study includes households living in the border villages

1. Associate Prof. in Geography & Rural Planning, University of Birjand, Birjand, Iran
javadmikaniki@birjand.ac.ir
2. MSc. in Geography & Rural Planning, University of Birjand, Birjand, Iran
Dorri.r.geo@birjand.ac.ir

of Sarbisheh, i.e. 1394 households. According to Cochran's formula, 253 households were considered as the necessary sample size of the population.

The data of the studied sample were collected by survey and a researcher-made questionnaire with different parts (personal information, social trust, social cohesion and participation, social identity, and access to services and facilities), including 45 items on Likert scale. The answers are scored in five options (very low = 1, low = 2, moderate = 3, high = 4 and very high = 5). In this study, face validity was used. In this way, for the design of the questionnaire, it was attempted to match and relate the questions with the theoretical foundations and objectives of the research. Next, it was modified according to the opinions of the professors in the field of rural planning studies. Cronbach's alpha was used to confirm the reliability of the measurement tool. Descriptive statistics (mean, standard deviation, and coefficient of variation) were used for the data analysis and non-parametric binomial statistical test was used to test the research hypotheses due to the non-normality of the data.

Results: The distribution of the frequency of people's views about the social components affecting the sense of belonging to a place includes social trust, social cohesion and participation, and social identity, from which the following results are obtained:

a. Social trust: the average opinions of the people studied about the effect of the component of social trust on the sense of belonging to a place and the stability of rural settlements is equal to 3.70, indicating that the effect of the component of social trust on the sense of belonging to a place and stability of rural settlements is high.

b. Social cohesion and participation: The average opinion of the people studied about the effect of the component of social cohesion and participation on the sense of belonging to a place and the stability of rural settlements is equal to 4.01, indicating that the effect of the component of social cohesion and participation on the stability of rural settlements is high.

c. Social identity: the average opinions of the people studied about the effect of the component of social identity on the sense of belonging to a place and the stability of rural settlements is equal to 3.68, indicating that the effect of the component of social identity on the stability of rural settlements is high.

The average of the opinions of the people studied about the effect of physical characteristics affecting the sense of belonging to a place and the stability of rural settlements is equal to 2.52, indicating that the effect of physical characteristics on the sense of belonging to a place and stability of rural settlements is less than average.

Conclusion

The slow growth and sometimes population evacuation of villages, especially the border villages, is a serious threat to the population and activity, which should be seriously considered by those in charge of land planning and preparation. The study of population changes in the last decade shows the population growth caused by the persistence of the population in the border villages of Sarbisheh. In order to investigate the effect of physical and social components on the stability of rural settlements, due to the non-normality of the data, a binomial non-parametric test was

used. The analysis of data obtained from survey showed that all three social components (social trust, social cohesion and participation, and social identity) have a great effect on the sense of belonging to a place and caused the demographic stability of border rural settlements. Also, the results showed the lack of influence of physical components on the sense of belonging to a place in the rural settlements of the border areas. The existing physical infrastructure has not been a factor to strengthen the sense of belonging to a place, and the current sense of belonging to a place is not caused by physical characteristics. However, if the physical infrastructure is strengthened, it can strengthen the sense of belonging to the place and the permanence and stability of the population of remote and border rural settlements.

In this study, only the effects of social and physical characteristics on the sense of belonging to a place and population stability of border villages were investigated from the perspective of the local community. Family and ethnic cohesion and ties, along with friendly interactions, sympathy and close relationships among villagers, have been among the variables that have led to the strengthening of the sense of belonging to a place among the border villagers of Sarbisheh.

Keywords: Sense of belonging to a place, population stability of rural settlements, Sarbisheh.

References

- Amirkafi, M.; Fathi, Sh. (2011). "Barasi avaamel-e moaser bar delbastegi be mantagheye-e maskuni: Motaael-e moredi shahr-e Kerman" [Factors influencing neighborhood attachment: A case study of residents of Kerman]. *Journal of Iranian Social Studies*, Vol. 5, No. 1 (Spring): 5-41. [In Persian].
- Falahat, M. S.; Nouhi, S. (2011). "Mahiat neshaneha va naghsh-e an dar erteghaay-e hes-e makan-e fazay-e memaari" [The role of symbols in enhancing spatial awareness in architecture]. *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, Volume. 17, Vol. 1 (Spring): 17-26. [In Persian].
- Golkar, K (2001). "Moalefehaye-e sazand-e keyfiat tarahi-e shahri" [Components of the quality of urban design], *Sofeh Magazine*, Volume. 11, No. 32: 38-66 -. [In Persian].
- Iran Statistics Center (2015). "Sarshomaari-e omumi nofus va maskan dar saal 1395 [General census of population and housing in 2015]. [Continued] Available at: [16/7/2022] <https://www.amar.org.ir/statistical-information> [In Persian].
- Jovan Foruzandeh, A.; Melabi, Q. (1390). "Mafhum-e hese talogh be makaan va avaamel-e tashkildahande" [The concept of a sense of belonging to a place and its constituent factors]. *City Identity*, Volume. 5, Issue. 8 (Summer): 27-37 [In Persian].
- Juanwen, Y.; Quanxin, W.; Jinlong, L. (2012). "Understanding indigenous knowledge in sustainable management of natural resources in China: Taking two villages from Guizhou Province as a case". *Forest policy and economics*, Vol. 22, No. C: 47-52.
- Khorasani, M. A.; Rizvani, M. R.; Moulai Qalichi, M. (2014). "Tahlil-e tasir moteghayerhay-e fardi bar edrak va az zistpaziri dar rustahay-e piramun-e shahr: Motal-e moredi-e shahrestan Varamin" [Examining the impact of individual variables on livability perception in rural areas surrounding the city: A case study of Varamin county]. *Regional Geography and Development*, No. 25 (Autumn and Winter): 159-182. [In Persian].
- Mikaniki, J; Nik Farjam, K. (2013). "Arzyabiy-e amalkard dehyariha az didgah rustaian dar afzayesh-e mosharekat-e ejtemaie: Motale-e moredi-e shahrestan birjand" [Assessing the performance of village councils in promoting social participation: A case study of Birjand county from the perspective of villagers]. *Khorasan Social Cultural Studies*, Volume. 9, No. 34 (Winter): 45-65. [In Persian].
- Motiei Langroudi, H.; et al. (2012). "Tabien-e olguy-e raahbordi-e monaaseb bar maandegaari-e jamiat dar sokunatgaahay-e rustaei: Motale-e moredi-e dehestaan soluk-e shahrestan Hashtroud" [Developing an effective strategy for population sustainability in rural settlements: A case study of Seluk village, Hashtroud county]. *Geography and planing*, Vol. 52 (Summer): 303-322. [In Persian].
- Norris, T.; Pittman, M. (2000). "The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities". *Public Health Reports*, Vol. 115, No. (2-3): 118-124.
- Omar, S. (2005). "Challenges of the K-Era: The psychological contract of knowledge sharing and organisational commitment". *International Journal of Knowledge, Culture and Change Management*, Vol. 4, No. 4:1061-1073.

- Partovi, P. (2012). "Makaan va bimakaani ruykardi padidaarshenaasi" [Place and placelessness in the phenomenological approach]. *Fine Arts*, Volume. 14, No. 476 (Summer): 40-50 [In Persian].
- Sarmast, B.; Motossali, M. M. (2009). "Barasi va tahlil naghsh-e meghyase makaan dar mizaan-e hese talogh be makan: Motaleh moredi shar-e Tehran" [Examining the significance of place scale in fostering a sense of belonging: A case study of Tehran.] *Urban Management*, Volume. 8, No. 26 (Autumn and Winter): 133-146 [In Persian].
- Shakoui, H.; Tabrizi, J. (2003). "Tasir-e nosaazi-e shahr-e fangara bar ijad hese lamakaani: Motale-e moredi-e porozhe-e nawaab" [Exploring the impact of techno-oriented urban renewal on placelessness: A case study of the Nawab project]. *Humanities Lecturer*, Vol. 2 (Summer): 141-162 [In Persian].
- Shultz, N. (2002). *Memaari: Hozur, zabaan va makaan* [Architecture: Presence, language and place], translated by Seyed Alireza Ahmadian, Memar Institute, Tehran [In Persian].
- Southern Khorasan Management and Planning Organization (2016). *Statistics and Information Unit* [In Persian].
- Steele, F. (1981). *The sense of place*. Boston: CBI Publishing Company.

مقاله علمی - پژوهشی

مطالعه تأثیرات حس تعلق مکانی بر پایداری جمعیتی روستاهای مرزی شهرستان سربیشه

جواد مکانیکی^۱

رضا دری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_170190.html

چکیده

نواحی روستایی با شروع روند رشد یکنواخت جمعیت در آغاز قرن نوزدهم و تشدید شهرنشینی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بخش عمده‌ای از جمعیت خود را به نفع شهرهای کوچک و بزرگ از دست داده‌اند. کاهش حس تعلق مکانی به‌عنوان یکی از علل آن به‌صورت مشکل و مسئله‌ای تازه برای انسان مطرح شده است که شناخت بیشتر آن به پژوهشگران و برنامه‌ریزان در حل چالش‌های پیش‌رو یاری می‌رساند. هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی بر پایداری جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه است. این پژوهش بر مبنای ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد پیمایشی و از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. مبنای نظری و اطلاعات مرتبط با پیشینه پژوهش به‌روش کتابخانه‌ای تدوین شد و در مرحله بعد، جمع‌آوری اطلاعات محیطی به‌صورت پیمایشی و تکمیل پرسشنامه محقق‌ساخته از خانوارهای روستایی ساکن در روستاهای مرزی شهرستان سربیشه انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۹ روستای مرزی شهرستان سربیشه و مشتمل بر ۱۳۹۴ خانوار است. روش نمونه‌گیری در سطح خانوار از نوع احتمالی و تصادفی ساده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۳ خانوار است. در تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات پیمایشی، از آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضرایب تغییرات) و برای آزمون فرضیات از آمار استنباطی شامل

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

javadmikaniki@birjand.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند Dorri.r.geo@birjand.ac.ir

(آزمون دوجمله‌ای) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد مؤلفه‌های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی بر احساس تعلق مکانی در حد زیادی تأثیرگذار است؛ همچنین مؤلفه کالبدی که بر تعلق مکانی خانوارهای روستایی تأثیر اندکی در پایداری جمعیتی و ماندگاری روستاییان در سکونتگاه‌های مرزی محدوده مورد مطالعه داشته است.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق مکانی، پایداری جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان سریشه.

مقدمه و بیان مسئله

وقوع انقلاب صنعتی، رشد سریع شهرنشینی و وجود شکاف میان شهر و روستا موجب تشدید مهاجرت‌های روستایی شده و امروزه نیز به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی، مسئله مهاجرت‌فرستی و تخلیه جمعیتی روستاها به یکی از موضوعات مهم در این زمینه تبدیل شده است. علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی موجود در روستاها، از دیگر دلایل مهاجرت روستاییان، عدم تعلق و وابستگی آنان به محل زندگی خود است؛ به گونه‌ای که تصویری که از محل زندگی خود دارند در ایجاد حس تعلق به مکان زندگیشان و نیز انگیزه لازم برای ماندگاری در روستا و انجام امور کشاورزی نقش بسزایی دارد. حس تعلق مکانی از موضوعاتی است که در ماندگاری روستاییان در مکان زندگی خود تأثیر دارد و بهبود زندگی ساکنان در حوزه‌هایی همچون اشتغال، گذران اوقات فراغت، آموزش و ... به بهبود رضایت و تعلق می‌انجامد؛ بنابراین افزایش و بهبود این عوامل می‌تواند به جذب ساکنان آینده منجر شود و امکانی را برای پایداری و نیز افزایش جمعیت در محیط‌های روستایی فراهم کند. همچنین پایداری جمعیت روستایی موضوعی است که عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را دربرمی‌گیرد.

حس مکان ازجمله مفاهیمی است که شناخت بیشتر آن به پژوهشگران و برنامه‌ریزان در زمینه‌های گوناگون یاری می‌رساند و درنهایت منجر به بهبود شرایط محیطی می‌شود. حس مکان، به این معناست که استفاده‌کنندگان، ویژگی‌های معنایی محیط و شخصیت مکان را از محیط دریافت کنند. حسی که به وسیله ادراک ذهنی مردم از محیط و دریافت احساسات آگاهانه یا ناآگاهانه آن‌ها از محیط دریافت می‌شود و استفاده‌کننده را در ارتباطی تنگاتنگ با محیط قرار

می‌دهد. حس مکان موجب ایجاد حس رضایتمندی در استفاده‌کننده می‌شود و با یادآوری فرهنگ یا تاریخ یک اجتماع و یا تجارب ذهنی گذشته فرد، بر مفهوم هویت تأکید می‌کند و کیفیت فضای ساخته‌شده را برای مخاطب ارتقا می‌بخشد. ویژگی‌های کالبدی محیط که شامل تعاملات اجتماعی و همچنین معانی هویتی و ذهنیت است، بر القای حس مکان تأثیرگذار است.

حس تعلق به مکان نقطه مقابل حس لامکانی است. حس لامکانی به احساس عدم تعلق به مکان که ناشی از فقدان تنوع است اشاره دارد (شکوئی و تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). حس تعلق به مکان حتی در سلامتی روحی و روانی انسان نیز تأثیرگذار است و در مواردی حس تعلق باعث جلوگیری از بیماری دلتنگی شده است (Steele, 1981: 121). حس تعلق به مکان را می‌توان به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن دانست (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). تعلق مکانی در مردم به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده اند، شکل می‌گیرد. درواقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه‌ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطر مکان، هویت انسان را غنا می‌بخشد. از دیدگاه روان‌شناسی محیط، احساس تعلق و دلبستگی به مکان در سطح بالاتری از حس مکان قرار دارد که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱: ۲۱). تعلق به مکان فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت‌ها نقشی برای مکان در ذهن متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود. مهم‌ترین معنای تعلق به مکان در تجربه رابطه نمادین فرد، گروه و مکان نهفته است که می‌تواند ضمن فرهنگی بودن، از دیگر منابع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز معنا بگیرد.

در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی حس تعلق به مکان، رابطه مستقیمی با طول مدت اقامت در آن مکان دارد و زندگی دائم در یک مکان به مدت حداقل پنج سال، تعلق خاطر نسبت به آن مکان را به وجود می‌آورد؛ درحالی‌که "مکان‌داری" موجب احساس ریشه‌دار بودن و تعلق به محیط می‌شود و مجسم‌کننده خواست و اراده است. بی‌مکانی دلالت بر فقدان معنی دارد (شکوئی و تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان کوچک‌ترین و باسابقه‌ترین واحد جغرافیایی، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر عوامل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی در بستر جغرافیایی و در قالب روابط انسان و محیط شکل گرفته است (میکائیکی و نیک‌فرجام، ۱۳۹۳: ۴۷). مناطق مرزی کشور ایران همواره به‌دلیل وجود تهدیدات گوناگون در کشورهای همسایه با مسائل و مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است. روستاهای مرزی شهرستان سریش، با داشتن ۹۹ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان، نمونه مورد مطالعه این پژوهش است. سکونتگاه‌هایی که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت ۱۱۱۶۷ نفر را در خود جای داده است. برخلاف اینکه طی سال‌های اخیر مناطق روستایی و مرزی به‌دلایل مختلف با پدیده کاهش و یا تخلیه جمعیتی مواجه بوده‌اند، این سکونتگاه‌ها در مناطق مرزی شهرستان سریش با رشد جمعیت روبه‌رو بوده‌اند؛ به‌طوری‌که جمعیت روستاهای مورد مطالعه تحقیق از ۷۲۰۹ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۰۰۷ نفر در سال ۱۳۹۰ و در سال ۱۳۹۵ این رقم به ۱۱۱۶۷ نفر رسیده است. این افزایش جمعیت در محدوده مورد مطالعه در حالی است که خشکسالی دهه‌های اخیر و ناامنی‌های مرزی ناشی از حضور طالبان در افغانستان، فقر امکانات زیرساختی قاعداً باید موجب رشد منفی و حتی تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های مرزی شهرستان می‌شد؛ از این‌رو سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که حس تعلق مکانی چه تأثیری بر پایداری جمعیت حاشیه مرزی روستاهای مرزی این شهرستان داشته است؟ امید است نتایج حاصل در تصمیم‌گیری‌های نهادهای متولی روستایی تأثیرگذار باشد و شناخت بهتری از رفتارهای انسانی در موقعیت‌های مختلف مانند تصمیم برای ماندن یا ترک یک زیستگاه فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

در این قسمت مهم‌ترین منابع و تحقیقات داخلی انجام‌شده مرتبط با پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جوان‌فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن»، نقش محیط و ویژگی‌های کالبدی آن را در شکل‌گیری حس تعلق مهم

می‌دانند؛ بدین منظور براساس روش پژوهش‌شناختی و با رویکردهای هستی‌شناسانه و معرفت-شناسانه به مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته‌اند و حس تعلق را واجد دو بعد اجتماعی و کالبدی می‌دانند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حس تعلق از معیارهای ارزیابی محیط‌های باکیفیت است و در معماری و رشته‌های طراحی محیطی، ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم (رنگ، اندازه، شکل و مقیاس) و روابط اجزای کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی محیط، نقش مهم و مؤثری در شکل‌گیری حس تعلق دارند که درنهایت مدلی از عوامل تأثیرگذار محیطی ارائه شده است. امیرکافی و فتحی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)» به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای پیوندهای اجتماعی محلی، دسترسی به امکانات و تسهیلات، احساس امنیت و نظم اجتماعی، تأثیرات معناداری بر دلبستگی به محله مسکونی دارند. همچنین، تأثیر غیرمستقیم متغیر مدت اقامت که از طریق پیوندهای اجتماعی محلی صورت می‌گیرد، بیش از تأثیر مستقیم آن بر متغیر وابسته است. درمجموع، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد متغیرهای اصلی پژوهش، ۵۹٪ از تغییرات دلبستگی به محله مسکونی را تبیین کرده‌اند. فلاحت و نوحی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن» به بررسی مفهوم حس مکان در دیدگاه پدیدار-شناسی محیطی و روان‌شناسی محیطی، سطوح مختلف و عوامل شکل‌دهنده آن پرداخته‌اند. درنهایت ضمن رسیدن به این جمع‌بندی که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیط است، مدلی را برای نشان دادن چگونگی این تأثیرات ارائه می‌دهند. مطیعی لنگرودی و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «تبیین راهبرد مناسب بر ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان سلوک شهرستان هشتروود)»، با هدف راهکار مناسب جهت ماندگاری جمعیت در روستاها، انجام داده‌اند. در این مقاله با استفاده از ابزار تحلیل مبتنی بر تکنیک SWOT، نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از عرصه‌های سکونتگاه‌های روستایی دهستان سلوک بخش مرکزی شهرستان هشتروود تبیین و اقدامات راهبردی جهت حل مسائل مربوط به ماندگاری جمعیت روستاها ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که می‌توان از طریق توسعه کارآفرینی و نیز رویکرد مشارکتی به برنامه‌های توسعه

روستایی، ضمن تقویت روحیه و بسط انگیزه، زمینه‌های امیدواری را در روستاها تقویت کرد تا از این طریق پایه ماندگاری در روستاها را تحکیم بخشید.

مبانی نظری

توسعه پایدار روستایی

مؤسسه توسعه روستایی در ایران، توسعه روستایی را بدین صورت تعریف می‌کند: «فرایندی همه‌جانبه، موزون و درون‌زا که در چهارچوب آن، توانایی‌های اجتماعات روستایی برای رفع نیازهای اساسی مادی و معنوی و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل‌دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و سرزمین) رشد و تعالی می‌یابد. درواقع توسعه پایدار، نقطه توازن و تعادل در جهت تحقق اهداف توسعه در هر یک از ابعاد طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است؛ امری که در چهارچوب الگوهای گذشته به تعارض میان هر یک از ابعاد توسعه انجامیده است. هرچند جهت رسیدن به توسعه پایدار روستایی بر حسب مقتضیات جوامع روستایی، اهمیت و وجوه کمی- کیفی متفاوتی برای اهداف آن در نظر گرفته شده است؛ لیکن می‌توان مبنای مشترکی را نیز به تصویر کشید.

زیست‌پذیری مناطق روستایی

زیست‌پذیری مفهومی کلی است که با برخی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر همچون پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم مرتبط است (Norris & Pittman, 2000: 119). تعریف زیست‌پذیری در جوامع گوناگون متفاوت است؛ ولی با این حال می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی برای ایجاد معیارهای بومی زیست‌پذیری بهره گرفت. زیست‌پذیری غالباً برای تعریف ابعاد مختلف اجتماع و تجربه‌های مشترکی که آن را شکل می‌دهند، به کار گرفته می‌شود و بر تجربه انسان از مکان تمرکز می‌کند و آن را در ظرف زمانی و مکانی مشخصی در نظر می‌گیرد (خراسانی، رضوانی و مولایی قلیچی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). از دیدگاه برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان مختلف بسته به حیطه عمل هر یک از آن‌ها، در تعریف، روستای زیست‌پذیر در برخی از اصول بیشتر جلوه‌گر شده است.

روستای زیست‌پذیر، روستایی است که برای همه اقشار جذاب، ارزشمند، ایمن و مناسب است؛ نه فقط برای آن‌ها که در گروه سنی خاصی باشند (Juanwen, Quanxin & Jinlong, 2012: 50). روستای زیست‌پذیر از یک سو به گذشته‌های تاریخی و ریشه‌های روستاییان احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنان که تاکنون متولد نشده‌اند نیز اهمیت می‌دهد. همچنین این نوع روستا علیه هرگونه اتلاف منابع مبارزه می‌کند؛ بنابراین روستای پایدار نیز محسوب می‌شود. روستاهای زیست‌پذیر مکان‌هایی برای زندگی اجتماعی، ارتباط و گفتگو هستند. این‌گونه روستاها محیطی را برای سکونت و فعالیت ایجاد می‌کند و فضایی را به وجود می‌آورد که زمینه‌ساز حضور ساکنان در قلمرو آن باشد (Omar, 2005: 1065).

مفهوم مکان

ماهیت یک مکان در بعضی عرصه‌ها، کنشی زمانی است که با فصل‌ها و یا دوره‌های یک روز همانند هوا تغییر می‌کند؛ عواملی که بیش از هرچیز، موقعیت‌های متفاوت را تعیین می‌کند. ماهیت یک مکان در بعضی عرصه‌ها، کنشی زمانی است که با فصل‌ها و یا دوره‌های یک روز همانند هوا تغییر می‌کند. عواملی که بیش از هرچیز، موقعیت‌های متفاوت را تعیین می‌کند. تقریباً هر انسان، مکان را آسان‌تر از فضا درک و تجربه می‌کند و در مقایسه با فضا، ضرورت مکان برای زندگی فردی و اجتماعی را به سادگی احساس می‌کند. افراد حتی فضا را هم به واسطه مکان درک می‌کنند و فضایی جدا از مکان را غیرقابل تصور می‌دانند. این تفاوت در درک مکان و فضا از آنجا ناشی می‌شود که درواقع فضا انتزاعی‌تر از مکان است (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). انسان از مکان‌های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر روی ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان‌هاست که به مکان هویت می‌دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت-بخشیدن به مکان مؤثر است (پرتویی، ۱۳۸۲: ۴۶).

مفهوم حس مکان

حس کلی که انسان پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیطی خاص پیدا می‌کند را حس مکان می‌نامند که باعث هماهنگی انسان با محیط، بهر برداری بهتر از آن، رضایت کاربران و درنهایت احساس تعلق نسبت به آن مکان و تداوم حضور در آن می‌شود. حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد؛ بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود (گلکار، ۱۳۸۰: ۶۵). شولتز (۱۳۸۱: ۱۲۳) حس مکان را پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری می‌داند که در بستر ادراک و جهت‌یابی در فضا ممکن می‌شود.

مفهوم حس تعلق به مکان

تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱: ۴۷). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید، فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان، نقشی برای آن در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Steele, 1981: 44)؛ بنابراین حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به‌صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌کند (جوان‌فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳). مهم‌ترین معنای تعلق به مکان در تجربه رابطه نمادین فرد، گروه و مکان نهفته است که می‌تواند ضمن فرهنگی بودن، از دیگر منابع اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز معنا بگیرد.

ارتباط بین تعلق مکانی و ماندگاری در روستا

به‌طور کلی می‌توان گفت عوامل متعددی بر افزایش رضایتمندی و حس تعلق مکانی در روستاها تأثیرگذارند: عواملی نظیر محل زندگی به‌عنوان مکانی که در آن هویت فرد شکل گرفته، حوادث

و رویدادهایی که برای فرد اتفاق افتاده، خاطراتی که از آن مکان در ذهن فرد باقی مانده است و نیز ارتباط با خویشاوندان، همسایگان، زمین‌ها و دارایی‌های فرد در روستا، عناصر مصنوع، اندازه، رنگ، بافت، آب و هوای مطلوب و... این عوامل باعث می‌شود تا روستاییان نسبت به روستا و محل زندگی خود، احساس تعلق داشته باشند و سبب کاهش مهاجرت‌های روستایی و ترک مکان زندگی می‌شود؛ بنابراین رضایت از محل سکونت مؤلفه‌ای کلیدی برای مهاجرت و یا مهاجرت‌نکردن روستاییان است. این رضایت تابعی از ویژگی‌های خانودگی، بعد مکانی و نیز قراردادهای اجتماعی است.

سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی چه تأثیری بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه داشته است؟
۲. مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی چه تأثیری بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه داشته است؟

فرضیات پژوهش

۱. مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه تأثیر زیادی دارد.
۲. مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه تأثیر زیادی دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی با رویکرد پیمایشی است. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی و فیش‌برداری از این منابع به جمع‌آوری مطالب جامع و مستند در ارتباط با پژوهش و بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته و با بیان مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی حس تعلق، متغیرهای مناسب شناسایی شد.

فرایند نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه متمرکز بر جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای ساکن روستاهای مرزی شهرستان سریشه؛ یعنی ۱۳۹۴ خانوار است. براساس فرمول کوکران تعداد ۲۵۳ خانوار به‌عنوان حجم نمونه لازم از جامعه مورد نظر به‌صورت زیر تعیین شد:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

در این فرمول:

$N= ۱۳۹۴$ (تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه مرزی شهرستان سریشه)

$t=۱/۹۶$ (در سطح اطمینان ۹۵٪)

$p=۰/۷۵$ (نسبت وجود صفت در جامعه است که بر اساس پیش‌آزمون انجام‌شده، مقدار این

نسبت برای متغیر تعلق مکانی برابر ۰/۷۵ برآورد شده است).

$q= ۰/۲۵$ (نسبت عدم وجود صفت در جامعه است، $q=1-p$)

$d= ۰/۰۵$

$n= ۲۵۳$ (حجم نمونه محاسبه‌شده)

جمع‌آوری اطلاعات نمونه مورد مطالعه طی پیمایش با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام

شد که شامل بخش‌های مختلفی به شرح زیر است:

بخش اول مربوط به مشخصات فردی با ۳ گویه.

بخش دوم مربوط به اعتماد اجتماعی با ۷ گویه.

بخش سوم مربوط به انسجام و مشارکت اجتماعی با ۷ گویه.

بخش چهارم مربوط به هویت اجتماعی با ۷ گویه.

بخش پنجم مربوط به دسترسی به خدمات و امکانات با ۲۱ گویه.

طیف به‌کاررفته در پرسشنامه، طیف لیکرت بوده و جواب‌ها به‌صورت پنج گزینه (خیلی کم ۱،

کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴ و خیلی زیاد ۵) تنظیم شده است. در این پژوهش از روایی صوری

استفاده شد؛ بدین صورت که در طراحی پرسشنامه سعی شد، سؤالات آن منطبق و مرتبط با

مبانی نظری و اهداف پژوهش طراحی شود که در مرحله بعد با نظرات اساتید حوزه مطالعات

برنامه‌ریزی روستایی اصلاح شد. برای برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری از آزمون کرونباخ استفاده شد که مقادیر آن در جدول ۱ قید شده است:

جدول ۱) ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه

مقدار ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات	بخش‌های پرسشنامه
۰/۸۵۶	۷	اعتماد اجتماعی
۰/۹۰۰	۷	انسجام و مشارکت اجتماعی
۰/۸۹۵	۷	هویت اجتماعی
۰/۹۴۷	۲۱	مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری متناسب با فرضیه‌های تحقیق آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات)، آمار استنباطی (آزمون کولموگروف اسمیرنف، آزمون دوجمله‌ای) و نرم‌افزار SPSS، با هدف مطالعه تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی بر پایداری جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان تجریه- و تحلیل انجام شد.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان سربیشه به مرکزیت شهر سربیشه در حدفاصل ۳۲ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی تا ۳۲ درجه و ۵۶ دقیقه عرض جنوبی و ۶۰ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی تا ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه طول غربی با مساحتی معادل ۸۱۹۹ کیلومتر مربع در شرق ایران، حاشیه شمال شرقی دشت لوت و در جنوب شرقی شهرستان بیرجند و در محور بین‌المللی بیرجند- زاهدان واقع شده است که از شمال به شهرستان درمیان، از غرب به شهرستان‌های بیرجند و خوسف، از جنوب به شهرستان نهبندان و از شرق به کشور افغانستان محدود شده و طول مرز مشترک آن با کشور افغانستان حدود ۹۹ کیلومتر است شهر سربیشه در فاصله ۶۶ کیلومتری بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی و ۵۳۳ کیلومتری مشهد، مرکز استان خراسان رضوی و ۳۹۵ کیلومتری زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این شهرستان دارای سه بخش به نام‌های مرکزی، مود و درح، سه شهر به نام‌های سربیشه و مود و درح و دارای شش دهستان به نام‌های درح،

مؤمن آباد، مود، نهارجان، غیناب و لانو است. تعداد کل آبادی‌های این شهرستان ۳۵۲ آبادی باست که از این تعداد ۲۴۷ آبادی دارای سکنه و ۱۰۵ آبادی خالی از سکنه است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان جنوبی، ۱۳۹۶: ۲۱).

براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، شهرستان سربیشه دارای ۴۰۹۵۹ نفر جمعیت و ۱۲۰۱۱ خانوار بوده است که ۱۲۱۹۲ نفر با ۳۴۲۳ خانوار در نقاط شهری و ۲۸۷۶۷ نفر با ۸۵۸۸ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند که از جمعیت ۴۰۹۵۹ نفری شهرستان، ۲۰۵۶۵ نفر را زنان و ۲۰۳۹۴ نفر را مردان تشکیل داده‌اند. جدول ۲ تعداد خانوار و جمعیت زن و مرد را در روستاهای مرزی شهرستان سربیشه نشان می‌دهد:

جدول ۲) روستاهای مرزی مورد مطالعه شهرستان سربیشه به تفکیک جمعیت و خانوار

(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

نام روستا	خانوار	جمعیت	مرد	زن	نام روستا	خانوار	جمعیت	مرد	زن
عباس‌آباد	۱۴	۵۴	۲۶	۲۸	گوی سفلی	۳۲	۹۵	۴۱	۵۴
باغ‌خواجه	۲۶	۸۹	۵۲	۳۷	لانو	۱۱۳	۳۹۷	۱۹۷	۲۰۰
شبو	۱۳	۳۹	۱۷	۲۲	پوزه زرد	۱۰	۳۴	۱۳	۲۱
علی هدیه پایین	۳۰	۱۰۰	۴۳	۵۷	درخت توت	۷۱	۲۱۹	۱۱۵	۱۰۴
علی هدیه علیا	۶۴	۲۰۱	۸۷	۱۱۴	رحیم‌آبادلانو	۱۵	۵۶	۳۲	۲۴
کلاته دهن دوتگی	۱۰	۳۰	۱۲	۱۸	شورکه	۳۷	۱۲۴	۶۱	۶۳
کلاته شب	۶۷	۲۱۸	۱۰۵	۱۱۳	عباس‌آباد	۱۸	۵۳	۲۴	۲۹
کلاته شیر	۴۵	۱۲۹	۵۷	۷۲	کلاته مصیب	۱۷	۵۵	۲۳	۳۲
کلاته شیر پایین	۳۵	۱۱۲	۴۹	۶۳	مرکه / موکه	۳۵	۱۱۱	۵۳	۵۸
گلوباغ	۱۱۸	۳۹۰	۱۹۳	۱۹۷	مشوکی	۹۱	۳۲۵	۱۵۸	۱۶۷
ازبک	۲۸	۹۸	۴۹	۴۹	نوده علیا	۴۳	۱۴۷	۷۱	۷۶
بیشه	۵۳	۱۹۰	۸۹	۱۰۱	خوشاب	۸۷	۳۰۹	۱۴۹	۱۶۰

۲۰۱	۳۶۱	۵۶۲	۱۳۲	ماهی رود	۱۳۹	۱۴۵	۲۸۴	۸۵	تجشک
۳۹	۳۳	۷۲	۱۵	تیغناپ بالا	۵۲	۴۴	۹۶	۳۱	توت
					۹۹	۹۶	۱۹۵	۵۹	در بلوند

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس متغیر جنسیت نشان می‌دهد که ۵۵/۶٪ افراد مرد و ۴۴/۴٪ آن‌ها زن هستند. توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس متغیر سن نشان می‌دهد که سن ۲۵/۷٪ افراد مورد بررسی بین ۱۵ تا ۳۰ سال، ۳۹/۵٪ در بازه ۳۱ تا ۴۵ سال و سن ۲۶/۹٪ افراد مورد بررسی در بازه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال است و سن ۷/۹٪ افراد مورد بررسی بیش از ۶۰ سال است. همچنین میانگین و انحراف معیار سن افراد مورد مطالعه به‌ترتیب برابر ۴۰/۸۰ و ۱۳/۲۴ سال است.

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه نشان داد که ۴٪ افراد مورد بررسی بی‌سواد و میزان تحصیلات ۳۶٪ افراد ابتدایی، ۲۶/۱٪ آن‌ها دارای مدرک متوسطه، ۱۹/۴٪ آن‌ها دارای مدرک دیپلم و ۳/۲٪ افراد مورد بررسی دارای مدرک فوق دیپلم، ۸/۳٪ لیسانس و ۳/۲٪ افراد دارای مدرک فوق لیسانس هستند.

جداول ۳، ۴ و ۵ توزیع فراوانی دیدگاه افراد پیرامون مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی شامل: اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی و هویت اجتماعی است و نتایج زیر از آن حاصل می‌شود:

الف. اعتماد اجتماعی: میانگین نظر افراد مورد مطالعه پیرامون میزان تأثیر مؤلفه اعتماد اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی برابر ۳/۷۰ و انحراف معیار آن برابر ۰/۷۱ است. این مقادیر نمایانگر تأثیر مؤلفه اعتماد اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در حد زیاد است.

جدول ۳) توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه پیرامون مؤلفه اعتماد اجتماعی

اولویت براساس ضریب تغییرات	نتیجه براساس میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه
۱	زیاد	۰/۲۰	۰/۸۲	۴/۰۴	۷۹	۱۱۶	۴۶	۱۱	۰	فراوانی
					۳۱/۲	۴۵/۸	۱۸/۲	۴/۳	۰	درصد
۲	زیاد	۰/۲۳۰	۰/۸۷	۳/۷۸	۵۲	۱۱۶	۶۵	۱۷	۲	فراوانی
					۲۰/۶	۴۶	۲۵/۸	۶/۷	۰/۸	درصد
۳	زیاد	۰/۲۳۶	۰/۹۱	۳/۸۵	۶۱	۱۱۶	۵۸	۱۲	۵	فراوانی
					۲۴/۲	۴۶	۲۳	۴/۸	۲	درصد
۴	زیاد	۰/۲۴	۰/۹۵	۳/۹۱	۷۷	۱۰۰	۵۴	۲۰	۲	فراوانی
					۳۰/۴	۳۹/۵	۲۱/۳	۷/۹	۰/۸	درصد
۵	زیاد	۰/۲۶	۰/۹۵	۳/۵۶	۴۱	۱۰۰	۷۵	۳۴	۳	فراوانی
					۱۶/۲	۳۹/۵	۲۹/۶	۱/۴ ۳	۱/۲	درصد
۶	متوسط	۰/۳۰۹	۱/۰۶	۳/۴۳	۳۸	۹۹	۵۷	۵۲	۷	فراوانی
					۱۵	۳۹/۱	۲۲/۵	۲/۶ ۰	۲/۸	درصد
۷	متوسط	۰/۳۱۴	۱/۰۰۵	۳/۲۰	۲۸	۶۵	۹۶	۵۴	۸	فراوانی
					۱۱/۲	۲۵/۹	۳۸/۲	۲/۵ ۱	۳/۲	درصد
-	زیاد	۰/۱۹	۰/۷۱	۳/۷۰	۲۸	۱۳۳	۸۲	۱۰	۰	فراوانی
					۱۱/۱	۵۲/۶	۳۲/۴	۴	۰	درصد

ب. انسجام و مشارکت اجتماعی: میانگین نظر افراد مورد مطالعه پیرامون میزان تأثیر مؤلفه انسجام و مشارکت اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی برابر ۴/۰۱ و انحراف معیار آن برابر ۰/۷۳ است که نمایانگر میزان تأثیر مؤلفه انسجام و مشارکت اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در حد زیاد است.

جدول (۴) توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه پیرامون انسجام و مشارکت اجتماعی

اولویت براساس ضریب تغییرات	نتیجه براساس میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه
۱	زیاد	۰/۱۶	۰/۷۳	۴/۳۸	۱۳۲	۹۰	۲۸	۳	۰	فراوانی
					۵۲/۲	۳۵/۶	۱۱/۱	۱/۲	۰	درصد
۲	زیاد	۰/۱۸۵	۰/۷۷	۴/۱۵	۸۸	۱۲۵	۳۲	۷	۱	فراوانی
					۳۴/۸	۴۹/۴	۱۲/۶	۲/۸	۰/۴	درصد
۳	زیاد	۰/۱۹۵	۰/۸۲	۴/۲۰	۱۰۸	۹۷	۳۹	۹	۰	فراوانی
					۴۲/۷	۳۸/۳	۱۵/۴	۳/۶	۰	درصد
۴	زیاد	۰/۲۱	۰/۸۳	۴/۰۲	۸۲	۱۰۵	۵۵	۱۰	۰	فراوانی
					۳۲/۵	۴۱/۷	۲۱/۸	۴	۰	درصد
۵	زیاد	۰/۲۲	۰/۸۷	۳/۹۵	۷۵	۱۰۵	۶۰	۱۲	۱	فراوانی
					۲۹/۶	۴۱/۵	۲۳/۷	۴/۷	۰/۴	درصد
۶	زیاد	۰/۲۴	۰/۹۰	۳/۷۹	۵۹	۱۰۵	۶۸	۲۰	۱	فراوانی
					۲۳/۳	۴۱/۵	۲۶/۹	۷/۹	۰/۴	درصد
۷	زیاد	۰/۲۶	۰/۹۷	۳/۷۴	۶۲	۹۶	۶۸	۲۳	۴	فراوانی
					۲۴/۵	۳۷/۹	۲۶/۹	۹/۱	۱/۶	درصد
-	زیاد	۰/۱۸	۰/۷۳	۴/۰۱	۶۵	۱۳۱	۵۳	۴	۰	فراوانی
					۲۵/۷	۵۱/۸	۲۰/۹	۱/۶	۰	درصد

ج. هویت اجتماعی: میانگین نظر افراد مورد مطالعه پیرامون میزان تأثیر مؤلفه هویت اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی برابر ۳/۶۸ و انحراف معیار آن برابر ۰/۸۱ است. میزان میانگین حاصل نشان‌دهنده آن است که میزان تأثیر مؤلفه هویت اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی در حد زیاد است.

جدول ۵) توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه پیرامون مؤلفه هویت اجتماعی

گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	نتیجه براساس میانگین	اولویت براساس ضریب تغییرات
عضویت در گروه‌های مختلف روستا مانند هیئت عزاداری، پایگاه بسیج و...	۲	۱۲	۷۱	۱۰۴	۶۴	۳/۸۵	۰/۸۸	۰/۲۳	زیاد	۱
	درصد	۰/۸	۴/۷	۲۸/۱	۲۵/۳					
هویتی که گروه دوستان در سطح روستا به من داده است.	۲	۲۴	۵۷	۱۲۰	۵۰	۳/۷۵	۰/۹۰	۰/۲۴	زیاد	۲
	درصد	۰/۸	۹/۵	۲۲/۵	۱۹/۸					
از اینکه جایی روی زمین متعلق به من است و من واقعاً به این روستا تعلق دارم، حس آرامش دارم.	۵	۱۹	۴۹	۱۰۷	۷۳	۳/۸۸	۰/۹۷	۰/۲۵۰	زیاد	۳
	درصد	۲	۷/۵	۴۲/۳	۲۸/۹					
از اینکه در این روستا متولد شده‌ام، احساس غرور و افتخار می‌کنم.	۴	۲۱	۵۵	۱۰۲	۷۱	۳/۸۴	۰/۹۷	۰/۲۵۲	زیاد	۴
	درصد	۱/۶	۸/۳	۲۱/۷	۲۸/۱					
هویتی که از مرزی بودن روستایمان دارم.	۴	۲۸	۵۷	۱۱۶	۴۷	۳/۶۹	۰/۹۵	۰/۲۶	زیاد	۵
	درصد	۱/۶	۱۱/۱	۲۲/۶	۱۸/۷					
احساس تعلق به روستایمان دارم؛ به گونه‌ای که از من رفتار متعصبانه نمی‌زنند.	۸	۴۲	۶۳	۹۷	۴۳	۳/۴۹	۱/۰۵	۰/۳۰۰	متوسط	۶
	درصد	۳/۲	۱۶/۶	۲۴/۹	۱۷					
احساس تعلق به روستا مرا درگیر امور اجتماعی می‌کند که گاه این مسئله در امور شخصی یا فردی من خلل ایجاد می‌کند.	۷	۵۰	۷۷	۹۱	۲۸	۳/۳۲	۱/۰۰۳	۰/۳۰۲	متوسط	۷
	درصد	۲/۸	۱۹/۸	۳۰/۴	۱۱/۱					
هویت اجتماعی	۱	۲۳	۶۰	۱۴۰	۲۹	۳/۶۸	۰/۸۱	۰/۲۲	زیاد	-
	درصد	۰/۴	۹/۱	۵۵/۳	۱۱/۵					

میانگین نظر افراد مورد مطالعه پیرامون میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی برابر ۲/۵۲ و انحراف معیار آن برابر ۰/۷۲ است. میانگین حاصل در جدول ۶ نشان‌دهنده آن است که میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی، کمتر از حد متوسط است.

جدول ۶) توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی

اولویت	نتیجه براساس ضریب تغییرات	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه
۱	متوسط	۰/۳۱	۰/۸۳	۲/۶۴	۲	۲۷	۱۲۷	۷۰	۲۵	فراوانی
					۰/۸	۱۰/۸	۵۰/۶	۲۷/۹	۱۰	درصد
۲	کم	۰/۳۲	۰/۷۸	۲/۳۹	۰	۱۴	۱۰۴	۱۰۲	۳۳	فراوانی
					۰	۵/۵	۴۱/۱	۴۰/۳	۱۳	درصد
۳	متوسط	۰/۳۳	۰/۸۹	۲/۶۶	۷	۲۷	۱۱۸	۷۵	۲۵	فراوانی
					۲/۸	۱۰/۷	۴۶/۸	۲۹/۸	۹/۹	درصد
۴	متوسط	۰/۳۴۱	۰/۹۹	۲/۹۰	۸	۶۷	۹۳	۶۲	۲۲	فراوانی
					۳/۲	۲۶/۶	۳۶/۹	۲۴/۶	۸/۷	درصد
۵	متوسط	۰/۳۴۲	۱/۰۵	۳/۰۷	۲۳	۶۵	۸۹	۵۹	۱۶	فراوانی
					۹/۱	۲۵/۸	۳۵/۳	۲۳/۴	۶/۳	درصد
۶	کم	۰/۳۵۲	۰/۸۴	۲/۳۸	۰	۱۷	۱۰۵	۸۸	۴۲	فراوانی
					۰	۶/۷	۴۱/۷	۳۴/۹	۱۶/۷	درصد
۷	متوسط	۰/۳۵۵	۰/۹۱	۲/۵۶	۷	۲۱	۱۱۳	۸۰	۳۲	فراوانی
					۲/۸	۸/۳	۴۴/۷	۳۱/۶	۱۲/۶	درصد
۸	کم	۰/۳۶	۰/۸۹	۲/۴۳	۲	۲۶	۹۰	۹۸	۳۷	فراوانی
					۰/۸	۱۰/۳	۳۵/۶	۳۸/۷	۱۴/۶	درصد
۹	متوسط	۰/۳۶۸	۰/۹۵	۲/۵۸	۵	۴۰	۸۳	۹۵	۳۰	فراوانی
					۲	۱۵/۸	۳۲/۸	۳۷/۵	۱۱/۹	درصد
۱۰	متوسط	۰/۳۷	۱/۰۱	۲/۷۳	۱۰	۵۶	۶۵	۱۰۲	۲۰	فراوانی
					۴	۲۲/۱	۲۵/۷	۴۰/۳	۷/۹	درصد
۱۱	کم	۰/۳۷۲	۰/۸۶	۲/۳۱	۱	۲۵	۶۴	۱۲۴	۳۹	فراوانی
					۰/۴	۹/۹	۲۵/۳	۴۹	۱۵/۴	درصد
۱۲	متوسط	۰/۳۷۶	۱/۰۸	۲/۸۷	۱۱	۷۴	۶۷	۷۴	۲۷	فراوانی
					۴/۳	۲۹/۲	۲۶/۵	۲۹/۲	۱۰/۷	درصد
۱۳	متوسط	۰/۳۸	۰/۹۹	۲/۵۸	۱۹	۱۷	۷۷	۱۱۹	۲۱	فراوانی

					۷/۵	۶/۷	۳۰/۴	۴۷	۸/۳	درصد	دسترسی به بازارچه محلی برای خرید مایحتاج روزانه
۱۴	کم	۰/۳۹	۰/۹۲	۲/۳۳	۲	۲۹	۶۵	۱۱۴	۴۳	فراوانی	دسترسی به مراکز درمانی و خدمات بهداشتی
					۰/۸	۱۱/۵	۲۵/۷	۴۵/۱	۱۷	درصد	
۱۵	کم	۰/۴۰	۰/۹۱	۲/۲۴	۵	۱۳	۷۴	۱۰۸	۵۳	فراوانی	احداث معابر جدید و زیباسازی معابر
					۲	۵/۱	۲۹/۲	۴۲/۷	۲۰/۹	درصد	
۱۶	کم	۰/۴۲۰	۱/۰۳	۲/۴۵	۵	۴۰	۶۸	۹۱	۴۹	فراوانی	آسفالت میسرهای بین روستاهای مجاور و دسترسی به شهر
					۲	۱۵/۸	۲۶/۹	۳۶	۱۹/۴	درصد	
۱۷	کم	۰/۴۲۱	۰/۸۸	۲/۰۹	۰	۱۴	۷۱	۹۴	۷۴	فراوانی	دسترسی به امکاناتی از قبیل تعمیرگاه وسایل نقلیه و جایگاه سوخت
					۰	۵/۵	۲۸/۱	۳۷/۲	۲۹/۲	درصد	
۱۸	کم	۰/۴۲۳	۱/۰۵	۲/۴۸	۱۴	۳۳	۷۵	۹۷	۴۲	فراوانی	کیفیت مسکن روستا به لحاظ مرغوبیت مصالح و تأمین نیازها
					۵/۶	۹/۲	۲۹/۹	۳۸/۶	۱۶/۷	درصد	
۱۹	کم	۰/۴۲۴	۰/۸۲	۱/۹۳	۰	۹	۵۰	۱۰۹	۸۴	فراوانی	دسترسی به خدمات بانکی برای مردم روستا
					۰	۳/۶	۱۹/۸	۴۳/۳	۳۳/۳	درصد	
۲۰	کم	۰/۴۴	۱/۰۴	۲/۳۶	۳	۳۹	۶۷	۸۲	۶۱	فراوانی	سیستم‌های گرمایش و سرمایش مسکن
					۱/۲	۱۵/۵	۲۶/۶	۳۲/۵	۲۴/۲	درصد	
۲۱	کم	۰/۵۴	۱/۱۲	۲/۰۷	۱۲	۱۹	۴۱	۸۴	۹۷	فراوانی	صدور سند مالکیت مسکن و زمینه‌سازی برای آن
					۴/۷	۷/۵	۱۶/۲	۳۳/۲	۳۸/۳	درصد	
-	متوسط	۰/۲۸	۰/۷۲	۲/۵۲	۰	۱۹	۱۰۹	۱۱۰	۱۵	فراوانی	ویژگی‌های کالبدی
					۰	۷/۵	۴۳/۱	۴۳/۵	۵/۹	درصد	

انجام آزمون نرمال بودن/ نبودن داده‌ها نشان داد، داده‌های گردآوری شده حاصل از عملیات پرسشنامه مربوط به مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی، از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند.

جدول ۷) آزمون کولموگروف اسمیرنف برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق

sig	سطح معناداری	مقدار آماره آزمون	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۰۸۶	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۱۰۶	انسجام و مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۱۵۴	هویت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۰۸۱	مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی

با توجه به مقادیر جدول ۷ و نرمال نبودن داده‌ها از آزمون دوجمله‌ای به بررسی استنباطی این متغیرها پرداخته می‌شود:

اعتماد اجتماعی: در همه موارد مورد بررسی مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است و نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم است؛ بنابراین از نظر افراد مورد بررسی گویه‌های مربوط به اعتماد اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در محدوده مورد مطالعه دارد. از آنجاکه مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر نیست و با توجه به تعداد پاسخ‌ها در دو گروه نتیجه می‌گیریم تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم بوده است؛ بنابراین به‌طور کلی مؤلفه اعتماد اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی دارد (جدول ۸).

جدول ۸) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی مؤلفه اعتماد اجتماعی

گویه	گروه	تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت آزمون	سطح معناداری	sig
احساس مسئولیت مردم روستا در قبال خانواده، مسائل و مشکلات همدیگر	گروه اول	۸	۰/۰۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۴۵	۰/۹۷			
اعتماد اقوام مختلف در روستا به همدیگر	گروه اول	۲۱	۰/۰۸	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۳۲	۰/۹۲			
وجود دوستان مورد اعتماد در روستا	گروه اول	۲۷	۰/۱۱	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۶	۰/۸۹			
اعتماد افراد روستا به یکدیگر در زمان نیاز و ضرورت	گروه اول	۱۳	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۴۰	۰/۹۵			
کمک مالی افراد روستا به یکدیگر در زمان نیاز	گروه اول	۱۰	۰/۰۴	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۴۲	۰/۹۶			
وجود افرادی در روستا که بتوانید مسائل خصوصی را با آن‌ها در میان بگذارید.	گروه اول	۹	۰/۰۴	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۴۴	۰/۹۶			
وجود نهادهای رسمی مورد اعتماد مانند بخشداری، دهیاری، شورای اسلامی و...	گروه اول	۳	۰/۰۱	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۵۰	۰/۹۹			
اعتماد اجتماعی	گروه اول	۱۰	۰/۰۴	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۴۳	۰/۹۶			

انسجام و مشارکت اجتماعی: در همه موارد مورد بررسی مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است و نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم است؛ بنابراین از نظر افراد مورد بررسی گویه‌های مربوط به انسجام و مشارکت اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در محدوده مورد مطالعه دارد. از آنجاکه مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر نیست و با توجه به تعداد پاسخ‌ها در دو گروه نتیجه می‌گیریم تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم بوده است؛ بنابراین به‌طور کلی مؤلفه انسجام و مشارکت اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی دارد (جدول ۹).

جدول ۹) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی مؤلفه انسجام و مشارکت اجتماعی

sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده	گروه	گویه
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۳	۸	گروه اول	در زمان بحران‌های مختلف مانند سیل و... مردم روستایمان به یکدیگر کمک می‌کنند.
			۰/۹۷	۲۴۵	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۸	۲۱	گروه اول	کمک افراد روستا در زمان وقوع حادثه به یکدیگر
			۰/۹۲	۲۳۲	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۱۱	۲۷	گروه اول	زمانی که برای یکی از اهالی روستا مشکلی پیش آید، مردم برای کمک پیش‌قدم می‌شوند.
			۰/۸۹	۲۲۶	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۵	۱۳	گروه اول	همکاری اهالی روستا در امور عام-المنفعه مانند ساخت مسجد، حسینیه، حمام و...
			۰/۹۵	۲۴۰	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۴	۱۰	گروه اول	اتحاد افراد در فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی مردم روستا
			۰/۹۶	۲۴۲	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۴	۹	گروه اول	سهیم‌بودن در تصمیم‌گیری و مشارکت در امور روستا
			۰/۹۶	۲۴۴	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۱	۳	گروه اول	عدم وجود دودستگی‌های قومی-قبیله‌ای و مذهبی در روستا
			۰/۹۹	۲۵۰	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۲	۴	گروه اول	انسجام و مشارکت اجتماعی
			۰/۹۸	۲۴۹	گروه دوم	

هویت اجتماعی: در همه موارد مورد بررسی مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است و نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم است؛ بنابراین از نظر افراد مورد بررسی، گویه‌های مربوط به هویت اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در محدوده مورد مطالعه دارد. از آنجاکه مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر نیست و با توجه به تعداد پاسخ‌ها در دو گروه نتیجه می‌گیریم تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم بوده است؛ بنابراین به‌طور کلی مؤلفه هویت اجتماعی تأثیر زیادی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی دارد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی مؤلفه هویت اجتماعی

گویه	گروه	تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت آزمون	سطح معناداری	sig
عضویت در گروه‌های مختلف روستا مانند هیئت عزاداری، پایگاه بسیج و...	گروه اول	۲۴	۰/۰۹	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۹	۰/۹۱			
هویتی که گروه دوستان در سطح روستا به من داده است.	گروه اول	۲۵	۰/۱۰	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۸	۰/۹۰			
از اینکه جایی روی زمین متعلق به من است و من واقعاً به این روستا تعلق دارم، حس آرامش دارم.	گروه اول	۵۰	۰/۲۰	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۰۳	۰/۸۰			
از اینکه در این روستا متولد شده‌ام، احساس غرور و افتخار می‌کنم.	گروه اول	۵۷	۰/۲۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۱۹۶	۰/۷۷			
هویتی که از مرزی بودن روستایمان دارم.	گروه اول	۱۴	۰/۰۶	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۳۹	۰/۹۴			
احساس تعلق به روستایمان دارم؛ به‌گونه‌ای که از من رفتار متعصبانه سر می‌زند.	گروه اول	۲۶	۰/۱۰	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۷	۰/۹۰			
احساس تعلق به روستا مرا درگیر امور اجتماعی می‌کند که گاه این مسئله در امور شخصی یا فردی من خلل ایجاد می‌کند.	گروه اول	۳۲	۰/۱۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۰	۰/۸۷			
هویت اجتماعی	گروه اول	۲۴	۰/۰۹	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۲۲۹	۰/۹۱			

بررسی استنباطی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی براساس یافته‌های تحقیق (جدول ۱۱) نشان می‌دهد در موارد "دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی"، "امنیت جاده‌ها به لحاظ ایمن بودن"، "احداث معابر جدید و زیباسازی معابر"، "دسترسی به خدمات بانکی برای مردم روستا"، "ایجاد تناسب منطقی بین جمعیت و کاربری‌های اراضی"، "آسفالت مسیرهای بین روستاهای مجاور و دسترسی به شهر"، از آنجا که مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر نیست و با توجه به تعداد پاسخ‌ها در دو گروه نتیجه می‌گیریم تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول بیشتر از گروه دوم بوده است؛ بنابراین از نظر افراد مورد بررسی تأثیر موارد مذکور در ایجاد احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی کم بوده است.

در موارد "وجود فضای سبز در روستا"، "دسترسی به بازارچه محلی برای خرید مایحتاج روزانه"، "دسترسی به مراکز درمانی و خدمات بهداشتی"، "کیفیت مسکن روستا به لحاظ مرغوبیت مصالح و تأمین نیازها" و "سیستم‌های گرمایش و سرمایش مسکن"، از آنجا که مقدار sig آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر نیست و با توجه به تعداد پاسخ‌ها در دو گروه، نتیجه می‌گیریم تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده در گروه اول کمتر از گروه دوم بوده است؛ بنابراین از نظر افراد مورد بررسی، تأثیر موارد مذکور در ایجاد احساس تعلق مکانی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی زیاد بوده است.

در موارد "جمع‌آوری زباله و کودهای حیوانی در سطح روستا"، "مکان‌یابی مناسب روستا و انتخاب مناسب سمت توسعه روستا"، "وجود جاذبه‌های طبیعی و چشم‌انداز زیبا"، "دفع فاضلاب و آب‌های سطحی"، "دسترسی به خدماتی مانند آفت‌زدایی از محصولات کشاورزی و دامپزشکی برای دام‌ها"، "کیفیت معابر به لحاظ تعریض مناسب، شیب مناسب و رعایت حریم راه‌ها"، "امکانات زیربنایی مانند آب، برق و گاز در روستا"، "دسترسی به امکاناتی از قبیل تعمیرگاه وسایل نقلیه و جایگاه سوخت" و "دسترسی خدمات ارتباطی مانند تلفن، آنتن‌دهی موبایل و دسترسی به اینترنت"، از آنجا که مقدار sig آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر است. از آنجا که مقدار sig آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده در دو گروه برابر است؛ بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که

مؤلفه‌های کالبدی و همچنین متغیرهای دسترسی به امکانات و تأسیسات زیربنایی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی شده است.

جدول (۱۱) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی و

پایداری سکونتگاه‌های روستایی

گویه	گروه	تعداد پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت پاسخ‌های مشاهده‌شده	نسبت آزمون	سطح معناداری	sig
ایجاد تناسب منطقی بین جمعیت و کاربری‌های اراضی	گروه اول	۱۶۳	۰/۶۴	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۹۰	۰/۳۶			
جمع‌آوری زباله و کودهای حیوانی در سطح روستا	گروه اول	۱۲۵	۰/۴۹	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۹
	گروه دوم	۱۲۸	۰/۵۱			
مکان‌یابی مناسب روستا و انتخاب مناسب سمت توسعه روستا	گروه اول	۱۴۰	۰/۵۵	۰/۵	۰/۰۵	۰/۱۰۲
	گروه دوم	۱۱۳	۰/۴۵			
وجود فضای سبز در روستا	گروه اول	۱۰۱	۰/۴۰	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۲
	گروه دوم	۱۵۲	۰/۶۰			
وجود جاذبه‌های طبیعی و چشم‌انداز زیبا	گروه اول	۱۳۵	۰/۵۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۳۱۴
	گروه دوم	۱۱۸	۰/۴۷			
دفع فاضلاب و روان‌آب‌های سطحی	گروه اول	۱۴۰	۰/۵۵	۰/۵	۰/۰۵	۰/۱۰۲
	گروه دوم	۱۱۳	۰/۴۵			
دسترسی به خدماتی مانند آفت-زدایی از محصولات کشاورزی و دامپزشکی برای دام‌ها	گروه اول	۱۳۵	۰/۵۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۳۱۴
	گروه دوم	۱۱۸	۰/۴۷			
کیفیت معابر به‌لحاظ تعریض مناسب، شیب مناسب و رعایت حریم راه‌ها	گروه اول	۱۳۰	۰/۵۲	۰/۵	۰/۰۵	۰/۶۵۹
	گروه دوم	۱۲۲	۰/۴۸			
امکانات زیربنایی مانند آب، برق و گاز در روستا	گروه اول	۱۳۹	۰/۵۵	۰/۵	۰/۰۵	۰/۱۰۱
	گروه دوم	۱۱۲	۰/۴۵			
دسترسی خدمات ارتباطی مانند تلفن، آنتن‌دهی موبایل و دسترسی به اینترنت	گروه اول	۱۲۲	۰/۴۸	۰/۵	۰/۰۵	۰/۶۱۵
	گروه دوم	۱۳۱	۰/۵۲			
دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی	گروه اول	۱۵۷	۰/۶۲	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۹۶	۰/۳۸			
امنیت جاده‌ها به لحاظ ایمن-بودن	گروه اول	۱۹۳	۰/۷۷	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۵۹	۰/۳۳			
دسترسی به بازارچه محلی برای خرید مایحتاج روزانه	گروه اول	۹۵	۰/۳۸	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۱۵۶	۰/۶۲			
دسترسی به مراکز درمانی و خدمات بهداشتی	گروه اول	۸۴	۰/۳۳	۰/۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	گروه دوم	۱۶۸	۰/۶۷			

۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۶۶	۱۶۸	گروه اول	احداث معابر جدید و زیباسازی معابر
			۰/۳۴	۸۵	گروه دوم	
۰/۰۳۷	۰/۰۵	۰/۵	۰/۵۷	۱۴۳	گروه اول	آسفالت مسیرهای بین روستاهای مجاور و دسترسی به شهر
			۰/۴۳	۱۰۹	گروه دوم	
۰/۰۷۸	۰/۰۵	۰/۵	۰/۴۴	۱۱۲	گروه اول	دسترسی به امکاناتی از قبیل تعمیرگاه وسایل نقلیه و جایگاه سوخت
			۰/۵۶	۱۴۱	گروه دوم	
۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۵	۰/۴۰	۱۰۰	گروه اول	کیفیت مسکن روستا به لحاظ مرغوبیت مصالح و تأمین نیازها
			۰/۶۰	۱۵۲	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۷۲	۱۸۱	گروه اول	دسترسی به خدمات بانکی برای مردم روستا
			۰/۲۸	۷۲	گروه دوم	
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۳۰	۷۵	گروه اول	سیستم‌های گرمایش و سرمایش مساکن
			۰/۷۰	۱۷۷	گروه دوم	
۰/۹	۰/۰۵	۰/۵	۰/۴۹	۱۲۵	گروه اول	ویژگی‌های کالبدی
			۰/۵۱	۱۲۸	گروه دوم	

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است.

H_0 : مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه نشده است.

H_1 : مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی و هویت اجتماعی) بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی با توجه به نرمال نبودن داده‌های مربوط به این متغیر، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است.

در این آزمون داده‌ها به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند، "گروه اول شامل پاسخ‌های بی‌تأثیر و تأثیر کم" و "گروه دوم شامل پاسخ‌های متوسط، تأثیر زیاد و تأثیر خیلی زیاد" است، فرض صفر (H_0) در این آزمون بیان می‌کند نسبت پاسخ‌ها در گروه دوم کمتر یا مساوی ۰/۵ است و فرض مقابل

(H_1) همان ادعای مطرح شده در فرضیه است و معادل ریاضی آن این است که گفته شود نسبت پاسخ‌ها در گروه دوم بیشتر از ۰/۵ است؛ بنابراین فرض‌های H_0 و H_1 به صورت زیر است:

$$H_0: P \leq 0.5$$

$$H_1: P > 0.5$$

با توجه به اینکه مقدار sig در جدول ۱۲ مربوط به هر سه مؤلفه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی و هویت اجتماعی) کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل پذیرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است؛ پس فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول (۱۲) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی فرضیه اول تحقیق

sig	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	گروه	متغیر	
						اعتماد اجتماعی	مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر احساس
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۴	۱۰	گروه اول	مشارکت اجتماعی	تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی
			۰/۹۶	۲۴۳	گروه دوم		
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۲	۴	گروه اول	اعتماد اجتماعی	مرزی شهرستان سربیشه شده است.
			۰/۹۸	۲۴۹	گروه دوم		
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۵	۰/۰۹	۲۴	گروه اول	هویت اجتماعی	
			۰/۹۱	۲۲۹	گروه دوم		

فرضیه دوم: مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است.

H_0 : مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه نشده است.

H_1 : مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است.

جهت بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی با توجه به نرمال نبودن داده‌های مربوط به این متغیر، از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است.

با توجه به نتیجه آزمون مندرج در جدول ۱۳ و اینکه مقدار sig بیشتر از ۰/۰۵ است؛ فرض صفر رد نمی‌شود؛ به عبارت دیگر مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه نشده است؛ پس فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود.

جدول ۱۳) نتایج آزمون دوجمله‌ای در بررسی فرضیه دوم تحقیق

متغیر	گروه	تعداد پاسخ‌های مشاهده شده	نسبت پاسخ‌های مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معناداری	sig
مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس تعلق مکانی موجب پایداری سکونتگاه‌های روستایی مرزی شهرستان سربیشه شده است.	گروه اول	۱۲۵	۰/۴۹	۰/۵	۰/۰۵	۰/۹
	گروه دوم	۱۲۸	۰/۵۱			

نتیجه

رشد کند و بعضاً تخلیه جمعیتی روستاها، بویژه روستاهای مرزی تهدید جدی برای تخلیه مرزها از جمعیت و فعالیت است که باید مورد نظر جدی متولیان برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین قرار گیرد. مطالعه تغییرات جمعیتی در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن) نشان‌دهنده رشد جمعیتی ناشی از ماندگاری جمعیت در روستاهای مرزی شهرستان سربیشه است. به دلیل تعدد متغیرهای مداخله‌گر در احساس تعلق مکانی، در این پژوهش صرفاً اثرات ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی بر احساس تعلق مکانی و پایداری جمعیتی روستاهای مرزی از منظر جامعه محلی مورد بررسی قرار گرفت. انسجام و تعلقات خانوادگی و قومی در کنار تعاملات دوستانه، ابراز همدردی و روابط نزدیک بین روستاییان از جمله متغیرهایی بوده است که منجر به تقویت حس تعلق مکانی در بین روستاییان مرزی شهرستان سربیشه شده است. تجزیه و تحلیل نتایج گویه‌های مربوط به ویژگی‌های کالبدی نشان داد زیرساخت‌های کالبدی موجود عاملی برای تقویت تعلق مکانی نبوده که نمایانگر تأثیرپذیری میزان تعلق مکانی فعلی از سایر مؤلفه‌های اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت و هویت اجتماعی) است. تجزیه و تحلیل نتایج گویه‌های مربوط به ویژگی‌های کالبدی نشان داد زیرساخت‌های کالبدی موجود، عاملی برای تقویت تعلق مکانی نبوده است و میزان تعلق مکانی فعلی ناشی از ویژگی‌های کالبدی نیست؛ هرچند در صورت تقویت زیرساخت‌های کالبدی- فیزیکی، می‌تواند تقویت‌کننده احساس تعلق مکانی و ماندگاری و پایداری جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی دورافتاده و مرزی باشد.

منابع

- امیرکافی، مهدی؛ فتحی، شکوفه (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به منطقه مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)". *مطالعات اجتماعی/ایران*، سال پنجم، ش ۱ (بهار): ۵-۴۱.
- پرتویی، پروین (۱۳۸۲). "مکان و بی‌مکانی رویکردی پدیدارشناسانه". *هنرهای زیبا*، دوره ۱۴، ش ۴۷۶ (تابستان): ۴۰-۵۰.
- جوان‌فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). "مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن". *هویت شهر*، دوره پنجم، ش ۸ (تابستان): ۲۷-۳۷.
- خراسانی، محمدامین؛ رضوانی، محمدرضا؛ مولایی قلیچی، محمد (۱۳۹۴). "تحلیل تأثیر متغیرهای فردی بر ادراک از زیست‌پذیری در روستاهای پیرامون شهر (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)". *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۲۵ (پائیز و زمستان): ۱۵۹-۱۸۲.
- سرمست، بهرام؛ متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹). "بررسی و تحلیل نقش مقیاس مکان در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)". *مدیریت شهری*، دوره ۸، ش ۲۶ (پائیز و زمستان): ۱۳۳-۱۴۶.
- شکوئی، حسین؛ تبریزی، جلال (۱۳۸۲). "تأثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی (مطالعه موردی: پروژه نواب)". *مدرس علوم انسانی*، سال هفتم، ش ۲ (تابستان): ۱۴۱-۱۶۲.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۱). *معماری: حضور، زبان و مکان*. ترجمه سیدعلیرضا احمدیان. تهران: مؤسسه معمار نشر.
- فلاحت، محمدصادق؛ نوحی، سمیرا (۱۳۹۱). "ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری". *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، دوره ۱۷، ش ۱ (بهار): ۱۷-۲۶.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۰). "مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری". *صفه*، دوره ۱۱، ش ۳۲ (بهار و تابستان): ۳۸-۶۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). "سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵". [پیوسته]
قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir/statistical-information> [۱۴۰۱/۶/۵]

- مطیعی لنگرودی، حسن، و دیگران (۱۳۹۲). "تبیین الگوی راهبردی مناسب بر ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان سلوک شهرستان هشتگرد)". *جغرافیا و برنامه ریزی*، دوره ۱۹، ش ۵۲ (تابستان): ۳۰۳-۳۲۲.

- میکانیکی، جواد؛ نیکفرجام، کاظم (۱۳۹۳). "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان در افزایش مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان بیرجند)". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، دوره ۹، ش ۳۴ (زمستان): ۴۵-۶۵.

- Juanwen, Y.; Quanxin, W.; Jinlong, L. (2012). "Understanding indigenous knowledge in sustainable management of natural resources in China: Taking two villages from Guizhou Province as a case". *Forest policy and economics*, Vol. 22, No. C: 47-52.

- Norris, T.; Pittman, M. (2000). "The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities". *Public Health Reports*, Vol. 115, No. 2-3: 118-124.

- Omar, S. (2005). "Challenges of the K-Era: The psychological contract of knowledge sharing and organisational commitment". *International Journal of Knowledge, Culture and Change Management*, Vol. 4, No. 4: 1061-1073.

- Steele, Feritz (1981). *The Sense of Place*. Boston: CBI Publishing Company.

Comparing the effectiveness of spiritual therapy and self-compassion training on antisocial behavior of prisoners (Study case: Birjand prison)

Hossein Reza Nakhaei¹ MohammadHasan Ghanifar² Fatemeh Shahabizadeh³

Received: 9/11/2022

Accepted: 19/6/2023

Introduction

There are antisocial behaviors in any society, and delinquent people and antisocial personalities have a wide range of harmful behaviors, including breaking the law, violating the rights of others, aggression (O'Connell, 2023: 5), defiant in front of official authorities., disruption of social order (Nasaescu, & et al., 2020: 8), damage to public property and theft that lead to their imprisonment (Mahdiani, Farzadi and Faramarzi, 2018: 3). Antisocial behavior includes a series of crimes that occur at a certain time and place (Tarkarani, Moradinejhad and Roshanpoor, 2020: 2) and is observed at different ages.

Several studies have been undertaken in the area of establishing intervention programs and examining their efficacy in reducing antisocial behaviors (Damavandian, 2022: 6). Teaching self-compassion is one of these strategies (Afshani and Abou'ee, 2019: 2). Based on Neff & Germer (2017), self-compassion is being kind to oneself, experiencing and being affected by the suffering of others, and it is an effective factor in reducing the occurrence of harmful behaviors (Wu & Zhang, 2023: 7). the river

Furthermore, in this context, the role of spirituality and spiritual education should not be neglected. Beliefs and religious beliefs were extremely important at all times (Hedayati Dana, Saberi and Nasrollahi, 2022: 3). Spirituality is one of the capabilities of humans that provides them with ways to cope and problem-solving strategies (Mousavi et al., 2022: 4). The positive effect of spiritual therapy on psychological well-being (Frogosa, 2022: 20), anger reduction (Muhammad, Sakari & Omar, 2022: 3), drug addiction treatment (Abidin, 2022: 5), psychosocial adaptation (Toledo, Ochoa & Farias, 2021: 3 and 4) is specified.

1. PhD student in Educational Psychology, Department of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran. (Corresponding Author) <https://orcid.org/0009-0007-4312-247X>

2. Assistant Professor, Department of Psychology, School of Literature and Human Sciences, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. <https://orcid.org/0000-0003-2138-0527>

3. Associate Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. <https://orcid.org/0000-0001-5309-9516>

The goal of the current study is to compare the efficacy of spiritual therapy and self-compassion training on the antisocial behavior of prisoners in light of the aforementioned explanations. It appears that self-compassion training and spiritual therapy can be used as intervention methods to reduce the incidence of antisocial behaviors.

Methodology

The current research is a semi-experimental type with a pre-test-post-test design with a control group. The statistical population of this research was formed by all prisoners of Birjand city in the first six months of 1400. The number of sample members in this research was made up of 60 male prisoners who were willing to cooperate which had the criteria to enter the research. This number was selected by available sampling and randomly divided into three groups, two experimental groups (20 people), and a control group (20 people). To measure antisocial tendencies, the scale of antisocial behavior of Khademi prisoners (2013) was used, which contains 15 items about antisocial behavior, which was prepared based on the diagnostic criteria of DSM-IV-TR2. This scale is scored on a 4-point Likert scale from never observed (0) to frequently observed (3). While the other experimental group underwent spirituality-therapy with revision (Galanter & Siegel, 2009: 28) in 12 90-minute sessions, the experimental group underwent training based on Gilbert's (2009) package for compassion-therapy, while the control group received no training in accordance with the research's hypotheses and methodology. The data was analyzed using SPSS version 23 statistical software. In the descriptive part, descriptive statistics (frequency, percentage, mean and standard deviation) were used, and in the analytical part, mixed variance analysis test (multivariate covariance) was used to check the research hypotheses.

Findings

Based on the nature of the research, the average and standard deviation of the scores of the components of antisocial tendencies in two stages of measurement are separately given for the experimental and control groups, were studied.

To study the effectiveness of spiritual therapy and self-compassion training on antisocial tendencies, univariate covariance analysis was used. Checking a few statistical presumptions is important before running this test. The interaction effect of the group and the pre-test, which was 3043.35 for the sum of squares with three degrees of freedom and the F value was 2.83 at a significance level of 0.08, was the cause of changes in the regression line slope test. The results of the analysis of statistical assumptions showed that the test of the equality of the slope of the regression line, and the precondition of the equality of variances (using Levine's test) are the same for the experimental and control groups (the interaction between the experimental conditions and the covariance variable is not significant) and the use of covariance analysis is unimpeded ($p < 0.05$).

The major impact of spiritual therapy and self-compassion training on antisocial behavior inclinations in the post-test is substantial, according to the ANCOVA

findings, which exclude the influence of pre-test antisocial tendencies scores as a covariate. The observed difference among the average scores of antisocial tendencies of the participants of the experimental-control groups based on the group membership in the post-test stage is significant with 95% confidence ($P < 0.05$). The intervention rate is 0.45. The adjusted averages are presented in the table, that is, the effect of the pre-test variable was statistically removed.

The adjusted averages show that the average score of antisocial tendencies of experimental groups is more reduced compared to the control group.

Discussion

The present study was conducted with the aim of surveying and comparing the effectiveness of spiritual therapy, and self-compassion training on the antisocial behaviors of prisoners in Birjand city. The study's findings demonstrate that spiritual and self-compassion-based therapies may both effectively lower the propensity and prevalence of antisocial conduct among convicts. Based on this, the results of the present study, while providing a basis for conducting extensive research on treatments based on spirituality, and self-compassion, help psychotherapists and counselors use these treatment approaches in similar cases to reduce the incidence of behaviors destructive and abnormal use in their clients. Another suggestion of the current research is that in future researches, the community of female prisoners should be used for the effectiveness of mentioned treatments and a comparison of the effectiveness of the treatments in two groups of women and men should be presented. In addition, by using spiritual therapy and self-compassion-based techniques until they are freed from jail, helpers and counselors who provide counseling services to inmates may lower delinquent and antisocial ideas in prisoners. Additionally, it is important to reduce the frequency of these activities among convicts.

Keywords: therapy, therapy based on self-compassion, antisocial behaviors, prisoners.

References

- Abidin, M. S. A. Z., et al. (2022). "The Practice of Islamic Psychospiritual Therapy in the Treatment of Drug Addiction at Rehabilitation Centres in Malaysia". *Afkar: Jurnal Akidah & Pemikiran Islam*, Vol. 24, No. 2: 143-168.
- Abooei, A.; Barzegar Bafrooe, K.; Rahimi, M. (2021). "Asarbakhshy-e amoozesh-e shefaqat be khod bar tanzeem-e haijaan daaneshamuzan-e daokhter mobtala be ekhtelaal yaadgiri khaas" [The effectiveness of self-compassion training on emotion regulation of female students with specific learning disorders]. *Journal of Educational Psychology Studies*, Vol. 18, No. 43: 121-101. [In Persian]
- Afkhami, M.; Dehghan, M. (2019). "Asarbakhshi-e kefiat-e zendegy-e mobtani bar ma'navyat-daraamy-e eslaami bar sazegaary- e ejtemaay-e maadaraan daaraay kudake otism shahrestaan-e Ardekaan" [The effectiveness of quality of life based on Islamic spiritual therapy on the social adjustment of mothers with autistic children in Ardakan]. *Journal of Islamic Psychology*, Vol. 4, No. 9: 29-53. [In Persian]
- Afshani, P. D. S.; Abou'ee, A. (2019). "Asarbakhshy-e amoozesh-e shefaqat be khod bar control-e khashm-e daneshaamuzaan" [The effectiveness of self-compassion training in students' anger control]. *QJFR*, Vol. 16, No. 3: 103-124. [In Persian]
- Ameri, Z.; et al. (2021). "Asarbakhshy-e amoozesh-e manavyat-daraamy bar tahamol-e parishaani va ezta'raab-e marg dar beimaaraan-e mobtalaa be sarataan-e khun: Yek motaaleh-ye rahnaamaa" [The effectiveness of spirituality therapy training on tolerance to distress and death anxiety among patients with leukemia: A pilot study]. *Community Health*, Vol. 8, No. 2: 275-299. [In Persian]
- Amjadiyan, F.; jafari, A.; ghamari, M. (2023). "Moqaayese asarbakhshi darmaan-e hayejaanmadaar va amoozesh-e shefaqat be khod dar tabaavari va kaاهش asibpaziri-e ravani-badani maadaraan daaraay kudek-e mobtalah-e be ekhtelaal yaadgiri (khaandan o neveshtan)" [Comparing the effectiveness of emotion-oriented therapy and self-compassion training on resilience and reducing mental-physical vulnerability of mothers with children with learning disabilities (reading and writing)]. *Counseling Culture and Psychotherapy*, Vol. 14, No. 55: 151-183. [In Persian]
- Amouie, M.; Khayyatan, F. (2019). "Asarbakhshi-e manavyat-darmaani mobtani bar amoozehhaa-ye eslaami bar khasham-e nojavaanaan" [The effectiveness of Islamic spirituality therapy on anger in adolescents]. *Quarterly Journal of Applied Issues in Islamic Education*, Vol. 4, No. 2: 37-64. [In Persian]
- Asadi Bijaeeyeh, J. S.; et al. (2021). "Asarbakhshi amoozesh-e shefaqat be khod bar rezaayat az zendegi va tabaavari zanaan-e saalmand" [The effectiveness of the self-compassion training on life satisfaction and resilience of the elderly women]. *Aging Psychology*, Vol. 7, No. 1: 67-55. [In Persian]
- Ashairi, T.; et al. (2022). "Rabete-haye mo'alefhaaye sarmaayehje ejtemaa'ee ba bezehkari-e ejtemaa'ee: faraatahlil-e pajuhesha-ye baze zamani 1387 ta 1400" [The relationship between social capital components and social delinquency: A meta-analysis of studies from 2008 to 2021]. *Social Capital Management*, Vol. 9, No.4:543-568. [In Persian]
- Bagheri Sheykhangafshe, F.; et al. (2023). "Asarbakhshi darman-e motamerkaz bar shefaqat bar ekhtelaal-e vasaavas-e fekri-amali va ekhtelaal-e estres-s pas az

zarbe dar parastaaraan-e daaraay farsoodegi-ye Covid, 19 (Yek motaaleh nime tajrobi) [The effectiveness of compassion-focused therapy on obsessive-compulsive disorder and post-traumatic stress disorder in nurses with COVID-19 burnout: A quasi-experimental study]. *JRUMS*, Vol. 21, No. 11: 1115-1132. [In Persian]

- Barghi Irani, Z.; Dehghan Saber, L. (2021). "Moghayeseh-e asarbkhshi-ye darman-e mobtani bar zehnnagahi va ma'naviyat darmani bar bavarhay-e ghair-manteghi va ezterab-e zanan-e salemand" [The comparison of the effectiveness of mindfulness-based therapy and spiritual therapy on irrational beliefs and anxiety in the older women]. *Aging Psychology*, Vol. 6, No. 4: 339-321. [In Persian]

- Cheraghpour Khondaran, R.; Shukri Fumshi, E. (1401). "Asarbkhshi-ye ma'naviyat-e darmani bar salamat-e ravān, khodmoraghebati va khodarzeshmandi salemandān-e moghāyem-e sarā-ye salemandān" [Effectiveness of spiritual therapy on mental health, self-care and self-esteem of elderly residents of nursing homes]. *New developments in psychology, educational sciences and education*, Vol. 5, No. 46: 43-54. [In Persian]

- Crozier, A. J.; Mosewich, A. D.; Ferguson, L. J. (2019). "The company we keep: Exploring the relationship between perceived teammate selfcompassion and athlete self-compassion". *Psychology of Sport and Exercise*, No. 40: 152-155.

- Damavandian, A.; et al. (2022). "Barresi-ye asarbakhshi-ye darman-e mobtani-e bar shafeqat bar parkhashgari, raftarhay-e khod-asiberasan va khod-tanzeemi-ye hayajni-e nojavanan-e bazehkaar" [Effectiveness of compassion-focused therapy on aggression, self-harm behaviors, and emotional self-regulation in delinquent adolescents]. *Journal of Psychological Science*, Vol. 21, No. 112: 797-818. [In Persian]

- Darikvand, F.; Yazdanbakhsh, K.; Karami, J. (2022). "The effectiveness of compassion-focused therapy on externalized problems (aggression and delinquency) in bullying students". *Knowledge & Research in Applied Psychology*, Vol. 23, No. 2: 40-51.

- Darvishi, A.; Otaghi, M.; Mami, S. (2020). "The effectiveness of spiritual therapy on spiritual well-being, self-esteem and self-efficacy in patients on hemodialysis". *Journal of Religion and Health*, Vol. 59, No. 1: 277-288.

- Eftekhari, R.; Heidari, H.; Davoudi, H. (2020). "Darman-e motemarkez bar shafeqat bar nagoyi-ye hayajaani, saazesh-yaaftegi-ye fardi-ye ejtemaai va taab-aavari" [The effectiveness of compassion-focused therapy on alexithymia, individual-social adjustment and resilience of women exposed to divorce]. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, Vol. 63, No. 3: 2402-2413. [In Persian]

- Ensafdar, F.; Bassak Njad, S.; Arshadi, N. (2019). "Asarbakhshi-ye barnam-e amoozeshi-e jaygozin-e parkheshgari bar raftarha-ye zede ejtema'i va noshkhar-e khashm dar dokhtaran-e nojavan-e shahr-e Ahvaz". [The effectiveness of aggression replacement training program on antisocial behaviors, anger rumination of adolescence girls in Ahwaz]. *Iran J Health Educ Health Promot*, Vol. 7, No. 3: 306-315. [In Persian]

- Frogosa, S. F. (2022). "Parent-Child Communication and Psychological Well Being of Drug Users: Basis for Psycho-Spiritual Therapy". *Journal of Positive School Psychology*, Vol. 6, No. 3: 6559-6582.

- Frostadottir, A. D.; Dorjee, D. (2019). "Effects of mindfulness based cognitive therapy (MBCT) and compassion focused therapy (CFT) on symptom change, mindfulness, self-compassion, and rumination in clients with depression, anxiety, and stress". *Frontiers in psychology*, No. 10: 1099-1109.
- Frunza, M.; Frunza, S.; Grad, N. O. (2019). "The role of spirituality in therapeutic practices". *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, Vol 18, No. 53: 60-74.
- Galanter, M.; Siegel, C. (2009). "*Training manual for spirituality discussion groups for mental health with focus on cultural competency center*". Center for Spirituality and Healthcare.
- Gilbert, Paul (2015). "*Darman-e mobtani bar shafeqat*" [Compassion-focused therapy]. Translated by Mehrnoosh Esbati and Ali Faizi, Tehran: Ibn Sina. [In Persian]
- Hedayati Dana, S.; Saberi, H.; Nasrollahi, B. (2022). "Moghayese-e asarbakhshi-e shenakhtdarmani-ye mobtani bar zehmagahi va maa'naviat-darmani bar tanzim-e shenakhti-ye hayejan-e zanan-e motaleqe" [Comparison of the effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy and spiritual therapy on cognitive emotion regulation in divorced women]. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, Vol. 65, No. 4: 1566-1578. [In Persian]
- Hosseinimehr, N.; Khezri Moghadam, N.; Pourehshan, S. (2021). [Asarbakhshi-e amoozeshe mobtani bar shafaqat bar khodkaraamadi-e ejtemaii, tahammol-e parishani va khodenteghadi dar dokhtaran-e nowjavan-e tahte sarparasti-e saze mane behzisti] "The effectiveness of compassion focused training (CFT) on social self-efficacy, distress tolerance and self-criticism in adolescent girls under welfare organization care". *Positive Psychology Research*, Vol. 7, No. 2: 33-48. [In Persian]
- Kamari, S.; et al. (2015). "Asarbakhshi-e amoozeshe maa'naviat-darmani mobtani bar mosbatnegari bar mizan-e shadkami va khoshbini-e nowjavanan" [Effectiveness of spirituality therapy training based on positivity on happiness and optimism in adolescents]. *Scientific Journal of Social Psychology*, Vol. 3, No. 36: 103-118. [In Persian]
- Kavousi, L.; Abbasi, G.; Mirzaian, B. (2021). "Asarbakhshi-e darmān-e motmarkez bar shafaqat bar parishaani-e ravaanshenaakhti, tasavvor az khod va hemaayat-e ejtemaa'i-e darkshode-ye afraad-e mobtala be ekhtelāl-e por-khori." [The effectiveness of compassion- focused therapy on psychological distress, self-concept, and social support for people with binge eating disorder]. *IJPN*, Vol. 9, No. 3: 50-62. [In Persian]
- Khademi, A.; Seyf, A. (2011). "Barresi-ye ta'sir-e amoozeshe mowalefe-ye farashenakhti dar kaahesh-e raftarhā-ye zedeejtemaii-ye javānān-e zendān-e markazi-ye Urmia" [The effects of metacognitive components instruction in reducing antisocial behaviors in youth of Urmia central prison]. *RBS*, Vol. 9, No. 3: 186-196. [In Persian]
- Khanmohammadi Majandehi, R. (2020). "Raabete-ye ensejam-e khaanevaadeh va tavaanaayi-e hal-e masaleh baa negaresh be raftaarhaa-ye bezehkaraan-e dar nowjavaanaan-e dokhtar" [The relationship between family cohesion and problem-solving ability with attitude towards delinquent behavior among girl adolescences]. *Rooyesh*, Vol. 9, No.1:81-88. [In Persian]

- Li, J. J. (2017). "Assessing the interplay between multigenic and environmental influences on adolescent to adult pathways of antisocial behaviors". *Development and psychopathology*, Vol. 29, No. 5: 1947-1967.

- Mahdiani, Z.; Farzadi, F.; Faramarzi, H. (2018). "Raabete-e elli-e khoshunat-e khaanevaadagi (khoshunat-e fiziki va khoshunat-e aatefie) va moteghayerhaa-e ejtemaa'i (saakhtaar-e mahalleh va mosharkat-e madrese) baa raftaar-e zedeejtema'i-e nowjavaanaan-e pesar-e kanun-e eslaah va tarbiat baa miyaanjigar-i takaneshgari, khodmahaargari va jasaarat." [The relation between family violence (physical violence and emotional violence), social variables (neighborhood structure and school partnership) and the anti-social behavior of adolescent boys in refocusing with impulse mediation, self-control and audacity]. *Journal of Modern Psychological Researches*, Vol. 13, No. 49: 187-214. [In Persian]

- Martínez-Rubio, D., et al. (2023). "How mindfulness, self-compassion, and experiential avoidance are related to perceived stress in a sample of university students". *Plos one*, Vol. 18, No. 2: 1-16.

- Mohammadi Sangachin Doost, A.; et al. (2022). "Tasir-e amoozeshe shafaqat be khod bar mowalefehaa-ye keyfiyat-e zendegi-ye maadaraan-e kudakaan baa ekhtelaal-e naarsaa'i-ye tavajoh/bishfaa'li" [The effect of self-compassion training on the quality-of-life components of mothers of children with attention deficit / hyperactivity disorder]. *Psychology of Exceptional Individuals*, Vol. 12, No. 46: 23-48. [In Persian]

- Mohr-Jensen, C., et al. (2019). "Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder in Childhood and Adolescence and the Risk of Crime in Young Adulthood in a Danish Nationwide Study". *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, Vol. 58, No. 4: 443-452.

- Mousavi, B.; et al. (2022). "'Asarbakhshi-e maa'naviat-darmani mobtani bar maharat-haa-ye ertebeati bar val-e masraf-e mavaad, omid-e be zendegi va behzisti-ye ravaanshenaas'i-ye motadedaan-e taht-e darman" [The effectiveness of spirituality therapy based on communication skills on drug craving, life expectancy and psychological well-being of drug addicts]. *Journal of Modern Psychological Researches*, Vol. 17, No. 67: 249-257. [In Persian]

- Mousavi, M. S.; Bakhshipour, A.; Mahdian, H. (2021). [Moghayese asarbakhshi-ye darmaan-e mobtani bar paziresh va taahhod va darmaan-e mobtani-e bar shafaqat va darmaan-e mobtani bar pazirish va ta'ahhod-e ghanishodeh ba shafaqat bar saazgaari-ye ejtemaa'i-ye zanaan-e dochar-e afsordegi va taarozat-e zanaashuyi] "Comparing the effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy and Compassion Focused Therapy and Acceptance and Commitment Therapy enriched with Compassion on social adjustment of women with depression and marital conflict". *Journal of Fundamentals of Mental Health*, Vol. 23, No. 4: 285-298. [In Persian]

- Muhammad, H.; Sakari, N. S. M.; Omar, S. H. S. (2022). "Psycho-spiritual intervention to reduce anger level among delinquent teenager". *International Journal of Public Health*, Vol. 11, No. 2: 724-729.

- Nasaescu, E., et al. (2020). "Longitudinal patterns of antisocial behaviors in early adolescence: A latent class and latent transition analysis". *European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, Vol. 12, No. 2: 85-92.
- Neff, K. D.; Germer, C. (2017). "Self-Compassion and Psychological Wellbeing". In: *Oxford Handbook of Compassion Science*, 27th edition. Edited by J. Doty. Oxford: Oxford University Press.
- ——— (2022). "The role of self-compassion in psychotherapy". *World Psychiatry*, Vol. 21, No. 1: 58-60.
- Niabati Charandabi, H.; Eisazadeh, F. (2022). "Asarbakhshi-e manaviaat-darmani goroohi bar salaamat-e ejtema'i va afsordegi dar mobtalaayan-e be ekhtelal-e hoviyat-e jensi" [The effectiveness of group spiritual therapy on social health and depression in patients with sexual identity disorder]. *Islamic Life Journal*, Vol. 6, No.2:51-59. [In Persian]
- O'Connell, M. (2023). "Assessing Patterns of Anti-Social and Risky Behaviour in the Millennium Cohort Study—What Are the Roles of SES (Socio-Economic Status), Cognitive Ability and Personality?". *Behavioral Sciences*, Vol. 13, No. 1: 46-58.
- Peyravi, M., et al. (2022). "Moghayese-ye asarbakhshi-ye omiddarmani va manaviaat-darmani bar keyfiyat-e zendegi va shaakhshā-ye zisti-ye zanaan-e mobtalaā be diaabet" [Comparison of the effectiveness of hope therapy and spiritual therapy on quality of life and biological indicators in women with diabetes]. *Journal of Applied Psychology*, Vol. 16, No. 2: 200-183. [In Persian]
- Pirjavid, F.; Toozandehjani, H.; Bagherzadeh Gol Makani, Z. (2022). "Moghayese-ye asarbakhshi-ye shafaqat-darmaani va darmaan-e mobtani bar behbood-e keyfiyat-e zendegi bar khodenteghadi va afsordegi dar mobtalaayaan-e afsordegi-e asaasi" [Comparing the Effectiveness of compassion-focused therapy and quality of life therapy on selfcriticism and Depression patient with major depression]. *Psychological Methods and Models*, Vol. 12, No. 46: 53-68. [In Persian]
- Rahmati, S.; et al. (2020). "Asar-bakhshi-ye amoozeshe goroohi-e tahlie raftar-e moteghabel bar tahammol-e parishaani va hale masal-e ejtemaa'i-ye nojavaanaan-e bezehkar" [Effectiveness of group training of transactional analysis (ta) on distress tolerance and social problem solving of delinquent adolescents]. *Social Psychology Research*, Vol. 10, No. 37: 45-64. [In Persian]
- Rahmani, S.; et al. (2020). "Asarbakhshi-e darmaan-e mobtani bar shafaqat be khod bar raahbordhaa-ye nazmju'i-ye shenakhti-e hayajan-e zanān-e parastaar" [The effectiveness of self-compassion therapy on cognitive emotion regulation strategies and anxiety sensitivity in female nurses]. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing (IJP) Original Article*, Vol. 8, No. 4: 99-100. [In Persian]
- Ramazani, B.; Bakhtiari, F. (2019). "Asarbakhshi-ye manaviat-darmaani bar ejtenaab-e shenaakhti va parishaani-e ravaanshenaas'i-ye saalmadaan-e haazer dar khaaneh-ye saalmadaan" [Effectiveness of spiritual therapy on cognitive avoidance, psychological distress and loneliness feeling in the seniors present at nursing homes]. *Journal of Gerontology*, Vol. 3, No.4: 32-41. [In Persian]

- Rashidi, S.; Choobforoushzadeh, A.; Mottaghi, S. (2023). "Asarbakhshi-ye darmaan-e motemarkez bar shafaqat bar moalefehā-ye khodtaeingari va afkaar-e khodkoshi dar nowjavaanaan-e dokhtar-e daaraa-ye khodzani" [The effectiveness of compassion-focused therapy on the components of self-determination and suicidal ideation in adolescent girls with a history of self-harm]. *Journal of Modern Psychological Researches*, Vol. 17, No. 68: 133-143. [In Persian]
- Rezayi, E. (2022). "Asarbakhshi-ye manaviat-darmani eslaami bar shaadkaami-ye dokhtaraan-e nowjavaan-e khaanevaadehaa-ye az hamgosikhteh." [The effectiveness of Islamic spiritual therapy on the happiness of adolescent girls in broken families]. *Basij Strategic Studies*, Vol. 25, No. 95: 123-151. [In Persian]
- Riahinia, A.; Safari, Y. (2020). "Asarbakhshi-e darmaan-e motemarkez-e bar shafaqat bar sabk-e delbastegi, saazgaari-e zanaashuyi va saazgaari-e ejtemaai dar mardaan-e soo-e masrafkonnade mavaad-e mokhader." [The effectiveness of compassion-focused therapy on attachment style, marital adjustment, and social adjustment in drug abusive men]. *Medical Journal of Mashhad University Of Medical Sciences*, Vol. 63, No. 5: 2892-2910. [In Persian]
- Ribeiro da Silva, D., et al. (2019). "The efficacy of a compassion-focused therapy-based intervention in reducing psychopathic traits and disruptive behavior: A clinical case study with a juvenile detainee". *Clinical Case Studies*, Vol. 18, No. 5: 323-343.
- Saffarinia, M.; Mortezaei, Z.; Alipour, A. (2022). "Asarbakhshi-e shafaqatdarmani motemarkez bar khod bar afsordegi, ezterab va rezaayat-e jensi dar bimaaraan-e zan-e mobtala be naabaarvari" [The effectiveness of self-compassion therapy on self, depression, anxiety, and sexual satisfaction in infertile women patients]. *Journal of Applied Family Therapy*, Vol. 3, No. 3: 457-473. [In Persian]
- Salahinezhad, M.; et al. (2021). "Ta'sir-e maa'naviat-darmani bar sabk-e zendegi-ye bimaaraan-e taht-e hemodializ" [The effect of spiritual therapy on the life style of hemodialysis patients]. *MCS*, Vol. 8, No. 2: 193-201. [In Persian]
- Salehabadi, A.; Naemi, A. (2020). "Ta'sir-e amoozeshe shafaqat be khod bar omidvaari va baavarhaa-ye ghayre-manteqi-ye maadaraan-e kudakaan-e mobtala be natavani-ye yaad-giri" [Effectiveness of self-compassion training on hope and irrational beliefs in mothers of children with learning disabilities]. *Psychology of Exceptional Individuals*, Vol. 10, No. 39: 157-178. [In Persian]
- Sanjaya, M. R. (2023). "Antisocial behavior in experiments: What have we learned from the past two decades?". *Research in Economics*, Vol. 77, No. 1: 104-115.
- Sepahvand, F.; Rezaei, F.; Mirderikvand, F. (2022). "Tasir-e manaviat-darmaani mobtani bar mosbat-andishi bar salaamat-e manavi, sarsakhti-e ravaanshenaas'i va ezteraab-e marg dar zanaan-e mobtala be talaasemi-ye maazhur" [Evaluation of the effectiveness of spiritual therapy based on positive thinking on spiritual health, psychological hardness and death anxiety in women with Beta thalassemia major]. *Scientific Journal of Iran Blood Transfus Organ*, Vol. 19, No. 3: 224-233. [In Persian]
- Sepasi, N.; at al. (2020). "Tasir-e manaviaat-darmani bar behbude alaem-e etiyaad be internet va erteghaay-e keyfiyat-e zendegi-ye daaneshjuyaan" [The effectiveness of spirituality therapy in improving the symptoms of internet addiction

and promoting the life quality of students]. *JHC*, Vol. 22, No. 3: 224-235. [In Persian]

- Shakerinasab, M.; et al. (2022). "Asarbakhshi-ye darmaan-e shenakhti-ye raftari motemarkez bar vaahed-e pardaadei bar kaaahesh-e parkhaashgari va raftaarhay zede ejtemaai dar nowjavaanaan-e bish-faal" [The effectiveness of modular cognitive-behavioral therapy (MCBT) in reducing aggression and antisocial behaviors in ADHD adolescents]. *Clinical Psychology and Personality*, Vol. 20, No. 1: 17-29. [In Persian]

- Shattuck, E. C.; Muehlenbein, M. P. (2020). "Religiosity/Spirituality and Physiological Markers of Health". *Journal of religion and health*, Vol. 59, No. 2: 1035-1054.

- Tanenbaum, M. L., et al. (2018). "Adapting and validating a measure of diabetes-specific self-compassion". *Journal of diabetes and its complications*, Vol. 32, No. 2: 196-202.

- Tarkarani, M.; Moradi nejhad, E.; Roushanpoor, A. (2020). "Ziste bezehkarane: Barresi-e farayand-e bezehkar shodan nojavanan dar mahalat-e kam-barkhordar-e shahr-e Khorramabad" [Biosafety: Investigating the process of juvenile delinquency in low-income areas of Khorramabad]. *Journal of Social Work Research*, Vol. 7, No. 25: 133-178. [In Persian]

- Thomason, S.; Moghaddam, N. (2021). "Compassion-focused therapies for self-esteem: A systematic review and meta-analysis". *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, Vol. 94, No. 3: 737-759.

- Toledo, G.; Ochoa, C. Y.; Farias, A. J. (2021). "Religion and spirituality: Their role in the psychosocial adjustment to breast cancer and subsequent symptom management of adjuvant endocrine therapy". *Supportive Care in Cancer*, Vol. 29, No. 6: 3017-3024.

- Uyun, Q.; Kurniawan, I. N.; Jaufalaily, N. (2019). "Repentance and seeking forgiveness: the effects of spiritual therapy based on Islamic tenets to improve mental health". *Mental Health, Religion & Culture*, Vol. 22, No. 2: 185-194.

- Varmarzyari, Z.; Golpour, R. (2022). "Asarbakhshi-e aamuzesh shafaqat be khod bar khodenteghadi va khodkaramdai-e ejtemaie danshamuzan-e dokhtar mobtala be ezterab emtehan" [The effectiveness of self-compassion training on self-criticism and social self-efficacy of female students with test anxiety]. *Journal of Psychology New Ideas*, Vol. 12, No. 16: 1-13. [In Persian]

- Wu, Q.; Zhang, T. M. (2023). "Association between self-compassion and cyber aggression in the COVID-19 context: Roles of attribution and public stigma". *BMC Psychology*, Vol. 11, No. 1: 66-81.

- Yu, S.; Zhang, C.; Xu, W. (2023). "Self-compassion and depression in Chinese undergraduates with left-behind experience: Mediation by emotion regulation and resilience". *Journal of Clinical Psychology*, Vol. 79, No. 1: 168-185.

- Zhao, Z., et al. (2022). "The remediating effect of Attention Bias Modification on aggression in young offenders with antisocial tendency: A randomized controlled trial". *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, Vol. 75, No. 2022: 1-10.

مقاله علمی - پژوهشی

اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان (مورد مطالعه: زندان بیرجند)

فاطمه شهابی‌زاده^۲

محمدحسن غنی‌فر^۲

حسین‌رضا نخعی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_173062.html

چکیده

بروز رفتارهای ضداجتماعی، سبب نقض قوانین اجتماعی و برهم‌خوردن مقررات می‌شود. بسیاری از زندانیان، به همین علل، بخشی از زندگی خود را در زندان به سر می‌برند. در این مورد باید بیان داشت که درمان‌های مختلفی در زمینه کاهش گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و بروز این رفتارها، می‌تواند اثربخش باشند؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی معنویت-درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان انجام گرفته است. روش این پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه پژوهش، زندانیان شهرستان بیرجند در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ بودند که با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش و شیوه نمونه‌گیری در دسترس، ۶۰ نفر حاضر به همکاری شدند و به‌طور تصادفی به سه گروه، دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و یک گروه کنترل (۲۰ نفر) تقسیم شدند. روش اجرای مداخله آموزش شفقت به خود (۸ جلسه) و معنویت‌درمانی (۱۲ جلسه) به‌صورت آموزش برای گروه‌های موردآزمایش بود و لازم به ذکر است که گروه کنترل، آموزشی دریافت نکردند. ابزار

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران، rhrnakhaei@yahoo.com نویسنده مسؤول.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، ایران. ghanifar@iaubir.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران. fshabizadeh@yahoo.com

گردآوری داده‌ها نیز فهرست وارسی رفتارهای ضداجتماعی خادمی و سیف (۱۳۹۰) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس آمیخته (کوواریانس چندمتغیره) و نرم‌افزار SPSS-23 استفاده شد. نتایج تحلیل مقایسه‌های چندگانه نشان داد اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر گرایش‌های ضداجتماعی معنادار است. میانگین‌های تعدیل‌شده نشان داد اثربخشی آموزش شفقت به خود بیشتر از معنویت‌درمانی است؛ به‌طوری‌که میانگین گرایش‌های ضداجتماعی در گروه آموزش شفقت به خود (۱۷/۵۸) از گروه معنویت‌درمانی (۲۰/۲۸) کمتر است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت استفاده از معنویت‌درمانی و درمان مبتنی بر شفقت به خود می‌تواند موجبات کاهش بروز رفتارهای ضداجتماعی و گرایش به آن را در زندانیان فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: معنویت‌درمانی، درمان مبتنی بر شفقت به خود، رفتارهای ضداجتماعی، زندانیان.

مقدمه

رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی^۱، در هر جامعه‌ای وجود دارد و افراد بزهکار و شخصیت‌های ضداجتماعی، دامنه وسیعی از رفتارهای آسیب‌رسان را شامل قانون‌شکنی‌ها، زیرپا گذاشتن نظم اجتماعی، تجاوز به حقوق دیگران، پرخاشگری (Zhao, et al., 2022: 7 O'Connell, 2023: 51)، سرکشی در مقابل مراجع رسمی قدرت، مشاجره لفظی، اخلاف در نظم اجتماعی (Nasaescu, & et al., 2020: 88)، آسیب به اموال عمومی، دزدی، فریب‌کاری و دروغ‌گویی که منجر به زندانی‌شدن آنان می‌شود، نشان می‌دهند (مهدیانی، فرزادی و فرامرزی، ۱۳۹۷: ۱۹۹)؛ بنابراین رفتار بزهکارانه و ضداجتماعی، مجموعه‌ای از جرائم را دربرمی‌گیرد که در یک زمان و مکان معین رخ می‌دهند (ترکاری، مرادی‌نژاد و روشن‌پور، ۱۳۹۹: ۱۵۵). رفتار ضداجتماعی، به اعمالی اطلاق می‌شود که برخلاف قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی از فرد بروز می‌کند (خان‌محمدی مجندهی، ۱۳۹۹: ۸۳). به عقیده شاکری‌نسب و دیگران (۱۴۰۱)، در بعد بالینی رفتارهایی که باعث نقض قوانین اجتماعی می‌شود و نابهنجار تلقی می‌گردد، تحت عنوان

رفتارهای ضد اجتماعی شناخته می‌شوند. این رفتارها در سنین مختلف به اشکال مختلفی دیده می‌شود (Li, 2017: 1952) و منشأ ایجاد مشکلات اجتماعی بزرگ و از بین رفتن انسجام اجتماعی به شمار می‌رود (Sanjaya, 2023: 105; Mohr-Jensen, 2019: 445). بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از این است که ریشه رفتارهای ضد اجتماعی و گرایش به این رفتارها، به دوران نوجوانی افراد برمی‌گردد (عشایری و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۴۸؛ انصاف‌داران، بساک‌نژاد و ارشدی، ۱۳۹۸: ۳۰۹)؛ به‌گونه‌ای نگاهی گذرا به آمارهای موجود، لزوم این نگرانی را خاطرنشان می‌کند؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۴، یک میلیون و ۶۲۶ هزار نوجوان در ایالات متحده به‌علت بروز رفتارهای ضد اجتماعی، دستگیر شده‌اند (رحمتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۳). با وجود این، همان‌طور که پیشتر بیان شد، گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی و بروز این رفتارها در سنین بالاتر هم مشاهده می‌شود. در زمینه طراحی برنامه‌های مداخله و بررسی اثربخشی آن، در زمینه کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و پر خاشک‌رانه نوجوانان و سایر گروه‌های سنی پژوهش‌های متعددی انجام شده است (دموندیان، ۱۴۰۱: ۸۰۳). یکی از این درمان‌ها آموزش شفقت به خود^۱ است (افشانی و ابویی، ۱۳۹۸: ۱۰۸). شفقت به خود یک عامل پیش‌بینی‌کننده قدرتمند سلامت روان است و سطوح بالای آن با سطوح بالایی از تحمل مشکلات و خودکارآمدی بیشتر و کاهش خودسرزنش‌گری رابطه دارد (ورمرزیاری و گل‌پور، ۱۴۰۱: ۵) و به‌نوعی نقش حفاظت‌کننده سلامت روان را ایفا می‌کند (حسینی‌مهر، خضری‌مقدم و پوراحسان، ۱۴۰۰: ۳۹). به باور نف و گرمر (Neff & Germer, 2017: 46)، شفقت به خود؛ مهربانی به خود، تجربه‌پذیری و تحت تأثیر رنج دیگران قرار گرفتن است. در تعریفی دیگر، شفقت به خود شامل توانایی نزدیک‌شدن به رنج و وقایع منفی، بدون داشتن نگرش سخت و انتقادی نسبت به خود شخص تعریف شده است (اسدی بیجائی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۸). شفقت نسبت به خود شامل سه مؤلفه اصلی است که عبارت‌اند از: ۱. مهربان‌بودن با خود و پرهیز از خودمحکوم‌گری، ۲. آگاهی از درمیان‌گذاشتن تجربه‌های درد و رنج با دیگران به جای احساس شرم و تنهایی و ۳. ذهن‌آگاه‌بودن نسبت به درد

و رنج شخصی خود (Neff & Germer, 2017: 53)؛ محمدی سنگاچین دوست و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۹؛ ابویی، برزگر بفرویی و رحیمی، ۱۴۰۰: ۱۰۵؛ دریکوند، یزدان بخش و کرمی، ۱۴۰۱: ۴۶).

در این زمینه، پژوهش‌ها حاکی از این است که افرادی که سه مؤلفه فوق را دارا باشند، از سلامت روان‌شناختی بالاتری نسبت به افراد که خودشفقت‌ورزی پایینی دارند، برخوردارند (Tanenbaum, et al., 2018: 199) و با تجربیات و وقایع منفی زندگی بهتر مقابله می‌کنند (Crozier, Mosewich & Ferguson, 2019: 153). در پژوهش‌ها اثربخشی آموزش مبتنی بر شفقت به خود، بر امیدواری (صالح‌آبادی و ناعمی، ۱۳۹۹: ۱۶۷)، تحمل پریشانی (حسینی‌مهر، خضری‌مقدم و پوراحسان، ۱۴۰۰: ۳۶)، تاب‌آوری (امجدیان، جعفری و قمری، ۱۴۰۲: ۱۵۳)، کاهش بروز رفتارهای آسیب‌رسان (Wu & Zhang, 2023: 73) و کاهش استرس و وسواس فکری (Martinez-Rubio, et al., 2023: 8)؛ باقری شیخانگشه و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۲۶)، خودتعیین‌گری و کاهش افکار خودکشی (رشیدی، چوب‌فروش‌زاده و متقی دستنائی، ۱۴۰۱: ۱۳۹)، کاهش افسردگی و اضطراب (Yu, Zhang & Xu, 2023: 176)؛ صفاری‌نیا، مرتضائی کرهرودی و علیپور، ۱۴۰۱: ۱۹۳) و بهبود کیفیت زندگی (پیرجاوید، توزنده‌جانی و باقرزاده گل‌مکانی، ۱۴۰۰: ۵۷) تأیید شده است.

مسائل اعتقادی و باورهای دینی در هر زمان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و جزء اصلی‌ترین مباحث انسانی به شمار رفته است (هدایتی دانا، صابری و نصراللهی، ۱۴۰۱: ۱۵۹۱). معنویت^۱ یکی از توانمندی‌های انسان است که راه‌های کنارآمدن و راهبردهای حل مسئله را برای او فراهم می‌کند و به‌عنوان یک منبع حمایت اجتماعی در برابر سردرگمی‌ها و مصیبت‌ها، احساسی از معناداری را در قلب او ایجاد می‌کند (موسوی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۵۱). نقش معنویت در زندگی انسان‌ها طی سال‌های متمادی در حوزه‌های مختلف علمی توجه زیادی را به خود جلب کرده است (نیابتی چرندابی، محمدخانی و عیسی‌زاده، ۱۴۰۱: ۵۸). در واقع می‌توان اظهار داشت که معنویت روشی برای زندگی کردن است که از طریق آگاهی‌یافتن از یک بعد غیرمادی حاصل می‌شود و ارزش‌های قابل تشخیص آن را تعیین می‌کند (سپهوند، رضایی و میردریکوند، ۱۴۰۱: ۱۴۰۱).

(۲۳۰). براساس نظریه روان شناسی مثبت گرا^۱، یکی از درمان های مؤثر بر افزایش خودمراقبتی در بیماران دیابتی، معنویت درمانی^۲ است که در بسیاری از متون و نظریات دیگر نیز به آن اشاره شده است (پیروی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۸۶). معنویت درمانی به معنای در نظر گرفتن باورهای معنوی بیمار مبتلا، در فرایند درمانگری است (صلاحی نژاد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۵)؛ باورهایی که با به وجود آوردن تجربیات خاص، موجب تعالی و اخلاقی مسئولانه در افراد می شود (Shattuck & Muehlenbein, 2020: 1036). درمانگر در معنویت درمانی، افراد را به کاوش در موضوع ها و مسائل معنوی دعوت می کند و به صورت بی طرفانه و غیر قضاوت گرایانه، به وسیله رویکردهای روان شناختی بر مسائل معنوی تأکید می کند (چراغ پور خنکدار و شکری فومشی، ۱۴۰۱: ۴۵).

در پژوهش های صورت گرفته، تأثیر مثبت معنویت درمانی بر کاهش اضطراب (برقی ایرانی و دهقان صابر، ۱۳۹۹: ۳۲۵)، بهزیستی روان شناختی (Frogosa, 2022: 6561)، کاهش خشم نوجوانان (Muhammad, Sakari & Omar, 2022: 726)، درمان اعتیاد به مواد مخدر (Abidin, 2022: 149)، سازگاری روانی اجتماعی (Toledo, Ochoa & Farias, 2021: 3020) و تاب آوری و سبک های مقابله ای (عباسی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۹) نشان داده شده است. علاوه بر این ها در پژوهش رضایی (۱۴۰۱) مشخص شد بهره گیری از درمان مبتنی بر معنویت، سبب بالارفتن میزان شادکامی دخترانی می شود که در خانواده های ازهم گسیخته متولد شده اند و موجبات پیشگیری از بروز رفتارهای بزهکارانه و ضد اجتماعی آن ها را فراهم می آورد. در دیگر پژوهشی که توسط عمویی و خیاطان (۱۳۹۸) انجام گرفت، نتایج نشان داد با توجه به عواقب نامطلوب خشم همچون بزهکاری، گرایش به مصرف سیگار و الکل و رفتارهای خلاف هنجار اجتماعی که در سنین نوجوانی برای فرد مشکل ایجاد می کند، معنویت درمانی اسلامی می تواند در جهت کنترل خشم این افراد مورد استفاده قرار گیرد.

با عنایت به توضیحات فوق، به نظر می رسد معنویت درمانی می تواند به عنوان دیگر روش مداخله - آمیز در جهت کاهش بروز رفتارهای ضد اجتماعی و گرایش به آن، استفاده شود. همچنین آموزش

شفقت به خود نیز به عنوان دیگر رویکرد درمانی می تواند موجبات کاهش گرایش و بروز رفتارهای ضداجتماعی را فراهم آورد؛ بنابراین با توجه به خلأ پژوهشی موجود و عدم انجام پژوهش با هدف مقایسه این دو رویکرد درمانی، پژوهش حاضر بر آن است تا به مقایسه اثربخشی معنویت درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان بپردازد. فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از اینکه اثربخشی معنویت درمانی در مقایسه با آموزش شفقت به خود و گروه کنترل بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان، متفاوت است. بدیهی است کاربرست نتایج حاصل از پژوهش حاضر، به روان درمانگران کمک خواهد کرد تا ضمن آشنایی با این رویکردهای درمانی، بیش از پیش آن ها را به کار گیرند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زندانیان شهر بیرجند در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. تعداد اعضای نمونه در این پژوهش را ۶۰ نفر از زندانیان مردی که حاضر به همکاری بودند و ملاک های ورود به پژوهش را دارا بودند، تشکیل داده اند. این تعداد به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی به سه گروه، دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و یک گروه کنترل (۲۰ نفر) تقسیم شدند. شرایط ورود به پژوهش نیز عبارت بود از: زندانی بودن و عدم ممانعت و یا محدودیت از سوی مسئولین زندان جهت شرکت در رده های آموزشی، عدم استفاده از سایر مداخلات روان شناختی و داشتن سواد حداقلی دیپلم. شرط خروج از پژوهش نیز وجود اختلالات روان شناختی و نیز غیبت بیش از دو جلسه بود. لازم به ذکر است در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شده است. لازم به ذکر است به لحاظ اطلاعات جمعیت شناسی پژوهش، جنسیت همه افراد مرد بود و بیشترین افراد دارای مدرک دیپلم (۳۸ نفر) بودند. همچنین از مجموع نفرات، تعداد ۴۸ نفر متأهل بودند و بیشترین افراد نیز در رده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال (۳۹ نفر) قرار داشتند.

برای سنجش گرایش های ضداجتماعی از مقیاس رفتارهای ضداجتماعی زندانیان خادمی و سیف (۱۳۹۰: ۱۸۹) استفاده شد که حاوی ۱۵ ماده درباره رفتارهای ضداجتماعی است که براساس

ملاک‌های تشخیصی DSM-IV-TR2 تهیه شده است. این مقیاس در طیف لیکرت ۴ درجه از هرگز مشاهده نشد (۰)، تا به دفعات مکرر مشاهده شد (۳)، نمره‌گذاری می‌شود. محتوای این فهرست واری‌های شامل این موارد بوده است: دروغ‌گویی، رفتار تکانشی، ناتوانی برای طرح‌ریزی، نزاع، حملات فیزیکی، درگیری لفظی، بی‌مسئولیتی، عدم احساس ندامت، بی‌احتیاطی نسبت به ایمنی خود، بی‌احتیاطی نسبت به ایمنی دیگران، عدم رعایت حقوق دیگران، فریب‌کاری، دزدی، زورگویی و آسیب به امکانات عمومی زندان. برای تعیین اعتبار فهرست واری‌های از روش ارزیابی متخصصان استفاده شد؛ به این صورت که فرم اولیه آن در اختیار ۵ نفر از متخصصین قرار گرفت و قبل از اجرای فهرست واری‌های، نظرات متخصصین گرفته شد و سپس با اعمال تغییرات پیشنهادشده، برای اجرا آماده شد. پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۸ به دست آمد.

درخصوص شیوه اجرای پژوهش باید این‌گونه اظهار داشت که پس از انجام هماهنگی‌های لازم با مسئولین زندان مرکزی شهر بیرجند و نیز افراد شرکت‌کننده، گروه آزمایش توسط پژوهشگر، براساس بسته آموزشی شفقت‌درمانی گیلبرت (۲۰۰۹) در طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای گروه آزمایش دیگر نیز معنویت‌درمانی با بازنگری گالانتر و سیگل (Galanter & Siegel, 2009: 28) در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای را دریافت کردند؛ درحالی‌که طبق فرضیه و روش پژوهش، گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد (Galanter & Siegel, 2009: 52). درنهایت پس از پشت سرهم گذاشتن جلسات مربوط به درمان هر یک از رویکردهای مبتنی بر معنویت و شفقت به خود، از هر سه گروه پس‌آزمون گرفته شد تا نتایج سه گروه با هم مقایسه شود و درنهایت داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جدول ۱ عناوین جلسات آموزشی ارائه شده است.

جدول (۱) پروتکل آموزش شفقت‌درمانی گیلبرت (۲۰۰۹)

جلسه	محتوای جلسات
اول	اجرای پیش‌آزمون: آشنایی درمانگر و اعضای گروه با یکدیگر، گفت‌وگو درباره هدف تشکیل جلسات و ساخت کلی آن، بررسی انتظارات از برنامه درمانی، آشنایی با اصول کلی درمان متمرکز بر شفقت و تمایز شفقت با تأسف برای خود.
دوم	توضیح و تشریح شفقت: اینکه شفقت چیست و چگونه می‌توان از طریق آن بر مشکلات فائق آمد. آموزش ذهن‌آگاهی همراه با تمرین‌های مغزی مبتنی بر شفقت، واری‌های بدنی و تنفس، آشنایی با سیستم.
سوم	آشنایی با خصوصیات افراد شفقت‌ورز، شفقت نسبت به دیگران، پرورش احساس گرمی و مهربانی نسبت به خود، پرورش و درک اینکه دیگران نیز نقایص و مشکلاتی دارند (پرورش حس اشتراکات انسانی) در مقابل

احساسات خودتخریب‌گرانه. آموزش افزایش گرمی و انرژی، ذهن‌آگاهی، پذیرش، خرد و قدرت، گرمی و عدم قضاوت.	
ترغیب آزمودنی‌ها به خودشناسی و بررسی شخصیت خود به‌عنوان «شفقت‌ورز» یا «غیرشفقت‌ورز» با توجه به مباحث آموزشی، شناسایی و کاربرد تمرین‌های «پرورش ذهن شفقت‌ورز»، ارزش شفقت، همدلی و همدردی نسبت به خود و دیگران.	چهارم
آموزش سبک‌ها و روش‌های ابراز شفقت (شفقت کلامی، شفقت عملی، شفقت مقطعی و شفقت پیوسته) و به‌کارگیری این روش‌ها در زندگی روزمره و برای والدین، دوستان و آشنایان.	پنجم
آموزش مهارت‌های شفقت به شرکت‌کنندگان در حوزه‌های توجه شفقت‌ورز، استدلال شفقت‌ورز، رفتار شفقت‌ورز، تصویرپردازی شفقت‌ورز، احساس شفقت‌ورز و ادراک شفقت‌ورز، ایفای نقش فرد در سه بعد وجودی خودانتقادگر، خودانتقادشونده و خودشفقت‌ورز با استفاده از فن صندلی خالی گشتالت، پیداکردن لحن و تن صدای خودانتقادگر و خودشفقت‌گر درونی هنگام گفت‌وگوی درونی و مشابهت آن با الگوی گفت‌وگوی آدم‌های مهم زندگی مانند پدر و مادر.	ششم
پرکردن جدول هفتگی افکار انتقادگر، افکار شفقت‌ورز و رفتار شفقت‌ورز، پیداکردن رنگ، مکان و موسیقی شفقت‌گر که اجزای تصویرپردازی‌های شفقت‌ورز می‌توانند باشند، کار بر روی ترس از شفقت به خود و موانع پرورش این خصیصه. آموزش فن‌های تصویرپردازی ذهنی شفقت‌ورز، تنفس تسکین‌بخش ریتمیک، ذهن‌آگاهی و نوشتن نامه شفقت‌ورز.	هفتم
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پاسخگویی به سؤالات اعضا و ارزیابی کل جلسات، تشکر و قدردانی از اعضا جهت شرکت در جلسات، اجرای پس‌آزمون.	هشتم

در جدول ۲، پروتکل درمانی مبتنی بر معنویت شرح داده شده است.

جدول ۲) پروتکل آموزش معنویت‌درمانی اسلامی ۲۰۰۹ با بازنگری (Galanter & Siegel, 2009)

جلسه	محتوا
اول	معارفه، گفت‌وگو درباره سالمندی و پیامدهای جسمی و روحی آن، مفهوم معنویت و دین و تأثیر آن در زندگی، راه‌های رسیدن به خدا و تأثیر آن در زندگی، بیان داستان‌های مقدس در قرآن توسط شرکت‌کنندگان، نقش عبادت و باورهای دینی در آرامش، تجربه شرکت‌کنندگان از آرامش بعد از انجام عبادات و نماز.
دوم	خودآگاهی و ارتباط با خود و گوش‌دادن به ندای درونی، بررسی نیازها و اهداف، شناخت نسبت به خود، دیگران و توانایی‌های خود، تمرین پرداختن به افکار مثبت و دوری از افکار منفی، بررسی موفقیت‌ها، گفت‌وگو درباره اینکه دانش و نیروی معنوی دیگری برای حل مشکل وجود دارد، سپردن کامل خود به نیروی مافوق.
سوم	ایجاد بینش در حل تعارض‌های درونی و افزایش سازگاری با محیط، روبه‌روساختن فرد با عوامل ناهشیار مؤثر بر رفتارها و جست‌وجوی مکانیسم‌های افراطی بیمارگونه، بررسی روابط گذشته و پذیرش نقش آن در رفتارهای کنونی مراجع و تأثیر آن بر خلقیات.

چهارم	معنادهی به حوادث زندگی با توجه به ارزش‌ها، اهداف و اعتقادات، گفت‌وگو راجع به احساس گناه، توبه، بخشش خود، بخشش دیگران، خودداری از به‌کارگیری روش انتقام‌جویانه نسبت به دیگران، سؤال راجع به تجارب و بیان خاطرات راجع به احساس خود بعد از توبه، آرام‌تنی، توصیف عظمت و رحمانیت خداوند و بیان نعمت‌های وی، تأثیر بخشش همنوعان، توصیف نمونه‌ای از بخششی که شرکت‌کنندگان داشته‌اند و بیان احساس پس از آن و اقرار به خطاهای خود، فهرست‌کردن خطاها و کسانی که آن‌ها را رنجانده‌اند، توانایی جبران آن و طلب مغفرت.
پنجم	تأکید بر پذیرش مسئولیت شخصی در مبارزه با موانع و بررسی صفات فردی و درونی، شفقت با خود، بهبودبخشیدن به روابط بین‌فردی و آموزش شیوه‌های مقابله با تنش‌های اجتماعی، ارتقای خشنودی از تعامل مثبت با محیط و دستیابی به تقویت درونی، گفت‌وگو راجع به روش‌های خشنودکردن دیگران و رسیدن به تعالی معنوی.
ششم	نوع‌دوستی، انجام کارهای معنوی به‌صورت گروهی، برگزاری نماز جماعت، تمرکز بر داشته‌ها، شکرگزاری و اثرات آن و تنه‌اماندن از گروه به همراه خاطرات جهت تصورکردن افراد به جای هم، آموزش لب‌خند و مهربانی.
هفتم	ایجاد روشنگری و بصیرت برای کشف داشته‌ها و موهبت‌های درونی و بیرونی خداوندی که در اختیار داریم و تفکر خردورزانه راجع به آن‌ها و رسیدن به خشنودی و تأثیر آن بر ارتقای خودباوری، خوداتکایی و عزت‌نفس.
هشتم	یادگیری روش‌های حمایت از دیگران، همدلی‌کردن، دوست‌داشتن دیگران، مراقبت از دیگران، هرروز یک کار مثبت‌کردن برای دیگران، خوشحال‌کردن دیگران جهت کمک به رشد شادمانی، خودمراقبتی جسمانی، روانی، اجتماعی جهت رسیدن به خود معنوی و کشف مؤلفه‌های آن و زنده نگه‌داشتن آن.
نهم	ذکر و احساس حضور که باعث هدفمندی ذهن می‌شود و افکار خودکار را که موجب احساس بیمارگونه و اعمال نسنجیده است، مهار می‌کند، موجب تقویت عقل، خرد، هشیاری می‌شود، تأثیر ذکر و تذکر، دعا و مناجات، در سلامت روانی، چگونه دعاکردن و برای چه افرادی دعاکردن، محتوای دعا و یادگیری نحوه نیایش و بیان رنج‌های عمقی خود با خداوند با توجه مثبت به حکمت‌های خداوندی.
دهم	تأکید بر واقعیت، نیاز به وجود معنا و رشد در زندگی برای به حداکثررساندن انگیزه تغییر از طریق برقراری رابطه همدلی و مبتنی بر اعتماد متقابل مراجع برای کسب اهداف متعالی، رشددهنده و معنابخش و پذیرش حکمت‌های خداوندی در مسائلی که قابل‌تغییر نیست با تمرینات عملی و ترسیم الگوی بهبودی.
یازدهم	خودمهارگری معنوی، با تسلط‌دادن قوای عقلانی بر سایر قوا و یاری‌خواهی از خداوند و چگونگی قراردادن تمامی ابعاد وجودی انسان در کنترل همه‌جانبه عقل و شرع.
دوازدهم	صحبت درباره مرگ، علت ترس از مرگ، معاد و زندگی پس از مرگ، شکرگزاری، ایمان، توکل به خدا، تمرین و گفت‌وگو در رابطه با نحوه شکرگزاری و توکل و ترسیم مراحل آن، ترسیم تصویر بهترین منظره بدون نگاه به ساعت، ترسیم تصویری زیبا، عدم توجه به زمان.

در این پژوهش داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ویرایش ۲۳ تجزیه و تحلیل شد. در بخش توصیفی از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و در بخش تحلیلی برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس آمیخته (کوواریانس چندمتغیره) استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به ماهیت تحقیق، در جدول ۳، میانگین و انحراف استاندارد نمرات مؤلفه‌های گرایش‌های ضداجتماعی در دو مرحله اندازه‌گیری، به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل آورده شده است.

جدول ۳) میانگین و انحراف استاندارد نمرات مؤلفه‌های گرایش‌های ضداجتماعی در دو مرحله اندازه‌گیری به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل

گروه	متغیر	پیش‌آزمون (معنویت)		پیش‌آزمون (شفقت به خود)		پس‌آزمون (معنویت)		پس‌آزمون (شفقت به خود)	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	ضداجتماعی	۳۳/۱۰	۳/۸۶	۲۰/۳۵	۲/۵۸	۳۲/۶۰	۳/۷۳	۱۷/۵	۲/۴۸
کنترل	ضداجتماعی	۳۲/۹۵	۳/۵۱	۳۳/۳۵	۳/۸۶	۳۲/۹۵	۳/۵۱	۳۳/۳۵	۳/۸۶

در جدول ۳ آمار توصیفی مربوط به میانگین و انحراف معیار نمرات رفتارهای ضداجتماعی به تفکیک برای گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرحله سنجش (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود نمرات گرایش‌های ضداجتماعی در گروه‌های آزمایش در پس‌آزمون، کاهش بیشتری نسبت به پیش‌آزمون داشته‌اند.

جدول ۴) بررسی مفروضه نرمال بودن متغیر پژوهش در پیش‌آزمون

آزمون کالموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن		متغیرها
سطح معنی داری	آماره	
۰/۰۶	۱/۳۱	ضداجتماعی

به‌منظور بررسی نقش اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر گرایش‌های ضداجتماعی، از آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره استفاده شد. پیش از انجام این آزمون بررسی چند مفروضه آماری الزامی است. نتایج حاصل از اجرای این آزمون و بررسی پیش‌فرض‌های آن در ادامه ارائه شده است. منبع تغییرات در آزمون شیب خط رگرسیون، اثر تعاملی گروه و پیش-آزمون بودند که میزان $۳۰۴۳/۳۵$ برای مجموع مجذورات با درجه آزادی ۳ و مقدار F برابر با

۲/۸۳ در سطح معنی‌داری ۰/۰۸ به دست آمده است. نتایج بررسی پیش‌فرض‌های آماری نشان داد که آزمون یکسانی شیب‌خط رگرسیون و پیش‌شرط تساوی واریانس‌ها (با استفاده از آزمون لوین) برای گروه‌های آزمایش و کنترل یکسان است (تعامل بین شرایط آزمایشی و متغیر هم‌پراش معنی‌دار نیست) و استفاده از تحلیل کوواریانس بلامانع است ($P > 0/05$).

جدول ۵) پیش‌شرط تساوی واریانس‌ها (با استفاده از آزمون لوین)

F	df1	df2	سطح معنی‌داری
۱/۰۵	۲	۵۷	۰/۳۶

در جدول ۶ نتایج ANCOVA شامل مجموع مجذورات (SS)، میانگین مجذورات (MS)، مقدار درجات آزادی (df)، سطح معنی‌داری (p) و مجذور اتای سهمی D^2 جهت تعیین اثر معنویت-درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارها و گرایش‌های ضداجتماعی ارائه شده است.

جدول ۶) خلاصه ANCOVA برای تعیین اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر

گرایش‌های ضداجتماعی

منابع تغییرات	SS	Df	MS	F	P	D^2
گرایش‌های ضداجتماعی پیش‌آزمون	۶۲/۱۳	۱	۶۲/۱۳	۷/۴۶	۰/۰۰۸	۰/۱۲
اثر اصلی (آموزش و درمان)	۲۸۳۵/۶۲	۲	۱۴۱۷/۸۱	۱۷۰/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۴۵
خطای باقی‌مانده	۴۶۵/۹۶	۵۶	۸/۳۲			

نتایج ANCOVA نشان می‌دهد که با حذف اثر نمره‌های گرایش‌های ضداجتماعی پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر هم‌پراش اثر اصلی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر گرایش به رفتارهای ضداجتماعی در پس‌آزمون معنی‌دار است؛ به‌عبارت دیگر جدول نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های نمرات گرایش‌های ضداجتماعی شرکت‌کنندگان گروه‌های آزمایش- کنترل برحسب عضویت گروهی در مرحله پس‌آزمون با ۹۵٪ اطمینان معنی‌دار است ($P < 0/05$). میزان مداخله ۰/۴۵ است. در جدول میانگین‌های تعدیل‌شده ارائه شده است؛ یعنی اثر متغیر پیش‌آزمون به‌صورت آماری حذف شده است.

جدول ۷) میانگین‌های تعدیل‌شده گرایش‌های ضداجتماعی

گروه	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش (معنویت)	۲۰/۲۸	۰/۶۴
آزمایش (شفقت به خود)	۱۷/۵۸	۰/۶۴
کنترل	۳۳/۳۳	۰/۶۴

میانگین‌های تعدیل‌شده نشان می‌دهد که میانگین نمره گرایش‌های ضداجتماعی گروه‌های آزمایش در مقایسه با گروه کنترل کاهش بیشتری دارد.

جدول ۸) یافته‌های آزمون مقایسه‌ای چندگانه

گروه ۱	گروه ۲	سطح معناداری
آزمایش (معنویت)	آزمایش (شفقت به خود)	۰/۰۰۴
	کنترل	۰/۰۰۰
آزمایش (شفقت به خود)	آزمایش (معنویت)	۰/۰۰۴
	کنترل	۰/۰۰۰
کنترل	آزمایش (معنویت)	۰/۰۰۰
	آزمایش (شفقت به خود)	۰/۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر گرایش‌های ضداجتماعی متفاوت است. میانگین‌های تعدیل‌شده نشان می‌دهد اثربخشی آموزش شفقت به خود بیشتر است؛ زیرا میانگین گرایش‌های ضداجتماعی آن از معنویت‌درمانی کمتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه میزان اثربخشی معنویت‌درمانی و آموزش شفقت به خود بر رفتارهای ضداجتماعی زندانیان شهرستان بیرجند انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هر دو پروتکل درمانی مبتنی بر معنویت و درمان مبتنی بر شفقت به خود، موجبات کاهش رفتارهای ضداجتماعی را فراهم می‌آورد. در پاسخ به فرضیه پژوهش باید این‌گونه بیان داشت که درمان مبتنی بر معنویت، نسبت به درمان مبتنی بر شفقت به خود، اثربخشی بیشتری بر کاهش گرایش و بروز رفتارهای ضداجتماعی زندانیان دارد.

در تبیین نخستین یافته پژوهش می‌توان این‌گونه اظهار داشت که بهره‌گیری از معنویت و آموزه‌های معنوی توسط روان‌درمانگران می‌تواند در جهت کاهش گرایش و اقدام به رفتار بزهکارانه و ضداجتماعی در میان زندانیان، مؤثر و مفید واقع شود؛ به عبارتی دیگر، معنویت درمانی با تکیه بر اعتقاد و وابستگی به خداوند و در نتیجه حمایت اجتماعی و روانی در فرد، سبب افزایش آرامش و کاهش بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز می‌شود. به عقیده کمری و دیگران (۱۳۹۴)، معنویت بُعدی از انسان است که ارتباط و یکپارچگی او را با عالم هستی نشان می‌دهد و به انسان معنا می‌دهد و او را از محدوده زمان و مکان و علایق مادی فراتر می‌برد. بدیهی است چنین فردی اغلب مواقع خود را از تعلقات دنیوی رها می‌کند و همین عامل سبب می‌شود تا رفتارهای سودجویانه و رفتارهایی که سبب آسیب به خود و دیگران می‌شود را کمتر از خود بروز دهد. در همین زمینه در پژوهش درویشی، اوتاقی و مامی (Darvishi, Otaghi & Mami, 2020) اثربخشی معنویت‌درمانی بر بهبود عزت‌نفس، سلامت معنوی و خودکارآمدی بیماران، تأیید شده است. دیگر پژوهشی که توسط رضانی و بختیاری (۱۳۹۷) بر روی سالمندان انجام گرفت، نشان داد معنویت‌درمانی بر اجتناب شناختی و پریشانی روان‌شناختی سالمندان حاضر در خانه سالمندان تأثیر معنادار دارد؛ بدین صورت که این درمان توانسته است منجر به کاهش اجتناب شناختی و پریشانی روان‌شناختی سالمندان حاضر در خانه سالمندان شود. همچنین اثربخشی معنویت-درمانی بر بهبود سلامت روان دانشجویان در پژوهش آیون، کورنیان و جافالیلی (Uyun, Kurniawan & Jaufalaily, 2019) تأیید شد. در پژوهش فرونزا، فرونزا و گراد (Frunza, Frunza & Grad, 2019)، مشخص شد که درمان مبتنی بر معنویت از طریق تقابل

با منافع نفسانی، دنیوی و امیال حیوانی، سبب گرایش به ارزش‌های معنوی می‌شود و موجبات کاهش بروز رفتارهای نابهنجار و ضداجتماعی را فراهم آورد. در تحقیق افخمی اردکانی و دهقان (۱۳۹۷)، نتایج نشان داد درمان کیفیت زندگی مبتنی بر معنویت‌درمانی اسلامی به بهبود مشکلات روانی مادران دارای کودکان اوتیسم، ازجمله سازگاری اجتماعی این کودکان کمک می‌کند. مطالعه عامری و دیگران (۱۴۰۰)، نشان داد معنویت‌درمانی منجر به کاهش اضطراب مرگ و افزایش تحمل پریشانی در بیماران مبتلا به سرطان خون می‌شود. علاوه بر این‌ها پژوهش سپاسی و دیگران (۱۳۹۹) حکایت از تأثیر مثبت معنویت‌درمانی بر کاهش علائم اعتیاد به اینترنت و افزایش کیفیت زندگی دانشجویان دارد.

علاوه بر این، بسیاری از پژوهش‌ها حکایت از اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت به خود دارند. این یافته پژوهش مبین آن است که آموزش به شفقت خود سبب رشد هوشمندانه و توانایی به‌تعویق- انداختن احساسات ناخوشایند، توانایی درگیرشدن یا گریز از یک هیجان منفی به‌صورت مناسب، توانایی کنترل عاقلانه هیجان‌ها می‌شود و با تعدیل هیجان‌های منفی و افزایش هیجان‌های خوشایند، سبب تعدیل تنظیم هیجان‌های افراد می‌شود (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). درواقع افرادی که شفقت به خود بالایی دارند، در عین حال که با خود مهربان هستند، در برابر مشکلاتشان مسئولیت- پذیرتر هستند و وقایع پیش‌آمده را راحت‌تر می‌پذیرند (Lucre & Corten, 2013: 399). همچنین شفقت با ایجاد حس حساسیت به رنج خود و دیگران آغاز می‌شود و با گسترش همدلی با این رنج و ایجاد میلی متعادل در جهت کاهش رنج خود و دیگران با افزایش مهربانی نسبت به خود و دیگران، افزایش پیدا می‌کند؛ درنتیجه افرادی که شفقت به خود بالایی دارند، کمتر در مسیر انجام رفتارهای ضداجتماعی و هنجارشکنانه حرکت خواهند کرد. در همین زمینه موسوی، بخشی‌پور و مهدیان (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که درمان متمرکز بر شفقت، بر سازگاری اجتماعی مؤثر است. نتایج تحقیق افتخاری، حیدری و داوودی (۱۳۹۹)، نشان داد درمان متمرکز بر شفقت برای زنان در معرض طلاق قابلیت کاربرد دارد و بر بهبود ناگویی هیجانی، سازش‌یافتگی فردی- اجتماعی و تاب‌آوری آن‌ها اثربخش است. براساس یافته‌های پژوهش کاوسی، عباسی و میرزائیان (۱۴۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که درمان مبتنی بر شفقت می‌تواند در کاهش افسردگی، اضطراب و استرس افراد مبتلا به پرخوری اثربخش واقع شود. همچنین درمان مبتنی بر شفقت، افزایش تصور از خود و ادراک حمایت

اجتماعی را در پی دارد. همچنین در پژوهش ریاحی‌نیا و صفری (۱۳۹۹)، مشخص شد درمان متمرکز بر شفقت، درمان مؤثری برای رفع مشکلات فردی و اجتماعی سوءمصرف‌کنندگان مواد مخدر است و انجام مداخلات براساس این رویکرد می‌تواند در بهبود روابط آن‌ها با خانواده و دیگر ارتباطات اجتماعی‌شان مؤثر باشد. اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت به خود بر بهبود عزت‌نفس در پژوهش تامسون و مقدم (Thomason & Moghaddam, 2021) تأیید شد. در پژوهش فروشتادوتیر و دورجی (Frostadottir & Dorjee, 2019)، درمان مبتنی بر شفقت به خود، منجر به افزایش معنی‌دار ذهن‌آگاهی و شفقت به خود و کاهش نشخوار فکری، افسردگی، اضطراب و استرس شد. در نهایت در پژوهش ریبریو داسیلوا (Ribeiro da Silva, 2019) مشخص شد درمان مبتنی بر شفقت به خود موجبات کاهش روان‌پریشی و گرایش و بروز رفتارهای مخرب زندانیان نوجوان را فراهم می‌آورد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر دو درمان مبتنی بر معنویت و شفقت به خود می‌توانند جهت کاهش گرایش و بروز رفتارهای ضداجتماعی در میان زندانیان، موفق عمل کنند. بر همین اساس، نتایج پژوهش حاضر ضمن فراهم‌آوردن زمینه جهت انجام پژوهش‌های گسترده درخصوص درمان‌های مبتنی بر معنویت و شفقت به خود، به روان‌درمانگران و مشاوران کمک می‌کند تا در موارد مشابه، از این رویکردهای درمانی در جهت کاهش بروز رفتارهای مخرب و نابهنجار در مراجعینشان استفاده کنند. دیگر پیشنهاد پژوهش حاضر این است که در پژوهش‌های آتی از جامعه زنان زندانی نیز جهت اثربخشی درمان‌های مذکور، استفاده و مقایسه‌ای از اثربخشی درمان‌ها در دو گروه زنان و مردان ارائه شود. پیشنهاد کاربردی پژوهش این است که مشاوران و روان‌درمانگران در درمان و مشاوره به نوجوانان و حتی جوانانی که رفتارهای بزهکارانه از خود نشان می‌دهند، از فنون درمانی مبتنی بر معنویت و شفقت به خود استفاده کنند تا موجبات کاهش بروز رفتارهای ضداجتماعی را در آنان فراهم آورند. علاوه بر این، مددکاران و مشاورانی که در زندان به زندانیان خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌کنند، می‌توانند با استفاده از روش معنویت‌درمانی و روش مبتنی بر شفقت به خود، افکار بزهکارانه و ضداجتماعی را در زندانیان کاهش دهند تا پس از رهایی از بند نیز، بروز این رفتارها در زندانیان به حداقل برسد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم همکاری و همکاری ناقص برخی از زندانیان در شرکت در جلسات درمانی اشاره کرد.

منابع

- ابویی، عارفه؛ برزگر بغروب، کاظم؛ رحیمی، مهدی (۱۴۰۰). "اثربخشی آموزش شفقت به خود بر تنظیم هیجان دانش‌آموزان دختر مبتلا به اختلال یادگیری خاص". *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، سال هجدهم، ش ۴۳ (پاییز): ۱۰۱-۱۲۱.
- اسدی بیجائی، جهان‌سادات، و دیگران (۱۴۰۰). "اثربخشی آموزش شفقت به خود بر رضایت از زندگی و تاب‌آوری زنان سالمند". *روان‌شناسی پیری*، دوره ۷، ش ۱ (بهار): ۵۵-۶۷.
- افتخاری، رامین؛ حیدری، حسن؛ داوودی، حسین (۱۳۹۹). "درمان متمرکز بر شفقت بر ناگویی هیجانی، سازش‌یافتگی فردی- اجتماعی و تاب‌آوری". *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، سال شصت و سوم، ش ۳ (تابستان): ۲۴۰۲-۲۴۱۳.
- افخمی اردکانی، ملیحه؛ دهقان، ماریه (۱۳۹۷). "اثربخشی کیفیت زندگی مبتنی بر معنویت- درمانی اسلامی بر سازگاری اجتماعی مادران دارای کودک اتیسم شهرستان اردکان". *پژوهشنامه روان‌شناسی/اسلامی*، دوره ۴، ش ۹ (پاییز و زمستان): ۲۹-۵۳.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ ابویی، آزاده (۱۳۹۸). "اثربخشی آموزش شفقت به خود بر کنترل خشم دانش‌آموزان". *خانواده و پژوهش*، سال شانزدهم، ش ۳ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۴.
- امجدیان، فرزانه؛ جعفری، اصغر؛ قمری، محمد (۱۴۰۲). "مقایسه اثربخشی درمان هیجان‌مدار و آموزش شفقت به خود در تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری روانی- بدنی مادران دارای کودک مبتلا به اختلال یادگیری (خواندن و نوشتن)". *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، دوره ۱۴، ش ۵۵ (پاییز): ۱۵۱-۱۸۳.
- انصاف‌داران، فریده؛ بساک‌نژاد، سودابه؛ ارشدی، نسرين (۱۳۹۸). "اثربخشی برنامه آموزشی جایگزین پرخاشگری بر رفتارهای ضداجتماعی و نشخوار خشم در دختران نوجوان شهر اهواز". *آموزش بهد/شت و ارتقای سلامت*، دوره ۷، ش ۳ (پاییز): ۳۰۶-۳۱۵.
- باقری شیخانگفشه، فرزین، و دیگران (۱۴۰۱). "اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت بر اختلال وسواس فکری- عملی و اختلال استرس پس از ضربه در پرستاران دارای فرسودگی کووید ۱۹ (یک مطالعه نیمه‌تجربی)". *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، سال بیست و یکم، ش ۱۱ (زمستان): ۱۱۱۵-۱۱۳۲.

- برقی ایرانی، زیبا؛ دهقان صابر، لیلا (۱۳۹۹). "مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی و معنویت‌درمانی بر باورهای غیرمنطقی و اضطراب زنان سالمند". *روان‌شناسی پیری*، دوره ۶، ش ۴ (زمستان): ۳۲۱-۳۳۹.

- پیرجاوید، فاطمه؛ توزنده‌جانی، حسن؛ باقرزاده گل‌مکانی، زهرا (۱۴۰۰). "مقایسه اثربخشی شفقت‌درمانی و درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر خودانتقادی و افسردگی مبتلایان به افسردگی اساسی". *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۱۲، ش ۴۶ (زمستان): ۵۳-۶۸.

- پیروی، مریم، و دیگران (۱۴۰۱). "مقایسه اثربخشی امیددرمانی و معنویت‌درمانی بر کیفیت زندگی و شاخص‌های زیستی زنان مبتلا به دیابت". *روان‌شناسی کاربردی*، دوره ۱۶، ش ۲ (تابستان): ۱۸۳-۲۰۰.

- ترک‌ارانی، مجتبی؛ مرادی‌نژاد، الهام؛ روشن‌پور، امین (۱۳۹۹). "زیست‌بزهکارانه: بررسی فرایند بزه‌کارشدن نوجوانان در محلات کم‌برخوردار شهر خرم‌آباد". *پژوهشنامه مددکاری/اجتماعی*، دوره ۷، ش ۲۵ (پاییز): ۱۳۳-۱۷۸.

- چراغ‌پور خندکدار، رقیه؛ شکری فومشی، الناز (۱۴۰۱). "اثربخشی معنویت‌درمانی بر سلامت روان، خودمراقبتی و خودارزشمندی سالمندان مقیم سرای سالمندان". *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، دوره ۵، ش ۴۶ (بهار): ۴۳-۵۴.

- حسینی‌مهر، نجمه؛ خضری‌مقدم، نوشیروان؛ پوراحسان، سمیه (۱۴۰۰). "اثربخشی آموزش مبتنی بر شفقت بر خودکارآمدی اجتماعی، تحمل‌پیشانی و خودانتقادی در دختران نوجوان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی". *پژوهشنامه روان‌شناسی مثبت*، دوره ۷، ش ۲ (تابستان): ۳۳-۴۸.

- خادمی، علی؛ سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های فراشناختی در کاهش رفتارهای ضداجتماعی جوانان زندان مرکزی ارومیه". *تحقیقات علوم رفتاری*، سال سوم، ش ۹ (پاییز): ۱۸۶-۱۹۷.

- خان‌محمدی مجندهی، رقیه (۱۳۹۹). "رابطه انسجام خانواده و توانایی حل مسئله با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر". *رویش روان‌شناسی*، دوره ۹، ش ۱ (بهار): ۸۱-۸۸.

- دریکوند، فتانه؛ یزدان‌بخش، کامران؛ کرمی، جهانگیر (۱۴۰۱). "اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت، بر مشکلات برونی‌سازی‌شده (پرخاشگری و بزهکاری) دانش‌آموزان قلدر". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۳، ش ۲ (تابستان): ۴۰-۵۱.
- دماوندیان، ارمان، و دیگران (۱۴۰۱). "بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر پرخاشگری، رفتارهای خودآسیب‌رسان و خودتنظیمی هیجانی نوجوانان بزهکار". *علوم روان-شناختی*، سال بیست و یکم، ش ۱۱۲ (تابستان): ۷۹۷-۸۱۸.
- رحمانی، سهیلا، و دیگران (۱۳۹۹). "اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت به خود بر راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و حساسیت اضطرابی در پرستاران زن". *روان‌پرستاری*، سال هشتم، ش ۴ (پاییز): ۹۹-۱۱۰.
- رحمتی، صمد، و دیگران (۱۳۹۹). "اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر تحمل‌پریشانی و حل مسئله اجتماعی نوجوانان بزهکار". *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، سال دهم، ش ۳۷ (بهار): ۴۵-۶۴.
- رشیدی، شیماء؛ چوب‌فروش‌زاده، آزاده؛ متقی دستنائی، شکوفه (۱۴۰۱). "اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت بر مؤلفه‌های خودتعیین‌گری و افکار خودکشی در نوجوانان دختر دارای سابقه خودزنی". *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، دوره ۱۷، ش ۶۸ (زمستان): ۱۳۳-۱۴۳.
- رضایی، احسان (۱۴۰۱). "اثربخشی معنویت درمانی اسلامی بر شادکامی دختران نوجوان خانواده‌های ازهم‌گسیخته". *مطالعات راهبردی بسیج*، دوره ۲۵، ش ۹۵ (تابستان): ۱۲۳-۱۵۱.
- رضائی، بتول؛ بختیاری، فروغ (۱۳۹۷). "اثربخشی معنویت‌درمانی بر اجتناب شناختی و پریشانی‌روان شناختی سالمندان حاضر در خانه سالمندان". *سال‌م‌شناسی*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۳۲-۴۱.
- ریاحی‌نیا، اکرم؛ صفری، یدالله (۱۳۹۹). "اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت بر سبک دلبستگی، سازگاری زناشویی و سازگاری اجتماعی در مردان سوء‌مصرف‌کننده مواد مخدر". *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، دوره ۶۳، ش ۵ (تابستان): ۲۸۹۲-۲۹۰۱.

- سپاسی، ندا، و دیگران (۱۳۹۹). "تأثیر معنویت‌درمانی در بهبود علائم اعتیاد به اینترنت و ارتقای کیفیت زندگی دانشجویان". سلامت و مراقبت، سال بیست و دوم، ش ۳ (پاییز): ۲۲۴-۲۳۵.

- سپهوند، فاطمه؛ رضایی، فاطمه؛ میردریکوند، فضل‌الله (۱۴۰۱). "تأثیر معنویت‌درمانی مبتنی بر مثبت‌اندیشی بر سلامت معنوی، سرسختی روان‌شناختی و اضطراب مرگ در زنان مبتلا به بتاتالاسمی ماژور". فصلنامه خون، دوره ۱۹، ش ۳ (پاییز): ۲۲۴-۲۳۳.

- شاکری‌نسب، محسن، و دیگران (۱۴۰۱). "اثربخشی درمان شناختی رفتاری متمرکز بر واحد پردازش‌های (MCBT) بر کاهش پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان بیش‌فعال". روان‌شناسی بالینی و شخصیت، سال بیست، ش ۳۸ (تابستان): ۱۷-۲۹.

- صالح‌آبادی، اعظم؛ ناعمی، علی‌محمد (۱۳۹۹). "تأثیر آموزش شفقت به خود بر امیدواری و باورهای غیرمنطقی مادران کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری". روانشناسی افراد/استثنایی، دوره ۱۰، ش ۳۹ (پاییز): ۱۵۷-۱۷۸.

- صفاری‌نیا، مجید؛ مرتضائی‌کهرودی، زهره؛ علیپور، احمد (۱۴۰۱). "اثربخشی شفقت‌درمانی متمرکز بر خود بر افسردگی، اضطراب و رضایت جنسی در بیماران زن مبتلا به ناباروری". خانواده‌درمانی کاربردی، دوره ۳، ش ۳ (پاییز): ۴۵۷-۴۷۳.

- صلاحی‌نژاد، مهسا، و دیگران (۱۴۰۱). "تأثیر معنویت‌درمانی بر سبک زندگی بیماران تحت همودیالیز". علوم مراقبتی نظامی، دوره ۸، ش ۲ (تابستان): ۱۹۳-۲۰۱.

- عامری، زینب، و دیگران (۱۴۰۰). "اثربخشی آموزش معنویت‌درمانی بر تحمل پریشانی و اضطراب مرگ در بیماران مبتلا به سرطان خون: یک مطالعه راهنما". سلامت/اجتماعی، دوره ۸، ش ۲ (تابستان): ۲۷۵-۲۸۷.

- عباسی، مهشید، و دیگران (۱۴۰۱). "اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر تاب‌آوری و سبک‌های مقابله‌ای خانواده‌های معتادان در حال ترک". Iranian Journal of Health Psychology، دوره ۵، ش ۳ (تابستان): ۴۷-۵۸.

- عشایری، طاهّا، و دیگران (۱۴۰۱). "رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با بزهکاری اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰". مدیریت سرمایه/اجتماعی، دوره ۹، ش ۴ (زمستان): ۵۴۳-۵۶۸.

- عمویی، محمد؛ خیاطان، فلور (۱۳۹۸). "اثربخشی معنویت‌درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر خشم نوجوانان". مسائل کاربردی تعلیم و تربیت/اسلامی، دوره ۴، ش ۲ (تابستان): ۳۷-۶۴.

- کاوسی، لیلی؛ عباسی، قدرت‌الله؛ میرزائیان، بهرام (۱۴۰۰). "اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت بر پریشانی روان‌شناختی، تصور از خود و حمایت اجتماعی درک‌شده افراد مبتلا به اختلال پرخوری". روان‌پرستاری، دوره ۹، ش ۳ (تابستان): ۵۰-۶۲.

- کمری، سامان، و دیگران (۱۳۹۴). "اثربخشی آموزش معنویت‌درمانی مبتنی بر مثبت‌نگری بر میزان شادکامی و خوش‌بینی نوجوانان". روان‌شناسی/اجتماعی، دوره ۳، ش ۳۶ (پاییز): ۱۰۳-۱۱۸.

- گیلبرت، پائول (۱۳۹۵). درمان متمرکز بر شفقت. ترجمه مهرنوش اثباتی و علی فیضی. تهران: ابن‌سینا.

- محمدی سنگاچین دوست، علیرضا، و دیگران (۱۴۰۱). "تأثیر آموزش شفقت به خود بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی مادران کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی". روان‌شناسی/افراد/استثنایی، دوره ۱۲، ش ۴۶ (تابستان): ۲۳-۴۸.

- موسوی، بابک، و دیگران (۱۴۰۱). "اثربخشی معنویت‌درمانی مبتنی بر مهارت‌های ارتباطی بر ولع مصرف مواد، امید به زندگی و بهزیستی روان‌شناختی معتادان تحت درمان". پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، دوره ۱۷، ش ۶۷ (پاییز): ۲۴۹-۲۵۷.

- موسوی، مهدیه‌سادات؛ بخشی‌پور، ابوالفضل؛ مهدیان، حسین (۱۴۰۰). "مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان متمرکز بر شفقت و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد غنی‌شده با شفقت بر سازگاری اجتماعی زنان دچار افسردگی و تعارضات زناشویی". اصول بهداشت روانی، دوره ۲۳، ش ۴ (تابستان): ۲۸۵-۲۹۸.

- مهدیانی، زینت؛ فرزادی، فاطمه؛ فرامرزی، حمید (۱۳۹۷). "رابطه علی‌خوشونت خانوادگی (خوشونت فیزیکی و خوشونت عاطفی) و متغیرهای اجتماعی (ساختار محله و مشارکت مدرسه) با

رفتار ضداجتماعی نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت با میانجی‌گری تکانش‌گری، خودمهارگری و جسارت". *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، دوره ۱۳، ش ۴۹ (بهار): ۱۸۷-۲۱۴.

- نیابتی چرندابی، هما؛ محمدخانی، غزاله؛ عیسی‌زاده، فاطمه (۱۴۰۱). "اثربخشی معنویت-درمانی گروهی بر سلامت اجتماعی و افسردگی در مبتلایان به اختلال هویت جنسی". *سبک زندگی/اسلامی با محوریت سلامت*، دوره ۶، ش ۲ (تابستان): ۵۱-۵۹.

- ورم‌زیاری، زهرا؛ گل‌پور، رضا (۱۴۰۱). "اثربخشی آموزش شفقت به خود بر خودانتقادی و خودکارآمدی اجتماعی دانش‌آموزان دختر مبتلا به اضطراب امتحان". *ایده‌های نوین روان‌شناسی*، دوره ۱۲، ش ۱۶ (تابستان): ۱-۱۳.

- هدایتی‌دانا، سوسن؛ صابری، هابده؛ نصراللهی، بیتا (۱۴۰۱). "مقایسه اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی و معنویت‌درمانی بر تنظیم شناختی هیجان زنان مطلقه". *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، دوره ۶۵، ش ۴ (تابستان): ۱۵۶۶-۱۵۸۷.

- Abidin, M. S. A. Z., et al. (2022). "The Practice of Islamic Psychospiritual Therapy in the Treatment of Drug Addiction at Rehabilitation Centres in Malaysia". *Afkar: Jurnal Akidah & Pemikiran Islam*, Vol. 24, No. 2: 143-168.

- Crozier, A. J.; Mosewich, A. D.; Ferguson, L. J. (2019). "The company we keep: Exploring the relationship between perceived teammate selfcompassion and athlete self-compassion". *Psychology of Sport and Exercise*, No. 40: 152-155.

- Darvishi, A.; Otaghi, M.; Mami, S. (2020). "The effectiveness of spiritual therapy on spiritual well-being, self-esteem and self-efficacy in patients on hemodialysis". *Journal of religion and health*, Vol. 59, No. 1: 277-288.

- Frogosa, S. F. (2022). "Parent-Child Communication and Psychological Well Being of Drug Users: Basis for Psycho-Spiritual Therapy". *Journal of Positive School Psychology*, Vol. 6, No. 3: 6559-6582.

- Frostadottir, A. D.; Dorjee, D. (2019). "Effects of mindfulness based cognitive therapy (MBCT) and compassion focused therapy (CFT) on symptom change, mindfulness, self-compassion, and rumination in clients with depression, anxiety and stress". *Frontiers in psychology*, No. 10: 1099-1109.

- Frunza, M.; Frunza, S.; Grad, N. O. (2019). "The role of spirituality in therapeutic practices". *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, Vol. 18, No. 53: 60-74.

- Galanter, M.; Siegel, C. (2009). "Training manual for spirituality discussion groups for mental health with focus on cultural competency center". Center for Spirituality and Healthcare.

- Li, J. J. (2017). "Assessing the interplay between multigenic and environmental influences on adolescent to adult pathways of antisocial behaviors". *Development and psychopathology*, Vol. 29, No. 5: 1947-1967.
- Lucre, K. M.; Corten, N. (2013). "An exploration of group compassion-focused therapy for personality disorder". *Psychology and Psychotherapy: theory, research and Practice*, Vol. 86, No. 4: 387-400.
- Martínez-Rubio, D.; et al. (2023). "How mindfulness, self-compassion and experiential avoidance are related to perceived stress in a sample of university students". *Plos one*, Vol. 18, No. 2: 1-16.
- Mohr-Jensen, C., et al. (2019). "Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder in Childhood and Adolescence and the Risk of Crime in Young Adulthood in a Danish Nationwide Study". *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, Vol. 58, No. 4: 443-452.
- Muhammad, H.; Sakari, N. S. M.; Omar, S. H. S. (2022). "Psycho-spiritual intervention to reduce anger level among delinquent teenager". *International Journal of Public Health*, Vol. 11, No. 2: 724-729.
- Nasaescu, E., et al. (2020). "Longitudinal patterns of antisocial behaviors in early adolescence: A latent class and latent transition analysis". *European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, Vol. 12, No. 2: 85-92.
- Neff, K. D.; Germer, C. (2017). "Self-Compassion and Psychological Wellbeing". In: *Oxford Handbook of Compassion Science*, 27th edition. Edited by J. Doty. Oxford: Oxford University Press.
- ——— (2022). "The role of self-compassion in psychotherapy". *World Psychiatry*, Vol. 21, No. 1: 58-60.
- O'Connell, M. (2023). "Assessing Patterns of Anti-Social and Risky Behaviour in the Millennium Cohort Study—What Are the Roles of SES (Socio-Economic Status), Cognitive Ability and Personality?". *Behavioral Sciences*, Vol. 13, No. 1: 46-58.
- Ribeiro da Silva, D., et al. (2019). "The efficacy of a compassion-focused therapy-based intervention in reducing psychopathic traits and disruptive behavior: A clinical case study with a juvenile detainee". *Clinical Case Studies*, Vol. 18, No. 5: 323-343.
- Sanjaya, M. R. (2023). "Antisocial behavior in experiments: What have we learned from the past two decades?". *Research in Economics*, Vol. 77, No. 1: 104-115.
- Shattuck, E. C.; Muehlenbein, M. P. (2020). "Religiosity/Spirituality and Physiological Markers of Health". *Journal of religion and health*, Vol. 59, No. 2: 1035-1054.
- Tanenbaum, M. L., et al. (2018). "Adapting and validating a measure of diabetes-specific self-compassion". *Journal of diabetes and its complications*, Vol. 32, No. 2: 196-202.
- Thomason, S.; Moghaddam, N. (2021). "Compassion-focused therapies for self-esteem: A systematic review and meta-analysis". *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, Vol. 94, No. 3: 737-759.

-Toledo, G.; Ochoa, C. Y.; Farias, A. J. (2021). "Religion and spirituality: Their role in the psychosocial adjustment to breast cancer and subsequent symptom management of adjuvant endocrine therapy". *Supportive Care in Cancer*, Vol. 29, No. 6: 3017-3024.

- Uyun, Q.; Kurniawan, I. N.; Jaufalaily, N. (2019). "Repentance and seeking forgiveness: the effects of spiritual therapy based on Islamic tenets to improve mental health". *Mental Health, Religion & Culture*, Vol. 22, No. 2: 185-194.

- Wu, Q.; Zhang, T. M. (2023). "Association between self-compassion and cyber aggression in the COVID-19 context: Roles of attribution and public stigma". *BMC psychology*, Vol. 11, No. 1: 66-81.

- Yu, S.; Zhang, C.; Xu, W. (2023). "Self-compassion and depression in Chinese undergraduates with left-behind experience: Mediation by emotion regulation and resilience". *Journal of Clinical Psychology*, Vol. 79, No. 1: 168-185.

- Zhao, Z., et al. (2022). "The remediating effect of Attention Bias Modification on aggression in young offenders with antisocial tendency: A randomized controlled trial". *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, Vol. 75: 1-10.

Presenting the local model of religious tourism in the city of Mashhad by using a mixed method and its validation

Mohammad Ali Nakhaei Moghaddam¹

Azar Kaffashpoor²

Abdollah Naami³

Received: 18/11/2022

Accepted: 20/4/2023

Introduction

Religious tourism, based on religious convictions, is one of the world's oldest, and most successful travel types from antiquity to the present. The world needs to boost religious tourism, especially in Islamic countries. Islam promotes advancement and greatness for people. The aforementioned information demonstrates how Islam has significantly influenced Iranian tourism, travel habits, and travel reasons. Regarding the presence of Razavi Holy Shrine, other natural and historical attractions, and its location on North-South Transnational Corridor, Mashhad, the first pole of the Shiite world and Iran's second religious' city, attracts the most religious tourists. Although it is agreed that this is the city's main goal, it should be highlighted that Iranian tourism management practices have shown that the industry's top priority is the preservation of values, not economic or social issues. Despite what has been said, the researcher decided to close the gap in earlier studies by presenting the indigenous model of tourism while considering structural and meta-structural differences, as well as the country's platform for offering religious tourism services, which is completely distinct from other models in other parts of the world. Iran has a brand-new and cutting-edge religion. What is the regional pattern of religious tourism in Mashhad, as mentioned in the research's stated purpose?

Research Methodology

The present study uses a mixed-method approach to analysis, combining preliminary and analytical methods, focusing on achieving specific research objectives. The qualitative portion of the study involved using an interview protocol for gathering data. Subsequently, the grounded theory approach was employed to categorize, classify, and scrutinize the data. Twelve persons who have the necessary

1. Ph.D. Student, Department of Management (Marketing), Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran. mohamad.a.nakhaei@gmail.com

2. Professor, Department of Management, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. kafashpor@um.ac.ir. ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-3539-855X>

3. Assistant Professor, Department of Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. a_naami@azad.ac.ir

competence and occupy academic positions in the travel and tourism sector make up the community of qualitative researchers. This group also includes managers and those who are actively interested in Mashhad's religious tourism. The study uses an exploratory approach to interviewing while utilizing a snowball sampling method. The quantitative aspect of the study utilizes the partial least squares technique, and the model is validated via smart-PLS software. The quantitative section of researcher-developed questionnaire employs a data collection tool based on a statistical model and population. The population in question consists of religious tourists in Mashhad, with a sample size of 384 individuals selected via Cochran's formula and random sampling methodology.

Data Analysis & Findings

The initial stage of this study involves identifying the subject matter (terminology), and conducting interviews with scholars, specialists, and notable advocates within the tourism industry for data analysis. Thus, after the researcher's open coding phase, a total of 85 codes were found once the analysis of the first 8 interviews was finished. The researcher made linkages between the codes obtained from the earlier stage during the axial coding step. To create the fundamental dimensions, this was done by using their respective traits and dimensions. Open coding relies on description capacity, which serves as the foundation for data analysis to arrive at conclusions. During selective coding phase, the researcher refined the theory, and focused on a limited number of categories while making theoretical adjustments as necessary. A paradigmatic model was developed by identifying its primary constituents. The quantitative component of study involved testing the process model derived from the qualitative findings. Analysis of the results revealed that the reliability values for both indicators, as well as their composite reliability, exceeded 0.7 for all research variables. This may indicate the validity of the survey used for the study. Convergent validity, which is based on the average value of extracted variance, and divergent validity, which is based on the Fornier-Larker criteria, were computed in order to evaluate the measurement model's validity. The structural model's path coefficients among the research variables were found to be significant, as indicated by the coefficients' values exceeding the absolute value of 1.96. The estimation model of standard coefficients reveals that both the factor loadings in the measurement model, and beta path coefficients in the structural model exceed 0.5. This suggests that there is evidence supporting the presence of manifest variables (rectangular variables) in the measurement model, and latent variables (oval variables) in the model. The phenomenon under consideration pertains to the structure. The adequacy of the internal model was assessed. In contrast to measurement models, the internal model ignores all unresolved issues and model variables in favor of concentrating only on latent variables and their interactions. In order to determine if the model is structurally adequate, many criteria have been evaluated. The GOF index score of 0.607 indicates that the model fits the data well.

Discussion & Conclusion

The study's framework showed that various factors, including the management of tourism facilities and services, the religious research system, and the establishment of religious tourism culture, contribute to the emergence of religious tourism in Mashhad. The causal conditions previously mentioned exert a direct effect on the primary and central phenomenon under investigation, specifically macro-policies related to religious tourism. In light of these conditions, it is imperative to implement pertinent policies. In light of the current situation, it is essential to take into account the supply of necessary infrastructure and services in line with the needs of religious visitors. In contrast, by having a negative effect on the religious tourism industry in Mashhad, the challenges related to religious tourism may make it more difficult to achieve goals. Through strategic evaluation of tourism, pertinent managers can surmount environmental challenges, and ultimately attain the development of tourism as the ultimate objective. Based on the findings of this study, the promotion, and establishment of urban tourist destinations in Mashhad have a significant effect on the religious tourism industry of the city, serving as a fundamental factor in attracting visitors. The influx of tourists to Mashhad's tourist attractions generates demand for urban tourism services and amenities in the surrounding areas. The expansion of tourism services offers a crucial framework for augmenting employment prospects in the realm of urban tourism. The provision of urban tourism services has contributed to the facilitation of tourists' access to tourism services. The aforementioned phenomenon functions as the basis for the increase in visitor influx to Mashhad's tourist destinations, thereby possibly nurturing the expansion of the city's tourism industry. To assess the effects of tourism marketing initiatives on the scale of the target market, as well as the economic and employment opportunities in Mashhad, it is feasible to compute the expenditures incurred by tourists over a specific time frame across various sectors, including religious centers, lodging establishments, dining establishments, tourist attractions, and recreational facilities, while taking into account the observance of social and cultural norms and local and indigenous customs.

Keyword: Local model, Religious Tourism, Mashhad City

References

- Abassi, S.; Eghbali, N.; Rajabi, A. (2020). "Rahbordhay-e tosey-e gardeshgari mazhabi-tarikhi shahr Zanjan" [Strategies for the development of religious and historical tourism in the city of Zanjan]. *Journal of the Geographical Studies of Mountainous Areas*, Vol. 2, No. 3: 123-140. [In Persian]
- Abedi, Z.; Atarchi, Gh. (2018). "Modireyat-e gardeshgari ve ecotourim ba roykard-e toseye paydar" [Sustainable ddevelopment approach in tourism and ecotourism management]. In Conference Proceedings of the National Conference on Future Studies, Management and Sustainable Development. Edited by the Permanent Secretariat of the National Conference on Future Studies, Management and Sustainable Development. Tehran: Islamic Azad University, Tehran, Science and Research Branch: 1258-1279. [In Persian].
- Asadi, A.; et al. (2020). "Eraay olgoy-e bazaryabi gardeshgari dar shahr tehran ba roykard-e amikhte va etebaryabi an" [Presentation of a hybrid marketing model and its accreditation for tourism in Tehran]. *Tourism and Development*, Vol. 10, No. 4: 31-50. [In Persian].
- Basoli, M.; Drakhsh, S. (2020). "Hoseyneyeh, tajali manzar-e gardeshgari mazhabi shiye" [Husseiniyah: A manifestation of Shia religious tourism landscape]. *Tourism of Culture*, Vol. 2, No. 7: 25-32. [In Persian].
- Department of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization at Khorasan Razavi (2023). "Bakhsh-e gardeshgari, safar be Khorsan Razavi, naghsh-e gardeshgari-e Mashhad" [Tourism Section, Travel to Khorasan Razavi, Tourism Map of Mashhad] [Continuously] Available at: <https://www.razavichto.ir/TravelToMashhad.aspx> [2023.01.09]. [In Persian].
- Durán-Sánchez, A., et al. (2018). "Religious tourism and pilgrimage: Bibliometric overview". *Religions*, Vol. 9, No. 9: 249-263.
- Faraji Darabkhani, M.; Moradi, H. (2020). "Tahlil naghsh-e gardeshgari mazhabi arbain dar tosey-e payedar shahrhay-e gozargahi-marzi (Motaley-e moredi: Shahr Mehran" [Analyzing the role of Arbaeen religious tourism in the sustainable development of border transit cities: A case study of Mehran]. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies*, Vol. 2, No. 2: 1-24. [In Persian].
- Farooq, M.; Altintas, V. (2022). *ICT as Innovator Between Tourism and Culture*. Hershey P.A. USA: IGI Global.
- Firozjaneyan, A. A.; Gholamrezazade, F. (2014). "Tahlil jameh shenakhti oghate feraghat dar jameyeh irani (Fara tahlil az tahghihat mojud)" [A comprehensive sociological analysis of leisure time in Iranian society: A meta-analysis]. *Journal of Tourism Planning and Development*, Vol. 2, No. 2: 181-202. [In Persian].
- Gandomi Farmad, Z.; Naghavi, M. (2019). "Barasei va modelsazi chaleshha va rahkarhayeh ronaghbakhsh gardeshgari salamat dar mashhad ba estefade az rahbord nazareye dade bonyad" [Examining and modeling challenges and solutions to boost health tourism in Mashhad using ground theory]. In: Proceedings of the 2nd International Conference on Geography, Tourism, and Sustainable Development. Compiled by the Conference Permanent Secretariat. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad: 302-316. [In Persian].

- Hamidizadeh, M. R. (2019). *Sakhtar va farayand raveshhaye tahghigh* [Structure and process of research methods]. Tehran: Iran Encyclopedia Foundation. [In Persian].
- Jalali, S. M.; Taheri Kia, F.; Atf, Z.; Ghasemi Hamedani, I. (2020). "Eraay-e model tassir nostalgji brand bar vafadari dar tasmim safar gardeshgari: gardeshgari ziarati shahr Mashhad" [Presenting a model of the effect of brand nostalgia on tourist loyalty in travel decision-making: The case of pilgrimage tourism in Mashhad]. *Tourism Management Studies*, Vol. 16, No. 54: 347-374. [In Persian].
- Jamshidi, M. J.; Barak Pour, N.; Kalantare, K. (2018). "Tabine asarate eghtesadi siasye gardeshgari mazhabi bar tozie namotavazene khadamat-e gardeshgari Mashhad" [Explaining the effects of socioeconomic factors of religious tourism on uneven distribution of tourism services in Mashhad]. *Tourism Management Studies*, Vol. 14, No. 4: 221-260. [In Persian].
- Javidan, A. (2020). "Barasey-e nagsh-e avamel-e moaser bar gardeshgari mazhabi dar tosey-e karafarini shahr Shiraz" [Examining the role of factors affecting religious tourism in entrepreneurship development of Shiraz]. *Tourism and Leisure Time Journal*, Vol. 6, No. 11: 31-42. [In Persian].
- Kheshtzar, B. (2022). "Tahlili bar naghsh-e baghay motebareke dar toseye gardeshgari mazhabi: Motaley-e moredi baghay motebareke bakhsh Sarfaryab-e ostane Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad" [An analysis of the role of holy shrines in the development of religious tourism: A case study of the holy shrines of Sarfaryab in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province]. *Environmental Sciences and Geography Knowledge*, Vol. 2, No. 2: 48-72. [In Persian].
- Kim, B.; Kim, S.; King, B. (2020). "Religious tourism studies: evolution, progress, and future prospects". *Tourism Recreation Research*, Vol. 45, No. 2: 185-203.
- Molayi, A. (2019). "Gardeshgari-e mazhabi, olgoye Irani-eslami dar toseye gardeshgari paydar shahri nemoneh nomerdi-e shahr-e Aran va Bidgol. [Spiritual tourism, an Iranian Islamic model for sustainable urban tourism development: A case study of Aran va Bidgol]. *Urban Management*, Vol. 2, No. 2: 53-72. [In Persian].
- Motaghi, A.; Ghorbani Sepehr, A.; Kiani, L.; Amirayi, M. (2019). "Tahlil forsatha va chaleshhay-e jeopoletik Iran bar gardeshgari mazhabi: Motaley-e moredi: Shahr Mashhad" [Analysis of opportunities and geopolitical challenges of Iran in religious tourism: A case study of Mashhad]. *Quarterly of Geography (Regional Planning)*, Vol. 10, No. 2-2: 1141-1166. [In Persian].
- Norallahzaadeh, F.; Asadi, A. (2019). "Rahbordhay-e resanei ostani dar khosus toseye eghtesadi-e ostan, ba takid bar gardeshgari ziarati dar arbayein Hussaini" [Provincial media strategy for economic development with emphasis on pilgrimage tourism during Arbabeen of Imam Hussain]. *Communication Research*, Vol. 27, No. 104: 41-62 [In Persian].
- Notarstefano, G.; Gristina, S. (2021). "Eco-sustainable routes and religious tourism: an opportunity for local development. The case study of sicilian routes". *Tourism in the Mediterranean Sea*. Leeds: Emerald Publishing Limited.

- Rezaee, A.; Meshkini, A.; Roknidin Eftekhari, A. (2020). "Olawiat bandi-e zinafaan-e ghardeshgari-ye mazhabi-ye kalaan-shahr-e Mashhad". [Presenting the model of religious tourism stakeholders in Mashhad]. *Urban Tourism*, Vol. 6, No. 4: 129-143. [In Persian].
- Romanelli, M.; et al. (2021). "Towards a sustainability-oriented religious tourism". *Systems Research and Behavioral Science*, Vol. 38, No. 3: 386-396.
- Shahangian, B.; Abdolvand, M. A.; Nikomaram, H.; Khounesiyavash, M. (2019). "Didgah-e shahrvandaan-e araghi darbāre gardeshgari darmani dar iran az nazar siasi, eghtesadi va mazhabi" [Iraqi citizens' views on medical tourism in Iran from a political, economic, and religious point of view]. *Health Information Management*, Vol. 17, No. 3: 111-117. [In Persian]
- Shinde, K. (2022). "The spatial practice of religious tourism in India: A destinations perspective". *Tourism Geographies*, Vol. 24, No. 4-5: 902-922.
- Zargham Boroujeni, Hamid; et al. (2018). Gardeshgari-e dini: Elzamat, rahbordha va payamadha [Religious tourism, requirements, strategies, and consequences]. *Islamic Management Quarterly*, Vol. 26, No. 2, Issue 4 (Summer): 213-237. [In Persian].

مقاله علمی - پژوهشی

طراحی و اعتباریابی الگوی بومی گردشگری مذهبی در شهر مشهد با رویکرد آمیخته

محمدعلی نخعی مقدم^۱

آذر کفاشپور^۲

عبدالله نعیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۲

http://www.farhangekhorasan.ir/article_170191.html

چکیده

توسعه بازار گردشگری مذهبی در حکم ضرورتی انکارناپذیر در جهان، بویژه کشورهای اسلامی مطرح است. گردشگری مذهبی سه تعریف را در برمی گیرد سفر به یک منطقه مذهبی (زیارت مذهبی) سفر برای تجمع مذهبی و سفر تفریحی همراه با گروه مذهبی. از این رو و با توجه به اهمیت این نوع گردشگری، این مطالعه با هدف ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی در شهر مشهد و با رویکرد آمیخته و به روش ترکیبی انجام شده است. روش تحلیل در این پژوهش ترکیبی از نوع اکتشافی و تحلیلی است. بخش کیفی با نظریه داده بنیاد و بخش کمی با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی انجام شده است. جامعه آماری در بخش های کیفی شامل ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاهی در رشته صنعت گردشگری، مدیران و افراد فعال در امور گردشگری مذهبی در شهر مشهد و جامعه آماری در بخش اعتبارسنجی الگو، شامل ۳۸۴ نفر از گردشگران مذهبی شهر مشهد هستند. داده های حاصل از مصاحبه با کمک نرم افزار MAXQDA برای شناخت مقوله های اصلی و فرعی، ارائه الگوی نهایی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحلیل نشان داد که الگوی حاصل مشتمل بر هشت مقوله اصلی شامل سیاست های کلان گردشگری

۱. دانشجوی دکترای گروه مدیریت بازرگانی (گرایش بازاریابی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی کیش، ایران
mohamad.a.nakhaei@gmail.com

۲. استاد گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسؤول
kafashpor@um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-3539-855X>
۳. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران
a_naami@azad.ac.ir

مذهبی، مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری، نظام تحقیقاتی مذهبی، استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی، ارزیابی استراتژیک گردشگری، چالش‌های گردشگری مذهبی، توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم متناسب با نیاز گردشگران مذهبی و توسعه گردشگری است. نتایج بخش کمی نیز با کمک نرم‌افزار SMART PLS نشان می‌دهد مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری، نظام تحقیقاتی مذهبی و استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی بر توسعه توریسم مذهبی در شهر مشهد تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: الگوی بومی، گردشگری مذهبی، شهر مشهد.

مقدمه

سفر و گردش از دیرباز همراه زندگی انسان‌ها بوده و یکی از ارکان مهم در توسعه و پیشرفت در دنیای امروز سفر و گردشگری است. امروزه اهمیت گردشگری در همه جوامع، آن را به‌منزله صنعت در تمامی جهان مطرح کرده و صنعت گردشگری به‌مثابه صنعتی در حال رشد شناخته شده است (اسدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱). گردشگری مذهبی یکی از اشکال عمده گردشگری است که شامل دیدار از اماکن مذهبی و انجام فرایض دینی و مذهبی است. گردشگری زیارتی، از قدیمی‌ترین اشکال در گذشته و ازجمله پررونق‌ترین گردشگری‌ها در زمان حاضر است. از سویی دیگر گردشگران مذهبی قبل از اینکه قصد سفر داشته باشند، انگیزه‌های مذهبی برای سفر دارند. زیارت یکی از مصادیق کنش دینی است که در ادیان و مذاهب مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. این نوع گردشگری در ایران به‌جهت بافت مذهبی و همچنین جاذبه‌های زیارتی که در آن وجود دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد و می‌تواند موجبات افزایش سرمایه‌گذاری‌های کلان و خرد در نواحی شهری و روستایی، خوداشتغالی، توسعه گردشگری، شناخت جاذبه‌های تاریخی، طبیعی، مذهبی و خدمت‌رسانی بهتر به جامعه را سبب شود (خشت‌زر، ۱۴۰۱: ۴۸).

گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین شکل‌های گردشگری از گذشته تا حال حاضر در سرتاسر جهان است که ریشه در باورها و اعتقادات مذهبی و دینی دارد و به مفهوم تخصصی خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی شکل‌گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم‌انداز فرهنگی است. با توجه به تعاریف مطرح‌شده، در این زمینه با

دو دسته مختلف از گردشگران روبه‌رو هستیم؛ دسته اول کسانی که از اماکن مقدس دینی خود بازدید می‌کنند؛ مانند مسلمانانی که به زیارت اماکن مقدس خود نظیر کعبه، عتبات عالیات و یا سایر اماکن متبرکه می‌روند و دسته دوم گردشگرانی که از اماکن مقدس سایر ادیان دیدن می‌کنند؛ برای مثال افراد زیادی وجود دارند که مسیحی نیستند؛ اما از کلیساهای نقاط مختلف بازدید می‌کنند و یا مسیحیانی که به دیدن حرم مطهر رضوی در مشهد می‌روند (نوراله‌زاده و اسدی، ۱۳۹۹: ۴۲).

از سویی دیگر کشور پهناور ایران با تنوع فرهنگی بسیار که منجر به شکل‌گیری آداب‌ورسوم گوناگون در سراسر کشور شده، علاوه بر دارابودن دیگر جاذبه‌ها، دارای آیین‌های مذهبی، بناها، زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس بسیاری است که هر نقطه‌ای از آن را برای توسعه گردشگری مذهبی مساعد کرده است (باصولی و درخش، ۱۴۰۰: ۲۸).

همچنین قرن اخیر، سده بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری ارزشمند در بخش‌های خدماتی، بویژه گردشگری است؛ زیرا این صنعت یکی از مهم‌ترین و پرتعدادترین صنعت‌های جهان است که طبق برآورد کارشناسان این صنعت، در آینده از جایگاه والایی در معادلات اقتصادی برخوردار می‌شود. توسعه صنعت گردشگری برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی ازجمله بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی روبه‌رو هستند، از اهمیت فراوانی دارد؛ بنابراین ایران با توجه به ظرفیت‌های فراوانی که دارد می‌تواند یکی از پیشروان صنعت گردشگری، بویژه در زمینه گردشگری مذهبی در منطقه و جهان باشد (عباسی، اقبالی و رجبی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

کلان‌شهر مشهد به‌عنوان قطب اول جهان تشیع و مهم‌ترین شهر مذهبی ایران، بزرگ‌ترین میزبان گردشگران مذهبی در کشور ایران است که به‌علت وجود بارگاه مقدس رضوی، جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و قرارگیری در مسیر کریدور فراملی شمالی- جنوبی، کارکرد زیارتی و گردشگری به‌عنوان کارکرد اصلی این شهر تلقی می‌شود (رضایی‌مقدم، مشکینی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۸: ۱۳۱). گردشگران مذهبی شهر مشهد با توجه به تعدد مسافرت در دوران زندگی خود به این شهر، نسبت به آن حسی نوستالژیک دارند و سفر به این شهر یادآور خاطرات گذشته آنان است (جلالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۵۰). گردشگری مذهبی با همه اجزا و گونه‌های مختلف آن، به‌سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص، توانسته است خود را در متن گردشگری

جهانی جای دهد؛ به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فراگرفته است (Shinde, 2022: 2). شهرهای مذهبی جهان، بویژه شهرهای مورد احترام ادیان ابراهیمی (دین اسلام) از جمله مشهد، با توسعه زیرساخت‌های اساسی صنعت گردشگری و برقراری ارتباط هماهنگ و چندسویه سازمان‌های مرتبط با مذهب و گردشگری، قابلیت بسط و صدور ارزش‌های مذهبی خود را افزایش داده‌اند و عملکرد موفق و پایدار آن‌ها مرهون شناخت گردشگران، بویژه گردشگران مذهبی از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و این مهم در آشنایی و جذب گردشگران از سایر ادیان اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند (مولایی، ۱۳۹۹: ۶۱). از کارکردهای مهم شهرهای مذهبی جهان اسلام، ارائه اهداف عالیه مذهب و بروز عینی در ساختارهای اجتماعی- فرهنگی است تا بدین- وسیله عرصه‌های مشترک و کارکردهای مشترک، شناسایی و از آن به عنوان شاخصی در تقریب مذاهب و کاهش تنش‌های فرهنگی و سیاسی بین مذاهب استفاده شود (عباسی، اقبالی و رجبی، ۱۴۰۰: ۱۳۱). استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل شهرهای مذهبی از جمله مشهد، در نهایت می‌تواند زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشد که با توانمندسازی جریان‌های مرتبط و تصمیم‌ساز در نهادهای مذهبی و گردشگری دولتی و غیردولتی و مردم‌نهاد در تقویت روابط بین‌الملل تأثیر خواهد داشت. از طرفی دیگر با توجه به اهمیت گردشگری در اقتصاد و اشتغال‌زایی، لزوم توجه به نقش گردشگری مذهبی در توسعه شهرها نیز، بویژه از لحاظ اقتصادی و کالبدی، فضایی بسیار حائز اهمیت است و نقش آن در برنامه‌ریزی برای توسعه شهرها جزء اولویت‌های اصلی برای توسعه این مناطق است (فرجی دارابخانی و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۸).

۱. بیان مسئله

با توجه به برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های مصوب پنج‌ساله و نقش محوری گردشگری و صنعت گردشگری در شکوفایی بیشتر اقتصاد ایران و تأکید بر توسعه مقاومتی و رهاشدن از اقتصاد متکی به منابع نفتی و ظرفیت فراوان کشورمان در گردشگری که البته سهم عمده‌ای از آن معطوف به گردشگری مذهبی است، می‌توان با برنامه‌محور قراردادن گردشگری مذهبی در سیاست‌های اجرایی همگرایی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، استفاده و بهره بیشتری از این ظرفیت برد و گام‌های مؤثرتری در این راه برداشت (مولایی، ۱۳۹۹: ۵۴)؛ بنابراین،

پرداختن به مقوله گردشگری مذهبی می‌تواند درآمد کشور را از وابستگی به نفت تا حد زیادی رهایی بخشد و باعث کاهش فاصله طبقاتی و افزایش درآمد سرانه شود (Kim, Kim & King, 192: 2020). حال باید به این مسئله نیز اشاره داشت که شیوه‌های مدیریت گردشگری در ایران نشان داده که اولویت‌های این صنعت در ایران، نه اقتصادی است و نه اجتماعی؛ بلکه اولویت اصلی حفظ ارزش‌هاست. قوانین موجود برای گردشگران، برخلاف اکثر کشورهای جهان برای ایجاد راحتی و جذابیت برای گردشگران نیست و بیش از هر چیز تکیه بر حفظ فرهنگ موجود از هرگونه تغییر است (گندمی فارمد و نقوی، ۱۳۹۹: ۳۱۲)؛ در نتیجه علی‌رغم آنچه بیان شد، وجود تفاوت‌های ساختاری و فراساختاری و بستر ارائه خدمات گردشگری مذهبی کشور که کاملاً متفاوت با سایر مدل‌ها در مناطق مختلف دنیاست، محقق را بر آن داشت تا در پژوهش حاضر ضمن رفع شکاف تحقیقات پیشین، به ارائه مدل بومی گردشگری مذهبی در ایران بپردازد که دارای مؤلفه‌هایی نوین و نوآورانه است. با توجه به مطالب بیان‌شده، سؤال اصلی این پژوهش این است که الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران چگونه است؟ به تبع آن می‌توان سؤالات فرعی زیر را نیز مطرح کرد:

۱. شرایط علی تأثیرگذار در الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۲. شرایط زمینه‌ای (بستر ساز) تأثیرگذار در الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۳. پدیده محوری در الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۴. شرایط مداخله‌گر در الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۵. راهبردها و اقدامات لازم در استقرار الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۶. پیامدهای پیاده‌سازی الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران کدام‌اند؟
۷. اعتبار الگوی بومی گردشگری مذهبی در ایران به چه میزان است؟

۲. مبنای نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مفهوم گردشگری و گردشگری مذهبی

گردشگری از جمله فعالیت‌هایی است که پتانسیل بالایی جهت اثرگذاری بر افراد برای گرایش آنان به سمت کارآفرینی دارد. از گردشگری تعاریف بسیاری وجود دارد که از جمله می‌توان به

تعریف سازمان جهانی گردشگری در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد: «گردشگری عبارت است از تمامی فعالیت‌های شخصی که مسافرت کرده و در یک مکانی خارج از محیط معمول به مدت کمتر از یک سال متوالی، به‌منظور استراحت، تجارت یا اهداف دیگر اقامت کند». گردشگری ممکن است شامل تعطیلات، سفرهای تجاری، دیدار از دوستان و آشنایان، مسافرت آموزشی (سفر علمی)، ورزشی، درمان و سلامتی یا سفر مذهبی باشد (ضرغام بروجنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۵).

براساس تعریفی از سازمان ملل که بنا بر پیشنهاد کنفرانس بین‌المللی جهانگردی آن سازمان در رم ارائه شده، گردشگر کسی است که به‌منظور تفریح، استراحت، گذران تعطیلات، بازدید از نقاط دیدنی انجام امور پزشکی، درمانی و معالجه، تجارت، ورزش، زیارت، دیدار از خانواده، مأموریت و شرکت در کنفرانس‌ها به کشوری غیر از کشور خود سفر می‌کند؛ مشروط بر اینکه حداقل مدت اقامت او از ۲۴ ساعت کمتر و از ۳ ماه بیشتر نبوده و کسب شغل و پیشه هم مدنظر نباشد (Farooq & Altintas, 2022: 69).

گردشگری مذهبی را می‌توان گونه‌ای از گردشگری دانست که شرکت‌کنندگان در آن دارای انگیزه‌های مذهبی (منحصراً و یا به‌صورت ترکیب با سایر انگیزه‌ها) هستند که از مکان‌های مقدس نظیر کلیساها، مسجدها، مقبره‌ها، امامزاده‌ها و مانند آن‌ها بازدید می‌کنند. نمونه بارز این نوع گردشگری، زیارت خانه خدا و مراسم عبادی حج و یا زیارت ائمه اطهار در دین اسلام است. همچنین لازم است به این مهم اشاره شود که گردشگری مذهبی نه فقط دیدوبازدید از مکان‌های مذهبی، زیارتگاه و ساختارهای مذهبی است؛ بلکه در آن حضور در کنفرانس‌های مذهبی، رویدادهای فرهنگی و مذهبی مختلف، اجرای کنسرت‌های موسیقی مذهبی و محصولاتتی همچون هنر و فرهنگ مذهبی، سنت و معماری مذهبی نیز مدنظر گردشگران قرار می‌گیرد. گردشگری مذهبی به بیان دیگر عبارت است از بازدید گردشگران از اماکن مقدس، مثل زیارتگاه، امامزاده و... . گردشگری مذهبی و زیارتی به‌لحاظ مفهوم تخصصی تا حدودی متفاوت هستند (عباسی، اقبالی و رجبی، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

۲-۲. جایگاه ایران در صنعت گردشگری مذهبی و عوامل تأثیرگذار بر آن

از دیدگاه اسلام گردشگری و سیر و سیاحت رشد و تعالی انسانی را به دنبال خواهد داشت. اسلام ضمن تشویق و تأکید بر گردشگری و سیاحت به فواید معیشتی و بهره‌مندی از نعم انبوه خداوندی اشاره می‌نماید و معتقد است که گردشگری با همه اثرات و فواید معیشتی و دنیوی، هیچ‌گاه فی‌نفسه ناقض جنبه‌های اخلاقی، عبادی و سازندگی نفس و هدف‌های فراتر از خاک و خدامحوری نیست؛ بلکه تمام سفرها تمهیدی است برای سفر به سوی خداوند و صعود به دارالقرار (ضرغام بروجنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که اسلام تأثیر بسزایی در گردشگری و نحوه مسافرت و همچنین انگیزه‌های مسافرت در ایران به‌جای نهاده است. از طرفی، سفر محرک اصلی در چرخه اقتصاد است. صنعت گردشگری معمولاً یکی از زمینه‌های اقتصاد جهانی است که به آن توجه کمی می‌شود. صنعت گردشگری، همچنان به‌عنوان چرخه پیشرفت اقتصادی بسیاری از کشورهای فقیر به حساب می‌آید. این صنعت امروزه نیاز به نگهداری دارد. هتل‌ها نیاز به کارکنانی جهت بازسازی دارند. همچنین ارگان‌هایی باید وجود داشته باشد که تحت نظر آن‌ها هر چیز مرتبط با صنعت گردشگری همواره نو شود (نوراله‌زاده و اسدی، ۱۳۹۹: ۴۴)؛ برای مثال کافی‌شاپ‌ها برای جذب بیشتر گردشگران باید منوهای خود را تغییر دهند. هتل‌ها و بسیاری از اماکن گردشگری دیگر نیز باید بنا به نیازهای گردشگری، خود را به‌روز کنند. در شکل ۱، عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر گردشگری مذهبی ارائه شده است:

عوامل داخلی	عوامل بیرونی
قوت ها (S) S1: تبلیغات گسترده حرم مطهر در رسانه ها S2: تعامل مناسب دقت توسعه حرم با سایر دستگاهها S3: وجود زائرسراهای متعدد در حرم مطهر S4: توسعه گسترده مجتمع های تجاری اطراف حرم S5: زیرساخت های مناسب سیستم های اطلاعاتی حرم مطهر S6: معجزات و کرامات حرم مطهر S7: مسیرهای مناسب دسترسی به حرم مطهر	فرصت ها (O) O1: جذب تعداد زیاد گردشگران خارجی O2: قرارگیری مرقد مطهر در یاقوت تاریخی O3: نزدیکی مرقد مطهر به سایر مراکز مذهبی O4: در نظر گرفتن توسعه حرم در برنامه های توسعه شهر
ضعف ها (W) W1: سرانه پایین مراکز فرهنگی اطراف حرم W2: گسترش مراکز بزرگ تجاری اطراف حرم W3: گسترش مشاغل سیار در قالب دستفروشی ها W4: یاقوت قروسده اطراف حرم W5: عدم هماهنگی یاقوت فرهنگی داخل و خارج حرم W6: ترافیک و شلوغی اطراف حرم W7: گسترش مشاغل کاذب به دلیل وجود یاقوت قروسده W8: نبود اعتبارات لازم جهت تحت تملک درآورد فضای اطراف حرم	تهدیدات (T) T1: عدم امکان توسعه قیزیکی حرم مطهر به دلیل تمرکز کابری ها T2: عدم توجه به تشکیل مراکز علمی اطراف حرم همگام با مراکز تجاری T3: گسترش قست قود ها به عنوان مراکز جدید غیبی در اطراف حرم

شکل ۱) عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر گردشگری مذهبی (شاهنگیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۶)

از سویی دیگر گردشگری رشد مهمی در عرصه تولید را برای شهرهای بزرگ به ارمان آورده است و سهم زیادی در تولید ناخالص داخلی دارد. گردشگری بین‌المللی محرک صادرات محلی است؛ حضور گردشگر باعث می‌شود با حذف انواع هزینه‌های مربوط به صادرات، از جمله هزینه حمل‌ونقل، محصولات محلی به خارج ارسال شود. گردشگران می‌توانند کیفیت زندگی اجتماع محلی را افزایش دهند و با ایجاد شغل و کاهش فقر، منجر به بهبود استانداردهای زندگی شوند: ایجاد درآمد برای بودجه‌های محلی، بویژه از مالیات بر درآمد کارآفرینان بخش گردشگری حاصل می‌شود. این امر می‌تواند برای بهبود خدمات اجتماعی، زیرساخت‌ها و خدمات استفاده شود (Durán, et al., 2018: 249)؛ از این‌رو چشم‌انداز توسعه گردشگری ساخت‌وساز، بهبود زیرساخت‌های اساسی (راه‌آهن، سیستم‌های انتقال نیرو، سیستم حمل‌ونقل عمومی، تفرجگاه‌ها، بازسازی مراکز تاریخی، ساخت تسهیلات تفریحی و فرهنگی، به‌روزرسانی شبکه حمل‌ونقل، توسعه رویدادهای فرهنگی و ورزشی با اهمیت بین‌المللی و...) را توجیه می‌کند. از این

سرمایه‌گذاری، هم گردشگر و هم جمعیت ساکن منتفع می‌شوند (عابدی و عطرچی، ۱۳۹۸: ۱۲۵۹).

۲-۳. پیشینه پژوهش

فاروق و آلتین تاس (Farooq & Altintas, 2022: 75) مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش فناوری در گردشگری مذهبی در ترکیه» انجام داده‌اند. هدف نویسندگان این است که این موضوع را در زمینه ترکیه ببینند؛ کشوری که پلی بین شرق و غرب است، دارای تعدادی مکان‌های گردشگری مذهبی و جذب تعداد زیادی گردشگر است. مشخصات کشور و نقش فناوری در افزایش گردشگری در ترکیه نیز حاکی از بهبود چشم‌انداز فناوری این کشور برای افزایش و تسهیل گردشگران مذهبی است.

رومانلی و دیگران (Romanelli, et al. 2021: 392) مطالعه‌ای تحت عنوان «به‌سوی گردشگری مذهبی پایدارمحور» انجام دادند. این مطالعه بر تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی، از طریق پرسشنامه توزیع شده در اواخر سال ۲۰۱۸ تکیه دارد. پرسشنامه مربوط به سفرهای زیارتی مربوط به مناطق به نام کامینو د سانتیاگو^۱ و جاده فرانسیگنا^۲ به‌عنوان مقاصد گردشگری مذهبی است که به پایداری اجتماعی و اقتصادی اقتصادهای محلی کمک می‌کند. نتایج نشان داد سفرهای زیارتی اهمیت ایجاد فرایندهای مشارکتی را از طریق امکان‌پذیر کردن مقاصد گردشگری مذهبی برای باز کردن مدیریت بهتر و با هدایت سیاست‌های پایدارمحور تقویت می‌کند؛ بنابراین رشد اجتماعی و اقتصادی در جوامع محلی را افزایش می‌دهد.

نوتارستفانو و گریستینا (Notarstefano & Gristina, 2021: 235) مطالعه‌ای تحت عنوان «مسیرهای سازگار با محیط‌زیست و گردشگری مذهبی» انجام دادند. در این چهارچوب و مطابق دستور کار جهانی ۲۰۳۰، جهت دستیابی به توسعه پایدار و اهداف آن می‌بایست از انواع گردشگری مذهبی و همچنین مسیرهای مذهبی جهت تقویت جامعه میزبان، ایجاد فرصت‌های تجاری و تقویت صلح و تفاهم بین فرهنگی، شمول اجتماعی، کاهش فقر و حفاظت از محیط‌زیست استفاده کرد.

1. Camino de Santiago de Compostela
2. Via Francigena

۳. روش تحقیق

روش تحلیل در این پژوهش، ترکیبی از نوع اکتشافی و تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی است. با توجه به فقدان الگوی بومی برای گردشگری مذهبی و خلأ نظر در این زمینه، تدوین الگوی کیفی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد می‌تواند راهگشای پژوهش‌های مرتبط با توسعه الگوی بومی گردشگری مذهبی باشد. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه استفاده شده و در نهایت با شناسایی و طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از رویکرد داده‌بنیاد استفاده شده است. با توجه به بررسی پیشینه پژوهش، مبانی نظری و نظر خبرگان می‌توان ۱۷ سؤال پژوهش را که در شکل تکنیک مصاحبه هست، به شرح زیر مطرح کرد:

۱. به نظر شما گردشگری مذهبی چیست و چه ارتباطی با فرهنگ و باورهای مردم دارد؟
۲. به نظر شما گردشگری مذهبی چه جایگاهی در برنامه‌ریزی توسعه ملی کشور دارد؟
۳. عوامل زیرساختی از قبیل راه‌ها، هتل‌ها، اقامتگاه‌ها و... چه تأثیری بر گردشگری مذهبی دارد؟ نحوه تأثیر این عوامل چگونه است؟
۴. بازاریابی (بوژه عناصر آمیخته بازاریابی) چه تأثیری بر گردشگری مذهبی دارد؟ نحوه تأثیر این عامل چگونه است؟
۵. شبکه‌های اجتماعی و منابع اینترنتی چه تأثیری بر گردشگری مذهبی دارد؟ نحوه تأثیر این عوامل چگونه است؟
۶. سیاست‌های مختلف دولت (ازجمله سیاست‌های داخلی و خارجی) چه تأثیری بر گردشگری مذهبی دارد؟ نحوه تأثیر این عامل چگونه است؟
۷. مدیریت ناکارآمد و غیرکارشناسانه چه تأثیری بر گردشگری مذهبی دارد؟ نحوه تأثیر این عامل چگونه است؟
۸. علاوه بر موارد فوق، چه عوامل دیگری (درونی یا بیرونی) بر گردشگری مذهبی کشور مؤثرند؟ نحوه تأثیر این عوامل چگونه است؟
۹. چه موانعی (ازجمله مشکلات زیرساختی، فناوری، قانونی و...) پیش روی گردشگران مذهبی وجود دارد؟ نحوه تأثیر این موانع بر گردشگری مذهبی چگونه است؟
۱۰. گردشگری مذهبی چه تأثیری بر توسعه اقتصادی دارد؟ نحوه این تأثیر چگونه است؟

۱۱. گردشگری مذهبی چه تأثیری بر توسعه اجتماعی- فرهنگی دارد؟ نحوه این تأثیر چگونه است؟

۱۲. گردشگری مذهبی چه تأثیری بر توسعه سیاسی (امنیتی) دارد؟ نحوه این تأثیر چگونه است؟

۱۳. گردشگری مذهبی چه تأثیری بر توسعه زیست‌محیطی دارد؟ نحوه این تأثیر چگونه است؟
۱۴. علاوه بر پیامدهای فوق، گردشگری مذهبی چه پیامدهای مثبت و منفی دیگری می‌تواند داشته باشد؟

۱۵. مدیران و بازاریابان صنعت گردشگری کشور به چه اطلاعات و آگاهی‌هایی در زمینه گردشگری مذهبی و گسترش آن، نیاز دارند؟

۱۶. مدیران و بازاریابان صنعت گردشگری کشور با چه چالش‌هایی در زمینه گردشگری مذهبی و گسترش آن، روبه‌رو هستند؟

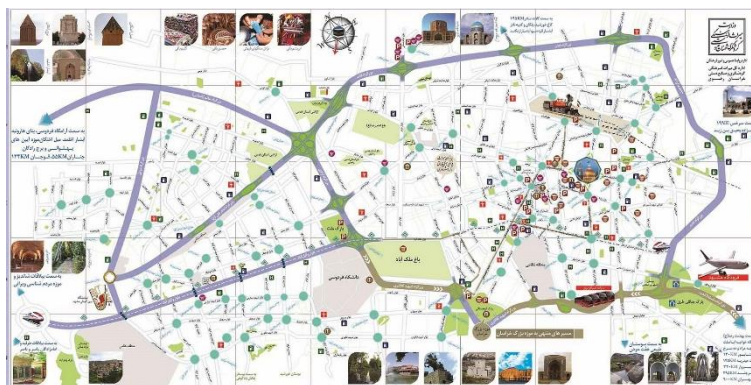
۱۷. عملکرد نهادهایی که در توسعه گردشگری مذهبی مؤثرند، چگونه است؟

جامعه کیفی پژوهش مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاهی در رشته صنعت گردشگری، مدیران و افراد فعال در امور گردشگری مذهبی در شهر مشهد است. روش مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، به‌صورت کانونی اکتشافی است؛ اما روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی است؛ زیرا واحدهای نمونه بسیار کمیاب یا بخش کوچکی از یک جامعه خیلی بزرگ را تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه داده‌های پژوهش در فرایندی گلوله‌برفی جمع‌آوری شده‌اند. در این پژوهش، پس از شناسایی و انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری، از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده یا کمک گرفته شد. به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب شدند. مصاحبه‌ها نیز تا کسب اطمینان از اشباع نظری ادامه پیدا کرد. در این مطالعه مصاحبه‌ها با ۱۲ نفر از اساتید، مدیران و فعالان حوزه گردشگری اشباع نظری کسب شد. روش کار به این صورت بود که ابتدا یک گروه اولیه جهت مصاحبه انتخاب شد و در ادامه براساس معرفی گروه نخست با سایر گروه‌های بعدی مصاحبه انجام شد و تا جایی ادامه داشت که اندیشه جدیدی حاصل نشد. این وضعیت نشانه کفایت و اشباع نظری است. درخصوص روایی پژوهش کیفی و با توجه به آنکه اعضای گروه کانونی از خبرگان و اساتید حوزه دانش موردنظر هستند، اعتبار محتوا

تضمین شد؛ اما پژوهشگر برای اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها چه از دید خود و چه از نظر مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، اقدامات زیر را انجام داد:

- بررسی یافته‌ها و اظهارنظر پیرامون آن‌ها.
- بازبینی مقوله‌ها در مرحله نخست مطابق نظر مشارکت‌کنندگان در مصاحبه کانونی اکتشافی صورت گرفت.

از آنجا که پایایی، جلوه پایداری و تشابه نتایج اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف زمانی است و نسبت به روایی، کمتر مورد مناقشه است و روایی بدون پایایی نمی‌تواند وجود داشته باشد، ارزیابی پایایی برای تأیید روایی کافی است. از همین‌رو، پایایی مورد انتظار پژوهش کسب شد. از لحاظ قلمرو مکانی پژوهش، باید به این موضوع اشاره کرد که براساس آمارها، مشهد سالانه از حدود دو و نیم میلیون گردشگر خارجی، میزبانی می‌کند و شهر اول کشور در حوزه گردشگری مذهبی به حساب می‌آید. همچنین حدود ۵۰٪ از زیرساخت‌ها و امکانات گردشگری کشور و ۳۰٪ از هتل‌ها و اماکن مسافرتی هم در حوالی مشهد وجود دارد که همین زیرساخت‌ها می‌تواند برای جذب بیشتر گردشگر سلامت در شهر مشهد بسیار مؤثر باشد. بیشترین میزان گردشگران ورودی به شهر مشهد از کشورهای عراق، آذربایجان، افغانستان و پاکستان هستند که از این ظرفیت گسترده می‌توان در مسیر توسعه گردشگری سلامت در استان خراسان رضوی بهره برد. به گفته معاون زیارت و گردشگری شهرداری مشهد در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا در آذرماه ۱۴۰۱، نقشه گردشگری نقشه‌ای شامل جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی، هویتی و تفریحی شهر است. اماکن موجود در نقشه‌ها در صدر آماری بوده که با نظرسنجی از زائران به دست آمده است. با توجه به اینکه قلمرو زمانی این پژوهش از خرداد تا شهریور سال ۱۴۰۱ است، شکل ۲ نقشه گردشگری مشهد در این بازه زمانی را نشان می‌دهد.



شکل (۲) نقشه گردشگری مشهد

(اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان رضوی)

۴. یافته‌های پژوهش

شروع کار در نظریه زمینه‌ای با انجام مصاحبه‌های عمیق صورت می‌گیرد. مدل ارائه‌شده در این پژوهش حاصل تحلیل عمیق ۱۲ مصاحبه از متخصصان و خبرگان صنعت گردشگری در مشهد است. نتایج تحلیل داده‌ها براساس مراحل سه‌گانه کدگذاری با کمک نرم‌افزار MAXQDA ارائه شد.

مراحل اجرای پژوهش به روش نظریه داده‌بنیاد شامل: ۱. طرح پژوهش، ۲. گردآوری داده‌ها، ۳. کدگذاری داده‌ها، ۴. یادداشت‌برداری، ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها، ۵. نگارش و تدوین تئوری است که در ذیل تشریح می‌شوند.

۱. **کدگذاری:** کدگذاری اختصاص نزدیک‌ترین مفهوم به کوچک‌ترین جزء بامعنی هر بخش از داده‌های گردآوری‌شده است. به‌طور کلی هر مفهوم دارای ابعاد است و هر بعد نیز دارای طیف است. هنر نظریه داده‌بنیاد این است که خود، مفاهیم تازه کشف و آن‌ها را تعریف کند؛ نه اینکه فقط بین داده‌های خود و مفاهیم از پیش موجود پیوند برقرار کند.

۲. **کدگذاری باز:** در این نوع کدگذاری پژوهشگر باید بارها و بارها داده گردآوری‌شده را مرور و از زوایای گوناگون به آن توجه کند. در این مرحله پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری‌شده، تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را بازشناسد. این مرحله، باز نامیده می‌شود؛ چراکه

پژوهشگر با ذهنی باز به نام‌گذاری مفاهیم می‌پردازد و محدودیتی برای تعداد قائل نمی‌شود. هدف از کدگذاری باز، تجزیه مجموعه داده گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزای مفهومی است.

۳. کدگذاری محوری و انتخابی: در کدگذاری محوری، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکلی گزیده به خود می‌گیرد. درواقع پس از انجام کدگذاری باز، پژوهشگر می‌تواند محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها را مشخص و مرحله بعد کدگذاری را حول این محورها انجام دهد. در کدگذاری انتخابی پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده و در دو مرحله قبل به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری می‌پردازد. کدگذاری تنها در صورتی موفق است که با تعامل مستمر و با مجموعه داده‌ها همراه باشد.

۴. یادداشت‌برداری: پژوهشگر هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، به ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از تعامل با داده می‌پردازد. باید فیش‌های تهیه شده دارای تاریخ و عنوان مشخص باشند تا پژوهشگر در مقابل انبوهی از فیش‌ها دچار سردرگمی نشود. یادداشت‌ها نقش مهمی در پیشرفت پژوهش دارند و تجربه نشان داده است که استمرار در تهیه این یادداشت‌ها نقش بسزایی در موفقیت پژوهش دارند.

۵. نگارش و تدوین نظریه: در این مرحله تصویر پژوهش برای پژوهشگر از همیشه روشن‌تر است؛ چراکه وظیفه نظریه داده‌بنیاد این است که آنچه را از این تصویر می‌بیند، برای دیگران به تصویر کشد. به کمک نظریه ساخته شده می‌توان فرضیه‌هایی تدوین کرد که پژوهش‌های بعدی به آزمون آن‌ها بپردازند. نظریه داده‌بنیاد نه برای آزمون فرضیه که روشی برای تولید آن است. در این پژوهش و برای تحلیل داده‌ها، مرحله اول تعیین موضوع (واژه‌شناسی) است و پژوهشگر با اساتید، متخصصان و فعالان برجسته حوزه صنعت گردشگری، مصاحبه کرده است؛ درنتیجه در مرحله کدگذاری پژوهشگر؛ پس از انجام این مرحله و مطالعه هشت مصاحبه نخست، ۸۵ کد پدیدار شد. سیر مطالعه مصاحبه‌ها از این طریق، جلوه اطلاعاتی تکراری مفاهیم، مقوله‌ها و روابط قبلی شدند؛ بنابراین مرحله اشباع نظری نزدیک است؛ اما برای جلوگیری از نادیده گرفتن برخی از کدها و شاید روابط جدید و در نتیجه ارتقای روایی تحقیق، چهار مصاحبه دیگر صورت پذیرفت. در مرحله دوم (کدگذاری محوری) پژوهشگر کدهای حاصل از مرحله قبل را براساس ویژگی‌ها و

ابعادشان به یکدیگر مرتبط ساخت تا ابعاد اصلی شکل یابند. مبنای کدگذاری باز، توانایی توصیف‌گری است که خود مبنای تحلیل داده‌ها برای نیل به یافته‌ها خواهند بود.

در مرحله نهایی (کدگذاری انتخابی) نظریه تقریباً به استحکام رسید و پژوهشگر بعد از انجام برخی اصلاحات نظری احتمالی، با مقوله‌های اندکی سروکار پیدا کرد. در این مرحله پژوهشگر با کمک تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به ارائه نظریه پرداخت و الزامی به کدگذاری داده‌های تازه نداشت. مقوله‌های به‌اشباع‌رسیده بر پایه مفاهیم کدگذاری‌شده مراحل اول و دوم، به‌صورت منطقی در کنار هم قرار گرفتند؛ سپس پژوهشگر مقوله هسته را از میان مقوله‌های به‌دست‌آمده انتخاب کرد. پژوهشگر در تعیین مقوله هسته‌ای، معیارهای ذیل را مد نظر داشته است:

- مقوله‌ها هسته‌محوری باشند و دیگر مقوله‌های اصلی با آن مرتبط باشند.
- ارائه میزان فراوانی آن در داده‌ها؛ مقوله هسته در میان داده‌های خام و در همه یا در بیشتر موارد در قالب عبارات مرتبط با مقوله‌ها دیده شود.
- مقوله‌ها، پایه منطقی داشته باشند و ارتباط سست با همدیگر نداشته باشند.
- عنوان یا عبارتی که برای تشریح مقوله هسته استفاده شده است، باید به‌میزانی انتزاعی باشد که بتواند برای پژوهش در دیگر حوزه‌های اساسی مورد استفاده قرار گیرد تا ظرفیت ارائه نظریه عمومی را احراز کرده باشد.

بنابراین با تکیه بر این نکته که مفهوم یا مقوله محوری، تفاوت‌ها را نشان دهد، درنهایت پژوهشگر مؤلفه‌های اصلی مدل را در نظر گرفت. نتایج حاصل از سه مرحله کدگذاری در جدول ۱ ارائه شده است.

۴-۱. مؤلفه‌های پارادایم کدگذاری

۱. **پدیده محوری:** در نتیجه نظرهای مشارکت‌کنندگان پژوهش، مقوله اصلی سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی به‌عنوان پدیده محوری برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شد که در جدول ۱ نشان داده شده است. مطابق این جدول، این بعد دارای یک مقوله اصلی است که در ابتدا به ۱۳ مفهوم اولیه تقسیم شد و پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را به مقوله‌های فرعی زیر طبقه بندی کرد.

جدول ۱) پدیده محوری حاکم بر ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
پدیده محوری	سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی	اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت افزایش مدت ماندگاری گردشگران مذهبی	سیاست‌گذاری مناسب گردشگری
			حفظ گردشگران مذهبی
			افزایش رضایت خاطر گردشگران مذهبی
		سیاست‌گذاری به‌منظور جذب گردشگران مذهبی از تمام ادیان و مذاهب	اتخاذ سیاست مناسب گردشگری برای تمامی ادیان
			احترام گذاشتن به همه مذاهب
			گردآوری گردشگران مذهبی متفاوت
		اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت از گردشگری مذهبی	پشتیبانی دولت از گردشگری مذهبی
			سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری مذهبی
			حمایت از ایده‌های نوآورانه گردشگری مذهبی
		تقویت روابط و تعاملات سیاسی با دیگر کشورها	افزایش ارتباط با سایر کشورها
			استفاده از تجارب کشورهای دیگر
		تسهیل در ورود و خروج گردشگران مذهبی	رفع موانع قانونی در ورود و خروج گردشگران مذهبی
			تسهیل در رفت‌وآمد گردشگران

۲. **شرایط علی:** براساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، سه مقوله اصلی مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری، نظام تحقیقاتی مذهبی، استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی به‌عنوان شرایط علی در ارائه الگو برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شدند که در جدول ۲ نشان داده شده است. مطابق این جدول، مقوله مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری در ابتدا به ۱۴ مفهوم اولیه تقسیم شده است که پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را در مقوله‌های فرعی طبقه‌بندی کرد. مقوله نظام تحقیقاتی مذهبی در ابتدا به ۱۵ مفهوم اولیه تقسیم شده است که پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را در ۵ مقوله فرعی طبقه‌بندی کرد. مقوله استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی در ابتدا به ۱۱ مفهوم اولیه تقسیم شده است که پس از کدگذاری

محوری می‌توان این مفاهیم را در ۴ مقوله فرعی طبقه‌بندی کرد. درمجموع این بعد دارای سه مقوله اصلی و ۱۳ مقوله فرعی و ۴۰ مفهوم اولیه است.

جدول ۲) شرایط علی ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
شرایط علی	مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری	تأمین امکانات رفاهی، خدماتی و اقامتی برای گردشگران	تأمین امکانات رفاهی
			تأمین امکانات خدماتی
			تأمین امکانات اقامتی
			اهمیت‌دادن به آرامش و آسایش گردشگران
		نوع راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل	تأمین امکانات اقامتی
			اهمیت‌دادن به آرامش و آسایش گردشگران
			دسترسی به راه‌های ارتباطی
			تسهیل در حمل‌ونقل کشور
		ارائه خدمات با قیمت‌گذاری مناسب	راه‌سازی و راهداری صحیح
			قیمت‌گذاری مناسب برای گردشگران
			ارائه خدمات متناسب با نیاز گردشگران
		دسترسی به هتل‌ها، بازار و مراکز خرید	ارائه خدمات با بودجه مناسب
			افزایش دسترسی مراکز برای گردشگران
			بهبود دسترسی به هتل‌ها
	نظام تحقیقاتی مذهبی	توسعه جذابیت‌های مذهبی برای تقویت انگیزه اصلی گردشگران مذهبی	توسعه جذابیت‌های مذهبی
			تشویق کردن گردشگران مذهبی
			انگیزه‌دادن به گردشگران مذهبی
		تنوع‌بخشیدن به جاذبه‌ها در مقصدهای گردشگری مذهبی و ایجاد جاذبه‌های مکمل	تنوع‌بخشیدن به جاذبه‌ها در مقصدهای گردشگری مذهبی
			ایجاد جاذبه‌های مکمل
			ایجاد جذابیت در محیط
		تلاش برای برگزاری بهتر مراسم و آیین‌های مذهبی موجود و احیای آیین‌های مذهبی فراموش‌شده در کشور	برگزاری بهتر مراسم و آیین‌های مذهبی موجود
			احیای آیین‌های مذهبی فراموش‌شده در کشور
			حفظ هنجارها و ارزش‌های مذهبی

شناسایی توانمندی‌های مذهبی کشور	شناسایی توانمندی‌های مذهبی کشور و معرفی آن‌ها به جهانیان	تعریف و توسعه محصولات (فرهنگی و هنری) مناسب گردشگری مذهبی	استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی
شناسایی نقاط قوت مذهبی کشور			
معرفی توانمندی‌های مذهبی به جهانیان			
توسعه محصولات فرهنگی			
ارائه محصولات هنری			
تولید محصولات متناسب با نیاز گردشگران مذهبی			
احترام گذاشتن به تمامی فرهنگ‌های موجود	مدیریت مجموعه‌های فرهنگ‌های دیگر		
پذیرش فرهنگ‌های متفاوت			
مدیریت صحیح فرهنگ‌های مختلف			
ارتقای آموزش سطح عمومی	آموزش سطح عمومی جهت حفظ ارزش‌های فرهنگی		
حفظ ارزش‌های فرهنگی			
حفظ هنجارهای موجود			
شناساندن مراکز مذهبی در سطح کشور	ارائه تبلیغات وسیع و مناسب		
ارائه تبلیغات در سطح گسترده			
به‌کارگیری اصول برقراری ارتباط با گردشگران مذهبی	به‌کارگیری اصول و روش‌های صحیح برقراری ارتباط با گردشگران مذهبی		
به‌کارگیری روش‌های صحیح در برقراری ارتباط با گردشگران مذهبی			
افزایش ارتباطات و تعاملات با گردشگران مذهبی			

۳. **راهبردها و اقدامات:** تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که ارزیابی استراتژیک گردشگری (تعهد ملی و رهبری صحیح، هماهنگی اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، مشارکت گسترده و همکاری مؤثر، توسعه ظرفیت و محیط توانمند، تدوین و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای گردشگری، به‌عنوان راهبردها و اقدامات در ارایه الگو برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شدند. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. مطابق این جدول، این بعد دارای یک مقوله اصلی است که در ابتدا به ۱۴ مفهوم اولیه تقسیم شده است و پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را به مقوله‌های فرعی زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۳) راهبردها و اقدامات ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
راهبردها و اقدامات	ارزیابی استراتژیک گردشگری	تعهد ملی و رهبری صحیح	افزایش تعهد ملی
			نیاز به رهبری صحیح
			ارتقای دلبستگی ملی
		هماهنگی اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی	ایجاد انسجام میان اهداف مختلف
			همسوسازی اهداف اقتصادی و اجتماعی
			همسوسازی اهداف زیست محیطی با سایر اهداف
		مشارکت گسترده و همکاری مؤثر	افزایش مشارکت در توسعه گردشگری مذهبی
			همکاری مؤثر در رفع چالش‌ها
		توسعه ظرفیت و محیط توانمند	افزایش ظرفیت پذیرش گردشگران
			توانمندسازی محیط مذهبی
			تأمین امکانات ضروری برای گردشگران
		تدوین و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای گردشگری	توجه کردن به نیازهای گردشگران
			تدوین سیاست‌ها و راهبردهای گردشگری
			اجرای سیاست‌ها و راهبردهای گردشگری

۴. شرایط مداخله‌گر: تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که چالش‌های گردشگری مذهبی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در آرایه الگو برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شدند. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است. مطابق این جدول، این بعد دارای یک مقوله اصلی است که در ابتدا به ۱۳ مفهوم اولیه تقسیم شده است و پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را به مقوله‌های فرعی زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۴) شرایط مداخله‌گر ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
شرایط مداخله‌گر	چالش‌های گردشگری مذهبی	مدیریت ضعیف و نداشتن برنامه کامل گردشگری	مدیریت ضعیف در صنعت گردشگری
			فقدان برنامه جامع گردشگری مذهبی
		مشکلات حمل و نقل	فقدان تجهیزات نوین در حمل و نقل مراکز مذهبی
			کمبود وسایل حمل و نقل عمومی
			فقدان زیرساخت‌های حمل و نقلی مناسب
		کمبود واحدهای اقامتی	نبود هتل و مراکز اقامتی مکفی

کمبود اتاق برای پذیرش تمامی گردشگران مذهبی	گسترش حاشیه‌نشینی		
روی آوردن افراد بومی به حاشیه‌نشینی			
عدم تمایل به همکاری در گردشگری مذهبی			
آسیب‌رسانی به محیط‌زیست	تخریب محیط‌زیست		
ازبین‌رفتن منابع طبیعی و زوال آن‌ها			

۵. شرایط زمینه‌ای: تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که مقوله توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم متناسب با نیاز گردشگران مذهبی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در ارایه الگو برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شدند. نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است. مطابق این جدول، این بعد دارای یک مقوله اصلی است که در ابتدا به ۱۳ مفهوم اولیه تقسیم شده است و پس از کدگذاری محوری، می‌توان این مفاهیم را به مقوله‌های فرعی زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۵) شرایط زمینه‌ای ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

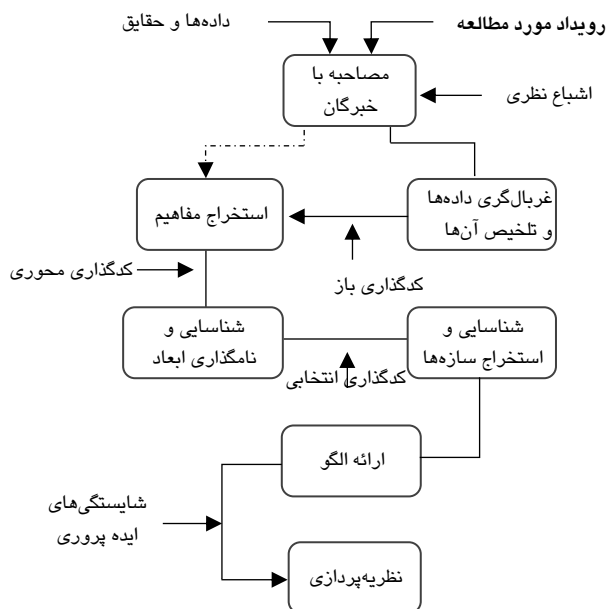
ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
شرایط زمینه‌ای	توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم متناسب با نیاز گردشگران مذهبی	کیفیت خدمات تأسیسات اقامتی و پذیرایی	افزایش کیفیت خدمات تأسیسات اقامتی
			ارتقای کیفیت خدمات پذیرایی
			رسیدگی به گردشگران و رفع نیازهای آن‌ها
		آموزش مستمر جهت پرورش کادرهای فنی، اجرایی و آموزشی	آموزش مستمر جهت پرورش کادرهای مجرب فنی
			آموزش مستمر جهت پرورش کادرهای مجرب اجرایی
			آموزش مستمر جهت پرورش کادرهای مجرب آموزشی
		شناسایی و رفع نیازهای استراتژیک صنعت گردشگری	شناسایی نیازهای استراتژیک صنعت گردشگری
			رفع نیازهای استراتژیک صنعت گردشگری
		پیااده‌سازی استانداردهای گردشگری جهانی	توجه‌کردن به استانداردهای جهانی گردشگری
			استقرار استانداردهای جهانی گردشگری در کشور
			عملکرد براساس استانداردهای موجود

۶. پیامدهای الگوی بومی گردشگری مذهبی: تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که توسعه گردشگری از ابعاد ایجاد فرصت‌های شغلی، تبادلات فرهنگی با گردشگران، ارتقای سطح استاندارد زندگی مردم، توسعه زیرساختی شهری، ارتقای امکانات بهداشتی عمومی، توسعه اقتصادی جامعه میزبان، بهبود سیستم دفع فاضلاب و دفع زباله، گسترش مرکزهای اعتباری و توسعه سکونتگاه‌ها، به‌عنوان پیامدهایی در ارائه الگو برای گردشگری مذهبی شهر مشهد شناسایی شدند. نتایج در جدول ۶ نشان داده شده است. مطابق این جدول، این بعد دارای یک مقوله اصلی است که در ابتدا به ۱۳ مفهوم اولیه تقسیم شده است و پس از کدگذاری محوری می‌توان این مفاهیم را به مقوله‌های فرعی زیر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۶) پیامدهای ارائه الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

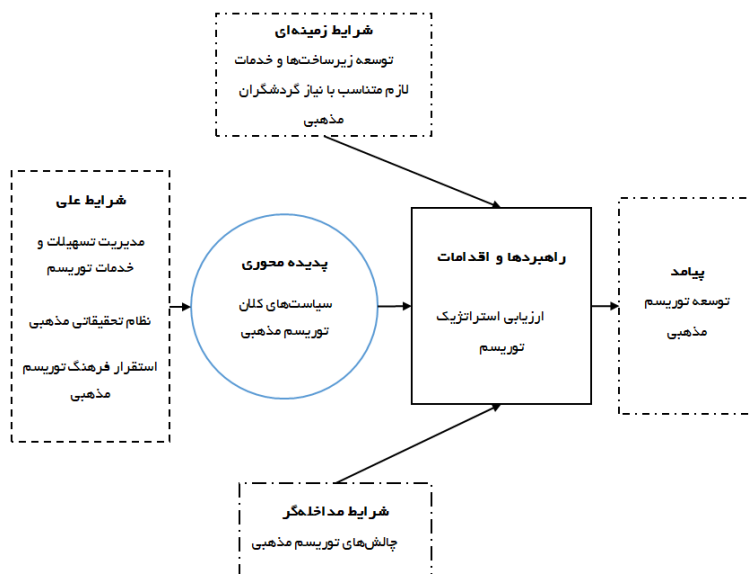
ابعاد	مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی)	مقوله فرعی (کدگذاری محوری)	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)
۶	توسعه گردشگری	ایجاد فرصت‌های شغلی	ایجاد فرصت‌های شغلی
		تبادلات فرهنگی با گردشگران	ورود فرهنگ‌های مثبت به کشور
			اشاعه فرهنگ هر استان توسط گردشگران
			افزایش آگاهی مردم از نحوه صحیح زندگی
		ارتقای سطح استاندارد زندگی مردم	کمال‌گرایی و ایده آل‌گرایی مردم
			رسیدن سطح زندگی مردم به استانداردهای لازم
		توسعه زیرساختی شهری	بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی
			کاهش خطرات محیطی شهری
		ارتقای امکانات بهداشتی عمومی	شناسایی نقاط پرخطر و کاهش ریسک‌های آن‌ها
			بهره‌گیری از امکانات عمومی
			گسترش بهداشت و رعایت آن در سطح کشور
		توسعه اقتصادی جامعه میزبان	افزایش درآمد و سودآوری گردشگری برای کشور
			توسعه اقتصادی برای افراد آن جامعه
			ارتقای سیستم دفع فاضلاب
		بهبود سیستم دفع فاضلاب و دفع زباله	کاهش آسیب‌رسانی به محیط‌زیست
			به‌روزرسانی سیستم دفع زباله
		گسترش مرکزهای اعتباری و توسعه سکونتگاه‌ها	گسترش مرکزهای اعتباری در کشور
			امکان بازدید گردشگران از مکان‌های متفاوت
			توسعه سکونتگاه‌های مختلف
			ورود فرهنگ‌های مثبت به کشور

تمامی فرایند تحلیل در شکل ۳ نشان داده است.



شکل ۳) مدل توسعه‌یافته فرایند اجرای نظریه داده‌بنیاد (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۴۵)

با توجه به یافته‌های بخش کیفی می‌توان شکل ۴ را به عنوان مدل بومی گردشگری مذهبی ارائه داد.



شکل ۴) مدل پارادایمی پژوهش

در بخش کمی برای اعتبارسنجی مدل، از تکنیک حداقل مربعات جزئی با کمک نرم‌افزار smart-pls استفاده شده است. ابزار گردآوری داده در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مدل و جامعه آماری در این بخش، شامل گردشگران مذهبی شهر مشهد است که حجم نمونه براساس فرمول کوکران با کمک روش نمونه‌گیری تصادفی ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شد که بررسی نتایج نشان می‌دهد که مقادیر این دو شاخص برای تمامی متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۷ است که نشان‌دهنده تأیید پایایی پرسشنامه تحقیق است. برای سنجش روایی مدل اندازه‌گیری، روایی همگرا (مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده) و روایی واگرا (معیار فورنر لارکر) محاسبه شد.

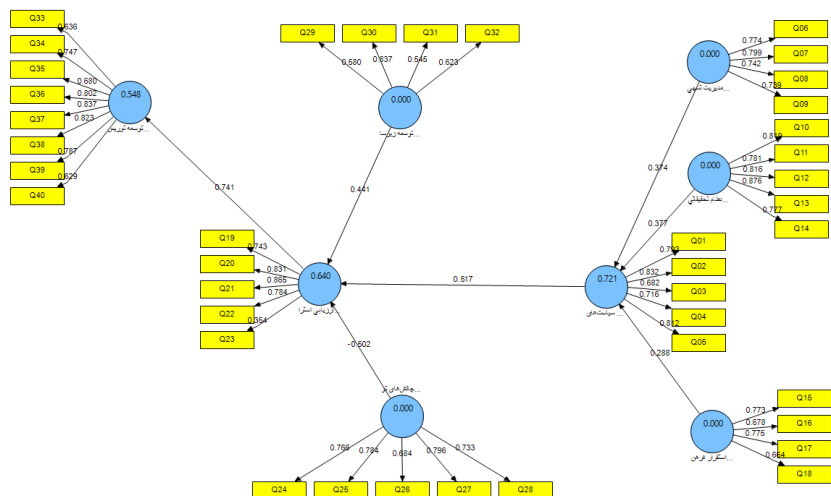
جدول ۷) اعتبار بیرونی سازه‌های پژوهش

سازه‌های اصلی	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
ارزیابی استراتژیک توریسم	۰/۵۴۶	۰/۸۴۹	۰/۷۷۸
استقرار فرهنگ توریسم مذهبی	۰/۵۲۵	۰/۸۱۴	۰/۷۰۱
توسعه توریسم مذهبی	۰/۵۷۴	۰/۸۶۷	۰/۸۲۲
توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم	۰/۵۷۸	۰/۶۹۶	۰/۷۴۳
سیاست‌های کلان توریسم مذهبی	۰/۵۹۲	۰/۸۷۸	۰/۸۲۶
مدیریت تسهیلات و خدمات توریسم	۰/۵۸۳	۰/۸۴۸	۰/۷۶۲
نظام تحقیقاتی مذهبی	۰/۶۶۴	۰/۹۰۸	۰/۸۷۳
چالش‌های توریسم مذهبی	۰/۵۶۸	۰/۸۶۸	۰/۸۰۹

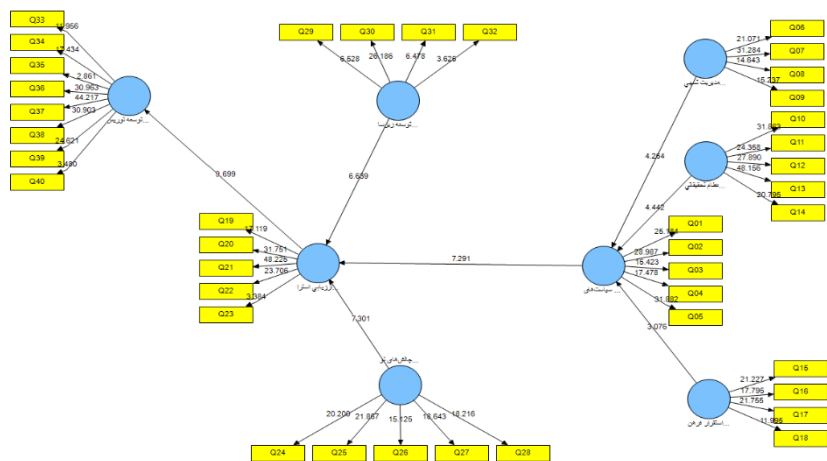
جدول ۸) روایی سازه تحقیق (ماتریس سنجش روایی واگرا)

سازه‌های پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
ارزیابی استراتژیک توریسم (۱)	۰/۷۳۹							
استقرار فرهنگ توریسم مذهبی (۲)	۰/۲۱۷	۰/۷۲۴						
توسعه توریسم مذهبی (۳)	۰/۶۳۰	۰/۲۹۷	۰/۷۵۸					
توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم (۴)	۰/۵۴۰	۰/۳۴۴	۰/۵۸۶	۰/۷۶۰				
سیاست‌های کلان توریسم مذهبی (۵)	۰/۳۵۸	۰/۱۴۲	۰/۱۷۸	۰/۳۰۷	۰/۷۶۹			
مدیریت تسهیلات و خدمات توریسم (۶)	۰/۴۲۹	۰/۳۱۷	۰/۳۹۱	۰/۶۷۱	۰/۶۱۸	۰/۷۶۴		
نظام تحقیقاتی مذهبی (۷)	۰/۵۷۹	۰/۲۷۲	۰/۶۱۹	۰/۴۸۳	۰/۳۲۶	۰/۳۷۵	۰/۸۱۵	
چالش‌های توریسم مذهبی (۸)	۰/۴۰۱	۰/۳۴۵	۰/۴۷۴	۰/۴۱۹	۰/۱۶۸	۰/۳۲۳	۰/۴۳۴	۰/۷۵۴

در ادامه دو شکل بارهای عاملی و ضرایب معنی‌داری مؤلفه‌ها ارائه شد. با توجه به اینکه مقادیر معنی‌داری ضرایب بزرگ‌تر از قدر مطلق ۱/۹۶ محاسبه شد، مدل ساختاری (روابط بین متغیرهای نهفته) حاکی از معنی‌دار بودن ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش است. همچنین، در مدل تخمین ضرایب استاندارد، بارهای عاملی در مدل اندازه‌گیری و ضرایب مسیر بتا در مدل ساختاری بزرگ‌تر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده تأیید حضور متغیرهای آشکار (متغیرهای مستطیلی‌شکل) در مدل اندازه‌گیری و متغیرهای نهفته (متغیرهای بیضی‌شکل) در مدل ساختاری است.



شکل ۴) نتایج اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی



شکل ۵) ارزیابی معناداری روابط متغیرها با روش حداقل مربعات جزئی

۴-۲. اعتبار مدل درونی

در نهایت برازش مدل درونی مورد بررسی قرار گرفت. مدل درونی برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به پرسش‌ها و متغیرهای آشکار مدل کاری ندارد و تنها به متغیرهای پنهان و روابط میان آن‌ها

توجه می‌کند. شاخص‌های متعددی برای ارزیابی میزان برازش ساختاری مدل وجود دارد که هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۹) خلاصه نتایج ارزیابی برازش ساختار مدل

سازه‌های اصلی	ضریب تشخیص	روایی متقاطع اشتراکی	روایی متقاطع افزونگی	GGOF
ارزیابی استراتژیک توریسم	۰/۶۴۰	۰/۳۱۲	۰/۳۶۷	۰/۶۰۷
استقرار فرهنگ توریسم مذهبی	۰/۰	۰/۱۰۶	۰/۴۲۶	
توسعه توریسم مذهبی	۰/۵۴۸	۰/۲۵۳	۰/۴۰۹	
توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم	۰/۰	۰/۲۲۵	۰/۶۲۷	
سیاست‌های کلان توریسم مذهبی	۰/۷۲۱	۰/۲۳۱	۰/۳۰۷	
مدیریت تسهیلات و خدمات توریسم	۰/۰	۰/۴۳۶	۰/۴۳۶	
نظام تحقیقاتی مذهبی	۰/۰	۰/۱۶۶	۰/۳۱۳	
چالش‌های توریسم مذهبی	۰/۰	۰/۱۶۱	۰/۳۰۴	

طبق جدول ۹، شاخص GOF برابر ۰/۶۰۷ به دست آمده که بیانگر آن است که مدل نهایی از برازش مطلوبی برخوردار است.

نتیجه

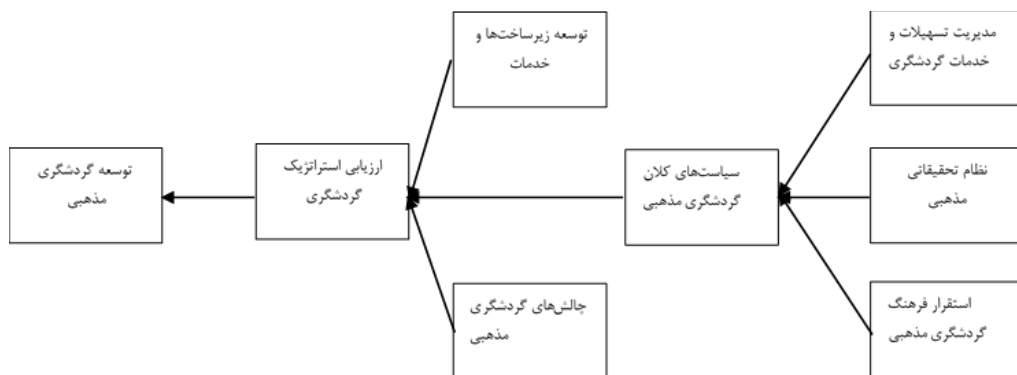
براساس مدل پژوهش مشخص شد، شرایط علی نظیر مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری، نظام تحقیقاتی مذهبی و استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی از علل ایجادکننده گردشگری مذهبی در مشهد محسوب می‌شوند. شرایط علی مذکور بر پدیده اصلی و محوری پژوهش، نظیر سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی تأثیر مستقیم دارد و براساس آن شرایط، باید سیاست‌های مربوطه اتخاذ شوند. این مهم با توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم متناسب با نیاز گردشگران مذهبی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بسترسازی می‌شود. از طرفی چالش‌های گردشگری مذهبی می‌تواند با اثرگذاری منفی بر گردشگری مذهبی در مشهد، شرایط دستیابی به اهداف را به تأخیر بیندازد. مدیران مربوطه می‌توانند با ارزیابی استراتژیک گردشگری، بر چالش‌های محیطی غلبه کنند و درنهایت به توسعه گردشگری، به‌عنوان هدف غایی دست یابند.

در جدول ۱۰ روابط میان سازه‌های اصلی پژوهش در مدل درونی بررسی شد. طبق این جدول و براساس ضریب مسیر مشاهده شده است و مقدار آماره t (بوت‌استرپینگ) روابط متغیرها قابل تفسیر است.

جدول ۱۰) خلاصه نتایج بخش ساختاری مدل (روابط متغیرهای مدل)

رابطه	ضریب تأثیر	آماره t	نتیجه	همخوانی با پژوهش‌های پیشین
مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری ← سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی	۰/۳۷۴	۴/۲۶۴	تأیید	(جمشیدی و دیگران، ۲۵۵:۱۳۹۸)
نظام تحقیقاتی مذهبی ← سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی	۰/۳۷۷	۴/۴۴۲	تأیید	(فیروزجانی و غلامرزا، ۱۹۷:۱۳۹۱)
استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی ← سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی	۰/۲۸۸	۳/۰۷۶	تأیید	(نوتارستفانو و گریستینا، ۲۳۶:۲۰۲۱)
سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی ← ارزیابی استراتژیک گردشگری	۰/۵۱۷	۷/۲۹۱	تأیید	(رومانلی و دیگران، ۲۰۲۱: ۳۹۰)
توسعه زیرساخت‌ها و خدمات ← ارزیابی استراتژیک گردشگری	۰/۴۴۱	۶/۶۵۹	تأیید	(کیم و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۹۷)
چالش‌های گردشگری مذهبی ← ارزیابی استراتژیک گردشگری	-۰/۵۰۲	۷/۳۰۱	تأیید	(متقی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۵۲)
ارزیابی استراتژیک گردشگری ← توسعه گردشگری مذهبی	۰/۷۴۱	۹/۶۹۹	تأیید	(جاویدیان، ۱۴۰۰: ۳۸)

با توجه به جدول ۱۰ و یافته‌های پژوهش، الگوی بومی گردشگری مذهبی در شهر مشهد به صورت زیر است:



شکل ۶) الگوی بومی گردشگری مذهبی شهر مشهد

درخصوص سیاست‌های کلان گردشگری مذهبی در مشهد پیشنهاد می‌شود، مدیران مربوطه با اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت افزایش مدت ماندگاری گردشگران مذهبی و سیاست‌گذاری به‌منظور جذب گردشگران مذهبی از تمام ادیان و مذاهب، به استقرار مدل بومی گردشگری مذهبی در این شهر بپردازند. اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت از گردشگری مذهبی در جهت تقویت روابط و تعاملات سیاسی با دیگر کشورها و تسهیل در ورود و خروج گردشگران مذهبی در این حوزه بسیار اثرگذارند.

درخصوص مدیریت تسهیلات و خدمات گردشگری پیشنهاد می‌شود، با تأمین امکانات رفاهی، خدماتی و اقامتی برای گردشگران و نوع راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، تمایل و علاقه آن‌ها را به گردشگری مذهبی افزایش دهند. همچنین با ارائه خدمات با قیمت‌گذاری مناسب و افزایش دسترسی به هتل‌ها، بازار و مراکز خرید شهر مشهد نیز می‌توان به تعداد گردشگران مذهبی افزود. در بین کلیه صنایع خدماتی، صنعت گردشگری به‌علت ایفای نقش اساسی در اقتصاد ملی، یکی از حساس‌ترین صنایع به موضوع کیفیت است.

درخصوص نظام تحقیقاتی مذهبی پیشنهاد می‌شود، در ابتدا با توسعه جذابیت‌های مذهبی برای تقویت انگیزه اصلی گردشگران مذهبی و تنوع بخشیدن به جاذبه‌ها در مقصدهای گردشگری مذهبی و ایجاد جاذبه‌های مکمل، سعی در ایجاد خاطره‌ای خوب و به‌یادماندنی در ذهن گردشگران داشته باشند. همچنین مدیران می‌توانند با تلاش برای برگزاری بهتر مراسم و آیین‌های مذهبی موجود و احیای آیین‌های مذهبی فراموش‌شده در کشور و شناسایی توانمندی‌های مذهبی کشور و معرفی آن‌ها به جهانیان، به موفقیت در استقرار مدل بومی گردشگری مذهبی در مشهد دست یابند.

درخصوص استقرار فرهنگ گردشگری مذهبی پیشنهاد می‌شود، در ابتدا به مدیریت هجمه‌های فرهنگ‌های دیگر و هم‌زمان به آموزش سطح عمومی جهت حفظ ارزش‌های فرهنگی بپردازند. مدیران مربوطه می‌توانند با ارائه تبلیغات وسیع و مناسب و به‌کارگیری اصول و روش‌های صحیح برقراری ارتباط با گردشگران مذهبی، پیاده‌سازی مدل بومی گردشگری مذهبی در ایران را با رفع موانع، بهبود بخشند. کشور ما ایران دارای فرهنگی بسیار متنوع و تاریخ کهنی است و یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از حیث آثار باستانی در بیشترین دوره‌های تاریخی تمدن و فرهنگ بشر و حتی ماقبل تاریخ است. می‌توان با برقراری رابطه بین فرهنگ و گردشگری، این گنجینه را به منبع خوبی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی تبدیل کرد؛ زیرا فرهنگ دیرینه کشورمان از مؤلفه‌ها و عناصر متعددی تشکیل شده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به زبان پارسی، آداب و رسوم و اعیاد ملی، ادبیات و شخصیت‌های اسطوره‌ای، معماری ایرانی، تنوع قومی و دین اسلام و ادیان و مذهب‌های مختلف اشاره کرد.

درخصوص ارزیابی استراتژیک گردشگری پیشنهاد می‌شود، با افزایش تعهد ملی و رهبری صحیح به یک هماهنگی اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دست یافته شود. هماهنگی مذکور منجر به مشارکت گسترده و همکاری مؤثر می‌شود و این مهم، سبب توسعه ظرفیت و محیط توانمند خواهد شد. همچنین مدیران مربوطه با تدوین و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای گردشگری می‌توانند مسیر دستیابی به اهداف مدل بومی گردشگری مذهبی در مشهد را تسهیل کنند. به این منظور گردشگری مذهبی به‌عنوان یکی از زیربخش‌های مهم فعالیت گردشگری، به‌میزان زیادی مورد توجه قرار گرفته و در فرایند جهانی‌شدن، اهمیت روزافزونی یافته است؛ به‌طوری‌که

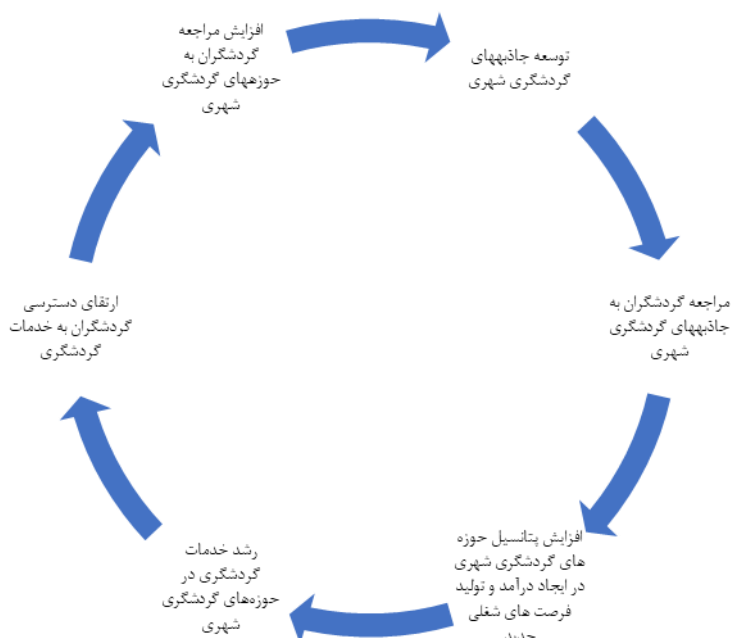
بازار گردشگری مذهبی به سرعت در حال گسترش است و شرایط مطلوب بازار بسیاری از برنامه-ریزان شهری را به توسعه گردشگری به عنوان بخش مهمی از سیاست شهری دچار وسوسه کرده است.

درخصوص چالش‌های گردشگری مذهبی پیشنهاد می‌شود، با انتصاب افراد شایسته در مقام مدیریت و رفع مدیریت ضعیف و نداشتن برنامه کامل گردشگری، به مشکلات حمل‌ونقل رسیدگی بیشتری شود. اتخاذ تدابیر مناسب جهت افزایش واحدهای اقامتی و کاهش حاشیه‌نشینی نیز در رفع موانع مذکور تأثیرگذارند. در شهر مشهد باید دسترسی‌های حمل‌ونقل سریع و آسان باشد، همچنین به دلیل تجمع بسیار گردشگران در زمان‌های خاص آیینی، در مقاصد گردشگری مذهبی باید استانداردهای بهداشتی و سلامت در سطح عالی فراهم باشد؛ علاوه بر آن راهنمایان گردشگری چه به صورت همراه گروه و چه به صورت تابلوهای راهنما در معابر و سطح منطقه و حتی به صورت نرم‌افزارهای برخط تلفن همراه باید در اختیار گردشگران باشد، زیرا گردشگری مذهبی بر پایه زیارت و آیین‌ها باعث افزایش تعداد گردشگر در یک زمان خاص می‌شود و همین اجتماع کمی سرویس‌دهی خدمات واحد در یک زمان را شاید مختل و مشکل کند؛ پس این نوع آمادگی و کیفیت یک اصل مهم و زیربنایی در این نوع گردشگری است.

درخصوص توسعه زیرساخت‌ها و خدمات لازم متناسب با نیاز گردشگران مذهبی پیشنهاد می‌شود، برای جذب و ورود گردشگر مذهبی به شهر مشهد زیرساخت‌های مناسب آن از حمل‌ونقل تا اسکان و اقامت و مراکز پذیرایی فراهم شود. هنوز گردشگران مذهبی برای اقامت، علاقه‌مند هستند در نزدیک‌ترین مکان به محل مذهبی موردنظرشان اقامت داشته باشند تا در تمام لحظات سفر در فضای معنوی اماکن مقدس قرار داشته باشند؛ پس تعداد هتل پیرامون اماکن مذهبی و البته کیفیت خدمات و استاندارد آن در گردشگری مذهبی بسیار مهم است؛ در نتیجه توجه به کیفیت خدمات تأسیسات اقامتی و پذیرایی به کمک آموزش مستمر جهت پرورش کادرهای مجرب فنی، اجرایی و آموزشی در این حوزه اهمیت زیادی دارد.

همچنین با توجه به نتایج جانبی حاصل از این پژوهش و مطابق با مطالعات پیشین می‌توان گفت توسعه و بازاریابی جاذبه‌های گردشگری شهری از جمله گردشگری مذهبی مشهد، تأثیرگذار است. این امر زمینه‌ساز جذب گردشگران است. با مراجعه گردشگران به جاذبه‌های گردشگری در

مشهد، سطح تقاضا برای خدمات و تسهیلات رفاهی گردشگری مشهد در حوزه‌های گردشگری به وجود می‌آید. توسعه خدمات گردشگری، بستر لازم را برای افزایش فرصت‌های شغلی در حوزه‌های گردشگری فراهم می‌کند. با توسعه خدمات در حوزه‌های گردشگری، دسترسی گردشگران به خدمات گردشگری تسهیل می‌شود. این امر زمینه‌ساز افزایش مراجعه گردشگران به حوزه‌های گردشگری در مشهد است که می‌تواند منجر به توسعه جاذبه‌های گردشگری شود.



شکل ۷) مدل جاذبه‌های گردشگری شهری مشهد بر تحولات فضایی شهری گردشگری

(جمشیدی، برک‌پور و کلانتری، ۱۳۹۸)

همچنین برای تخمین تأثیر فعالیت در حوزه بازاریابی گردشگری بر میزان بازار هدف و همچنین درآمد و چشم‌انداز اشتغال در شهر مشهد، می‌توان هزینه‌های صرف‌شده توسط گردشگران را در یک بازه زمانی مشخص در بخش‌هایی مثل مراکز مذهبی، اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها، جاذبه‌ها و مراکز تفریحی و مشاهده آداب و سنن اجتماعی، فرهنگی، محلی و بومی محاسبه کرد. در اقتصاد گردشگری مشهد، درآمد حاصل از گردشگری را می‌توان از مجموع موارد زیر به دست آورد:

- درآمدهای حاصل از گردشگران خارجی بابت استفاده از اقامتگاه‌ها، استراحتگاه‌ها و خدمات مربوط مانند هتل‌ها، مهمان‌پذیرها و غیره.

- درآمدهای حاصل از بابت خرید اشیا و کالاهای مورد تقاضای گردشگران همانند محصولات صنایع دستی از قبیل فرش، قالیچه دستباف، زعفران، البسه، اسباب‌بازی و غیره.
 - درآمدهای حاصل از بابت خرید بلیت به منظور بازدید از امکانات تفریحی، فرهنگی، تاریخی و غیره.
 - درآمدهای حاصل از بابت تغذیه در طول مسافرت مانند ناهار، شام و غیره.
 - درآمدهای حاصل از ارائه خدمات حمل‌ونقل در مدت اقامت در شهر مشهد.
- در ادامه می‌توان به راهکارهای حاصل از نتایج این پژوهش اشاره داشت:
۱. توجه بیشتر به شاخص‌های با ضریب اهمیت بالا در محصول گردشگری مذهبی مشهد در درجه اول و در نهایت ایجاد یک نوع تعادل در بخش‌های مختلف محصول گردشگری (به عبارتی دیگر تعادل میان گردشگری مذهبی و سایر انواع گردشگری در مشهد).
 ۲. برقراری ارتباطی دوسویه بین شهر مشهد و دیگر شهرهای مذهبی در جهت استفاده از تجارب و موفقیت‌های حاصل شده آن‌ها در جهت ارتقای گردشگری مذهبی.
 ۳. بهره‌گیری از موقعیت خاص شهر مشهد به عنوان یکی از کلان‌شهرهای مذهبی جهان اسلام برای گسترش انواع دیگر گردشگری، مانند گردشگری آموزشی، گردشگری سلامت، برگزاری سمینارها و همایش‌های ملی و بین‌المللی.
 ۴. بهبود و توسعه سیستم حمل‌ونقل عمومی به منظور ارتقای وضعیت کیفیت ترافیک شهری، بویژه در منطقه ثامن شهرداری با محوریت حرم مطهر امام‌رضا (ع).
 ۵. با توجه به تحقیقات پیشین، گردشگران در شهر مشهد بیشتر بازارها و اماکنی را انتخاب می‌کنند که از لحاظ معماری، بهداشتی و موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به دیگر اماکن گردشگری از شرایط خوبی برخوردار باشد؛ در نتیجه تدابیر لازم برای افزایش مدت ماندگاری، توسعه امکانات زیربنایی و جاذبه‌های جانبی، ایجاد مراکز عرضه تولیدات سنتی، بازسازی اماکن قدیمی (احتمالاً با تغییر کاربری)، بهبود تسهیلات اقامتی و خدماتی (از جمله پارکینگ و ارتقای کیفیت مراکز پذیرایی) ضروری است.
 ۶. تعریف بسته‌های گردشگری مذهبی برای گردشگران جهت استفاده بهینه از حضور در شهر مشهد و زمان گردشگری.

۷. استفاده از شیوه‌های بازاریابی نوین برای تبلیغ و جذب گردشگران با محور قرار دادن حرم مطهر امام رضا (ع) از جمله، برگزاری تورهای مجازی برای گردشگرانی که در شرایط فعلی امکان سفر به شهر مشهد را ندارند.

۸. ارتقا و توسعه ویژند^۱ شهر مشهد به کمک بهبود تصویر ذهنی ویژند شهر مشهد و استفاده از روش بازاریابی تبلیغات دهان‌به‌دهان در شبکه‌های اجتماعی.

منابع

- اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان رضوی (۱۴۰۱). "بخش گردشگری، سفر به خراسان رضوی، نقشه گردشگری مشهد". [پیوسته] قابل دسترس در: <https://www.razavicgto.ir/TravelTomashhad.aspx> [۱۴۰۱/۱۱/۲۰]
- اسدی، عباس، و دیگران (۱۴۰۰). "ارائه الگوی بازاریابی گردشگری در شهر تهران با رویکرد آمیخته و اعتباریابی آن". گردشگری و توسعه، دوره ۱۰، ش ۴، پیاپی ۲۹ (زمستان): ۳۱-۵۰.
- باصولی، مهدی؛ درخش، سعیده (۱۴۰۰). "حسینیه، تجلی منظر گردشگری مذهبی شیعی". گردشگری فرهنگ، دوره ۲، ش ۷ (زمستان): ۲۵-۳۲.
- جاویدیان، عباس (۱۴۰۰). "بررسی نقش عوامل مؤثر بر گردشگری مذهبی در توسعه کارآفرینی شهر شیراز". گردشگری و اوقات فراغت، دوره ۶، ش ۱۱ (بهار): ۳۱-۴۲.
- جلالی، مهدی، و دیگران (۱۴۰۰). "ارائه مدل تاثیر نوستالژی برند بر وفاداری در تصمیم سفر گردشگر (گردشگری زیارتی شهر مشهد)". مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۶، ش ۵۴ (تابستان): ۳۴۷-۳۷۴.
- جمشیدی، محمدجواد؛ برک‌پور، ناصر؛ کلانتری، خلیل (۱۳۹۸). "تبیین اثرات اقتصاد سیاسی گردشگری مذهبی بر توزیع نامتوازن خدمات گردشگری مشهد". مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۴، ش ۴، پیاپی ۴۷ (پاییز): ۲۲۱-۲۶۰.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). ساختار و فرآیند روش‌های تحقیق. تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.
- خشت‌زر، بهروز (۱۴۰۱). "تحلیلی بر نقش بقاع متبرکه در توسعه گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: بقاع متبرکه بخش سرفاریاب استان کهگیلویه و بویراحمد)". علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا، دوره ۲، ش ۲ (بهار): ۴۸-۷۲.
- رضایی‌مقدم، علی؛ مشکینی، ابوالفضل؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۸). "اولویت‌بندی ذی‌نفعان گردشگری مذهبی کلان‌شهر مشهد". گردشگری شهری، دوره ۶، ش ۴ (زمستان): ۱۲۹-۱۴۳.

- شاهنگیان، بهنام، و دیگران (۱۳۹۹). "دیدگاه شهروندان عراقی درباره گردشگری درمانی در ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و مذهبی". *مدیریت اطلاعات سلامت*، دوره ۱۷، ش ۳ (تابستان): ۱۱۱-۱۱۷.

- ضرغام بروجنی، حمید؛ و دیگران (۱۳۹۷). "گردشگری دینی، الزامات، راهبردها و پیامدها". *فصلنامه مدیریت اسلامی*، دوره ۲۶، ش ۲، پیاپی ۴ (تابستان): ۲۱۳-۲۳۷.

- عابدی، زهرا؛ عطرچی، غزال (۱۳۹۸). "مدیریت گردشگری و اکوتوریسم با رویکرد توسعه پایدار". در: *مجموعه مقالات کنفرانس ملی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه پایدار*. گردآورنده دبیرخانه دائمی کنفرانس ملی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه پایدار. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات: ۱۲۵۸-۱۲۷۹.

- عباسی، سعید؛ اقبالی، ناصر؛ رجبی، آزیتا (۱۴۰۰). "راهبردهای توسعه گردشگری مذهبی- تاریخی شهر زنجان". *مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، دوره ۲، ش ۳ (پاییز): ۱۲۳-۱۴۰.

- فرجی دارابخانی، محمد؛ مرادی، هوشنگ (۱۴۰۰). "تحلیل نقش گردشگری مذهبی اربعین در توسعه پایدار شهرهای گذرگاهی- مرزی (مطالعه موردی: شهر مهران)". *مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، دوره ۲، ش ۲، پیاپی ۶ (تابستان): ۱-۲۴.

- فیروزجائیان، علی اصغر؛ غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه‌شناختی اوقات فراغت در جامعه ایرانی (فرا تحلیلی از تحقیقات موجود)". *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، دوره ۲، ش ۲، پیاپی ۶ (تابستان): ۱۸۱-۲۰۲.

- گندمی‌فارمد، زهرا؛ نقوی، محمد (۱۳۹۹). "بررسی و مدل‌سازی چالش‌ها و راهکارهای رونق‌بخش گردشگری سلامت در مشهد با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد". در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه علوم جغرافیا و گردشگری و توسعه پایدار*. گردآورنده دبیرخانه دائمی کنفرانس. مشهد: دانشگاه فردوسی: ۳۰۲-۳۱۶.

- متقی، افشین، و دیگران (۱۳۹۹). "تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک ایران بر گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: شهر مشهد)". *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، دوره ۱۰، ش ۳۸ (بهار): ۱۱۶۶-۱۱۴۱.

- مولائی، اصغر (۱۳۹۹). "گردشگری مذهبی، الگویی ایرانی- اسلامی در توسعه گردشگری پایدار شهری (نمونه موردی: شهر آران و بیدگل)". مدیریت شهری و روستایی، دوره ۲، ش ۲، پیاپی ۶ (بهار): ۵۳-۷۲.

- نوراله‌زاده، فریبا؛ اسدی، علی (۱۳۹۹). "راهبرد رسانه استانی در خصوص توسعه اقتصادی استان، با تأکید بر گردشگری زیارتی در اربعین حسینی (ع)". پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۷، ش ۱۰۴ (زمستان): ۴۱-۶۲.

- Durán-Sánchez, A., et al. (2018). "Religious tourism and pilgrimage: Bibliometric overview". *Religions*, Vol. 9. No. 9: 249-263.

- Farooq, M.; Altintas, V. (2022). *ICT as Innovator Between Tourism and Culture*. Hershey P.A. USA: IGI Global.

- Kim, B.; Kim, S.; King, B. (2020). "Religious tourism studies: Evolution, progress and future prospects". *Tourism Recreation Research*, Vol. 45, No. 2: 185-203.

- Notarstefano, G.; Gristina, S. (2021). "Eco-sustainable routes and religious tourism: an opportunity for local development. The case study of sicilian routes". *Tourism in the Mediterranean Sea*. Leeds: Emerald Publishing Limited.

- Romanelli, M., et al. (2021). "Towards a sustainability-oriented religious tourism". *Systems Research and Behavioral Science*, Vol. 38, No. 3: 386-396.

- Shinde, K. (2022). "The spatial practice of religious tourism in India: A destinations perspective". *Tourism Geographies*, Vol. 24, No. 4-5: 902-922.

Table and content

Art Market's Infrastructures and Calligraphy Artists' Income in Mashhad/ Samira Ejtehad, Mohammad Ali Aboutorabi, Mehdi Hajamini 7

Cultural anthropology of pastoral life system in Kermanji's Seh – kheshti of North KHorasan/ Fatemeh Zamani, Mozghan Mirhoseini 37

Assessing the status of cultural heritage tourism using hierarchical analysis Process (study case: Historical Works and Buildings of Kalat County)/ Malihe Salahi, Barat Ali Khakpoor 73

Study of the effect of the sense of belonging to a place on the demographic stability of the border villages of Sarbisheh/ Javad Mikaniki, Raza Dorri 109

Comparing the effectiveness of spiritual therapy and self-compassion training on antisocial behavior of prisoners (Study case: Birjand prison)/ Hossein Reza Nakhaei, MohammadHasan Ghanifar, Fatemeh Shahabizadeh 143

Presenting the local model of religious tourism in the city of Mashhad by using a mixed method and its validation/ Mohammad Ali Nakhaei Moghaddam, Azar Kaffashpoor, Abdollah Naami 177

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

Eskandarisanni, Mohammad/ Associate Professor, University of Birjand

Idar, Nabiollah/ Associate Professor, Azad University of Shoshtar

Bidokhti, MohammadAli/ Assistant Professor, University of Birjand

Mohammad Hajjipour/ Assistant Professor, University of Birjand

Hosseinabadi, Saiid/ Assistant Professor, Bozorgmehr University of Qaen

Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand

Mohammad Ali Talebi/ Assistant Professor, University Payam Noor

Hamidreza Ghorbani/ Assistant Professor, University of Birjand

Ghanbari, Sirus/ Associate Professor, University of Sistan and Bluchestan

Masoudi, Hamid / Assistant Professor, University of Birjand

Noorimoghadam, Sana/ Assistant Professor, University of Sistan and Bluchestan

Mehdi Vafaie Fard/ Assistant Professor, University of Birjand

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 66

ISBN 1735-8256

Winter 2022 ,2nd Number ,17th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Farkhunde, Ali

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive editor: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Editors: Baharak Valinia

Translator and English Editor: Radan English Edit

Technical affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)